



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمران
علیهما الصلوة والسلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگرش هایی نو به آموزه مهدویت

نویسنده:

بهرام اخوان کاظمی

ناشر چاپی:

آینده روشن

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	نگرش هایی نو به آموزه مهدویت
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۵	فهرست
۱۷	مقدمه
۲۱	فصل اول: مفهوم شناسی و جایگاه آموزه مهدویت
۲۱	اشاره
۲۲	الف) تعریف لغوی و اصطلاحی دکترین و نوع کاربرد آن
۲۲	ب) تفاوت دکترین با مفاهیمی چون ایدئولوژی، مکتب، نظام و گفتمان
۲۷	ج) چیستی دکترین مهدویت و معنای آن
۲۷	د) منزلت و موقعیت دکترین مهدویت در تعالیم اسلامی
۲۸	ه) دکترین مهدویت؛ تئوری ای در فلسفه تاریخ، فلسفه سیاسی یا اعتقادی کلامی؟
۲۸	و) نقش دکترین مهدویت در دنیای جدید و در کنار دیگر تئوری های جهانی
۲۹	ز) توانایی دکترین مهدویت در پاسخ گویی به انسان ها و جوامع پس از ظهور
۳۱	فصل دوم: کرامت انسانی در دولت مهدوی
۳۱	اشاره
۳۳	الف) کرامت انسانی و اعلامیه جهانی حقوق بشر
۳۷	ب) کرامت انسانی در قرآن و روایات
۴۵	ج) کرامت انسانی در عصر ظهور
۴۵	۱. زوال کرامت ها از ملاحم قبل از ظهور
۴۷	۲. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مظهر کرامت ها و سرآمد کریمان
۴۹	۳. کرامت های انسانی با خاست گاهی الهی
۵۳	۴. کرامت محوری و کرامت خواهی در ادعیه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

۵۴	۵. بیعت نامه مهدوی، منشور کرامت مداری و بشردوستی
۵۸	۶. برخی میانی و شاخصه های کرامت محوری جامعه مهدویت
۵۸	اشاره
۵۸	یکم. عدالت و نفی تبعیض
۵۹	دوم. امنیت و صلح همه جانبه و پایدار
۶۰	سوم. فقدان تحمیل عقیده و تکریم اقلیت ها
۶۱	چهارم. رشد عقلانیت، شکوفایی علوم و فن آوری
۶۲	پنجم. تأمین رفاه، بالندگی اقتصادی و معیشتی
۶۴	ششم. کمال قوت و سلامت جسمی و روانی
۶۵	هفتم. رعایت و محترم شمردن حریم های خصوصی و عمومی
۶۶	نتیجه
۶۸	فصل سوم: عدالت مهدوی و امنیت
۶۸	اشاره
۶۹	الف) بی عدالتی و ناامنی از شاخصه های اصلی دوره پیش از ظهور
۷۴	ب) مفهوم و جایگاه عدالت
۷۸	ج) مفهوم و جایگاه امنیت
۸۶	د) عدالت، خاستگاه و بستر امنیت
۹۱	ه) عدالت و امنیت، دست آورد فراگیر حکومت مهدوی
۱۰۰	نتیجه
۱۰۲	فصل چهارم: مقایسه دو آموزه جهانی سازی غربی و جهانی سازی مهدوی
۱۰۲	اشاره
۱۰۴	گفتار اول
۱۰۴	اشاره
۱۰۴	الف) مفهوم جهانی شدن یا جهانی سازی
۱۰۶	ب) برداشت های مختلف از جهانی شدن
۱۰۹	ج) ابعاد و دست آوردهای منفی جهانی سازی غربی (به طور اخص)

۱۱۵	گفتار دوم
۱۱۹	گفتار سوم
۱۱۹	اشاره
۱۲۰	۱. حاکمیت جهان شمول اسلام و برچیدگی شرک و اختلافات بشری
۱۲۲	۲. حاکمیت مطلق عدالت و دادورزی
۱۲۳	۳. برقراری امنیت و آرامش همه جانبه
۱۲۳	۴. رفاه و رشد پایدار اقتصادی، استغنای عمومی و رفع فقر
۱۲۵	۵. رشد و ترقی علوم و فنون و شکوفایی و کمال عقلانیت بشری
۱۲۶	۶. تکیه بر استدلال و اقناع و کسب مقبولیت و رضایت عمومی
۱۲۷	۷. گفتمان واقعی و احتجاج با ادیان دیگر
۱۲۹	۸. حفظ و ارتقای کرامت انسانی و حقوق بشردوستانه
۱۳۱	۹. نفی قومیت مداری و نژادپرستی
۱۳۲	۱۰. حکومت شبه فدرالی و احترام به دیگر ملل
۱۳۳	۱۱. نوسازی و احیای دین بر مبنای مقتضیات جدید
۱۳۵	۱۲. تحول شگرف در حوزه ها و فضاهای ارتباطی و رسانه ای
۱۳۶	۱۳. رعایت آرمانی حقوق محیط زیست و جان داران
۱۳۸	نتیجه
۱۴۲	فصل پنجم: آموزه مهدویت و حقوق محیط زیست
۱۴۲	اشاره
۱۴۳	الف) نگرشی به حقوق محیط زیست در جهان امروز
۱۴۶	ب) حقوق محیط زیست در سیره نبوی و معصومان
۱۵۱	ج) حقوق زیست محیطی در عصر مهدوی
۱۵۱	اشاره
۱۵۱	۱. تطهیر و نورانیت زمین
۱۵۲	۲. رضایت و سرور موجودات و محیط زیست
۱۵۳	۳. امنیت، صلح و دوستی در سپهر انسانی، حیوانی و گیاهی

۴. فعالیت یابی همه قابلیت های محیط زیست در عالی ترین حد ۱۵۴
۵. آبادانی و توسعه موزون محیط زیست ۱۵۶
۶. مقابله با آلاینده ها و رعایت حریم های خصوصی و عمومی در حیات مدنی ۱۵۸
۷. استفاده از راه کارها و فن آوری های جدید در محیط زیست ۱۵۸
۸. گسترش حفظ محیط زیست به فضاهای ماورای زمینی ۱۵۹
۹. تعالی معنوی محیط زیست و همراهی آن با حیات طیبه مهدوی ۱۶۰
۱۰. عاری بودن قیام مهدوی از تخریب های زیست محیطی ۱۶۱
- نتیجه ۱۶۵
- فصل ششم: آموزه مهدویت و لیبرال-دموکراسی ۱۶۸
- اشاره ۱۶۸
- سیری در مفهوم و مبانی دموکراسی و لیبرالیسم ۱۷۰
- الف) مفهوم دموکراسی ۱۷۰
- ب) مفهوم لیبرالیسم ۱۷۲
- ج) مبانی سکولاریستی لیبرال-دموکراسی ۱۷۳
- اشاره ۱۷۳
۱. اندیشه قداست زدایی ۱۷۴
۲. سیانتیسم یا اصالت علم و علم زدگی و تعامل آن با پوزیتیویسم ۱۷۴
۳. گرایش به اصالت حس و انسان شناسی مادی ۱۷۵
۴. قرارداد اجتماعی و نفی حق الهی حکومت ۱۷۵
۵. اومانیزم، دئیسم و آتئیسم ۱۷۶
۶. اندیویدوآلیسم یا فلسفه اصالت فرد ۱۷۷
۷. راسیونالیسم یا اصالت عقل ۱۷۸
۸. پلورالیسم یا کثرت گرایی ۱۷۸
- انتقادات عمومی از دموکراسی ۱۷۹
- اشاره ۱۷۹
- الف) مبهم بودن ماهیت و مبانی دموکراسی ۱۸۰

- ب) تعارض بین اصل آزادی و اصل برابری ----- ۱۸۲
- ج) صوری بودن اصل برابری در دموکراسی ----- ۱۸۳
- د) محدودیت ها و موانع مشارکت سیاسی برابر در دموکراسی لیبرال ----- ۱۸۳
- ه) انتقادات بر رژیم نمایندگی ----- ۱۸۴
- و) تضاد بین اراده همگانی و آزادی های فردی ----- ۱۸۴
- ز) تعارض روش های وصول به دموکراسی با مبانی دموکراسی ----- ۱۸۵
- ح) صوری بودن اصل تفکیک قوا در دموکراسی ----- ۱۸۷
- ط) امکان خطا و صلاحیت نداشتن اکثریت در تصمیم گیری های سیاسی ----- ۱۸۸
- ی) دموکراسی و امکان بروز استبداد اکثریت ----- ۱۸۹
- ک) خطر فریب افکار و آرای عموم و نفوذپذیری آن ----- ۱۸۹
- ل) دموکراسی نخبه گرا مانعی بر سر راه مشارکت واقعی مردم ----- ۱۹۰
- م) نشانه های بحران و انحطاط دموکراسی لیبرال در قرن بیستم ----- ۱۹۱
- مردم سالاری دینی جمهوری اسلامی ایران، ----- ۱۹۳
- دین سالاری سپهری مهدوی ----- ۲۰۰
- اشاره ----- ۲۰۰
- الف) فقدان آفات مردم سالاری دینی در دین سالاری سپهری مهدوی ----- ۲۰۰
- ب) شاخصه های برتری دین سالاری سپهری مهدوی ----- ۲۰۱
۱. نمونه فرجامین، اکمل و بهینه تمام نظام های بشری ----- ۲۰۱
۲. خدامحوری و عینیت کامل دین و سیاست ----- ۲۰۳
۳. جهان گیری اسلام، محو شرک و نفی تساهل افراطی ----- ۲۰۵
۴. امام معصوم و انسان کامل در رأس حکومت ----- ۲۰۷
۵. پشت گرمی و مؤید به رعب و نصرت الهی ----- ۲۰۸
۶. فراگیری سپهر آفرینش ----- ۲۰۹
۷. برخورداری از نهایی ترین حد مشروعیت (حقانیت، مقبولیت، قانونیت) ----- ۲۱۱
۸. غالبیت خواست الهی بر خواست و نظر اکثریت ----- ۲۱۲
۹. الهی دانستن مبانی عدالت، تفاوتی ماهوی با لیبرال-دموکراسی ----- ۲۱۳

۲۱۴ مساوات طلبی حقیقی
۲۱۵ امنیت، صلح و دوستی در سپهر انسانی، حیوانی و گیاهی
۲۱۷ صفا و صمیمیت در تقابل با فرآیند «ذره ای شدن» اجتماعی
۲۱۸ اوج تحقق جوامع مدنی و تعاملات سیاسی و اجتماعی در فضای «فراالبرسانه ای»
۲۲۰ تکامل عقول بشری و مشارکت سیاسی عاقلان
۲۲۱ تحول بنیادین در ماهیت و عمل کرد احزاب و امکان حذف حزب
۲۲۳ سیره گفتمانی و احتجاجی واقعی با ادیان و اقلیت ها
۲۲۳ نفی قومیت مداری و نژادپرستی و احترام به دیگر ملل و اقوام
۲۲۵ حفظ و ارتقای کرامت انسانی و حقوق بشردوستانه
۲۲۷ اخلاق و تربیت مداری، رعایت حریم های خصوصی و عمومی در حیات مدنی
۲۲۸ صلح طلبی و نفی سیاست امپریالیستی و جنگ افروزانة لیبرال-دموکراسی
۲۳۰ نتیجه
۲۳۳ منابع
۲۴۰ درباره مرکز

نگرش‌هایی نو به آموزه مهدویت

مشخصات کتاب

سرشناسه: اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۴۳

عنوان و نام پدیدآور: نگرش‌هایی نو به آموزه مهدویت / بهرام اخوان کاظمی

مشخصات نشر: قم: مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۲۲۴ص

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۲۱] - ۲۲۴؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق.

موضوع: مهدویت.

موضوع: مهدویت - انتظار

رده بندی کنگره: ۱۳۸۷ ن ۳۵ الف / BP۴/۲۲۴

رده بندی دیویی: ۴۶۲/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۸۰۱۹۳

ص: ۱

اشاره

نگرش‌هایی نو به

آموزه مهدویت

بهرام اخوان کاظمی

(استادیار دانشگاه حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز)

ص: ۳

سرشناسه: اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۴۳

عنوان و نام پدیدآور: نگرش هایی نو به آموزه مهدویت / بهرام اخوان کاظمی

مشخصات نشر: قم: مؤسسه آینده روشن، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۲۲۴ص

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۲۱] - ۲۲۴؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع: محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق.

موضوع: مهدویت.

موضوع: مهدویت - انتظار

رده بندی کنگره: ۱۳۸۷ ن ۳۵ الف / BP/۲۲۴۴

رده بندی دیویی: ۴۶۲/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۸۰۱۹۳

ص: ۴

فصل اول: مفهوم شناسی و جایگاه آموزه مهدویت ۱۱

فصل دوم: کرامت انسانی در دولت مهدوی ۲۱

فصل سوم: عدالت مهدوی و امنیت ۵۷

فصل چهارم: مقایسه دو آموزه جهانی سازی غربی و جهانی سازی مهدوی ۹۱

- مفهوم جهانی شدن و برداشت های مختلف از آن ۹۳

- جهان گرایی و جهان شمولی اسلام ۱۰۴

- جهانی سازی مهدوی و شاخصه های آن ۱۰۸

فصل پنجم: آموزه مهدویت و حقوق محیط زیست ۱۳۱

فصل ششم: آموزه مهدویت و لیبرال-دموکراسی ۱۵۷

منابع ۲۲۱

ص: ۵

اعتقاد به ظهور منجی موعود و برقراری حکومت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، از اصلی ترین اعتقادات متمایز مکتب نجات بخش تشیع به شمار می رود. این موضوع در باورها، مناجات ها و دعاهای شیعی به بارزترین شکل به چشم می خورد. امروزه این باور، به دلایل مختلفی رفته رفته در حال تبدیل شدن به اعتقاد و خواست عمومی جامعه بشری است. بدبختانه، در عصر فرامدرنیته که علم و فن آوری استیلا دارد و انواع مکاتب به ظاهر عقلانی و پیشرفته بشری سردمدارند، نه تنها سعادت که صلح، امنیت و آرامش واقعی برای بشر حاصل نیامده است. بسیاری از انسان ها با معضلات بی شماری مانند جنگ، گرسنگی، بی سوادی، عقب ماندگی، جهل و خرافه پرستی مواجهند. جنگ ها و تهدیدهای بی پایان، هم چنان بر فضای زیست روانی و فیزیکی انسان ها سایه می افکند. از سوی دیگر، انسان و جامعه به ظاهر پیشرفته غربی نیز با دوری از تعالیم الهی،

سر در گریبان تمایلات نفسانی و مادیت صرف سوداگرایانه نهاده و در حقیقت معنا و هویت واقعی انسانی خود را از دست داده و در بحران معنای زندگی و تحیر، گم گشتگی و از خود بیگانگی بیشتری قدم نهاده است. همین مسئله، رفته رفته در او احساسی به وجود آورده که بدان منجی خواهی گویند.

خوش بختانه با ظهور انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی قدس سرّه، توجه به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و آموزه مهدویت، چه در ایران و چه در کشورهای مسلمان و چه در سطح دنیا، افزایش فوق العاده ای یافته و البته این عنایت در چند سال اخیر بسیار بیشتر شده است؛ به ویژه آن که طرح این گونه مسائل از قالب های سنتی پیشین خارج گشته و از منظرهای مختلف و تازه، ابعاد آکادمیک گسترده ای یافته است. امروزه مراکز پژوهشی و آموزشی مختلفی در سطح حوزه ها، دانشگاه ها و رسانه های مکتوب، دیداری و شنیداری و در پاسخ به خواست و عطش بی پایان عمومی، با نگاهی ژرف اندیشانه و ملاحظه مقتضیات زمانی و مکانی جدید، در سطوحی به این موضوع گسترده می پردازند.

کتاب نگرش هایی نو به آموزه مهدویت نیز به این منظور و برای پاسخ گویی به این نیاز نوشته شده و از منظرهای جدیدی به مسئله آموزه مهدویت و حیات طیبه مهدوی می پردازد.

در فصل نخست، مفهوم و جایگاه و کارآیی آموزه مهدویت و نوع تعامل آن با پاره ای از مفاهیم به ظاهر هم پیوند تشریح می گردد؛ فصل دوم در بردارنده مستدلّات اهتمام عالی دولت مهدوی به ارتقاء نهایی کرامت های انسانی و حقوق بشر دوستانه است؛ در فصل سوم، به گونه ای تفصیلی به دو ارمان اساسی حکومت طیبه مهدوی یعنی «عدالت» و «امنیت» پرداخته می شود؛ فصل چهارم، شامل مباحثی تطبیقی در مقایسه دو آموزه جهانی سازی غربی و جهانی سازی مهدوی است و در آن به طور مستدل و با ذکر معایب و معضلات جهانی سازی غربی، برتری جهانی سازی مهدوی اثبات می گردد؛ در فصل پنجم، پس از توضیح

موضوع با اهمیت حقوق محیط زیست، رعایت آرمانی این حقوق در آموزه و حیات طیبه مهدوی به بحث کشیده می شود؛ در فصل ششم، ضمن نقد مبانی لیبرال-دموکراسی و تشریح ایرادها بر این الگو و مدینه فاضله کاذب جهان سرمایه داری غرب، بیست شاخص برتری دین سالاری سپهری مهدوی (آخرین وجه تکاملی مردم سالاری دینی) بر نظام های بشری و به ویژه بر لیبرال-دموکراسی تبیین می شود.

در خاتمه جا دارد از مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) برای نشر این اثر تشکر نمایم. با این امید که این تلاش ها مرضی درگاه ذات احدیت و موجب خشنودی آن امام همام یعنی موعود منتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

بهرام اخوان کاظمی استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز شهریور ۱۳۸۵

اصطلاح «دکترین» و یا به بیانی «آموزه»، از واژه ها و مصطلحاتی به شمار می رود که به تازگی وارد مباحث و ادبیات مهدویت شناسی شده است. صاحب نظران درباره وجه تسمیه، میزان رسایی و کاربرد دکترین مهدویت، اختلاف نظر دارند.

حتی برخی، اصطلاحات دیگری را برای اشاره به این موضوع پیش نهاد داده اند.

در نتیجه، برای توضیح بیشتر مطلب، در این فصل تلاش شده تا با طرح پرسش هایی، تنویر لازم در این زمینه صورت گیرد و به دنبال آن، جایگاه آموزه مهدویت و کارآمدی آن در عصر حاضر تشریح شود. بنابراین، طرح پرسش و پاسخ های هفت گانه ذیل بدین منظور صورت پذیرفته است:

الف) تعریف لغوی و اصطلاحی دکترین و نوع کاربرد آن

واژه «anirtcoD» در زبان لاتین به معنای دکترین، آموزش و علم می باشد. کلمه enirtcoD با تلفظ، املا و معانی مشابه نیز به زبان هایی مانند انگلیسی و فرانسوی راه یافته است. برای نمونه، این اصطلاح در سال ۱۱۶۰ میلادی به معنای علم و دانستن وارد زبان فرانسه شد و ریشه آن در این زبان از کلمه «erecod» به معنای آموزش دادن است. دکترین در زبان فارسی به اصطلاح «آموزه» ترجمه شده، هر چند در لغت نامه های عمومی به معنای اصول، عقیده، مجموعه عقاید پیروان یک مکتب و نیز پیش نهادها ترجمه شده است. فرهنگ لغت های غیر فارسی، مترادف هایی مانند دگم (نکات و اصول تردیدناپذیر)، تئوری، افکار، سیستم، تز، مذهب و فلسفه برای دکترین یاد کرده اند، اما شاید بتوان چند تعریف دیگر را برای بیان کاربرد دکترین به اجمال ارائه کرد:

۱. مجموعه ای از مفاهیم که با تأکید بر صدق خود، مدعی ارائه تفسیرهای لازم در عرصه های عملی و کنش های حیات بشری و الگوهای ضروری برای هدایت و اداره حیات مزبور در این قلمروند؛

۲. مجموعه آراء، عقاید، سازوکارها و راه کارها و آموزش ها که تفسیرهای راه بردی از حوزه های اساسی حیات بشر در عرصه های نظری و عملی را برای به زیستی و مدیریت بهینه حیات فردی و جمعی بشر ارائه می دهند؛

۳. مجموعه افکار و عقاید مکتبی ادبی یا فلسفی یا اصول تردیدناپذیر یک مذهب.

دکترین ها می توانند در عرصه های مختلف مذهبی، فلسفی، اخلاقی، هنری، ادبی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ارائه شوند.

ب) تفاوت دکترین با مفاهیمی چون ایدئولوژی، مکتب، نظام و گفتمان

ابتدا یادآور می شویم که فقدان تعاریف قطعی و اجماعی از واژه ها، مفاهیم و اصطلاحات، از مشکلات مباحث علوم انسانی است، تا جایی که گاهی برای یک

اصطلاح مانند «قدرت»، نزدیک ۱۵۰ تعریف ذکر می شود. علاوه بر این، نبود تیقن در معانی واژه ها سبب شده که این تعاریف در برخی و یا حتی بسیاری از بخش های خود، دارای هم پوشی و ترادف معنایی باشند. در نتیجه، در تفکیک تفاوت معنایی اصطلاح دکترین با مفاهیمی مانند ایدئولوژی، مکتب، نظام و گفتمان، ممکن است با مشکلات و هم پوشی های معنایی روبرو شویم، ولی در هر صورت به طور قطع می توان اذعان کرد که دکترین، با وجود برخی همانندی ها، به معنای این مفاهیم نیست. در بین این مفاهیم، ایدئولوژی معنای بسیار گسترده تری را دربر می گیرد و حتی در تعاریف متعددی، ایدئولوژی را شامل دکترین و اعم از آن دانسته اند و رابطه «عموم و خصوص من وجه» را بین آنها قائل شده اند. برای نمونه، در تعریف ایدئولوژی گفته اند:

۱. مجموعه ای از آراء، اعتقادات و دکترین های خاص درباره یک دوره، یک جامعه یا یک طبقه اجتماعی؛

۲. سامانه ای (سیستمی) از آراء و فلسفه ها درباره جهان و زندگی.

البته در برخی تعاریف دیگر، ایدئولوژی را زیرمجموعه و محتوای دکترین ها به شمار می آورند؛ هم چنان که گفته اند، ایدئولوژی مجموعه ای سامان مند از آراست که یک دکترین را می سازد. برخی دیگر از تعابیر درباره ایدئولوژی بدین شرح است:

۱. ایدئولوژی، فلسفه سیاسی-اجتماعی و سامان مندی از اندیشه هاست که دارای طرحی آرمانی از جامعه بوده و هم می خواهد جهان را توضیح دهد، و هم آن را دگرگون سازد و این دگرگون سازی را از هواداران خود طلب می کند؛

۲. به تعبیر مارکس، ایدئولوژی «آگاهی دروغین» و دسته ای از باورهای غیر واقعی به شمار می آید که بیان گر خواست ها و سودهای یکی از طبقات اجتماعی است و تصویری نادرست از جهان و امور را به ذهن متبادر

می‌کند. از طریق این آگاهی‌های دروغین و باورهای کاذب، هم مردم خود را می‌فریبند و هم طبقات غالب و استثمارکننده آنان را فریب می‌دهند.

۳. ایدئولوژی مجموعه تجلیات ذهنی است که همراه با ایجاد پیوند میان افراد پدیدار می‌شود و از راه تحریک حواس به وسیله واقعیت خارجی در آگاهی انسان شکل می‌گیرد؛

۴. ایدئولوژی حالاتی از آگاهی است که با عمل سیاسی پیوند دارد و تقریباً به صورت‌هایی از آگاهی اطلاق می‌شود که به شکل واژه‌ها یا گفتار (sruocsid, sucsid) درآمده باشد. ایدئولوژی اصولاً و صرفاً گفتار نیست، بلکه هسته‌ای غیر کلامی به شمار می‌آید که حالت وجودی آن کلامی است.

بنابراین، گفته می‌شود که ایدئولوژی گفتاری مبتنی بر عمل سیاسی است. با وجود این تعابیر، ایدئولوژی با وجود پاره‌ای همانندی‌ها، به معنای دکترین به کار نمی‌رود و در عین حال نیز تعبیری مناسب برای بیان اندیشه مهدویت نیست؛ زیرا ایدئولوژی اساساً از حیث ارزشی، نه درست است و نه نادرست، بلکه فقط امکان دارد که موفق یا ناموفق و منسجم یا نامنسجم باشد. ایدئولوژی را فقط می‌توان بر اساس ناکارایی و انسجام نداشتن آن نقد کرد؛ افزون بر آن که امروزه از اصطلاح ایدئولوژی، نسبتاً برای تبیین و نام گذاری مجموعه افکار نظام‌های فکری بسته، قشری، دگماتیک و جزم‌اندیش و مانند آن استفاده می‌کنند و واژه ایدئولوژی را غیرارزشی و فقط عمل‌گرایانه می‌دانند؛ هم‌چنان که «ژان بشلر» پنج کارکرد ایدئولوژی را شامل صف آرایی یا جبهه‌گیری، توجیه‌گری، پرده‌پوشی (که نوعی حیل‌گری سیاسی برای فریب دیگران است)، موضع‌گیری، دریافت یا ادراک می‌داند. (۱) ایدئولوژی از این منظر، ابزاری سیاسی است که به ویژه در

ص: ۱۴

کارکرد «دریافت یا ادراک»، عمل سیاسی را ساده می کند، تمامی جامعه را در خود جای می دهد و رو به آینده دارد.

اما درباره «مکتب» (elocE, loohcS) و تفاوت آن با دکترین باید گفت که به نظر می رسد مکتب، بسیار عام تر از اصطلاح دکترین و حتی ایدئولوژی باشد؛ زیرا ممکن است دکترین ها، ایدئولوژی ها و گفتمان های بسیاری را در خود جای دهد.

مکتب در حقیقت، معرف حوزه ای است که بر بنیادی خاص بنا شده و روش ها، آموزش ها و تعالیم و پیروان ویژه خود را دارد، ولی اساس این آموزش ها و تعالیم و راه کارها در حوزه های نظری و عملی، بر محوری واحد و اسلوبی ویژه پی ریزی شده است.

اصطلاح دکترین با اصطلاح «نظام» (redro-erdro) نیز ممکن است مشابهت هایی داشته باشد؛ هرچند این دو، مترادف نیستند. در تعریف نظام گفته شده که جامعه در هر زمان راه حل هایی را برای حل مشکل توزیع کالاهای کم یاب (قدرت، ثروت، منزلت و...) و انتخاب نهادها و ارزش ها نشان می دهد.

این راه حل ها ممکن است موفق یا ناموفق باشند و باهم هم آهنگ یا ناهم آهنگ باشند، ولی مجموع چنین راه حل هایی را می توان نظام نامید. شاید هر نظام دربرگیرنده دکترین های یگانه و یا متعددی باشد، هم چنان که دکترین نیز ممکن است سرانجام خود را به طراحی نظامی سیاسی، اجتماعی، فکری و...

معطوف کند.

هم چنین معمولاً گفتمان، چه از لحاظ پیچیدگی معنایی و چه از لحاظ سطح کمی و کیفی، اعم از دکترین نیست، بلکه معمولاً دکترین امکان دارد از گفتمان های متعدد استفاده کند؛ زیرا گفتمان به معنای گفت و گوی متقابل، تبادل آرا و محاوره براساس استدلال است.

به نظر می رسد که هیچ یک از این اصطلاحات و تعابیر نمی تواند به درستی و کمال، بیان گر اندیشه مهدویت باشد و بهتر است برای این منظور از تعابیر

اسلامی و قرآنی- و نه اصطلاحی غربی مانند دکتربین- استفاده شود. شاید استفاده از تعبیری مانند حیات طیبه مهدوی یا حیات طیبه در عصر مهدوی، نظام یا حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نهضت، قیام و یا اصلاح جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مناسب تر باشد. بهره گیری از اصطلاح غربی دکتربین، علاوه بر کافی نبودن بار معنایی این واژه، نوعی «تجددگرایی بیانی ناموزون» و اسم گذاری تحمیلی زمانه را به ذهن متبادر می کند و درعین حال، اندیشه سترگ مهدوی را به سطوحی نازل تقلیل می دهد؛ هم چنان که امروزه برای تبیین راه برد فلان سیاست یا متفکر و رئیس جمهور از اصطلاح دکتربین یاد می کنند، مانند: دکتربین مونروئد، آیزنهاور، نیکسون، برژینسکی، برژنف، موازنه قوا و...

هم چنین با توجه به خنثا بودن مفهوم ایدئولوژی و گستردگی کاربردهای منفی آن، استفاده از این اصطلاح نیز توجیه ندارد. درباره مکتب باید گفت که این واژه فاقد بار منفی است و حتی برای تبیین ادیان الهی هم از آن استفاده می شود؛ چون حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ارمغان آورنده مکتب و دین جدیدی نیست و در حقیقت مکتب نبوی و علوی را تکمیل می کند و آنها را به سرانجام و مقصود نهایی می رساند و در واقع احیاگر اسلام است. با وجود این، نمی توان از اندیشه مهدوی، تحت عنوان «مکتب» یاد کرد و یا دست کم، عنوان مناسبی نیست؛ زیرا حضرت، مجدد مذهب و بزرگ مصلح و احیاگر اسلامی است و نه واضع مکتب جدید. ایشان با زدودن خرافه ها و حشو و زواید از اسلام، غربت و مهجوریت را از اسلام نبوی و علوی می زداید و حیات آن را تجدید می کند.

اصطلاحات نظام و گفتمان نیز رسایی لازم را برای بیان اندیشه مهدویت ندارند؛ زیرا در بین تمام این اصطلاحات، کلمه «نظام» در این زمینه سزاوارتر می نماید و می توان با افزودن کلمه قرآنی «طیبه»، با کلمات «نظام طیبه مهدوی» از حکومت جهانی و اندیشه مهدوی هم یاد کرد.

ج) چیستی دکترین مهدویت و معنای آن

به نظر می‌رسد کاربرد واژه دکترین برای بیان اندیشه مهدویت مناسب نباشد، ولی در هر حال، کسانی که دکترین مهدویت را به کار برده یا می‌برند، دکترین را به معنای آموزه‌های ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌دانند که تفسیری راه‌بردی از حوزه‌های اساسی حیات بشری هم چون انسان‌شناسی، سیاست، اقتصاد، جامعه، حکومت، روابط بین‌الملل و... ارائه می‌دهد و در حقیقت نوعی اندیشه و سازوکار آرمانی و درعین حال تحقق‌پذیر و جهان‌شمول برای نجات و به زیستی حیات بشر بر مبنای احیا و تجدید اسلام نبوی و علوی است.

د) منزلت و موقعیت دکترین مهدویت در تعالیم اسلامی

هم‌چنان که در بسیاری از مکاتب فکری و مذهبی جهان امروز، اعتقاد به مصلح جهانی، مدینه فاضله، هم‌چنین موعود و منجی‌گرایی و هزاره‌گرایی وجود دارد، نظام فکری و اجرایی مهدویت، در تعالیم اسلامی و آرای بسیاری از فرق آن، منزلت و موقعیت ویژه و بالایی دارد. برخی از متفکران مانند ابن‌خلدون و بعضی دیگر به این نظام فکری شبهاتی نارسا وارد کرده‌اند، ولی در گستره فرق اسلامی، این اعتقاد به استواری وجود دارد. البته بدیهی است اختلافاتی هم در این زمینه وجود داشته که بیشتر آنها اعتقادی و یا در مورد شخصیت منجی یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. برای نمونه، درباره رجعت اختلافاتی وجود دارد و یا این که برخی از فرق سنی برخلاف تشیع به تولد آن حضرت در آینده معتقد هستند و مانند زیدیه (از فرق شیعی) که معتقدند امام باید قادر به جنگ و دفاع باشد.

بنابراین، مهدی‌غایب را به امامت نمی‌پذیرند و هم‌چنین امامی را که کودک باشد نیز امام نمی‌شمارند. در هر حال، اعتقاد به مهدویت، از ضروری‌ترین اعتقادات اسلامی به ویژه شیعی به شمار می‌رود و خاتمیت و تکامل‌نهایی رسالت اسلام، منوط به ظهور مهدی موعود است و خاتمیت قطعی این دین مبین با آن معنا می‌یابد.

ه) دگترین مهدویت؛ تئوری ای در فلسفه تاریخ، فلسفه سیاسی یا اعتقادی کلامی؟

منحصر کردن نهضت مهدویت به یک تئوری و فلسفه تاریخ یا فلسفه سیاسی، چیزی جز کوچک نمایی این نهضت اصلاحی جهان شمول جامعه بشری نیست.

تئوری یا نظریه در بهترین صورت خود، بیان بررسی اثبات شده یا سازه های تصویری و فرضیه های ثابت شده درباره ماهیت واقعی اشیاء و رابطه علت و معلولی بین پدیده هاست و در واقع روابط علی بین پدیده ها و متغیرها را به طور شفاف تبیین می کند و می کوشد قدرت پیش بینی و آینده نگری داشته باشد. بدیهی است که نظریه در صورت اثبات مکرر، به قانون علمی می انجامد که در واقع از اصول کلی درباره رابطه حتمی، قطعی و همیشگی بین متغیرها حکایت می کند و از مشاهده حقایق یا فرآیندهای منطقی به دست می آید؛ در حالی که اندیشه مهدویت، چه در حیطه نظری و چه در عرصه عملی، چیزی بسیار فراتر از یک یا چند نظریه تعمیم نیافته محدودنگر و حتی فراتر از یک قانون علمی است و هم چنین بسیاری از حقایق، واقعیت ها و کشف بسیاری از مجهولات عالم بشری و سپهر آفرینش را دربر دارد. البته با توجه به این که مباحث امامت در عرصه علم کلام مطرح می شوند، اندیشه مهدویت را - آن هم نه از باب حصر - در زمره اعتقادات کلامی می توان برشمرد؛ هر چند بسیاری از حوزه های علوم اسلامی نیز بدان اشارت دارند.

و) نقش دگترین مهدویت در دنیای جدید و در کنار دیگر تئوری های جهانی

در بسیاری از ادیان الهی و بشری و مکاتب فکری، انواعی از منجی گرایی، هزاره گرایی، موعود گرایی و اعتقاد به ظهور مدینه فاضله و مصلح جهانی وجود دارد و حتی در دنیای جدید نیز این اعتقادات با قوت و قدرت مطرح می شوند؛ هم چنان که دنیای غرب در بطن باورهای مسیحی خود، به ظهور مجدد مسیح ایمان دارد و در مواعظ و توصیه های خود، این باور را به شدت تبلیغ می کنند.

بنابراین، طرح اندیشه مهدویت در فضای قرن بیست و یکم نه تنها استبعاد ندارد، بلکه مخاطبان بسیاری در جهان در انتظار تحقق چنین ایده و آرمانی

هستند و دوست دارند با زوایای مختلف این اندیشه بیشتر آشنا شوند. بدیهی است موج عظیم اسلام خواهی در جهان و گرایش روزافزون جهانیان به این دین که حتی موجب هراس و وحشت سردمداران کلیسا و دولت های غربی شده، نقشی اساسی در اقبال به اندیشه مهدویت دارد و باید در این زمینه با ابزارهای کارآمد و جدید رسانه ای، به تبلیغ و تنویر لازم همت گماشت؛ در دوره ای که ایدئولوژی ها رو به پایانند، مارکسیسم فرومی پاشد و بحران های متوالی و دامن گیر لیبرال-دموکراسی گسترده می شوند، اندیشه جهان شمول مهدویت شایستگی طرح و جلب مخاطبان جهانی خود را داشته و دارد.

(ز) توانایی دکترین مهدویت در پاسخ گویی به انسان ها و جوامع پس از ظهور

بی گمان اندیشه مهدویت در اساس و با توجه به ذخایر و منابع عظیم اسلامی، مطالبات روزافزون انسانی را در حوزه های متفاوت می تواند به صورت بالقوه پاسخ گوید. این اندیشه باید در حوزه نظری و عملی مورد باز کاوی و تفسیرهای روزآمد واقع شود. از این رو، شایسته است که هزاران حدیث مورد تنویر و تفسیرهای انتقادی قرار گیرد و شبهات فراوان در این زمینه پاسخ داده شود تا احادیث ضعیف و ناموثق کنار رود. آن گاه با توجه به عرصه های جدید حیات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، بشری و مقتضیات زمانی و مکانی جدید، احادیث درباره عصر ظهور، بازنگری و مصداق یابی گردد و به ویژه خصوصیت های حکومت جهانی مهدوی، مدت این حکومت، وضعیت دیگر ادیان، اقوام و حقوق اقلیت ها، نوع حکومت، جایگاه جمهوری اسلامی در عصر ظهور و قبل از آن، نوع برخورد حضرت با عرب ها و فارس ها، میزان استفاده از زور یا بهره گیری از اقناع و مجادله به نحو احسن، شناسایی شخصیت ها و جریان های مثبت و منفی عصر ظهور و مصداق های معاصر مخالفان و هواداران حکومت مهدوی، مشخص گردند. برای نمونه، باید یادآوری کرد که سنوات حکومت حضرت در احادیث موثق، به طرق مختلف حدود ده، بیست، هفتاد و نود سال ذکر شده، یا بنا بر برخی از احادیث، هر سال حکومت ایشان برابر ده سال زمان فعلی است و نیز

درباره سرانجام و شهادت یا درگذشت طبیعی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان ها و احادیث روشنی وجود ندارد. بدیهی است از دلایل اصلی این ابهامات این بوده که ائمه بزرگوار اسلام در وضعیت خفقان و استبداد، نمی توانستند زوایای کاملی از حکومت جهانی موعود را مشخص سازند و یا به دلیل حساسیت سیاسی این احادیث، تلاش برای کتمان سازی آنها توسط راویان، به تضعیف و چندگویی روایات منجر شده است.

هم چنین با توجه به طرح مسائل مستحدثه و تازه، تطبیق این احادیث با موضوعات جدید، کار ساده ای نیست و جا دارد حوزه های فکری و حلقه های مطالعاتی گسترده ای به تأمل ورزی در این زمینه پردازند و علاوه بر ایجاد کرسی های علمی و تأسیس رشته های مرتبط با این موضوعات در حوزه ها و دانشگاه ها، صدها کتاب و پایان نامه و تزه های دکتری در این قلمروها به رشته تحریر درآید و مباحث از حالت صرف انشا و ادبیات زیبا و یا «نوستالژیک» و یا همراه با مدح و ثناهای فراوان، به گونه ای مستدل و واضح بیان شود و مواضع حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ویژگی های آن، تبیین و شفاف سازی گردد.

البته با توجه به این که حکومت مهدوی ادامه و تتمه و تکمله رسالت نبوی و امامت علوی است، این تنویر نباید به احادیث مربوط به زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منحصر گردد، بلکه باید نهضت احیا و تجدید حیات اسلامی مهدوی را نیز در عصر حاضر آغاز کرد و کوشید چهره واقعی و بشردوستانه و متعالی اسلام به ویژه تشیع برای همگان آشکار گردد. آن گاه باید شبهات، دروغ پردازی ها، اتهامات ناروا، خرافه ها، جهالت ها و زنگارهای منتسب و الصاق شده بدان که دشمنان و یا ناآگاهان به آن زده اند، از آن زدوده شود. روشن است در چنین صورتی، توان اسلام و اندیشه مهدویت برای پاسخ گویی به مطالبات بشری بیش از پیش آشکارتر خواهد شد و رغبت آنها به این حیات طیبه که موعود قرآنی است، روزافزون خواهد گردید.

اهتمام به ارتقای کرامت های انسانی و حقوقی بشر دوستانه از موضوعات بسیار با اهمیت، به ویژه در سده اخیر بوده است. متأسفانه، این اهتمام با وجود تلاش های فراوان اندیشه ورزان و جامعه بشری، نه تنها تاکنون به نتایج پذیرفتنی نینجامیده که این حقوق و کرامت ها در بسیاری از انحاء عالم وضعیت اسف ناک و بغرنجی دارد.

آیین رحمت و رأفت اسلام، از زمان تالو خویش، از منظری الهی به به سازی وضعیت بشر و حفظ حقوق و کرامت ها و ارزش های انسانی نگریسته و توجه ویژه ای به این امر مبذول داشته است. اسلام همواره کوشیده تا مکارم اخلاقی را

به نهایت کمال برساند. به همین دلیل، شواهد بسیار غنی در منابع قرآنی و روایی این موضوع را تأیید می کنند.

از سویی، تبیین جایگاه کرامت های انسانی در دولت و عصر مهدوی از موضوعات مهمی به شمار می رود که تاکنون بدان کمتر پرداخته شده است.

امروزه برخی با تصورات نادرست و چه بسا مغرضانه، از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف صرفاً تصویری خشن و غیر رأفت آمیز ترسیم می نمایند. از همین رو، نتایج چنین پژوهش هایی، این توهم ها را از اساس زایل می کند و بر غلبه همه سویه جوانب انسانی و کریمانه قیام حضرت و شخصیت مکرم ایشان مهر تأیید می زند.

سؤال اصلی این پژوهش را این گونه می توان خلاصه نمود: کرامت های انسانی در دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چه جایگاهی دارد و خاست گاه اصلی، مبانی و شاخصه های آن کدامند؟ و اساساً این کرامت ها بر حول چه محور و مداری تحقق و ابتنا می یابند؟

برحسب پرسش یادشده، مدعا و مفروض این نوشتار، این گونه سامان یافته است: کرامت انسانی در اندیشه اسلامی و در آموزه دولت مهدوی خاست گاهی الهی دارد، یعنی انسان نه بر محور انسان بلکه بر محور خدا به کرامت و بزرگواری می رسد و میان افزایش تقرب به درگاه الهی و مماثلت با آن و افزایش کرامت های انسانی رابطه مستقیمی وجود دارد. به همین دلیل، مؤمنان واقعی یعنی شیعیان، در دولت مهدوی از بالاترین کرامت ها و تعظیم ها برخوردارند.

این مقاله برای پاسخ به پرسش ها و آزمون صدق روایی مدعای فوق، مباحث اصلی را در سه بخش اصلی تدوین کرده است: ابتدا پیشینه تاریخی موضوع کرامت انسانی و حقوق بشر دوستانه، به ویژه در اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح می گردد و سپس موضوع کرامت در قرآن و روایات تبیین می شود و در نهایت، مبحث کرامت انسانی به تفصیل در دوره ظهور تشریح شده و خاست گاه های

اصلی، شاخصه‌ها و مبانی آن با استناد به منابع روایی بیان می‌گردد.

الف) کرامت انسانی و اعلامیه جهانی حقوق بشر

مقام انسان، انسانیت و کرامت و حقوق انسانی از موضوعاتی بوده که از دیرباز مورد توجه فراوان ادیان، فلاسفه و اندیشه‌ورزان بشری بوده است. امروزه نیز مبحث حقوق بشر (۱) به این موضوع بااهمیت می‌پردازد. این حقوق، از حق زیستن که طبیعی‌ترین حق انسان به شمار می‌رود، شروع می‌شوند و به حقوق معنوی که موجد کمال و اعتلای بشر هستند، مثل آزادی بیان، آزادی قلم و اندیشه ختم می‌گردند. امروزه حقوق مزبور از محدوده مرزهای ملی به صحنه بین‌المللی گذر کرده و به ظاهر در اعلامیه جهانی حقوق بشر صورت یافته است. البته به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، اعلامیه جهانی حقوق بشر مبتکر حقوق بشر نبوده، بلکه ادیان الهی به ویژه اسلام نخستین اعلامیه‌های حقوق را دربر داشته‌اند و فلاسفه و دانش‌مندان نیز به گونه‌ای از حقوق بشر دفاع کرده‌اند و قبل از اعلامیه جهانی حقوق بشر این حقوق در برخی از اعلامیه‌ها و مقررات داخلی کشورها مطرح شده است. هم‌چنین تاریخ تمدن بشر، شاهد کوشش پیامبران، فلاسفه و متفکران و انسان دوستان مشرق و مغرب زمین در اعتلای شأن و کرامت انسان و دفاع از حقوق و آزادی‌های اساسی اوست؛ (۲) در این باره به انعقاد «حلف الفضول» توسط محمد امین صلی الله علیه و اله و سلم و قبل از بعثت آن حضرت و هم‌چنین تأسیس نهاد مشابهی که در زمان اسماعیل پیامبر، به صورت پیمانی در قبیله «جرحم» که به نحوی، با هدف حمایت و دفاع از حقوق بشر شکل گرفته، می‌توان اشاره نمود.

از سویی توجه به موضوع کرامت انسانی و حقوق بشر را در این چنین اسنادی

ص: ۲۳

۱- حقوق بشر به زبان انگلیسی «sthgiR namuH» و به فرانسه «emmoh'L ed siorD» و به عربی «حقوق الانسان» نامیده می‌شود.

۲- نک: حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر، ص ۳۷۸.

تاریخی می توان مطالعه کرد: قانون حمورابی پادشاه بابل (۲۱۲۳-۲۰۸۰ قبل از میلاد)، قانون اساسی آتن (۵۰۷ قبل از میلاد)، منشور کوروش پادشاه هخامنشی (قرن پنجم پیش از میلاد)، الواح دوازده گانه روم (۴۵۱ قبل از میلاد)، اقدامات ژوستینیان امپراتور روم (قرن ششم قبل از میلاد) در جهت احیا و اصلاح الواح دوازده گانه روم، قطع نامه ماکناگارتا معروف به منشور کبیر انگلستان (۱۲۱۵ میلادی)، اعلامیه حقوق انگلستان (۱۸۶۶ میلادی)، منشور آزادی ها مصوب دادگاه عمومی ماساچوست (۱۶۴۱ میلادی)، اعلامیه استقلال امریکا (۱۷۶۶ میلادی)، لایحه حقوقی ویرجینیا (۱۷۷۶ میلادی). بنابراین اسناد، (۱) زمام داران به رضا یا اکراه، رعایت حقوق و آزادی ها و کرامت انسان ها را به تناسب شرایط زمانی و مکانی خویش، جزو دستور و برنامه کار خود قرار دادند.

با وجود طرح مباحث کرامت انسانی در کهن ترین اسناد بشری، تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر، پیشینه ای کمتر از شصت سال دارد. در واقع این اعلامیه در دهم دسامبر ۱۹۴۸ میلادی (۱۹ آذر ۱۳۷۲ شمسی) به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و رسماً انتشار یافت. از آن جا که مواد این میثاق تنها هنگامی اجرایی می شد که ۳۵ کشور به آن ملحق شوند، از این رو فرآیند این الحاق ها مدت ها طول کشید تا آن که در ۱۹۶۶ میلادی پس از تکمیل امضاها، میثاق های بین المللی حقوق بشر از حیث عملی قابلیت پی گیری یافت.

اعلامیه جهانی حقوق بشر یک مقدمه و سی ماده دارد. مقدمه اعلامیه متضمن سلسله مفاهیم و اندیشه هایی بنیادی است که امضا کنندگان اعلامیه، اعتماد و اعتقاد راسخ خود را به آن اعلام داشته اند. آن مفاهیم عبارتند از:

۱. وحدت اعضای خانواده بشری، حیثیت ذاتی انسان (کرامت انسانی) و شناسایی حقوق ناشی از آن (حقوق بشر)؛

ص: ۲۴

۱- نک: اعلامیه های حقوق بشر، ص ۲ (مقدمه).

۲. آزادی عقیده و بیان، و آزادی از ترس و فقر و به طور کلی استقلال فرد؛

۳. حمایت حقوق بشر از راه اجرای قانون (حاکمیت قانون)؛

۴. برابری حقوق انسان و برابری ملت ها و دولت ها؛

۵. توسعه روابط دوستانه بین ملت ها.

نویسندگان اعلامیه، وحدت اعضای خانواده بشری (افراد بشر)، کرامت انسانی و شناسایی حقوق ناشی از آن را اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان می دانند و ظهور جهانی را که در آن، افراد بشر در بیان عقیده آزاد و از ترس و فقر رها باشند، بالاترین آمال بشری اعلام می نمایند. مقدمه اعلامیه چنین آغاز می شود:

از آن جا که حیثیت ذاتی کلیه اعضای خانواده بشری و حقوق یک سان و انتقال ناپذیر آنان، اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می دهد... از آن جا که عدم شناسایی و تحقیق حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان و عقیده، آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند، به عنوان بالاترین آمال بشری اعلام شده است... (۱)

اعلامیه در سی ماده، حقوق بشر را با وضوح و صراحت کاملی اعلام می دارد و آنها را برای رشد و پرورش شخصیت انسانی ضروری می داند. (ماده ۲۸ و بند ۱ از ماده ۳۰) (۲)

متأسفانه با وجود این تلاش ها برای حفظ و رعایت کرامت انسانی، نتایج به دست آمده فاقد موفقیت های لازم و درخور بوده و به اعتقاد صاحب نظران، «به رغم تلاش هایی که صورت گرفته و موفقیت هایی که به دست آمده، وضع حقوق

ص: ۲۵

۱- نک: آزادی های عمومی و حقوق بشر، ص ۲۲۹-۲۳۰.

۲- برای مشاهده متن کامل اعلامیه جهانی حقوق بشر، نک: اعلامیه های حقوق بشر، ص ۱۲-۱۷. هم چنین برای بررسی تحلیلی این اعلامیه نک: آزادی های عمومی و حقوق بشر، ص ۲۲۹-۲۳۲ و حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر، ص ۳۷۹-۳۸۱.

بشر از هر زمان دیگری بحرانی تر و اسفناک تر است. علوم و فنون بیش از آن چه در خدمت حقوق باشند، در خدمت پایمال کردن حقوق انسان ها در ابعاد وسیع و وحشتناک قرار گرفته اند. حتی خود حقوق بشر نیز از زمانی که به صورت ابزارهای سیاست خارجی قدرت های بزرگ درآمده، به صورت ابزاری برای سرکوب ملت های ضعیف به کار گرفته شده است و متأسفانه اندیشه ها و نظریه های انتزاعی که به مدت دو بیست سال در دفاع از حقوق بشر به کار گرفته شده اند، هیچ کمکی به پیشرفت موضوع نکرده اند». (۱) از سوی دیگر، فقدان حمایت ها و نبود ضمانت اجرایی میثاق های بین المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر از دلایل چنین ناکامی هایی است که به ناکارآیی چنین اعلامیه ای انجامیده؛ چنان که ارزش حقوقی این میثاق نیز کاملاً زیر سؤال رفته است.

ارزش یابی نهایی این اعلامیه در حفظ کرامت انسانی از دید کلی از صاحب نظران این گونه بیان شده است:

در پایان باید دانست با وجود آن که اعلامیه حقوق بشر، فاقد ارزش حقوقی است، لکن باید این حقیقت را پذیرفت که اصول اعلامیه در معاهدات بین المللی رسوخ کرده و به صورت عرف بین المللی درآمده است که خود از جمله منابع حقوق بین المللی به شمار می رود... (۲)

با این وجود، ضمانت اجراهای مندرج در میثاق ها بسیار ضعیف است و از کارآیی لازم برخوردار نمی باشد، به ویژه میثاق حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی سعی نمی کند که اجرای این دسته از حقوق بشر را به گونه مؤثری تضمین نماید... (۳)

گفتنی است که یکی دیگر از علل ناکارآیی اعلامیه جهانی حقوق بشر و

ص: ۲۶

۱- حقوق بشر، ص ۵ (مقدمه مترجم).

۲- آزادی های عمومی و حقوق بشر، ص ۲۳۲.

۳- همان، ص ۲۳۳.

میثاق های آن، ناهم سازی معدودی از موارد آن (مانند ماده ۱۶ و ۱۸) با موازین اسلامی است و به همین دلیل نیز کشورهای مسلمان در اجلاس وزرای امور خارجه سازمان کنفرانس اسلامی در قاهره، اعلامیه حقوق بشر را در پنجم اوت ۱۹۹۰ (پانزدهم مرداد ۱۳۶۹) در ۲۵ ماده به تصویب رساندند، (۱) هرچند که این اعلامیه نیز همانند سایر میثاق ها در حد حرف و انتزاعیات باقی مانده و فاقد ضمانت اجرا و حمایت و تحقق عملی است.

ب) کرامت انسانی در قرآن و روایات

مفهوم «کرامت» در لغت، در مقابل «لثامت» و «دنائت» و «دنیا» قرار می گیرد؛ هم چنان که در روایتی از امام علی علیه السلام آمده است: «من کرمت نفسه صغرت الدنيا فی عینه.» (۲) بنابراین، کرامت از مفاهیم استعلایی است که از طریق تعالی روح و به گونه ای ایجابی و با نزهت و دوری از همه پستی ها و دنائت ها به گونه ای سلبی بر قامت انسان وارسته از همه تعلقات، وابستگی ها و دل بستگی ها و آلودگی های دنیوی پوشانده می شود.

راغب اصفهانی از دو جهت به معنای کرامت می پردازد. کرامت خداوند با استناد به آیاتی مانند: فَإِنَّ رَبِّيَ غَنِيٌّ كَرِيمٌ (۳) نام احسان و نعمت هایی است که خدا می دهد و از این طریق ظهور می کند و در جایی که بخواهد انسان توصیف شود، به نام آراستگی ها و افعال نیکی که از او آشکار می شود، کرامت گفته می شود، ولی درباره او کریم نمی گویند. سپس راغب می گوید: واژه کرامت معنای عامی دارد و به هر چیزی که در جای خودش شرافت و بزرگی داشته باشد، کرامت می گویند. به همین دلیل خداوند درباره گیاه می گوید: فَأَنْبُتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ

ص: ۲۷

۱- برای ملاحظه اعلامیه اسلامی حقوق بشر نک: اعلامیه های حقوق بشر، ص ۴-۱۰.

۲- میزان الحکمه، ج ۸ ص ۳۶۳.

۳- «بی گمان پروردگارم بی نیاز و کریم است.» (سوره نمل، آیه ۴۰)

زَوْجِ كَرِيمٍ. (۱) هم چنین اکرام و تکریم، چیزی است که به انسان نفعی و فایده ای برساند که در آن پیچیدگی و مانع نباشد. (۲)

جالب آن که یکی از معروف ترین اسامی قرآن در نزد مسلمانان، «قرآن کریم» است؛ هم چنان که با گشودن این صحیفه الهی، به کلمات و واژگان بسیاری برمی خوریم که با کلمه «کریم» پیوند خورده است؛ واژه هایی همانند: «رَسُوْلُ كَرِيْمٍ»، (۳) «رِزْقُ كَرِيْمٍ»، (۴) «اَجْرُ كَرِيْمٍ»، (۵) «كِتَابُ كَرِيْمٍ»، (۶) «رَبُّ الْكَرِيْمِ»، (۷) «زَوْجِ كَرِيْمٍ»، (۸) «مَقَامِ كَرِيْمٍ»، (۹) «عَرْشِ كَرِيْمٍ»، (۱۰) «مَلِكُ كَرِيْمٍ»، (۱۱) «قَوْلِ كَرِيْمٍ»، (۱۲) «عَزِيْزِ كَرِيْمٍ»، (۱۳) «قُرْآنِ كَرِيْمٍ»، (۱۴) و «مُدْخَلِ كَرِيْمٍ». (۱۵)

با نگاهی کوتاه و گذرا به واژگان پیش گفته، به جز مواردی که مختص ذات الهی است، درمی یابیم که بسیاری از آنها درباره انسان و یا امور درباره اوست، مانند: رزق، زوج، اجر و... علاوه بر واژه کریم، مشتقات دیگری از این واژه به صور مختلف در قرآن کریم به کار رفته که هر کدام یادآور نکته ای خاص و بیان گر موضوعی در این زمینه است.

ص: ۲۸

۱- «و از هر نوع [گیاه] نیکو در آن رویندیدیم.» (سوره لقمان، آیه ۱۰)

۲- نک: معجم مفردات الفاظ القرآن، باب الکریم، ص ۴۴۵-۴۴۶.

۳- سوره دخان، آیه ۱۷.

۴- سوره حج، آیه ۵۰.

۵- سوره حدید، آیه ۱۱.

۶- سوره نمل، آیه ۲۹.

۷- سوره انفطار، آیه ۶.

۸- سوره لقمان، آیه ۱۰.

۹- سوره دخان، آیه ۲۶.

۱۰- سوره مؤمنون، آیه ۱۶.

۱۱- سوره یوسف، آیه ۳۱.

۱۲- سوره اسراء، آیه ۲۳.

۱۳- سوره دخان، آیه ۴۹.

۱۴- سوره واقعه، آیه ۷۷.

۱۵- سوره نساء، آیه ۴.

قرآن کریم آن جا که می خواهد در میان گرامیان، با کرامت ترین را نزد خداوند معرفی کند: **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ** (۱) را یادآور می شود و آن جا که اوصاف نیکان را یادآوری می کند، به عبور کریمانه آنان می پردازد: **وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا**، (۲) و وقتی به ملائک محافظ انسان اشاره می کند، آنان را به کراماً کاتبین (۳) می ستاید که نشان از جایگاه و موقعیت آنها نزد فرشتگان دیگر دارد و در آن هنگام که از نامه های یادآوری کننده همراه با ارائه دهندگان آنها یاد می کند، به وصف کرامت می خواند: **فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ... * بِأَيْدِي سَفَرَةٍ * كِرَامٍ بَرَرَةٍ** (۴) که یادآور قیامت است و تنهایی او. (۵)

گفتنی است که انواع کرامات الهی مذکور در قرآن را در دو نوع تکریم عام و تکریم خاص می توان جای داد: نوع اول این توجهات و کرامات، عام است و همگی انسان ها اعم از زن و مرد، مؤمن و کافر و... را شامل می شود که بیان گر صفت رحمانیت خداوند است. همان گونه که در تفسیر صفت «رحمان» آمده، رحمان در مقابل رحیم بوده و آن نوعی از کرامت خداوندی است که تمام بشر را دربر می گیرد. (۶) کراماتی چون حق حیات و خلقت انسان، قدرت اراده و اختیار، قدرت تعقل و اندیشه، مسخر قرار دادن دیگر موجودات برای انسان، فراهم کردن اسباب هدایت انسان مانند فرستادن رسول ظاهری و باطنی از این جمله اند.

نوع دیگر کرامات الهی به بشر، خاص بوده و تنها انسان هایی را شامل می شود که راه حقیقت را یافته اند و ایمان به خدا دارند. خداوند به این دسته از انسان ها، رحمت خاصی عطا کرده که غیر مؤمنان، از آن بی نصیبند. از این نوع کرامت و

ص: ۲۹

۱- «در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست.» (سوره حجرات، آیه ۱۳)

۲- «و چون بر لغو بگذرند با بزرگواری می گذرند.» (سوره فرقان، آیه ۷۲)

۳- سوره انفطار، آیه ۱۱.

۴- «در صحیفه هایی ارجمند،... به دست فرشتگانی، ارجمند و نیکوکار.» (سوره عبس، آیه ۱۶)

۵- نک: «فضیلت از یاد رفته»، ص ۴ و ۵.

۶- نک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۱۸.

رحمت در لسان قرآن و تفاسیر، به رحمت خاص یاد شده است. مفسران در معنای «رحیم» گفته اند که نوعی از رحمت خاص پروردگار است که تنها مؤمنان را شامل می شود: **وَ كَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا (۱)** و نیز خداوند می فرماید: **إِنَّهُ بِهِمْ رَؤُفٌ رَحِيمٌ (۲) و (۳)**

به هر حال، تعدد آیات قرآنی مربوط به موضوع کرامت انسانی بیان گر آن است که هیچ مکتبی به اندازه اسلام برای انسان ارزش و اهمیت قائل نشده است. **(۴)**

قرآن انسان را جانشین خدا بر روی زمین می داند **(۵)** و وی را موجودی می خواند که فرشتگان بر او سجده کرده اند، **(۶)** همه آسمان ها و زمین در تسخیر او هستند و موجودات جهان آفرینش سرتمکین در برابر او فرود آورده اند. **(۷)** در نظر اسلام، انسان مقام و ارزش والایی دارد و خداوند، سروری موجودات زمین و آسمان را برای او فراهم ساخته است. روح خدا در آدم دمیده شده و شایسته تکریم و تعظیم گردیده و حتی فرشتگان مأمور شده اند که بر او سجده کنند. انسان در نظر اسلام دارای مقام خلیفه الله است. **(۸)** در این زمینه آیات و روایات فراوان وجود دارد، به ویژه آیه ای از سوره اسراء کرامت انسانی را با وضوح هرچه تمام تر اعلام می دارد:

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ (۹)

ص: ۳۰

۱- «و به مؤمنان همواره مهربان است.» (سوره احزاب، آیه ۴۳)

۲- «[خداوند] نسبت به آنان مهربان و رحیم است.» (سوره توبه، آیه ۱۱۷)

۳- نک: همان، ص ۱۹.

۴- برای نمونه نک: چکیده مقالات همایش بین المللی امام خمینی رحمه الله و قلمرو دین (کرامت انسان).

۵- سوره بقره، آیه ۳۰.

۶- سوره بقره، آیه ۳۴.

۷- سوره ابراهیم، آیه ۳۲.

۸- سوره بقره، آیه ۲۹.

۹- آیه ۷۰.

و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.

گفتنی است که از نظر اسلام، همان طور که از پاره‌ای آیات از جمله آیه ۲۹ از سوره بقره برمی‌آید، همه انسان‌ها صرف نظر از دین و مذهب و اعتقادات و اعمال و رفتار آنها دارای کرامت هستند، هرچند که انسان با تقوا دارای فضیلت و کرامتی بیشتر است. به دیگر سخن، هر انسان کرامت ذاتی دارد، اما گروهی از انسان‌ها علاوه بر کرامت ذاتی دارای کرامت ارزشی یا اکتسابی نیز هستند که بنا به آیه معروف: **إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ** (۱) با تقوا به دست می‌آید. اسلام به ویژه بر این کرامت تأکید دارد، در حالی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر و قوانین کشورها، به این کرامت توجه چندانی نشده است. (۲) البته دلیل چنین امری بدیهی می‌نماید؛ در این دست از اعلامیه‌ها که بر مبنای تفکر انسان‌مدارانه و اومانستی و لیبرالیستی غربی نگاشته شده، نظام‌ها و اندیشه‌های سکولار حاکم بر جوامع غرب، مبنای کرامت را در خود انسان و فرد جای داده‌اند و انسان و ارزش‌های صرف انسانی و مادی را جای‌گزین خدا و ارزش‌های الهی نموده‌اند و در حقیقت و برخلاف تفکر اسلامی، خاست‌گاه کرامت‌های انسانی را الهی ندیده‌اند و بلکه آن را بشری پنداشته‌اند و آن را در دایره حقوق طبیعی انسان‌ها تعریف کرده‌اند و لذا مبنای جعل آن را غالباً بشری و نه الهی به شمار می‌آورند. به همین دلیل، برخی از مواد این اعلامیه‌ها با پاره‌ای از موازین ادیان الهی و از جمله اسلامی دارای درجاتی از مغایرت است.

همان طور که آیات الهی، منشأ و خاست‌گاه کرامت‌های انسانی را الهی می‌بینند، روایات اسلامی نیز چنین دیدگاهی اصولی دارند. در این گونه روایات در موضوعاتی مانند «کرم»، «کرامه»، «کریم»، «کرام»، و «اکرام» به موضوع کرامت

ص: ۳۱

۱- سوره حجرات، آیه ۱۳.

۲- «حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر»، ص ۳۸۲-۳۸۳.

پرداخته شده است و صفات متعدد الهی و در رأس آنها تقوا که مایه تقرب به درگاه ذات احدیت می گردد، از مؤلفه های تحقق کرامت به حساب آمده است.

امام علی علیه السلام فرموده اند:

لا کرم کالتقوی؛ (۱)

هیچ کرمی مانند تقوا نیست.

من اتقی ربّه کان کریم؛ (۲)

هرکس تقوای الهی پیشه کند، کریم است.

إنّما الکرم التنزّه عن المعاصی [المساوی]؛ (۳)

به درستی که کرم به معنای اجتناب از گناهان و بدی هاست.

الکرم حسن السجیه و اجتناب الدنیه؛ (۴)

کرم به معنای سجایای نیکو و اجتناب از پستی هاست.

أملک علیک هواک و شحّ بنفسک عمّا لا یحلّ لک، فإنّ الشحّ بالنفس حقیقه الکرم؛ (۵)

هوای نفس بر تو سیطره دارد، بر نفست از آن چیزی که بر تو حلال نیست، بخل ورز و از او دریغ دار؛ زیرا در حقیقت این امساک نفس، عین واقعیت کرم است.

الکرم نتیجه علوّ الهمه؛ (۶)

کرم و کرامت نتیجه علو همت است.

من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهوته؛ (۷)

ص: ۳۲

۱- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۶۶.

۲- همان، ص ۳۷۴.

۳- همان، ص ۳۶۳.

۴- همان.

۵- همان.

۶- همان.

۷- همان.

کسی که نفس او کریم و بزرگوار شود، شهوتش بر او خوار و ضعیف می گردد.

الکریم من تجنّب المحارم و تنزّه عن العیوب؛ (۱)

کریم کسی است که از محارم اجتناب نموده و خود را از عیب ها منزّه می دارد.

یستدلّ علی کرم الرجل بحسن بشره و بذل بزه؛ (۲)

کرامت مرد با روی گشاده و بذل و بخشش نیکویی هایش اثبات می گردد.

الکریم یعفو مع القدره، و يعدل مع الإمره و یکفّ لسانه، و یبذل إحسانه؛ (۳)

کریم کسی است که هنگام قدرت عفو می کند و در هنگام امارت و امیری عدالت می ورزد و زبانش لجام دارد و نیکی هایش را بذل و بخشش می کند.

هم چنین در روایت جالبی، پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و اله و سلم، کرامت را با تدین یکی دانسته و فرموده اند: «کرم الرجل دینه؛ (۴) کرامت هر شخصی در دین وی نهفته است.» در روایت دیگری امام صادق علیه السلام سه چیز را دال بر کرامت فرد می داند که عبارتند از حسن خلق، فروخوردن خشم و چشم پوشی و گذشت. (۵)

بدیهی است که همه این روایات و دیگر اشارات قرآنی، سرچشمه کرامت انسانی و بشری را در دیانت و فطرت الهی انسان جست و جو می کنند و معنای واقعی و متعالی آن را از این منظر می نگرند. البته به کرامت، نه تنها از زاویه فردی و اخلاقی که از زوایای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز چنین نگریده می شود و کاملاً می توان این برداشت از کرامت و جایگاه آن را در تعاملات اجتماعی و

ص: ۳۳

۱- همان، ص ۳۶۵.

۲- همان، ص ۳۶۲.

۳- همان، ص ۳۶۶.

۴- همان، ص ۳۶۲.

۵- «ثلاثة تدلّ علی کرم المرء: حسن الخلق و کظم الغیض و غضّ الطرف.» (همان)

سیاسی ملاحظه نمود؛ هم چنان که امام علیه السّلام نیز ویژگی های دولت کریمه را در تقابل با دولت فرومایه چنین به تصویر کشیده است:

دوله الکریم تظهر مناقبه،دوله اللئیم تکشف مساویه و معایبه؛ (۱)

دولت کریمه دولتی است که مناقب و نیکی های آن آشکار می شود و دولت فرومایه و لئیم، دولتی است که بدی ها و معایب آن بروز می یابد.

ج) کرامت انسانی در عصر ظهور

۱. زوال کرامت ها از ملاحم قبل از ظهور

در بسیاری از روایات منقول از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و معصومان علیهم السلام از زوال کرامت انسانی و بروز ناامنی ها، بی عدالتی ها، جنگ ها، هرج و مرج ها و فتنه های فراوان و فساد گسترده به عنوان ملاحم و نشانه های ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و ویژگی عصر غیبت یاد شده است، از جمله خطبه ۱۳۸ نهج البلاغه (۲) چنین مضامینی دارد؛ هم چنان که پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و اله و سلم در این زمینه می فرماید:

منا مهدی هذه الامه إذا صارت الدنيا هرجا و مرجا و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و أغار بعضهم على بعض فلا كبير يرحم صغيرا و لا صغير يوقر كبيرا فيبعث الله عند ذلك مهدينا التاسع من صلب الحسين يفتح حصون الضلالة و قلوبا غفلاء يقوم في الدين في آخر الزمان كما قمت به في أول الزمان و يملأ الأرض عدلا كما ملئت جورا؛ (۳)

مهدی این امت از ماست. هنگامی که در دنیا هرج و مرج شده و فتنه ها آشکار شود و راه ها مورد راه زنی قرار گرفته و بعضی از مردم به بعضی دیگر تهاجم کنند و بزرگ به کوچک رحم نکند و کوچک تر احترام بزرگ تر را نگه ندارد، در چنین زمانی مهدی ما که نهمین امام از صلب حسین است

ص: ۳۴

۱- همان، ص ۳۶۶.

۲- نک: نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۳۸، ص ۱۹۰.

۳- محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۵، ص ۲۶۶، روایت ۱۵۴.

برج و باروهای گمراهی و قلب های قفل شده را فتح می کند و در آخر الزمان برای دین قیام می کند؛ همان طور که من در اول زمان، بدین قیام مبادرت کردم. او زمینی را که از جور پر شده، از عدل و داد، پر و سرشار می سازد.

امام علی علیه السلام در خطبه ۱۰۸ نهج البلاغه با جملاتی مانند: «تفیض اللئام فیضا و تغیض الکرام غیضا...» عصر فرومایگی قبل از ظهور و فراگیری لئامت و ندرت یابی کرامت را به خوبی تشریح فرموده اند؛ دوره ای که همانند جامعه هابزی، انسان ها گرگ یک دیگر شده و درنده خویی جای انسانیت و مدنیت را می گیرد.

این ملاحظه که مسخ همه ارزش ها و کرامت های الهی و انسانی را دربر دارد، از دید امام علیه السلام چنین بیان شده است:

پس در آن هنگام که بر شما تسلط یابند، باطل بر جای خود استوار شود و جهل و نادانی بر مرکب ها سوار و طاغوت زمان عظمت یافته و دعوت کنندگان به حق اندک و بی مشتری خواهند شد. روزگار چونان درنده خطرناکی حمله ور شده و باطل پس از مدّت ها سکوت، نعره می کشد. مردم در شکستن قوانین خدا دست در دست هم می گذارند و در جدا شدن از دین متحد می گردند و در دروغ پردازی باهم دوست و در راست گویی دشمن یک دیگرند. و چون چنین روزگاری می رسد، فرزند با پدر دشمنی می ورزد و باران خنک کننده، گرمی و سوزش آورد، پست فطرتان و لئیمان همه جا را پر و لب ریز می نمایند و افراد با کرامت و بزرگواری به شدت کم یاب و کاسته می گردند. مردم آن روزگار چون گرگان و پادشاهان چون درندگان، تهی دستان طعمه آنان و مستمندان چون مردگان خواهند بود، راستی از میانشان رخت برمی بندد و دروغ فراوان می شود. با زبان تظاهر به دوستی دارند، اما در دل دشمن هستند. به گناه افتخار می کنند و از پاک دامنی به شگفت می آیند و اسلام را چون پوستینی وارونه می پوشند.

بدیهی است در چنین زمانی با تکریم دون پایگان، مجالی برای احترام به کرامات واقعی انسانی نخواهد بود و مؤمنان و شیعیان ذلیل خواهند شد.

در این باره علامه مجلسی از غیبت نعمانی حدیثی را از امام علی علیه السلام بدین شرح نقل نموده است:

روزی بیاید که شیعیان مانند بز باشند که شیر نداند دست روی کدام یک از آنها بگذارد! یعنی عزت آنها از دست رفته و کسی احترامی برای آنها قائل نیست و کسی ندارند که در کارهای خود به وی پناه برند. (۱)

۲. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مظهر کرامت ها و سرآمد کریمان

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند جد خویش اکرم الاکرمین و خاست گاه کرامت است. پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و اله و سلم بارها خود را چنین متصف می نمود و می فرمود: «أنا أكرم الأکرمین» (۲) یا «أنا أكرم ولد آدم علی ربی». (۳) هم چنین با توجه به روایات فراوانی که سنت و سیره امام عصر را هم سان سنت و سیره نبوی و علوی به شمار می آورند، بسیار بدیهی است که دولت تحت فرمان مهدوی، بر محور کرامت و لحاظ عالی ترین حد کرامت های الهی و انسانی حرکت کند و تبلور یابد. در همین زمینه پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم می فرماید:

سنته سنتی یقیم الناس علی ملتی و شریعتی و یدعوهم إلی کتاب ربی عزّ و جلّ؛ (۴)

سیرت و سنت او، سیرت و سنت من است. مردم را بر دین و آیین من به پا خواهد داشت و آنان را به کتاب پروردگارم دعوت می کند.

و یا امام صادق علیه السلام فرموده اند:

إن قائمنا إذا قام لبس لباس علی و سار بسیرته؛ (۵)

ص: ۳۶

۱- مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار)، ترجمه علی دوانی، ص ۳۴۱.

۲- میزان الحکمه، ص ۳۷۳.

۳- همان.

۴- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۱۱.

۵- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۸.

به درستی که قائم ما در هنگام قیام، لباس علی را پوشیده و به سیره او حرکت و عمل می کند.

مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند سایر ائمه هدی مظهر کرامت، انس و شفقت و دل سوزی با مردم بوده و پناه گاه عالمیان است و این مقام جز در قالب امامت شیعی تصور شدنی نیست. این مطلب در روایت امام رضا علیه السلام این گونه توصیف شده است:

الإمام الأنیس الرفیق و الوالد الشفیق و الأخ الشفیق و الامّ البرّه بالولد الصغیر مفزع العباد فی الداهیه النّاد؛ (۱)

امام، آن هم دم همراه و آن پدر مهربان و برادر تنی (که پشتیبان برادر) بوده و همانند مادر دل سوز به فرزند خردسال و پناه گاه بندگان در واقعه هول ناک است.

یکون أولى الناس بالناس من أنفسهم، و أشفق علیهم من آبائهم و امهاتهم، و یکون أشدّ الناس تواضعا لله عزّ و جلّ، و یکون آخذ الناس بما یأمر به، و أكفّ الناس عمّا ینهی عنه... و یکون أعلم الناس و أحکم الناس و أتقى الناس و أحلم الناس، و أسخى الناس و أعبد الناس... و تنام عیناه و لا ینام قلبه...؛ (۲)

او برای مردم از خودشان سزاوارتر، از پدر و مادرشان مهربان تر و در برابر خداوند از همه متواضع تر است. آن چه به مردم فرمان می دهد، خود بیش از دیگران به آن عمل می کند و آن چه مردم را از آن نهی می کند، خود بیش از همگان از آن پرهیز می کند... او عالم ترین، حکیم ترین، باتقواترین، صبورترین، بخشنده ترین و عابدترین مردمان است... و اگر چشمان او به خواب رود، قلبش بیدار است...

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سرآمد کریمان عالم، متواضع ترین فرد جهان بشری در برابر

ص: ۳۷

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۲۵.

۲- تاریخ عصر غیبت، ص ۴۳۷ و ۴۳۹. (به نقل از: الزام الناصب، ص ۹ و ۱۰)

خداوند بوده (۱) و در شتاب به سوی نیکی ها و بزرگواری ها، مجاهد و مجتهدی سخت کوش است. (۲) او کمال موسی، شکوه عیسی و شکیبایی ایوب را دارد (۳) و می توان وی را سرآمد تهجدپیشگان و شب زنده داران و ساجدان به درگاه الهی به شمار آورد. امام کاظم علیه السلام اوصاف عبادی امام غایب را چنین برشمرده است:

او [مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] بر اثر تهجد و شب زنده داری رنگش به زردی متمایل است.

پدرم فدای کسی باد که شب ها در حال سجده و رکوع، طلوع و غروب ستارگان را مراعات می کند... او چراغ هدایت در تاریکی های مطلق است.

پدرم فدای کسی که به امر خدا قیام می کند.

اوصاف کریمانه امام عصر به کرات در روایات مورد تأکید قرار گرفته است؛ همان طور که امام علی علیه السلام با ذکر این اوصاف، بزرگواری و کرامت فرزند دوازدهم خود را مایه پناه و گردهم آبی مسلمین و تجدید عزت و عظمت آنها به حساب آورده است:

مردی است نیرومند، شمشیری از شمشیرهای خدا، بزرگی است بخشنده و با استقامت. فرق او به قله عظمت می ساید و بزرگواری همیشگی او بر بهترین اصول استوار است... پناه دادن وی به مردم بی پناه از شما بهتر، علمش از شما افزون تر و جهدش در صله ارحام از همه بیشتر است.

خداوندا با بیعت کردن با وی، مردم را از اندوه بیرون آور و مسلمانان را از پراکندگی نجات ده!... (۴)

۳. کرامت های انسانی با خاست گاهی الهی

حکومت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در پی فراهم آوردن اسباب تقرب الی الله و

ص: ۳۸

۱- «قال الرضا عليه السلام: يكون أشد الناس تواضعا لله عزّ و جلّ». (نک: همان، ص ۴۳۶)

۲- «قال الرضا عليه السلام: الجحجح المجهد المجتهد». (نک: همان، به نقل از: جمال الاسبوع، ص ۴۱۰)

۳- بحار الأنوار، ج ۸۶، ص ۸۱.

۴- مهدی موعود، ص ۳۴۲.

برداشتن موانع این مسیر است و می خواهد وعده الهی (۱) تفوق جهانی اسلام بر سایر ادیان را محقق نماید و در سایه حاکمیت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، بانگ توحید را همه جا فراگیر سازد و شرک و کفر را نابود کند. اساساً حیات معنوی وجه تمایز انسان با سایر موجودات است و همین حیات، او را به خداوند حیات آفرین می رساند و به مقام قرب الهی نایل می کند؛ هم چنان که قرآن کریم بر همین مبنا، انسان را به سوی احیای واقعی فرا می خواند:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ؛ (۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فرا خواندند که به شما حیات می بخشد، آنان را اجابت کنید.

از این رو، در زمان حاکمیت جهانی دولت کریمه، این بخش از وجود آدمی و مکارم عالی و ارزش های انسانی در همه ابعاد سامان گرفته و رونق و طراوت می یابد و از دلایل فضیلت مداری و کرامت محوری چنین دوره ای، نابودی شرک و برطرف شدن همه زمینه های صفات رذیله است. به فرموده امام باقر علیه السلام:

...هر آینه (در زمان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) دین محمد صلی الله علیه و اله و سلم به هر جا که شب می رسد خواهد رسید و عالم گیر خواهد شد، به گونه ای که بر سطح زمین اثری از شرک نخواهد ماند، همان گونه که خداوند وعده کرده است. (۳)

در حکومت دین سالار مهدوی، تمایلات و هواهای نفسانی جایی ندارد و با از بین رفتن بسیاری از گناهان، کرامت های الهی و دروازه های برکت به سوی عالمیان گشوده خواهد شد. امام علی علیه السلام در عبارت های مختلفی ضمن شرح

ص: ۳۹

۱- هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ؛ «اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد، تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید.» (سوره صف، آیه ۹ و سوره توبه، آیه ۳۳ و سوره فتح، آیه ۲۸)

۲- سوره انفال، آیه ۲۴.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۵.

تفصیلی این دوران فرموده است:

او [حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] خواسته ها و امیال را تابع هدایت وحی می کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس های خویش قرار می دهند. در حالی که به نام تفسیر، نظریه های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می کنند، او نظریه ها و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد.... (۱) بدی می رود و خوبی باقی می ماند، رونق کشاورزی بی اندازه می شود، زنا، شرب خمر و ربا رخت بر می بندد، مردم به عبادت، شریعت و دیانت روی می آورند؛ نماز جماعت رونق می گیرد، عمرها طولانی می گردد، امانات ادا می شود، درختان پرمیوه و برکات فراوان می گردد، اشراک ناپود می شوند، اختیار باقی می ماند و دشمنان اهل بیت باقی نمی مانند. (۲)

در عصر ظهور کرامت های الهی و بشری در بستر احیای امر به معروف و نهی از منکر تحقق می یابد و «مهدی و یاران او امر به معروف و نهی از منکر می کنند» (۳) و خداوند به وسیله حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این امت را پس از آن که تباہ شده اند، اصلاح می کند (۴) و او آثار گمراهی و هوا و هوس را ناپود خواهد کرد؛ همان طور که در دعای ندبه که آهنگ فراق و نوای جدایی از امام غایب بوده، این اشاره آمده است:

این طامس آثار الزیغ و الأهواء، این قاطع حبائل الکذب و الإفتراء؛

کجاست آن که ریسمان های دروغ و افترا را خواهد گسیخت؟ کجاست آن که آثار گمراهی و هوی و هوس را ناپود خواهد کرد؟

بر همین منوال، امام هیچ بدعتی را و نمی گذارد، مگر این که آن را ریشه کن

ص: ۴۰

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸، ص ۱۹۰.

۲- لطف الله صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ص ۵۹۳.

۳- «قال الباقر عليه السلام: المهدی و أصحابه... یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر.» (نک: الغیبه، ص ۲۴۲، روایت ۲۶)

۴- «قال النبی صلی الله علیه و اله و سلم: ... لیصلح الامه بعد فسادها.» (بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۳)

کند و از هیچ سنتی الهی نمی گذرد، مگر این که آن را برپا نماید. (۱) هم چنین از اقدامات اساسی جهت تمهید و بسترسازی احیای کرامت ها و فضایل عالی در جامعه آخر الزمان، نابودی شیطان به دست امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. علامه مجلسی در بحار الأنوار در ذکر روایتی نقل می کند که از امام صادق علیه السلام درباره «وقت معلوم» که خداوند به شیطان فرمود منتظر آن باشد (۲) پرسیدند و ایشان فرمود:

روز قیام قائم ماست؛ وقتی خداوند او را برانگیخته می کند (و آماده قیام است) و در مسجد کوفه است. در آن وقت شیطان درحالی که با زانوهای خود راه می رود، به آن جا می آید و می گوید: ای وای از خطر امروز! قائم پیشانی او را می گیرد و گردنش را می زند. آن موقع روز وقت معلوم است که مدت او به آخر می رسد. (۳)

بدین ترتیب، عصر ظهور، دوران تکمیل و تمیم مکارم اخلاقی و کرامت های انسانی خواهد بود؛ دوره ای که با عملیات اصلاحی دولت مهدوی، آدَمیان به نهایت تزکیه نفسانی، بلوغ و تکامل اخلاقی می رسند و ایمان آنها از حیث عقیدتی و عمل کامل می شود و مسلمانان و مؤمنان عزت می یابند و منافقان و بی دینان ذلیل می گردند؛ همان گونه که در دعای افتتاح، این وضعیت آرمانی و کریمه این گونه از خدا مطالبه گردیده است:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغِبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تَعَزَّ بِهَا الْإِسْلَامُ وَأَهْلُهُ وَتَذَلُّ بِهَا النِّفَاقُ وَأَهْلُهُ؛

خدایا! از تو امید داریم که دولت با کرامت امام زمان را به ظهور آوری، و اسلام و اهلش را با آن عزت بخشی، و نفاق و اهل نفاق را ذلیل و خوار گردانی.

ص: ۴۱

۱- «قال الباقر عليه السلام: ... ولا يترك بدعه إلا أزالها ولا سنه إلا أقامها.» (همان، ج ۵۸، روایت یازدهم)

۲- فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْتَظَرِينَ* إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ. (سوره حجر، آیه های ۳۷ و ۳۸ و سوره ص، آیه ۸۱)

۳- مهدی موعود، ص ۱۱۳۵-۱۱۳۶.

۴. کرامت محوری و کرامت خواهی در ادعیه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

در مجموعه دعاهای حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که «صحیفه مهدیه» یا «صحیفه المهدی» (۱) نامیده می شود نیز کرامت خواهی و کرامت محوری موج می زند. برای نمونه در دعای معروف زیر امام علیه السلام ضمن درخواست هدایت الهی به منزله مبنای کرامت (و اکرنا بالهدی)، راه کارهای فراوانی را برای همه قشرهای اجتماعی در کسب کرامت از مسیر اطاعت الهی و دوری از معاصی و محرمات الهی بیان می فرمایند:

بارالها! به ما توفیق فرمان برداری و پرهیز از گناه و نافرمانی و نیت پاک و بی آلایش و شناخت و معرفت به آن چه نزد تو ارزش مند است، عطا فرما و ما را به هدایت و پایداری تکریم نما و زبان ما را به صدق و صواب بر کلام حکیمانه و شایسته گویا ساز و دل ما را از علم و معرفت لب ریز فرما و شکم ما را از اطعام حرام و شبهه ناک پاک گردان و دست ما را از ظلم و تعدی و تجاوز باز دار و چشم ما را از گناه و خیانت محفوظ دار و گوش ما را از شنیدن سخنان بیهوده و غیبت مسدود گردان! به دانش مندان ما زهد و بی رغبتی به دنیا و نصیحت و خیرخواهی و به دانش آموزان ما جدیت و شوق و رغبت و به شنوندگان، پیروی و پندپذیری و به بیماران مسلمان شفا و آسایش و به مردگان آنان رأفت و رحمت، به پیرمردان ما وقار و متانت، به جوانان، بازگشت به سوی تو و توبه، و به زنان، حیا و عفت عنایت فرما و به ثروت مندان تواضع و سعه صدر و به فقیران صبر و قناعت و به رزمندگان نصرت و پایداری و به اسیران آزادی و آسایش و به امیران و فرماندهان دادگری و مهربانی و به مردم انصاف و سرشت نیک عطا فرما! و به توشه و سرمایه حجاج و زائران برکت عنایت کن و حج و عمره ای که بر آنان واجب ساخته ای، ادا فرما! به فضل و رحمت ای مهربان ترین مهربانان. (۲)

این عبارت زیبا، بلند و متعالی از ادعیه امام غایب به خوبی نشان می دهد که در

ص: ۴۲

۱- برای نمونه نک: صحیفه المهدی، صحیفه مهدیه.

۲- مصباح الکفعمی، ص ۲۸۱.

اندیشه اسلامی و مهدوی کرامت های انسانی بدون ابتدای بر مبادی ایمانی و توحیدی فاقد معنا و دلالت لازم بوده و این ارزش ها چه در حوزه های فردی و چه در تعاملات اجتماعی بر مبنای عمل به آموزه های دینی و اتصاف به اخلاقیات اسلامی شکل می گیرد.

۵. بیعت نامه مهدوی، منشور کرامت مداری و بشردوستی

بدیهی است که رعایت کرامات انسان ها و حقوق بشردوستانه-مبتنی بر آیین توحیدی اسلام- تنها به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ختم نمی شود، بلکه یاران وی نیز عالم و عامل به این حقوق و مظهر آن در تعاملات فردی و اجتماعی هستند؛ زیرا آنان به خداوند و امام خود شناخت فراوان دارند و با آگاهی کامل در میدان حق حضور دارند؛ هم چنان که امام علی علیه السلام درباره ایشان فرموده است:

رجال عرفوا الله حق معرفته و هم أنصار المهدی فی آخر الزمان؛ (۱)

مردانی که خدا را آن چنان که باید، شناخته اند، یاران مهدی در آخر الزمانند.

و یا امام صادق علیه السلام می فرماید:

رجال كأن قلوبهم زبر الحديد لا يشوبها شك في ذات الله أشد من الحجر؛ (۲)

آنان مردانی اند که گویا دل هایشان پاره های آهن است و از سنگ سخت ترند و هیچ تردیدی در ذات خداوند ندارند.

کرامت محوری یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بسیار طبیعی است؛ زیرا این یاوران، از پیشوایی خود الگو گرفته اند و روزها و شب ها را با یاد معبود سپری می کنند و روح بندگی و رازونیز با جانشان درهم آمیخته، همواره خود را در محضر خدا می بینند و از یاد او لحظه ای غفلت نمی ورزند. روایات متعددی مؤید این مطلب است؛ چنان که امام باقر علیه السلام فرموده اند:

ص: ۴۳

۱- منتخب الأثر، ص ۶۱۱.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۰۸.

گویا قائم و یارانش را در نجف اشرف می نگرم؛ توشه هایشان به پایان رسیده و لباس هایشان مندرس شده است، جای سجده بر پیشانی‌شان نمایان است، شیران روزند و راهبان شب. (۱)

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با یاران عابد و زاهد خود جهت شروع عملیات اصلاحی و الهی عدالت گسترشان، میثاقی می بندند که به حق می توان آن را منشور حقوق بشر دوستانه و کرامت محورانه دولت مهدوی به شمار آورد؛ بیعتی که امام علی علیه السلام در وصف آن فرموده اند:

يباعون علی أن لا یسرقوا و لا یزنوا، و لا یسبوا مسلما و لا یقتلوا محرّما و لا یهتكوا حریما محرّما و لا یهجموا منزلا و لا یضربوا أحد إلاّ بالحقّ و لا یكذبوا ذهبا و لا فضّه و لا بزّا و لا شعیرا و لا یأكلوا مال الیتیم و لا یشهدوا بما یعلمون... (۲)

با او بیعت می کنند که هرگز دزدی نکنند، زنا نکنند، مسلمانی را دشنام ندهند، خون کسی را به ناحق نریزند، به آبروی کسی لطمه نزنند، به خانه کسی هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، طلا و نقره و گندم و جو ذخیره نکنند، مال یتیم را نخورند، در مورد چیزی که یقین ندارند گواهی ندهند، مسجدی را خراب نکنند، مشروب نخورند، حریر و خز نپوشند، در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند، راه را بر کسی نبندند، راه را ناامن نکنند، گرد هم جنس بازی (و اعمال منافی عفت) نگرانند، خوراکی را انبار نکنند، به کم قناعت کنند، طرفدار پاکی باشند، از پلیدی گریزان باشند، به نیکی فرمان دهند، از زشتی ها باز دارند، جامه های خشن نپوشند، خاک را متکای خود سازند، در راه خدا حقّ جهاد را ادا کنند و...

این میثاق الهی و بشر دوستانه یک جانبه نیست و امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز خود را

ص: ۴۴

۱- همان، ج ۵۳، ص ۷.

۲- منتخب الأثر، ص ۴۶۹.

بدان مکلف می‌داند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

...و یشرط علی نفسه لهم، أن یمشی حیث یمشون و یلبسون کما یلبسون و یرکب کما یرکبون و یكون من حیث یریدون و یرضی بالقلیل و یملاً الأرض بعون اللّٰه عدلاً کما ملئت جوراً، یعبد اللّٰه حقّ عبادته، و لا یؤاخذ حاجباً و لا بؤاباً. (۱)

... او نیز در حق خود تعهد می‌کند که از راه آنها برود، جامه‌ای مثل جامه آنها بپوشد، مرکبی همانند مرکب آنها سوار شود؛ آن گونه که مردم می‌خواهند و به کم‌راضی و قانع‌شود، زمین را به یاری خداوند پر از عدالت کند؛ چنان که پر از ستم شده باشد، خدا را آن‌طور که شاید بپرستد و برای خود حاجب و نگهبان و دربان اختیار نکند.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر مبنای همین میثاق الهی و کریمانه، «یارانش را در همه شهرها پراکنده می‌کند و به آنان دستور می‌دهد که عدل و احسان را شیوه خود سازند و آنان را فرمان‌روایان اقلیم‌های مختلف می‌گرداند و به آنان فرمان می‌دهد که شهرها را آباد سازند». (۲) امام علیه السلام در حفظ حقوق و کرامت مردم و به ویژه بی‌نویان بسیار کوشا بوده و بر کارگزاران خود در این امر نظارت شدیدی دارد. به تعبیر روایات، «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» بخشنده‌ای است که مال را به وفور می‌بخشد، بر کارگزاران و مسئولان دولت خویش بسیار سخت می‌گیرد و بر بی‌نویان بسیار رئوف و مهربان است» (۳) و به همین دلیل، حاصل چنین سیره الهی و کرامت‌محورانه، تعظیم و تکریم امت اسلامی خواهد بود؛ به فرموده پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم:

ص: ۴۵

۱- همان.

۲- قال الصادق علیه السلام: «یفرق المهدی أصحابه فی جمیع البلدان و یأمرهم بالعدل و الإحسان و یجعلهم حکّاماً فی الأقالیم و یأمرهم بعمران المدن». (نک: تاریخ عصر غیبت، ص ۴۸۳. به نقل از: الامام المهدی، ص ۲۷۱)

۳- قال الصادق علیه السلام: «المهدی سمح بالمال، شدید علی العّمّال، رحیم بالمساکین». (همان، به نقل از: الملاحم و الفتن، ص

(۱۳۷)

يخرج في آخر امتي المهدي، يسقيه الله الغيث و تخرج الأرض نباتها و يعطي المال صحاحا و تكثر الماشيه و تعظم الامه؛ (۱)

در پایان روزگار امت من، مهدی خروج می کند. خداوند در زمان او زمین را با باران رحمتش سیراب می کند، زمین گیاهانش را می رویاند. او ثروت را به طور مساوی بین مردم تقسیم می نماید. در آن زمان چهارپایان در جهان فراوان شود و امت را تکریم نموده و عظمت می بخشد.

بدین ترتیب در دولت کریمه مهدوی، کرامت انسان ها و حقوق بشردوستانه نه تنها محوریت دارد که به عالی ترین حد خود خواهد رسید. گفتاری از امیر مؤمنان علیه السلام بهترین شاهد روایی بر توصیف نوع کرامت بخشی به جامعه انسانی در عصر ظهور است:

سپس به کوفه روی می آورد که قرارگاه و منزل اوست. بردهٔ مسلمان در بندی نمی ماند جز این که او را می خرد و آزاد می سازد و بدهکاری نمی ماند مگر این که دین او را می دهد و مظلومه ای نمی ماند جز این که آن را می پردازد و کشته ای نمی ماند مگر این که دیه او را می دهد... و کشته ای نمی ماند جز این که دین او را می پردازد و خانواده او را تأمین می کند و همه امور را تدبیر و کارها را تنظیم می نماید تا آن جایی که زمین را سرشار از عدل و داد می نماید، همان گونه که به هنگامه ظهور او، از ظلم و جور لب ریز است... (۲)

در چنین وضعیتی که امام علیه السلام به منزله ملجأ و قله کرامت و اکرم الاکرمین عالمیان بوده، «امت اسلامی به سوی او پناه می برند، آن چنان که زنبوران عسل به سوی ملکه خود پناه می برند؛ عدالت را در سراسر گیتی می گسترانند، هم چنان که پر از ستم شده، تا جایی که صفا و صمیمیت صدر اسلام را به آنها باز می گرداند.

ص: ۴۶

۱- امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۷۵۰-۷۵۱. (به نقل از: عقد الدرر، باب ۷، ص ۱۴۴)؛ منتخب الأثر، ص ۴۷۳.

۲- همان، ص ۶۷۱-۶۷۲. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۶؛ معجم احادیث الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشريف ص

«خفته ای را بیهوده بیدار نمی کند و خونی را (به ناحق) نمی ریزد» (۱) و بدین ترتیب «ساکنان آسمان، مردم زمین، پرندگان هوا، درندگان صحرا، و ماهیان دریا همه و همه از او خشنود می شوند». (۲)

۶. برخی مبانی و شاخصه های کرامت محوری جامعه مهدویت

اشاره

کرامت محوری و کرامت خواهی جامعه و دولت کریمه مهدوی دارای الزامات و مقوماتی است که می توان از آنها به مبانی و شاخصه های تحقق کرامت های مزبور نیز یاد کرد. روایات بسیاری نیز بر این الزامات و مقومات شاهدند که به گونه ای موجز برخی از آنها می آید:

یکم. عدالت و نفی تبعیض

تحقق عدالت و استیفای کامل حقوق همگان، از اساسی ترین مبانی و پایه های تأمین کرامت ها و ارزش های الهی و انسانی به شمار می رود. بدیهی است که عدالت به منزله شعار اصلی حکومت عدل گستر مهدوی، ضامن تحقق این کرامت های عالی خواهد بود؛ به فرموده پیامبر اعظم صلی الله علیه و اله و سلم:

...فيملاً الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً يرضى عنه ساكن السماء و ساكن الأرض...؛ (۳)

پس زمین را از عدل و قسط پر می کند، همان گونه که از ستم و جفاکاری پر شده بود. هم ساکنان آسمان و هم ساکنان زمین از او خشنود هستند.

هم چنین امام صادق علیه السلام سوگند یاد می کند که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عدالت را هم چنان که سرما و گرما وارد خانه ها می شود، وارد خانه های مردمان می کند. (۴)

ص: ۴۷

۱- قال النبي صلى الله عليه و اله و سلم: «تأوى إليه أمة كما تأوى النحل إلى يعسوبها يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً، حتى يكون الناس على مثل أمرهم الأول لا يوقظ نائماً و لا يهريق دماً». (منتخب الأثر، ص ۴۷۸)

۲- قال النبي صلى الله عليه و اله و سلم: «يفرح به أهل السماء و أهل الأرض و الطير و الوحوش و الحيتان في البحر». (همان، ص ۴۷۳)

۳- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۱، روایت پانزدهم.

۴- «أما و الله ليدخلن عليهم عدله جوف بيوتهم، كما يدخل الحرّ و القرّ». (همان، ج ۵۲، ص ۳۶۲)

از سویی اعمال عدالت در جامعه مهدوی بدون تبعیض بوده و حتی بدکاران از عدالت و مساوات امام علیه السّلام بهره مند می گردند: امام باقر علیه السّلام، نفی تبعیض پیش گفته را چنین شرح داده است:

...فإنّه یقسم بالسّویة و یعدل فی خلق الرحمان، البرّ منهم و الفاجر؛ (۱)

آن حضرت (اموال را) برابر تقسیم می کند و میان همه مردم چه نیکوکار و چه بدکار، به عدالت رفتار می نماید.

عدالت ورزی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به گونه ای است که در حیطة قضا و قضاوت نیز کرامت قضایی همگان تأمین می شود؛ زیرا امام با استفاده از علم لدنی و برحسب اشراف بر کنه و باطن وقایع، قضاوت می نماید و حتی به طلبیدن گواه شاهدان نیازی ندارد. (۲)

دوم. امنیت و صلح همه جانبه و پایدار

تحقق کامل امنیت و صلح فراگیر، از ویژگی های اساسی عصر ظهور است.

خاستگاه بسیاری از حقوق و ارزش های بشری در کسب امنیت روانی، جانی، مالی و... نهفته و همانند تعامل عدالت و کرامت، میان امنیت واقعی و همه کرامت های عالی، تعاملی مستقیم و دوجانبه وجود دارد؛ زیرا تأمین امنیت به معنای مصونیت بخشی این کرامت ها از هرگونه گزند و آسیب محتمل است. در روایت معروف امام علی علیه السّلام دوره امنیت و صلح فراگیر جامعۀ عادلۀ مهدوی چنین تشریح گردیده است:

اگر به تحقیق، قائم ما قیام کند، به واسطه ولایت و عدالت او، آسمان آن چنان که باید می بارد و زمین نیز رستنی هایش را بیرون می دهد و کینه از دل های بندگان زدوده می شود و میان دد و دام آشتی برقرار می شود؛ به

ص: ۴۸

۱- همان، ج ۵۱، ص ۲۹.

۲- قال الباقر علیه السّلام: یقضی بقضاء داود و سلیمان لا یسأل بینة؛ «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف براساس داوری های حضرت داوود و سلیمان داوری می کند و مطالبه گواه و دلیل نمی کند.» (تاریخ عصر غیبت، ص ۴۴۶)

گونه ای که یک زن میان عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هر جا قدم می گذارد، همه سبزه و رستنی است و بر روی سرش زینت هایش را گذارده و نه ددی او را آزار می دهد و نه می ترساند. (۱)

سوم. فقدان تحمیل عقیده و تکریم اقلیت ها

در دولت کریمه مهدوی، اسلام آیینی برتر و متعالی است که با براهین و استدلال های روشن به جهانیان معرفی می شود اکثر آنان نیز آن را خواهند شناخت و پذیرفت. اگر معاندان و لجاجت پیشگانی هم به این امر تن ندهند و به حق ستیزی ادامه دهند، سرانجام مجبور خواهند شد که براساس جریان جهانی و عالم گیری حق جوینان اسلام، بدین حق گرایش یابند. بدین ترتیب، همان گونه که امام صادق علیه السلام می فرماید: «وقتی قائم آل محمد قیام می کند، مکانی بر روی زمین باقی نمی ماند مگر این که کلمه طیبه "لا إله إلا الله محمد رسول الله" در آن جا به آواز بلند گفته شود». (۲)

از سویی چون بخش اعظم جهانیان با میل و رغبت خود به دین اسلام می گروند، تحمیل عقیده در عصر و دولت کریمه مهدوی از اساس باطل و بی بنیاد است. همان طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم درباره اجماعی بودن پذیرش حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

زمین را همان گونه که از ستم پر شده بود، از عدل سرشار می کند. اهل آسمان ها و اهل زمین و پرندگان آسمان به خلافت او رضایت می دهند. (۳)

البته علاوه بر رضایت همگان از این دولت کریمه و اجماعی بودن مشروعیت آن، عالمیان بنا به روایات پیش آمده، از آن فرح ناک و مسرور خواهند بود؛ زیرا

ص: ۴۹

۱- بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۱۰.

۲- مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار)، ترجمه حسین بن محمد ارومیه ای، ج ۲، ص ۲۲۷. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳، روایت ۸۱)

۳- «یملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً، یرضی بخلافته أهل السموات و أهل الأرض و الطیر فی الجوّ...» (بحار الأنوار، ج ۵۱، باب ۸، ص ۹۱؛ همان، باب ۱۷، ص ۹۵)

محور کار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف-همان طور که از نامشان نیز برمی آید-هدایت جامعه بشری است که بدیهی می نماید اصل و اساس هدایت، بر اقناع می بایستی مبتنی باشد.

بنابر دلالت روایات، حضرت از همان ابتدای ظهور، کتب بدون تحریف زبور، تورات، انجیل و... را نمایان می سازد و بر اساس نسخ اصلی آنها با اهل کتاب محاجه، استدلال و گفت و گو می کند و آن بر آنان حکم می راند تا آن که ایشان به دین اسلام و حکومت جهان شمول مهدوی هدایت گردند. (۱) اوج اکرام و کرامت بخشی امام علیه السلام و دولت ایشان در این است که امام «...بین اهل تورات با تورات و بین اهل انجیل با انجیل و بین اهل زبور با زبور و بین اهل قرآن با قرآن، قضاوت خواهد کرد». (۲) بدین سان اگر اقلیت های دینی محدودی هم در جامعه مهدوی وجود داشته باشند، از تکریم آنها و احترام به عقایدشان کوتاهی نخواهد شد. (۳)

چهارم. رشد عقلانیت، شکوفایی علوم و فن آوری

کمال عقلانیت بشری در دوره ظهور، ضامن تحقق کرامت های عالی الهی و انسانی است. روایات فراوانی بیان گر آن است که عقول مردم در دوره ظهور به بالاترین مرحله کمال خویش می رسد؛ به فرموده امام باقر علیه السلام:

إذا قام قائمنا وضع يده على رؤس العباد فجمع به عقولهم و أكمل به أخلاقهم؛ (۴)

ص: ۵۰

- ۱- برای رؤیت روایت مربوطه نک: مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۸-۲۲۹.
- ۲- قال الباقر عليه السلام: «...و يحكم بين أهل التوراه بالتوراه و بين أهل الإنجيل بالإنجيل و بين أهل الزبور بالزبور و بين أهل القرآن بالقرآن.» (نعمانی، الغیبه، ص ۱۲۵)
- ۳- برای اطلاع بیشتر نک: «اهل کتاب و دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» (قسمت اول)، فصل نامه انتظار موعود، ش ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۸۳؛ همان (قسمت دوم)، ش ۱۵، بهار ۱۳۸۴.
- ۴- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶؛ منتخب الأثر، ص ۴۸۲. گفتنی است که در برخی کتب روایی (کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۵؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۲۵) به جای «أخلاقهم»، «أحلامهم» آورده شده است، یعنی حضرت قائم آرمان ها، آرزوها و فرزانگی آنان را به تمامیت می رساند.

وقتی قائم ما قیام کند، خداوند دست عنایتش را بر سر بندگان می کشد و عقل آنها زیاد می شود و به واسطه این رشد عقلی، اخلاق آنها نیز کامل می گردد.

در عصر مهدوی دانش بشری به دست آوردهایی مافوق تصور می رسد و ۲۵ حرف از ۲۷ حرف کل دانش، کشف و در میان مردم منتشر می شود؛ همان گونه که امام صادق علیه السلام به تفصیل این شکوفایی علوم و بالندگی فن آوری را بیان نموده اند. (۱) بسیار هویداست که در این دوره طلایی معرفت بشری، کرامت ها و ارزش الهی به گونه غریبی بر جوامع انسانی مسلط می گردند و جنبه ملموسی می یابند و این گسترش کرامت ها و حکمت بر جامعه بشری به گونه ای خواهد بود که زنان خانه دار هم حکمت می آموزند و بی نیاز از دیگران براساس احکام الهی و نبوی به قضاوت می پردازند؛ به فرموده امام باقر علیه السلام:

...به مردم زمان قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف آن چنان حکمتی عطا خواهد شد که حتی زنان در کانون خانه خویش براساس کتاب خدا و سنت پیامبرش عادلانه و آگاهانه داوری می کنند و نیازی به دیگری ندارند. (۲)

پنجم. تأمین رفاه، بالندگی اقتصادی و معیشتی

حفظ کرامت های انسانی بدون توجه به رفاه و وضعیت معیشتی مردم در واقع فاقد معنای لازم است و در اسلام توجه به «معاد» و «معاش» باهم دیده شده و همین دو لازم و ملزوم هم دانسته شده اند. این تلازم در عصر ظهور در نهایت کمال محقق می گردد و همه انسان ها و به ویژه مؤمنان از حیث معیشت و رفاه به عالی ترین سطوح ممکن خواهند رسید. توصیف پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم از این وضعیت بدین صورت است:

ص: ۵۱

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶.

۲- «...توتون الحکمه فی زمانه حتّی إنّ المرئه لتتقاضی فی بیتها بکتاب الله تعالی و سنه رسول الله.» (همان، ج ۵۲، ص ۳۵۲)

در آن زمان، امت من چنان از نعمت برخوردار شوند که هرگز امتی آن چنان از نعمت برخوردار نشده باشد؛ سرتاسر زمین محصول دهد و هیچ چیز را از آنان دریغ ندارد، اموال انبوه شود. هر کس نزد مهدی آید و بگوید به من مالی ده او بی درنگ می گوید: بگیر. (۱)

به فرموده امام صادق علیه السلام، حضرت ناچیزترین دیون و طلب های شیعیان را حتی اگر سیر و خشخاش باشد، پرداخت می کند و «در دنیا اعلام می دارد که هر کس طلبی از یکی از شیعیان دارد، بیاید بگیرد». (۲)

در دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رباخواری از بین می رود (۳) و اموال توسط حضرت بدون آن که شمارش شوند، تقسیم می گردند (۴) و تمام معادن و گنج های زیرزمینی در حکومت او آشکار و استخراج می شوند و بر روی زمین مخروبه ای نمی ماند مگر آن که به وسیله آن حضرت آباد شود. (۵) بدین ترتیب، جامعه بشری به استغنائی کامل خواهند رسید و حتی فقیری برای دریافت زکات، صدقات و اعانات یافت نخواهد شد. بخشی از روایات امام صادق علیه السلام در این باره بدین صورت است:

... و زمین خزینه های خود را آشکار می گرداند، به نوعی که خلائق همه آنها را در روی زمین می بینند و مرد در آن وقت کسی را می طلبد برای این که از مالش به او اعطا نماید تا این که صله رحم به جا بیاورد و یا این که از وجه زکات چیزی به او بدهد، چنین کسی که اینها را از او قبول نماید، یافت نمی گردد و خلائق به سبب آن چه خدا از فضل خود به ایشان روزی کرده، مستغنی و بی احتیاج خواهند بود. (۶)

ص: ۵۲

۱- همان، ج ۵۱، ص ۸۸.

۲- مهدی موعود، ترجمه دوانی، ص ۱۱۸۱.

۳- قال الصادق علیه السلام: «و یذهب الربا.» (منتخب الأثر، ص ۴۷۴)

۴- «و یقسم المال و لا یعدّه.» (تاریخ عصر غیبت، ص ۴۳۲، به نقل از: صحیح مسلم بشرح النووی، ج ۱۸، ص ۳۹)

۵- «و تخرج له الكنوز و لا یبقی فی الأرض خراب إلا یعمره.» (منتخب الأثر، ص ۴۸۲)

۶- مهدی موعود، ترجمه ارومیه ای، ج ۲، ص ۲۲۲. (به نقل از: شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۶۳)

از ضمانت‌ها و عوامل تحقق کرامت‌های عالی در دولت کریمه مهدوی آن است که بیماری‌های جسمی و روانی انسان‌ها در این دوره از بین می‌رود و قوای بدنی و روحی مؤمنان به طور شگفت‌آوری نیرومند می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

هنگامی که حضرت قائم قیام کند، خداوند بیماری‌ها را از مؤمنان دور می‌کند و تن درستی را به آنان باز می‌گرداند. (۱)

امام زین العابدین علیه السلام این وضعیت را این‌گونه تشریح می‌نمایند:

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند آفات و بیماری و بلاها را از شیعیان ما دور خواهد کرد و قلب‌های آنان را به مانند پاره‌های آهن خواهد ساخت و قوت و توان مردان ایشان را به اندازه چهل مرد افزون خواهد نمود. در آن هنگام شیعیان حاکمان زمین و سروران آن خواهند گشت. (۲)

کرامت بخشی به مؤمنان در این دوره به جایی خواهد رسید که توانایی‌های شنوایی و بینایی آنها توسعه بی‌بدیل و شگفت‌آوری خواهد یافت؛ آن‌گونه که مؤمنان در شرق و غرب هم دیگر را با وجود اختلاف و بعد مکانی، مشاهده خواهند نمود؛ (۳) و به فرمایش امام صادق علیه السلام:

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند در دستگاه شنوایی و بینایی شیعیان ما گستردگی و کشش ویژه‌ای می‌بخشد تا میان آنها و مهدی ما واسطه و نامه‌رسان یا فاصله‌ای نباشد. (۴)

البته در دولت کریمه، میان برخوردارانی از سطوح عالی ایمانی و کرامت‌های

ص: ۵۳

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۶۴.

۲- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۹۳. (به نقل از: مشکوه الأنوار، ص ۸۰)

۳- نک: بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

۴- مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۰.

اعطایی خداوند متعال، رابطه مستقیمی وجود دارد و این گونه قابلیت ها و استعدادها در مؤمنان واقعی که همان شیعیان هستند، رؤیت پذیر و تحقق یافتنی است.

هفتم. رعایت و محترم شمردن حریم های خصوصی و عمومی

در نظریه ها و مکاتب مردم سالار امروزین، دخالت و تعدی به حریم خصوصی افراد و یا عدم پاسخ به مطالبات در حوزه حقوق عمومی، از نشانه های حکومت های بسته و جامع القوا (توتالیتر) است که خواه ناخواه نتیجه چنین عمل کردی، تضییع و تضییق کرامت ها و حقوق انسان ها خواهد بود. دولت کریمه مهدوی از این قبیل آفات و نقایصی به دور است و در مقابل چنین نظام های سرکوب گری قرار دارد. لذا در این حکومت، هرگونه تجاوز به حقوق عمومی و خصوصی مردم به شدت نفی و با آن مقابله می گردد. برای نمونه در دولت کریمه، حتی اشراف بر منزل دیگران، یا ریزش آب از ناودان منازل به محیط عمومی و یا اشراف مسجد به خانه های مردم و یا ساخته شدن بخشی از یک بنا در راه های عمومی، با برخورد حکومت مواجه خواهد شد و این موارد هرچند با تخریب مسجد برطرف می گردد. روایت امام صادق علیه السلام گواه روشنی بر این کرامت خواهی و دفاع از حقوق خصوصی و عمومی مردم در این دوره آرمانی است:

هنگامی که قائم ما قیام کند، چهار مسجد را در کوفه منهدم می کند و هیچ مسجد مشرفی را نمی گذارد مگر این که کنگره و اشراف آن را خراب نماید و به حال ساده و بدون اشراف گذارد؛ شاه راه ها را توسعه می دهد؛ هر گوشه ای از خانه ها را که در راه عمومی قرار دارد، اصلاح می کند و ناودان هایی را که مشرف به راه مردم است، برمی دارد؛ هر بدعتی را برطرف می سازد و هر سنتی را باقی می گذارد... (۱)

ص: ۵۴

در حدیث مشابه دیگری، امام باقر علیه السلام می فرماید:

و وسَّع الطريق الأعظم، و كسر كلِّ جناح خارج في الطريق، و أبطل الكنف و الميازيب إلى الطرقات...؛ (۱)

راه های اصلی را توسعه می دهد، بالکن هایی که به داخل راه ها آمده از بین می برد، ناودان هایی را که به کوچه ها می ریزد، برمی دارد...

نتیجه

جامعه بشری از دیرباز به کرامت و حقوق انسانی اهمیت می داده است. اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸ میلادی) مبتکر این حقوق نبوده، بلکه ادیان الهی به ویژه اسلام از نخستین مدافعان کرامت انسانی و حقوق بشر دوستانه بوده اند.

امروزه وضع حقوق بشر، به دلایل متعددی از جمله فقدان ضمانت اجرا و کارآیی لازم این گونه اعلامیه ها و میثاق ها و استفاده سیاسی ابزاری از آنها، بحرانی تر و اسف ناک تر گشته و حتی علوم و فنون در خدمت پایمال کردن حقوق انسان ها در ابعاد وسیع و دهشت ناک قرار گرفته اند. هم چنین نگاه قرآنی و روایی به موضوع کرامت انسانی، حاکی از متونی غنی و شواهد بسیار ملموسی در این باره است.

این قراین نشان می دهند که هیچ مکتبی به اندازه اسلام برای انسان و کرامت های وی ارزش و اهمیت قائل نشده است. آیات الهی و روایات معصومان علیهم السلام؛ منشأ و خاست گاه کرامت های انسانی را الهی می دانند و بین این دو تلازم کاملی را برقرار می نمایند.

در مبحث اصلی و تفصیلی مقاله، جایگاه کرامت های انسانی در عصر ظهور تبیین شد و مشخص گردید که زوال این کرامت ها از ملاحم و نشانه های اصلی دوران ماقبل ظهور است. آن گاه با استناد به روایات، امامت شیعی و از جمله امام

ص: ۵۵

۱- ظهور حضرت مهدی، ص ۳۲۵. (به نقل از: شیخ مفید، الإرشاد، ص ۷۶۵)؛ بشاره الاسلام، ص ۲۵۸؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۸۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۹.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مظهر کرامت و سرآمد کریمان دانسته شدند و بر الهی بودن ریشه و خاست گاه کرامت های انسانی در دوره ظهور تأکید گردید. چنان که مستدل گذشت، حتی ادعیه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز سرشار از کرامت محوری و کرامت خواهی است. سپس بیعت نامه امام عصر با یاران خویش به گونه ای استدلالی منشور کرامت مداری و بشردوستی آموزه مهدویت مطرح گردید. آن گاه تشریح گردید که کرامت محوری و کرامت خواهی دولت کریمه مهدوی دارای الزامات و مقوماتی است که می توان آنها را مبانی و شاخصه های تحقق کرامت های مزبور یاد کرد. آن الزامات و مقومات عبارت بودند از:

۱. عدالت و نفی تبعیض؛

۲. امنیت و صلح همه جانبه و پایدار؛

۳. فقدان تحمیل عقیده و تکریم اقلیت ها؛

۴. رشد عقلانیت، شکوفایی علوم و فن آوری؛

۵. کمال قوت و سلامت جسمی و روانی؛

۶. رعایت و محترم شمردن حریم های خصوصی و عمومی.

بدین ترتیب، این نوشتار با پاسخ به پرسش اصلی خویش مدعا و مفروضی چنین را تأیید نمود: کرامت انسانی در اندیشه اسلامی و آموزه و دولت مهدوی خاست گاهی الهی دارد؛ انسان نه بر محور انسان مداری، بلکه بر مدار خدامداری به کرامت و بزرگواری می رسد و میان افزایش تقرّب به درگاه الهی و مماثلت با آن و افزایش کرامت های انسانی رابطه مستقیمی وجود دارد. به همین دلیل، مؤمنان واقعی یعنی شیعیان در دولت مهدوی از بالاترین کرامت ها و تعظیم ها برخوردارند.

ص: ۵۶

در منابع اسلامی، آیات و روایات بسیاری درباره اهمیت دو مقوله اساسی و حیاتی عدالت و امنیت (۱) و جایگاه رفیع آنها در تمام ابعاد زندگی بشری وارد شده است. با نگاهی گذرا به روایاتی که درباره امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و عصر ظهور ایشان وارد شده، به خوبی درک می شود که عدالت و امنیت از برترین و مقدم ترین نعمت ها و دست آوردهای امام موعود به بشر خواهد بود. ذکر این مسئله در روایات، متواتر است. انقلاب مصلحانه حضرت به منظور تکمیل دیانت و رسالت نبوی و امامت اصلاح گرایانه معصومان علیهم السلام، این نهضت را به پایان خواهد برد و

ص: ۵۷

تمام اقوام و ملل و آحاد بشری، بدون هیچ گونه تبعیض و گزینشی، طعم و حلاوت عدالت و امنیت مهدوی را خواهند چشید و اسلام دین فراگیر خواهد شد و در جایگاه عادلانه و بایسته خود خواهد نشست.

در این فصل برای فهم وضعیت و نوع حکومت مهدوی در عصر ظهور و شناخت شاخصه های آن از جمله عدالت و امنیت و تعامل این دو مفهوم، افزون بر تفحص در روایات عصر ظهور، به سیره نظری و عملی پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و معصومان علیهم السیلام و به ویژه امام علی علیه السیلام مراجعه خواهد شد. با توجه به اهمیت این موضوع، نوشتار حاضر تلاش دارد با نیم نگاهی به ماهیت، معانی و منزلت این دو مفهوم در اندیشه اسلامی، جایگاه آنها را نیز در حکومت مهدوی تا اندازه ای روشن سازد.

الف) بی عدالتی و ناامنی از شاخصه های اصلی دوره پیش از ظهور

بررسی زمینه های تاریخی بروز و تثبیت بی عدالتی و ناامنی در جهان اسلام، مسئله مهمی است که باید به ریشه و دلایل اساسی این پدیده اشاره کرد. ظهور اسلام در عصر جاهلی و حرکت عظیم تمدن ساز پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم در طول ۲۳ سال مجاهدت ایشان، به اصلاحات و ترقیات اساسی در عصر و اجتماع آن روز انجامید، ولی متأسفانه در تمام این مدت، عناصر منحط و فرصت طلب و مرتجع با مقاومت فعالانه در برابر این جنبش، به دنبال زنده کردن ریشه های جاهلیت و شرک و اشرافیت پیشین بودند. این باندهای سیاسی-اقتصادی فاسد یا در ساختارهای جدید حل و هضم نشدند و یا این که فریب کارانه خود را جزو گروندگان و مؤمنان به اسلام جای زدند. این حرکت های منافقانه و ریاکارانه، همواره مایه نگرانی پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم بود. با ارتحال آن رهبر الهی، ریشه ها و حرکت های گذشته جاهلی دوباره سر برآورد و انقلاب و نهضت انسان ساز و معنوی نبوی را کند یا منحرف ساخت. برخی نمونه های مهم این انحراف عبارتند از: به شهادت رساندن سه امام نخستین تشیع و بروز فاجعه کربلا که به ترتیب در

سال های ۴۹، ۴۰ و ۶۱ هجری بزرگ ترین خسارت ها را به عالم اسلامی وارد ساخت.

انحراف سیاسی امت اسلامی و عامل اساسی تثبیت بی عدالتی و ناامنی، ماجرای سقیفه در نیمه اول هجری است. در آن جریان برخی پس از تمرد از دستور و نص صریح نبوی مبنی بر اولویت امام علی علیه السلام برای جانشینی، امامت و ولایت در عرصه ظاهری و دنیوی را از امام غصب کردند. پس از آن، با احیای ریشه های ارتجاعی زندگی سیاسی-اجتماعی جاهلی و قبیله ای، روند برگشت به این دوران تیره آغاز و دنبال شد.

تبدیل خلافت به ملوکیت و تبعات منفی بعدی آن، انحراف های برخاسته از قضیه سقیفه را کامل کرد. هم چنین با افزایش گم راهی مردم و هواپرستی و هوس زدگی آنها بر اثر سیاست های وقت خلفا و حاکمان ستم گر، امامان معصوم کم کم یآوری مردمی را از دست داند و در جوّی پر از بی عدالتی و ناامنی و خفقان، در نهایت مظلومیت به شهادت رسیدند. از سوی دیگر، این اوضاع نامساعد به غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف انجامید. تا پیش از آن، سیاست فشار و اختناق، امامان را وادار کرده بود تا فعالیت خود را در نهان دارند و گفتار و کردار خویش را همراه با تقیه، در پوشش کتمان و رمز حفظ کنند.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در چنین فضایی، در نیمه شعبان سال ۲۵۵ قمری به دنیا آمد.

پنج سال از عمر شریف ایشان در زمان حیات پدر بزرگوارش گذشت؛ هنگامی که دستگاه حاکم خلفای عباسی امام حسن عسکری علیه السلام را به زندگی مخفیانه و محتاطانه واداشته بود. در نهایت، به سبب فشارهای مذکور و گم راهی مردم و همراهی نکردن آنها، غیبت صغرا از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ قمری به طول انجامید و امام پس از گذشت تقریباً هفتاد سال از غیبت صغرا، از سال ۳۲۹ تا کنون در غیبت کبرا به سر می برد، تا با اجازه الهی ظهور یابد و زمین را پر از عدل و امان کند.

افزون بر این، خودکامگان با حذف امام علی علیه السلام از صحنه خلافت، زمینه تحریف شریعت اسلامی و مسخ عدالت آرمانی را آغاز کردند. به یقین، می توان خودکامگی و زورمداری را به منزله بزرگ ترین عامل این تحریف و گسترش جو ناامنی فیزیکی و روانی در جهان اسلام به شمار آورد. در واقع، بخش گسترده ای از تاریخ نظام های سیاسی به نظام های خودکامه اختصاص دارد؛ حکومت هایی که شیوه اعمال قدرتشان بر زور و چیرگی خشونت آمیز و اجبار مبتنی بوده و به دلیل بی عدالتی، نامشروع به شمار می رفته اند. چنین حکومت هایی مجبور بوده اند برای مشروع و موجه نشان دادن خود، به تحریف دین، مفهوم عدالت و حذف مصادیق و اسوه های معصومان علیهم السلام بپردازند و عملاً نیز در کار خویش تا پیش از عصر ظهور، به توفیق دست یافتند. اینان به نفع امنیت کاذب در سایه شمشیر، عدالت آرمانی را مسخ کردند و عقب راندند. در سایه چنین خفقانی، ائمه یازده گانه علیهم السلام را به شهادت رساندند و بسیاری از منادیان حق و رهروان آنها را شکنجه، تبعید یا شهید کردند و یا این که با افترا و تهمت و ناسزا آنان را از میدان به در ساختند. (۱)

از سوی دیگر، همواره تهدیدها و حملات پی در پی، از عوامل پدید آورنده ناامنی در جهان اسلام بوده است. اسلام در طول تاریخ، پیوسته در گیر معارضات و مخالفان سرسخت و کینه توز داخلی و خارجی بوده و این درگیری و منازعه از گذشته تاکنون به طور مداوم ادامه داشته است. اساساً موقعیت جغرافیایی جهان اسلام از همان ابتدای ظهور و گسترش، به گونه ای بوده که آن را در معرض تاخت و تازها و حملات پی در پی و سهم گین قرار داده است؛ حملاتی چون تهاجم مغول ها، جنگ های تحمیلی صلیبی، هجوم گسترده و همه جانبه استعمار

ص: ۶۰

۱- هم چنان که درباره سرنوشت این شیعیان در دعای ندبه چنین آمده است: «فقتل من قتل و سبی من سبی و اقصی من اقصی...؛ تا آن که به ظلم ستم کاران امت، گروهی کشته و جمعی اسیر و فرقه ای دور از وطن شدند.»

غربی به جهان اسلام و اشغال مستقیم کشورهای اسلامی (قرن ۱۹ میلادی و ۱۳ هجری)، تثبیت ناامنی، ایجاد رکود اقتصادی - اجتماعی، تخریب بنیان های فرهنگی و اجتماعی و به طور کلی انحطاط داخلی مشرق و جهان اسلام را به دنبال داشته که تأثیرات منفی و عقب نگه دارنده آنها تا به امروز باقی است.

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و معصومان علیهم السلام بروز ناامنی ها، بی عدالتی ها، جنگ ها، هرج و مرج ها و فتنه های فراوان را از ملا-حم و نشانه های ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و ویژگی های عصر غیبت یاد کرده اند. (۱) امام علی علیه السلام در این زمینه فرموده است:

او [حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] خواسته ها را تابع هدایت وحی می کند؛ هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس های خویش قرار می دهند. در حالی که به نام تفسیر، نظریه های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می کنند، او نظریه ها و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد. در آینده، آتش جنگ میان شما افروخته می گردد و جنگ و دندان نشان می دهد. با پستان هایی پر شیر که مکیدن آن شیرین، اما پایانی تلخ و زهر آگین دارد، به سوی شما می آید. آگاه باشید! فردایی که شما را از آن هیچ شناختی نیست، زمام داری حاکمیت پیدا می کند که غیر از خاندان حکومت های امروز است و کارگزاران حکومت ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد. زمین میوه های دل خود را برای او بیرون می ریزد و کلیدهایش را به او می سپارد. او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می نمایاند و کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم را که تا آن روز متروک مانده، زنده می کند. (۲)

هم چنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم در پاسخ این پرسش که چه موقعی قائم شما قیام می کند، فرمود: «زمانی که دنیا را هرج و مرج فرا گیرد.» (۳)

ص: ۶۱

۱- نک: نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، خطبه ۱۳۸.

۲- همان، ص ۱۹۰.

۳- «سئل عن النبی صلی الله علیه و اله و سلم متی یقوم قائمکم، قال صلی الله علیه و اله و سلم إذا صارت الدنيا هرجا و مرجا.» (بحار الأنوار، ج ۳۶، باب ۴۱، ص ۳۲۲، روایت ۱۷۶)

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم در روایت دیگری به شکل مفصل تری ناامنی و بی عدالتی پیش از ظهور را چنین بیان فرموده است:

منا مهدی هذه الامه إذا صارت الدنيا هرجا و مرجا و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و أغار بعضهم على بعض فلا كبير يرحم صغيرا و لا صغير يوقر كبيرا فيبعث الله عند ذلك مهدينا التاسع من صلب الحسين عليه السلام يفتح حصون الضلالة و قلوبا غفلاء يقوم بالدين في آخر الزمان كما قمت به في أول الزمان و يملأ الأرض عدلا كما ملئت جورا؛ (۱)

مهدی این امت از ماست. هنگامی که در دنیا هرج و مرج شود و فتنه ها آشکار گردد و راه زنان بر راه ها بایستند و بعضی از مردم به بعض دیگر تهاجم کنند و بزرگ به کوچک رحم نکند و کوچک تر احترام بزرگ تر را نگه ندارد، در چنین زمانی، مهدی ما که نهمین امام از صلب حسین علیه السلام است، برج و باروهای گمراهی و قلب های قفل شده را فتح می کند و در آخر الزمان برای دین به پا می خیزد، همان طور که من در اول زمان، بدین قیام مبادرت کردم. او زمینی را که از جور پر شده، از عدل و داد، سرشار می سازد.

در همین زمینه، محمد بن مسلم از ابا عبد الله علیه السلام چنین نقل می کند:

به درستی که برای قیام قائم ما- که بر او درود باد- نشانه هایی است که خداوند عز و جل آنها را برای مؤمنان قرار داده است.

او این علامت ها را از امام می پرسد و ایشان نیز با اشاره به آیه ۱۵۵ سوره بقره، می فرماید:

این که خداوند فرموده است: «و قطعاً شما را به چیزی [از قبیل] ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جان ها و محصولات می آزمایشیم و

ص: ۶۲

شکیبایان را مژده ده»، یعنی این که مؤمنان پیش از خروج قائم این گونه آزمایش می شوند. (۱)

شایسته است پیش از این که به وضعیت عدالت و امنیت در عصر حکومت مهدوی اشاره شود، تعاریف این دو مفهوم را بررسی کنیم و جایگاه آنها را در منابع اسلامی بازخوانیم.

(ب) مفهوم و جایگاه عدالت

ابهام در تعریف و معنا از دشواری های بحث مفهوم بنیادی عدالت است. البته این دشواری باعث نشده که مکاتب دینی، سیاسی، اجتماعی و... در ارائه دیدگاه های خود در این باره کوتاهی ورزند. برای مثال، فلسفه و اندیشه سیاسی غرب در این زمینه میراثی غنی دارد. در نظر برخی از اندیشه ورزان این حوزه، تعریف و شمارش همه معانی عدالت وهمی بیش نیست و این مفهوم دچار ابهامی علاج ناشدنی است. (۲) با وجود این، در اندیشه اسلامی کلمه عدل را معمولاً با چند معنا و کاربرد مختلف به کار می برند که برگرفته از قرآن، سنت نبوی و سخنان امام علی علیه السلام است. این معانی عبارتند از: راستی، درستی، داد، موزون بودن، رعایت تساوی و نفی هرگونه تبعیض، قرار دادن و نهادن هرچیز در جای خویش، رعایت حقوق افراد و دادن حق به مقدار، رعایت استحقاق ها در افاضه وجود توسط خدای متعال و...

ص: ۶۳

۱- عن محمد بن مسلم قال، سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول: «إِنَّ لِقِيَامِ الْقَائِمِ عِلَامَاتٌ تَكُونُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لِلْمُؤْمِنِينَ قُلْتُ: "وَمَا هِيَ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ؟" قَالَ: "ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَنَبُلُونَكُمْ - يَعْنِي الْمُؤْمِنِينَ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ - بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْمَأْنُفِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشْرِ الصَّابِرِينَ."» (میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۹۰-۲۹۱، روایت ۱۲۲۸. (به نقل از: تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۳۱۴))

۲ - ed etisrevinu ed noitide, ۰۷۹۱, ۴۱-۲۱.p, dee, nosiar TE ecitsuJ, namlereP miahcC:eeS - sellexurB

هم چنین عدالت در فرقه ها و گرایش های گوناگون در اندیشه سیاسی اسلام مانند فلسفه سیاسی، فقه سیاسی، اندرزنامه نویسی، ادبیات سیاسی، تاریخ و فلسفه اجتماعی تعریف شده است. در آرای همه متفکران این نحله ها و مکاتب، تعابیر متعدد و همانندی از مفهوم عدالت به پیروی از قرآن و سنت، صورت گرفته که بخشی از آنها بدین شرح است:

۱. عدالت، خصیصه ماهوی نظم الهی حاکم در کائنات؛ (۱)

۲. عدالت به معنای «وضع کلّ شیء فی موضعه؛ قرار دادن هر چیز در جای خویش»؛

۳. عدالت به معنای «اعطاء کلّ ذی حقّ حقّه؛ حق را به مقدار رساندن» و ایفای اهلیت و رعایت استحقاق ها و نفی تبعیض و نامترادف با برابری مطلق؛

۴. عدالت به معنای اعتدال گرایی، میانه روی و رعایت ملکات متوسط؛ (۲)

۵. عدالت به معنای تعادل سه قوه در نفس و مدینه و سپردن راه بری نفس و مدینه به خرد و خردمندان؛

۶. عدالت به معنای راستی و راست کرداری و راست کردن؛

۷. عدالت به معنای تناسب و تساوی جرم با مجازات در حوزه قضا؛ (۳)

۸. عدالت به معنای تأمین مصلحت عمومی به بهترین صورت ممکن و اصلی ترین مبنای تأمین عمران و امنیت؛ (۴)

۹. عدالت در مدینه، به معنای تقسیم برابر خیرات مشترک عمومی؛ (۵)

ص: ۶۴

۱- این تعریف از عدالت، در تمام آثار دانش مندان اسلامی آمده است. برای نمونه نک: اندیشه های اهل مدینه فاضله، ص ۲۵۸.

۲- نک: سیاست نامه، ج ۲، ص ۵۷ و ۹۸.

۳- نک: همان، ص ۳.

۴- نک: مقدمه ابن خلدون، ج ۱، ص ۷۱-۷۲ و ۵۳۷-۵۴۳؛ همان، ج ۲، ص ۷۱۱-۷۱۶.

۵- نک: فصول المدنی، فصل ۵۸، ص ۱۴۱-۱۴۲؛ هم چنین نک: اخلاق ناصری، ص ۳۰۱-۳۰۸.

۱۰. عدالت به معنای «حسن در مجموع» و کمال فضایل و جور به معنای «مجموعه و تمام رذایل»؛ (۱)

۱۱. عدالت به معنای تقوای فردی و اجتماعی و هم سازی با نظم الهی حاکم بر طبیعت؛

۱۲. عدالت به معنای انصاف؛ (۲)

۱۳. عدالت به معنای عقد و قرارداد اجتماعی افراد، برای تقسیم کار در زندگی مدنی مبتنی بر شریعت؛ (۳)

۱۴. عدالت به معنای مفهومی هم سان با عقل و خرد عملی؛ (۴)

۱۵. عدالت از دید فقها، به معنای ملكة راسخه ای که باعث ملازمت تقوا در ترك محرمات و انجام دادن واجبات می گردد؛

(۵)

۱۶. عدالت به معنای استقامت در طریق شریعت.

البته برخی از این تعریف ها رواج و اجماع بیشتری دارد. برای مثال، امام علی علیه السلام و بیشتر متفکران اسلامی از گذشته تاکنون، اذعان داشته اند که عدالت به معنای قرار دادن هرچیز در جای خویش و حق را به مقدار رساندن و ایفای اهلیت و رعایت استحقاق هاست. بر مبنای این تعریف، هرچیز باید در جای مناسب خویش قرار گیرد و در جایگاه خود باید به انجام وظیفه ویژه خود پردازد. شاهد این مدعا این که در قرآن بر همین اساس در سوره کهف، از دو باغ سبز و خرم با میوه های فراوان سخن می رود:

ص: ۶۵

۱- نک: همان، ص ۱۳۶.

۲- نک: نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، کلمات قصار، ش ۲۲۳، ص ۱۱۸۸.

۳- نک: الاشارات و التنبیحات، ج ۴، ص ۶۱؛ هم چنین نک: الشفاء و الالهیات، ص ۴۴۱.

۴- نک: نهج البلاغه، حکمت ۲۳۵، ص ۱۷۱.

۵- نک: الاصطلاحات الفقہیہ فی الرسائل العلمیہ، ص ۱۳۹.

هریک از این دو باغ محصول خود را [به موقع] می داد و از [صاحبش] چیزی دریغ نمی ورزید.

یعنی باغ هم در حقیقت عادل است و عدالت یعنی این که در نظام هستی به وظیفه خود عمل می کند. موجودات دیگر نیز همانند این دو باغ بر پایه عدل استوارند. خواهیم دید که در عصر مهدوی، با حکم فرمایی عدالت، زمین و زمان و طبیعت نیز عدالت پیشه می کنند و با عمل به وظایف بایسته خویش، بشر را بیشتر بهره مند خواهند کرد و میوه ها و فایده های پنهان خود را برای بهینه ترین نوع استفاده به بشر تقدیم خواهند نمود.

درباره بیان منزلت عدالت، به دلیل بدیهی و مبرهن بودن شأن والای عدالت، به توضیح فراوان نیازی نیست. تنها ذکر همین نکته بس که مبنا و زیربنای تمامی اصول، در همه اندیشه های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام، عدالت است.

آیات الهی اشاره دارند که پیامبران را با مشعل های هدایت فرستادیم و به آنها کتاب و میزان دادیم تا عدالت را برپا دارند. بنابراین، چه بیانی رساتر از این که قرآن استقرار عدالت و گسترش آن را یکی از دو هدف اساسی و فلسفه بعثت انبیا ذکر کرده (۲) و آن را از صفات الهی و بارزترین خصیصه آفرینش و نیکوترین انسان معرفی کرده است. (۳) هم چنین اساس حکمیت و حکومت در قرآن، ایجاد قسط و عدل در جامعه به شمار می آید. از سوی دیگر، کثرت آیات و روایات درباره عدل و کلمات مترادف و متضاد این واژه، اهمیت جایگاه این مفهوم در

ص: ۶۶

۱- سوره کهف، آیه ۳۳.

۲- لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ؛ «به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند.» (سوره حدید، آیه ۲۵)

۳- نک: سوره شوری، آیه ۱۵؛ سوره مائده، آیه ۸؛ سوره نساء، آیه ۵۸؛ سوره نحل، آیه ۹۰.

آیات مکی و ۵۲۱ مورد آیات مدنی به شمار می روند. (۱) پیوند معنایی ناگسستنی این اصطلاح با کلمه های اسلام، ایمان و مؤمن اهمیت فوق العاده مفهوم امنیت را نشان می دهد. مفهومی که علاوه بر قرآن و روایات، در ادعیه اسلامی و شیعی بسیار دیده می شود.

این مفهوم در منابع اسلامی، عرصه وسیعی دارد و قلمروهای فردی و اجتماعی و زمینه های داخلی و خارجی، فکری و روحی، اخلاقی و اعتقادی، دنیایی و آخرتی را دربر می گیرد و با شاخص های ایجابی و سلبی، از هر دو زاویه تعریف شدنی و دست رس پذیر است. البته این امر نسبی و نه مطلق به شمار می رود و تابع وضع، امکانات و توانایی های هر فرد و جامعه است و نباید آن را تنها به امکانات و تجهیزات نظامی، با اندازه های مادی و فیزیکی یا مقولات اقتصادی و مانند آن تعریف کرد، بلکه مفهومی عمیق تر، ظریف تر و فراگیرتر از موضوعات یاد شده داشته و بر ابعاد روحی، فکری، فرهنگی، اخلاقی، معنوی و اعتقادی و ارزش های الهی نیز انطباق کامل دارد. قرآن و روایات هر گونه امنیتی را سرچشمه یافته از ایمان و اعتقادات معنوی و الهی می دانند و خاستگاه هر گونه ناامنی در هر عرصه ای را بی ایمانی و صفات متقابل ایمان مانند شرک، کفر، ظلم و استکبار یاد کرده اند. هم چنین مؤمن و صفات ایمانی، اصلی ترین خاستگاه صدور کنش های امنیت زاست. می توان گفت که بستر سازی حیات معنوی طیبه و حسنه برای تربیت و تهذیب افراد چه در حوزه رفتارهای فردی و چه در عرصه های اجتماعی و دوری آنها از حیات سیئه و غیر ایمانی، اصلی ترین

ص: ۶۸

۱- برای اطلاع نك: المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم (فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم)، ج ۱، ص ۳۷۲-۳۷۳. کلمه «الأمّن» در مجموع سه بار، دوبار آن در سوره مکی انعام، آیات ۸۱ و ۸۲ و یک بار آن در سوره مدنی نساء آیه ۸۳ به کار رفته، کلمه «أمننا» دوبار یکی در سوره مدنی بقره، آیه ۱۲۵ و دیگری در سوره مدنی نور، آیه ۵۵ استفاده شده و هم چنین واژه «أمنه» دوبار در سوره های مدنی آل عمران، آیه ۱۵۴ و انفال، آیه ۱۱ کاربرد داشته است.

سازوکار تأمین امنیت به شمار می آید. حال، چه در نظام اسلامی باشد، چه در عصر مهدوی و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف. این نظام باید تلاش کند با تشویق حیات مؤمنانه و پشتیبانی از مؤمنان و مقابله با دشمنان جبهه ایمان، امنیت و عدالتی همه جانبه و فراگیر را برای همه شهروندان جامعه اسلامی و حتی غیر مسلمانانی که در پناه آن زندگی می کنند، فراهم آورد. البته این کار باید بدون غفلت از زندگی دنیایی و با تأمین نیازهای این جهانی باشد تا بتواند زمینه ورود سرشار از عافیت و سلامت و ایمن از عذاب را به زندگی آن جهانی و اخروی آماده سازد. بی گمان، حکومت های دنیایی تا پیش از ظهور، به اجرای کامل و بهینه این امور قادر نیستند و این گونه آرمان های عالی الهی و بشری به صورت کامل، تنها در عصر حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد.

آیات بسیاری درباره اهمیت امنیت و جایگاه والای آن در زندگی فردی، اجتماعی و اقتصادی انسان وجود دارد که نمونه هایی از آنها آورده می شود:

۱. قرآن یکی از اهداف برقراری حاکمیت خدا و جانشینی صالحان و طرح کلی امامت را تحقق امنیت معرفی کرده است:

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسَّيَّرْنَا لِلَّذِينَ آمَنُوا مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا؛ (۱)

خداوند به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد، همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند، جانشین [خود] قرار داد و آن دینی را که بر ایشان پسندیده، به سودشان مستقر کند و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند.

ص: ۶۹

علامه طباطبایی رحمه الله درباره این آیه فرموده است:

این آیه وعده جمیل و زیبایی است برای مؤمنان که عمل صالح هم دارند. به آنان وعده می دهد که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می کند و زمین را در اختیارشان می گذارد و دینشان را در زمین متمکن می سازد و امنیت را جای گزین ترسی که داشتند می کند؛ امنیتی که دیگر از منافقان و کید آنان و از کفار و جلوگیری هایشان بیمی نداشته باشند، خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند. (۱)

بدین ترتیب، قرآن به گروهی از مسلمانان که دارای دو صفت ایمان و عمل صالح هستند و به یاری خداوند، حکومت جهانی مستضعفان را تشکیل خواهند داد، امنیت و از میان رفتن همه اسباب ترس و وحشت را نوید داده است.

۲. بنا به آیه وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا، (۲) حضرت ابراهیم هنگام بنا نهادن کعبه، به این نیاز فطری توجه کرد و از خداوند خواست آن سرزمین را از نعمت «امنیت» برخوردار سازد. خداوند نیز بنا به آیه وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ آمِنًا، (۳) آن جا را خانه امنی برای مردم قرار داد.

این ویژگی چنان عزیز است که موجب منت پروردگار بر آدمیان بوده و او را شایسته سپاس بندگی می کند. (۴) پروردگار جهان به همین سرزمین امن، برای بیان کیفیت آفرینش انسان سوگند یاد می کند. (۵) با اجابت دعای حضرت ابراهیم،

ص: ۷۰

۱- تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۲۰۹.

۲- «و یاد کن هنگامی را که ابراهیم گفت: پروردگارا، این شهر را ایمن گردان.» (سوره ابراهیم، آیه ۳۵)

۳- «و چون خانه [کعبه] را محل اجتماع و [جای] امنی قرار دادیم.» (سوره بقره، آیه ۱۲۵)

۴- فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِّنْ جُوعٍ وَ آمَنَهُمْ مِّنْ خَوْفٍ؛ «پس باید خداوند این خانه را پرستید. همان [خدایی] که در گرسنگی غذایشان داد و از بیم [دشمن] آسوده خاطرشان کرد.» (سوره قریش، آیه ۳ و ۴)

۵- وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ * لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛ «و این شهر امن و امان. [که] به راستی انسان را در نیکوترین اعتدال آوردیم.» (سوره تین، آیه ۳ و ۴)

خداوند هم امنیت تکوینی به مکه داد؛ چنان که در طول تاریخ حوادث ناامن کننده کمتر آن جا اتفاق افتاده، و هم به آن جا امنیت تشریحی عطا فرمود؛ زیرا به فرمان الهی همه انسان ها و حتی جانوران در این سرزمین در امن و امان هستند. شکار حیوانات آن جا ممنوع است و حتی تعقیب مجرمانی، که به این حرم و خانه کعبه پناه برند نیز جایز نیست. تنها می توان برای اجرای عدالت در حق چنین مجرمانی، آذوقه را بر آنها بست تا بیرون آیند و تسلیم شوند.

امن دانستن خانه کعبه، در حقیقت اهمیت امنیت را بیان می کند که این بنای بسیار مقدس با آن توصیف شده است. این صفت کعبه در آیات بسیاری وجود دارد؛ هم چنان که در سوره تین، مکه مکرمه و شهر کعبه به «بلد امین» تشبیه شده است. علامه طباطبایی در این باره می فرماید:

مراد از وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ مکه مشرفه است، و بلد امینش خواند، چون امنیت یکی از خواصی است که برای حرم تشریح شده و هیچ جای دیگر دنیا چنین حکمی برایش تشریح نشده، و این حرم سرزمینی است که خانه کعبه در آن واقع است و خدای تعالی درباره آن فرموده: أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا. (۱) و (۲)

۳. در قرآن، شهری که برخوردار از نعمت باشد، سرزمین آرمانی و مثالی معرفی شده است و بنا به آیه وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ، (۳) تحقق نهایی چنین شهری در جایی به جز عصر و حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، محقق نخواهد شد.

۴. یکی از مصداق های مهم واژه هایی مانند «نعمت»، «نعیم» و «برکات» در

ص: ۷۱

۱- «آیا ندیده اند که ما [برای آنان] حرمی امن قرار دادیم.» (سوره عنکبوت، آیه ۶۷)

۲- همان، ج ۲۰، ص ۵۳۹.

۳- «و خدا شهری را مثال زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می رسید.» (سوره نحل، آیه ۱۱۲)

قرآن، امنیت دانسته شده است. برای نمونه، علامه طباطبایی در مورد آیه وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ (۱) به این معنا اشاره کرده و می نویسد:

برکات به معنای هرچیز کثیری از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که غالباً انسان به فقد آنها مورد آزمایش قرار می گیرد. (۲)

هم چنین ایشان در تفسیر آیه وَ اذْكُرُوا لِلّٰهِ عَلَیْكُمْ اِذْ كُنْتُمْ اَعْدَاءً فَاَلْفَ بَیْنَ قُلُوبِكُمْ فَاصْبِرْ بِحُتْمِ بِنِعْمَةِ اِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلٰی شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ فَاَنْقَذَكُمْ مِنْهَا (۳) با بیان وضع ناامنی حاکم بر جامعه جاهلی پیش از اسلام، منظور از نعمت در آیه را چنین برمی شمارد:

منظور از نعمت، مواهب جمیلی است که خدای تعالی در سایه اسلام به آنان داده و حال و روز بعد از اسلام آنها را نسبت به پیش از اسلام بهبود بخشید. در دوران جاهلیت امنیت و سلامتی و ثروت و صفای دل نسبت به یک دیگر و پاکی اعمال نداشتند و در سایه اسلام صاحب همه اینها شدند. (۴)

علامه در تفسیر کلمه «نعیم» در *تَمَّ لَسْتَلْنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیْمِ* (۵) آورده است:

و نیز در مجمع البیان است که بعضی گفته اند: نعیم عبارت است از امنیت و صحت (منقول از مجاهد و عبد الله بن مسعود) و این معنا از امام ابو جعفر و ابو عبد الله علیهما السلام نیز روایت شده است. (۶)

ص: ۷۲

۱- «و اگر مردم شهرها ایمن آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم.» (سوره اعراف، آیه ۹۶)

۲- همان، ج ۸، ص ۲۵۲.

۳- «و نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آن گاه که دشمنان [یک دیگر] بودید. پس میان دل های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرت گاه آتش بودید که شما را از آن رها کنید.» (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳)

۴- همان، ج ۵، ص ۳۷۶.

۵- سوره تکاثر، آیه ۸.

۶- امام باقر و امام صادق علیهما السلام در تفسیر این آیه فرموده اند: «امنیت یکی از نعمت های بزرگ خداوندی است و در برابر این موهبت بزرگ، انسان ها در روز قیامت مورد سؤال قرار خواهند گرفت و باید

ایشان در تفسیر خویش، در تبیین واژه های «حیات حسنه» (۱) و «حیات طیبه» (۲)، یکی از ویژگی های اصلی این نوع زندگی را بهره مندی از نعمت امنیت ذکر می کند؛ هم چنان که یکی از ویژگی های «حیات سیئه» را زندگی در ناامنی می داند. (۳)

۵. «اولوا الالباب» در قرآن، به امنیت و سلامت جاودانی بشارت داده شده اند، به تعبیر علامه مجلسی رحمه الله:

جمله سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ، حکایت کلام ملائکه است که اولوا الالباب را به امنیت و سلامتی جاودانی و سرانجام نیک نوید می دهند؛ سرانجامی که هرگز دست خوش زشتی و مذمت نگردد. (۴)

از سوی دیگر بنا به آیه اَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ، (۵) در روز سرنوشت، وقتی انسان های صالح در بهشت گام می نهند، به آنها نوید امنیت و سلامت می دهند و می گویند: به این باغ ها با سلامت و امنیت وارد شوید.

۶. هنگامی که خانواده حضرت یوسف علیه السّلام وارد مصر شدند، وی از میان تمامی مواهب و نعمت های مصر، به مسئله امنیت اشاره می کند و به پدر و مادر و برادران خودش می گوید:

اَدْخُلُوا مِصْرَ إِِنْ شَاءَ اللَّهُ آمِنِينَ؛ (۶)

ان شاء الله، با[امن و]آمان داخل شهر شوید.

این نشان می دهد، نعمت امنیت ریشه همه نعمت هاست؛ زیرا هرگاه امنیت از

ص: ۷۳

۱- بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۲۱۰.

۲- همان، ج ۷، ص ۴۶۵.

۳- همان.

۴- همان، ج ۱۱، ص ۴۷۵.

۵- سوره حجر، آیه ۴۵.

۶- سوره یوسف، آیه ۹۹.

میان برود، دیگر مسائل دفاعی و مواهب مادی و معنوی نیز به خطر خواهد افتاد.

در محیط ناامن، نه اطاعت خداوند مقدور است، نه زندگی همراه با سربلندی و آسودگی فکر و نه تلاش و کوشش و جهاد برای پیش برد هدف های اجتماعی. (۱)

۷. امنیت بزرگ ترین پاداشی است که در تمیز اهل حق از باطل، به اهل حق اعطا می شود؛ همان گونه که قرآن می فرماید:

فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ؛ (۲)

کدام یک از [ما] دو دسته به ایمنی سزاوارتر است؟

در سخنان و روایات معصومان علیهم السلام نیز مطالب فراوانی درباره اهمیت و ضرورت امنیت وارد شده است که برای نمونه، تنها مواردی از آنها ذکر می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم می فرمایند:

من أصبح معافی فی بدنه آمنا فی سر به عنده قوت یومه فکأئما خیرت له الدنیا بحذافیرها؛ (۳)

هر که تنش سالم و در جامعه خویش ایمن است و قوت روز خویش دارد، جهان سراسر مال اوست.

ایشان هم چنین فرموده است:

الأمن و العافیة نعمتان مغبون فیها کثیر من الناس؛ (۴)

امنیت و سلامت دو نعمت است که بسیاری از مردم در آن مغبونند.

امام صادق علیه السلام زندگی بدون امنیت را ناقص و ناگوار شمرده و فرموده است:

ص: ۷۴

۱- نک: تفسیر نمونه، ج ۱۰، ص ۸۴.

۲- سوره انعام، آیه ۸۱.

۳- نهج الفصاحه، ص ۵۹.

۴- همان.

خمس خصال من فقد منهم واحد لم يزل ناقص العيش، زایل العقل، مشغول القلب: فأولها صحه البدن و الثانيه الأمن و...؛ (۱)

پنج چیز است که حتی اگر یکی از آنها برقرار نباشد، زندگی ناقص و ناگوار است، عقل نابود می شود و مایه دل مشغولی می گردد؛ نخستین این پنج چیز، سلامت و دومین آن امنیت است و...

در روایتی دیگر، امنیت، عدالت و فراوانی، سه نیاز اساسی مردم به شمار آمده است:

ثلاثة أشياء يحتاج الناس طرًا إليها: الأمن، و العدل و الخصب؛ (۲)

سه چیز است که همه مردم به آن نیاز دارند: امنیت، عدالت و فراوانی.

امام علی علیه السلام در بحث از اهداف عالی حکومت، یکی از دلایل پذیرش حکومت را تأمین امنیت برای بندگان مظلوم و محروم و پشتیبانی از آنها می شمارد.

هم چنین در بیان نقش و اهمیت امنیت می فرماید: «رفاهیه العیش فی الأمن؛ (۳) رفاه زندگانی در امنیت است.» و «لا نعمه أهنأ من الأمن؛ (۴) هیچ نعمتی گواراتر از امنیت نیست.»

د) عدالت، خاستگاه و بستر امنیت

اصولاً در چگونگی فهم وضعیت و نوع حکومت مهدوی، در عصر ظهور و شاخصه های آن مانند عدالت و امنیت، دو راه می توان در پیش گرفت: نخست، تفحص در روایات عصر ظهور و راه دوم مراجعه به سیره نظری و عملی پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و دیگر معصومان علیهم السلام به ویژه امام علی علیه السلام.

ص: ۷۵

۱- بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۱۷۱، روایت یکم.

۲- تحف العقول، ص ۳۳۴.

۳- شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۱۰۰.

۴- همان، ج ۶، ص ۴۳۵.

روشن است که معصومان علیهم السّلام، همه در سیره و سنت یک شیوه دارند؛ زیرا همه از نوری یکتا آفریده شده و ترجمان وحی هستند. از سویی، حکومت آرمانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در واقع، ادامه تلاش های اصلاح طلبانه امامان معصوم علیهم السّلام به ویژه برای به ثمر نشاندن حکومت نافرجام امام علی علیه السّلام است که به دلیل فشار خودکامگان مسلط، و هواپرستی و گمراهی مردم ادامه نیافت. از سوی دیگر، مراجعه به سیره و سنت سیاسی-اجتماعی دیگر معصومان علیهم السّلام به ویژه سیره علوی، رافع پاره ای از ابهام ها و کمبودهایی است که امروزه در فهم دقیق وضعیت عصر ظهور با آنها مواجه هستیم. به همین دلیل، در این گفتار ابتدا برای فهم ارتباط عدالت مهدوی و امنیت به سیره دیگر معصومان علیهم السّلام رجوع می کنیم.

حضرت علی علیه السّلام، عدالت را رمز بقا، استحکام و ترقی نظام سیاسی و ضامن ثبات و امنیت واقعی و منافی خشونت به شمار می آورد. امام، عدل را «رستگاری و کرامت»، «برترین فضایل»، «بهترین خصلت»، «بالا-ترین موهبت الهی» (۱)، «فضیلت سلطان»، «سپر و نگه دارنده دولت ها»، «مایه اصلاح رعیت»، «باعث افزایش برکات»، «مایه حیات آدمی و حیات احکام» و «مأنوس خلاق» ذکر می کند. ایشان حکومت را به «عدالت گستری» مشروط دانسته، نظام آمریت را بر «عدل» مبتنی می داند. از این دیدگاه «ملاک حکم رانی و قوی ترین بنیان، عدل است»؛ بنیانی که «قوام عالم به آن مبتنی است». (۲)

ص: ۷۶

-
- ۱- «العدل فوز و کرامه»، «الإنصاف أفضل الفضائل». (بقا و زوال در کلمات سیاسی امیر مؤمنان علیه السّلام، ص ۹۷)؛ «العدل أفضل سجه». (همان، ص ۱۰۰)؛ «الإنصاف أفضل الشیم». (همان، ص ۹۷)؛ «أسنى المواهب العدل». (همان، ص ۱۱۲)
 - ۲- «العدل فضیله السلطان»، «العدل جنّه الدول»، «العدل يصلح الرعیه»، «العدل مألوف»، «العدل تحکم»، «العدل نظام الأمر»، «بالعدل تتضاعف البرکات»، «العدل حیاه»، «العدل حیاه الأحکام»، «ملاک السیاسه العدل»، «العدل أقوى أساس». و «العدل أساس به قوام العالم». (میزان الحکمه، باب العدل، ص ۷۸-۹۰)

علی علیه السلام هیچ وقت برای حفظ امنیت و نظام سیاسی، از عدالت به نفع امنیت عقب ننشست، بلکه برعکس، رعایت عدالت را ضامن امنیت، حفظ نظام، مایه روشنی چشم زمام داران و نفوذ محبت آنان در دل مردم می داند. امام علیه السلام در نامه به مالک اشتر می فرماید:

إِنَّ أَفْضَلَ قَرَّةِ عَيْنِ الْوَلَاةِ اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ وَظُهُورُ مَوَدَّةِ الرَّعِيَّةِ وَ إِنَّهُ تَظْهَرُ مَوَدَّتَهُمْ إِلَّا بِسَلَامَةٍ صَدُورِهِمْ؛ (۱)

تحقیقا بهترین چیز (نور چشم) برای حاکمان، اقامه عدالت و استقرار عدالت در سطح کشور و جذب قلوب ملت است و این حاصل نشود مگر به سلامت سینه هایشان [خالی بودن از کینه و بغض حاکمان].

پس اگر زمام داران عادل پیشه باشند، قلب ها به سوی آنان جذب می گردد و عقده ها از دل ها بیرون می رود. این خود تضمین کننده استحکام ارکان دولت و پیوند محکم آن با ملت است. عدل محوری نظام سیاسی، باعث می شود مردم برای رسیدن به آرمان ها و خواسته های خود راه های منطقی را برگزینند. در غیر این صورت، نومییدی از عدالت، انسان ها را به نیرنگ، سوء استفاده، خلاف کاری، تضعیف اخلاق عمومی و از هم پاشیدگی اجتماعی خواهد کشانید که خواه ناخواه، نتیجه آن ناپایداری امنیت و ثبات سیاسی نظام حاکمه و دولت است.

از دید امام علی علیه السلام، رهبران و کارگزاران نظام اسلامی با رعایت عدالت در سطوح مختلف سامانه سیاسی، نتایج مثبت فراوانی را به بار می آورند. این آثار برای شخص رهبران عبارتند از: استقلال و توان، نفوذ حکم، ارزش مندی و بزرگ مقداری، بی نیازی از یاران و اطرافیان، مورد ستایش قرار گرفتن زمان حکم رانی آنها و بالا رفتن شأن، عظمت و عزت ایشان.

(۲)

ص: ۷۷

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۹۸۸.

۲- «من عدل تمکن». (شرح غرر الحکم، ج ۵، ص ۲۷۵)؛ «من عدل عظم قدره». (همان، ص ۱۹۳)؛ «من

به اعتقاد امام علی علیه السّلام، «هیچ چیزی مانند عدالت، دولت ها را محافظت نمی کند» ۱ و عدل چنان سپر محکمی است که رعایت آن، موجب تداوم قدرت و اقتدار نظام سیاسی می گردد.

مهم ترین و فراگیرترین اثر عدالت در سازندگی و اصلاح جامعه است؛ زیرا «عدل، انتظام امور مردم و جامعه را سبب می شود» و «هیچ چیز به اندازه عدالت نمی تواند مردم را اصلاح کند»، اجرای عدالت «مخالفت ها را از بین می برد و دوستی و محبت ایجاد می کند» ۲ و در عمران و آبادانی کشور (توسعه اقتصادی - صنعتی) تأثیر بسزایی دارد. ۳ اگر عدالت در جامعه اجرا نشود، ظلم و ستم جای آن را خواهد گرفت و ظلم جز آوارگی و بدبختی و در نهایت، خشونت اثری نخواهد داشت. حضرت به یکی از والیان خود می فرماید:

استعمل العدل، و احذر العسف و الحيف، فإنّ العسف يدعو بالجلأ، و الحيف يدعو إلى السيف؛ ۴

به عدالت کار کن و از ستم و بیداد پرهیز که ستم، رعیت را به آوارگی وامی دارد و بی دادگری شمشیر در میان آورد.

از این سخنان نتیجه گرفته می شود که از دیدگاه امام علی علیه السّلام، عدالت ورزی

زمام داران باعث برچیده شدن خشونت گرایی و شورش مردم علیه حکومت می گردد و اطمینان، آرامش و محبت به نظام سیاسی، به جای احساس نومیدی و سرخوردگی و تنفر از حکومت، در دل ایشان جای می گیرد. با افزایش محبت و وفاداری مردم به نظام، تشمت، تفرقه، ناامنی و ناپایداری، به وحدت عمومی، امنیت و ثبات واقعی تغییر جهت خواهد داد. همین معانی در سخنان دیگر معصومان نیز آمده است. حضرت فاطمه علیها السلام در خطبه فدک می فرماید:

خدای سبحان، ایمان و اعتقاد به توحید را برای پاکیزه نگه داشتن از آلودگی و شرک واجب کرد و عدالت را برای تأمین اطمینان و آرامش دل ها لازم نمود؛ اطاعت مردم از حکومت را مایه انتظام ملت قرار داد و با امامت و رهبری، تفرقه آنها را رفع کرد و نیز عدالت در احکام را برای تأمین انس و هم بستگی و پرهیز از اختلاف و تفرقه قرار داد. (۱)

هم چنان که امام سجاد علیه السلام به والی و سلطان می فرماید:

حق مردم بر تو آن است که بدانی ایشان به دلیل ضعف خود و قوت تو زیر فرمان روایی و رهبری تو قرار گرفته اند. پس واجب است که با آنها عدالت پیشه کنی و برایشان همانند پدری مهربان باشی و از نادانی هایشان گذشت نمایی و در عقوبت و مجازاتشان عجله نکنی و ضروری است درباره نیروی فرادستی خود نسبت به آنان، که عطیه الهی است، شکر خدا را به جای آوری. (۲)

از سوی دیگر در روایات، استبداد، سرکوب گری و خود کامگی، منشأ ناامنی و بروز شورش و بی ثباتی سیاسی و اجتماعی و از میان رفتن حکومت به شمار آمده است. از این رو، برای اعمال بهینه قدرت سیاسی و دست یابی به آرمان های والای حکومت مانند امنیت، برخورد دوستانه و مودت آمیز، بدون کاربرد خشونت

ص: ۷۹

۱- نک: «اجرای عدالت، مهم ترین عامل بقای نظام»، روزنامه جمهوری اسلامی، ش ۳۰۸۲، ۲۳ دی ۱۳۶۸.

۲- همان.

و سرکوب گری مردم، توصیه شده است. بنابراین، با نهی شدید استبداد و زوری، بر رعایت عدالت در حقوق متقابل مردم و حکومت پافشاری گردیده است. اگر عدالت متعامل با امنیت به شمار آید، بدیهی است ظلم نیز مقارن با ناامنی و بی ثباتی خواهد بود. امام علی علیه السلام، یکی از نشانه های ظلم را سرکوب کردن (تغلب) زیردستان می داند و چیرگی فرد بر فرودستان را از نشانه های ستم گری می داند. (۱)

امام علی علیه السلام در بسیاری از سخنانش، استبداد، خودکامگی و خشونت کارگزاران نظام سیاسی با مردم را به شدت نهی کرده و برخورد ملاطفت آمیز و عادلانه با آنها را سفارش فراوان فرموده است. ایشان این شیوه را عامل بقا و ماندگاری حکومت و نومیذی دشمنان می داند و حقوق میان حکومت و مردم را دوسویه دانسته، این حقوق و رعایت آن را مایه انتظام در روابط مردم و عزت دین آنان به شمار می آورد. آن حضرت صلاح مردم را در صلاحیت حکومت ها و صلاح حکومت ها را در استواری و استقامت مردم می داند. (۲)

روشن است که دست آورد چنین امامت و حکومتی، چه در عصر علوی و چه در عصر مهدوی، عدالت و امنیت و حیات طیبه و کامل است و با ظلم، تغلب (چیرگی و سرکوب) و هم چنین اعمال خشونت منافات دارد.

ه) عدالت و امنیت، دست آورد فراگیر حکومت مهدوی

بنابر روایات، بشر در دوران حیات زمینی خود، تا قیام قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف، اسیر پراکندگی، دشمنی و جنگ خواهد بود. این دوران پراکندگی، نابرابری و ناامنی، با ظهور مهدی موعود و طلوع خورشید عدالت و امنیت، فرجامی خوش خواهد یافت. بنابر آیه ۵۵ سوره نور، پارسایان، به رهبری امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خلیفه خدا

ص: ۸۰

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۴۲، ص ۱۲۵۱.

۲- همان، خطبه ۲۰۷، ص ۶۸۱.

می شوند و دین حاکم می گردد. در این صورت، بنا به وعده الهی، امنیت جای ترس را می گیرد و بندگان خدا به خشنودی و خوش بختی حقیقی دست خواهند یافت. اثر این عدالت و امنیت فراگیر، چنان است که طبیعت نیز بر سر مهر خواهد آمد و همه گنج های خود را برای انسان رو خواهد کرد.

با این که اخبار و روایات بیان گر هرج و مرج و چیرگی بی عدالتی و ناامنی در عصر پیش از ظهور است، به نظر می رسد این وضعیت به صورت مطلق در همه جهان حاکم نباشد. بنابراین، این باور انحرافی که برای شتاب بخشیدن به ظهور حضرت، به افزایش فساد و ناامنی باید کمک کرد، کاملاً مردود و مخالف اسلام است؛ مگر نه این که خود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، حضور خود را در عصر غیبت به خورشید پشت ابر تشبیه می کند، (۱) یا در روایتی دیگر می فرماید:

إِنِّي أمان لأهل الأرض كما أن النجوم أمان لأهل السماء؛ (۲)

به درستی که من مایه امان اهل زمین هستم؛ هم چنان که ستارگان مایه امنیت اهل آسمان ها هستند.

ده ها روایت از پیامبر و امامان وارد شده که خود و اهل بیت را مایه امان ساکنان زمین به شمار آورده اند. (۳) حضور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف چه به صورت غایب و چه به صورت ظاهر و در زمان قیام، مایه بارش فیض و نعمات الهی به سوی مردم است. به طور طبیعی، این جریان در دوره حکومت مهدوی به کمال خود خواهد رسید و همه موانع موجود بر سر اتصال فیض میان خداوند و مردم، از طریق امام برطرف خواهد شد. البته آن هنگام، مردم این واسطه خیر و نعمت نامرئی را آشکارا خواهند دید و لمس خواهند کرد.

ص: ۸۱

۱- «و أما وجه الانتفاع بي في غيبتي فكالاتنتفاع بالشمس إذا غيبتها عن الأبصار السحاب.» (بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۹۲)

۲- همان، ج ۷۸، باب ۳۰، ص ۳۸۰، روایت یکم.

۳- قال رسول الله صَلَّى الله عليه و اله و سلم: «و أهل بيتي أمان لأهل الأرض.» (همان، ج ۲۳، باب ۱، ص ۳۷، روایت ۶۴)

همه امامان شیعه در زمان خود واسطه فیض بوده اند، اما مع الأسف به دلیل اختناق زمانه و سرکوب خود کامگان چیره از یک سو و هواپرستی و گمراهی مردم از سوی دیگر، نتوانستند بشر را به کمال و غایت تکامل الهی و انسانی خویش رهنمون سازند. بنابراین، میان امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و دیگر امامان معصوم در این زمینه تفاوتی نیست، ولی به خواست خداوند، امام موعود کسی است که رسالت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم و طرح اصلاحی دیگر معصومان در اکمال دین و دست یابی به عدالت و امنیت و دیگر فضایل را به نتیجه نهایی می رساند. روایات اثبات گر این مدعا فراوانند. برای نمونه، امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

ما امام مسلمانان و براهین الهی بر جهانیان و سرور مؤمنانیم؛ ما رهبر شریف ترین مسلمانان و... مایه امان ساکنان زمین هستیم؛ همان گونه که ستارگان مایه امان و حفظ آسمان ها هستند. ما کسانی هستیم که خداوند به واسطه ما آسمان را از سقوط به روی زمین نگه داشته است و این به اجازه خداوند بستگی دارد. خداوند توسط ما زمین را از این که اهلش را نابود کند، نگه داشته است و به واسطه ما باران می فرستد و رحمت خویش را بر مردم می گستراند و به واسطه ما برکات زمین خارج و ظاهر می شود و اگر ما بر روی کره خاکی نبودیم، زمین اهل خود را فرومی برد. (۱)

امامان پاک ما به دلیل جو اختناق حاکم بر زمان خویش، آرمان های خود را در دوره قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جست و جو می کردند؛ همان چنان که امام علی علیه السلام درباره عدالت گستری و ایمنی عصر ظهور و سرشاری آن دوره از عدالت و امنیت و دیگر برکت ها می فرمایند:

و لو قد قام قائمنا لأنزلت السماء قطرها و لأخرجت الأرض نباتها و لذهبت الشحناء من قلوب العباد و اصطلحت السباع و البهائم حتى تمشي المرثه بين

ص: ۸۲

العراق إلى الشام لا تضع قدميها إلا على النبات و على رأسها زينتها، و لا يهيجها سبع و لا تخافه؛ (١)

هنگامی که، قائم ما قیام کند، به واسطه ولایت و عدالت او، آسمان آن چنان که باید ببارد، می بارد و زمین نیز رستنی هایش را بیرون می دهد و کینه از دل های بندگان زدوده می شود و میان درندگان و چرندگان آشتی برقرار می گردد؛ به گونه ای که زنی میان عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هر جا قدم می گذارد، همه سبزه و رستنی است و زینت هایش را بر روی سرش گذارده و درنده ای او را نمی آزارد و نمی ترساند.

روایات از این دست فراوانند که در ذیل به چند نمونه از آنها که از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم نقل شده اشاره می کنیم:

مردی از اهل بیت من خروج خواهد کرد و به سنت من عمل می کند و خداوند برای او از آسمان برکاتش را فرو می فرستد و زمین برکت هایش را خارج می سازد. به واسطه وی، زمین همان گونه که از ستم و جفاکاری پر شده، از برابری و داد سرشار می شود... (٢)

اگر از عمر دنیا تنها یک شب باقی مانده باشد، خداوند آن شب را به اندازه ای طول خواهد داد تا مردی از اهل بیت من به حکومت برسد... او زمین را از قسط و عدل پر می کند، همان گونه که پیش از آن از ستم و جفاکاری پر شده بود. وی خواسته و مال را برابر پخش می کند و خداوند در آن هنگام بی نیازی را در دل های این امت قرار می دهد... (٣)

از این دسته روایت ها، به خوبی فهمیده می شود که در حکومت جهان شمول

ص: ٨٣

-
- ١- همان، ج ١٠، ص ١٠٤؛ تحف العقول، ص ١١٠. (در نسخه تحف العقول حدیث این گونه روایت شده که این زن زنبیل را بر روی سرش قرار داده است.)
 - ٢- بحار الأنوار، ج ٥١، ص ٨٢، روایت ٢٥.
 - ٣- همان، ص ٨٤، روایت ٣٥.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، عدالت و امنیتی فراگیر در همه جای دنیا برقرار می شود و تنها مسلمانان از این فیض و رحمت خداوندی بهره مند نمی شوند، بلکه این بهره مندی به همه ساکنان زمین می رسد؛ زیرا در سراسر گیتی، «گنج ها بیرون آورده خواهد شد و شهرها و روستاهای شرک فتح می شود.» (۱) در چنین حکومتی، عدالت و امنیت و همه بهره های آسمان و زمین، بی تبعیض، نصیب همگان خواهد گردید؛ هم چنان که امام حسین علیه السلام در بیان مهمی می فرماید:

...إذا قام القائم العدل وسع عدله البرّ و الفاجر؛ (۲)

هنگامی که برپا دارنده عدل قیام کند، گستردگی عدلش نیکوکار و فاجر را دربر می گیرد.

بهره حکومت جهان شمول و عدالت گستر و امنیت محور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، نه تنها شامل مسلمانان و غیر مسلمانان و اقلیت های گوناگون می شود، بلکه حتی بدکاران را هم دربر می گیرد. البته از روایات چنین برمی آید که حسنات و جاذبه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نهضت عدالت گستر او باعث جهان شمولی دیانت اسلام و اصلاح بدکاران و روی آوردن تمام مردم جهان به اسلام خواهد شد. روایت امام صادق علیه السلام بر این مدعا گواه است. از ایشان درباره تفسیر آیه وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا وَ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ (۳) پرسیدند. امام علیه السلام فرمودند که این آیه درباره زمان قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است که در آن هنگام بر کره خاکی، جایی نمی ماند مگر آن که در آن ندای شهادتین (لا إله إلا الله و محمد رسول الله) بشنوند. (۴)

ص: ۸۴

۱- قال رسول الله صلى الله عليه و اله و سلم: «المهدى من ولدى... يستخرج الكنوز و يفتح مدائن الشرك.» (همان، باب ۱۸، ص

۹۶)

۲- همان، ج ۲۷، باب ۴، ص ۹۰، روایت ۲۴.

۳- «و هر که در آسمان ها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است و به سوی او بازگردانیده می شوند.» (سوره

آل عمران، آیه ۸۳)

۴- «إذا قام القائم لا يبقى أرض إلا نودى فيها بشهادة أن لا إله إلا الله و أنّ محمدا رسول الله.» (میزان الحکمه،

از سویی، با توجه به این که در طول تاریخ، بسیاری از بی عدالتی ها و خون ریزی ها و ناامنی ها متوجه شیعیان بوده، دوران امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف، عصر قدرت و ایمنی و رفع بلا و مصائب از شیعیان است؛ توان دفاعی آنها بسیار بالا می رود و حکومت زمین و سروری آن به ایشان خواهد رسید. امام زین العابدین علیه السلام در این باره فرموده است:

إذا قام قائمنا أذهب الله عن شيعتنا العاهه، و جعل قلوبهم كزبر الحديد و جعل قوه الرجل منهم قوه أربعين رجلا و يكونون حكام الأرض و سنامها؛ ۱

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند آفات و بیماری و بلایا را از شیعیان ما دور می سازد و قلب های آنان را به مانند پاره های آهن می گرداند و قوت و توان مردان ایشان را به اندازه چهل مرد افزون می کند. در آن هنگام شیعیان حاکمان زمین و سروران آن خواهند گشت.

با وجود این، در عصر حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، همه مردم از امنیت و عدالت فراگیری برخوردار خواهند بود و عدالت در بیشترین حد و به صورت کامل و تمام اجرا می شود. در آن هنگام استیفای حقوق به صورت قطعی صورت خواهد گرفت و در قضاوت ها و محاکم، دیگر امکان هیچ خطا و اشتباهی نخواهد بود؛ زیرا امام علیه السلام خود میان مردم زندگی می کند و بر آنها حکومت و قضاوت خواهد کرد؛ قضاوتی که بدون نیاز به بینه و اماره صورت می گیرد. این حکومت و قضاوت به الهام الهی تکیه دارد و بر همین مبنا بر علم امام متکی است. امام علیه السلام از مردم درخواست بینه و شاهد نمی کند و به مانند داوود و سلیمان حکم واحدی می کند. ۲ بر همین مبنا، عدالت و ادای حقوق به صاحبان آن به شکل قطعی و

کامل صورت می پذیرد و کاملاً و بدون هیچ شبهه و خطایی انجام می گردد.

از دیگر نشانه ها و شاخصه های مهدوی که موجب پدید آمدن امنیت، آرامش و ثبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می گردد، تقسیم درست و برابر و مبتنی بر استحقاق بیت المال و اموال مشترک عمومی است، هم چنان که امام باقر علیه السلام می فرماید:

إذا قام قائم أهل البيت قسّم بالسوية و عدل في الرعيه فمن أطاعه فقد أطاع الله و من عصاه فقد عصى الله؛ (۱)

وقتی قائم اهل بیت قیام کند، [بیت المال را] با مساوات تقسیم می کند و به شهروندان عدل می ورزد. پس هر کس او را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده و سرکشی از او همانند سرکشی از خداست.

نکته بسیار مهم در مبحث حکومت عدالت محور و امنیت گستر مهدوی این که حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فاتح شهرهای شرک هستند و حتی چهره ترسیمی ایشان در روایات و هنگام قیام به گونه ای است که همواره شمشیر بر دوش دارند، اما در حقیقت، قیام امام، نظامی و میلیتاریستی و متکی بر اجبار و سرکوب نیست.

بنابراین، نباید امنیت و عدالتی کاذب و در سایه شمشیر برقرار شود. قیام مصلحانه یاد شده، نهضتی ایمانی، اسلامی و انسانی برای رهانیدن همه بشر از زنجیرهای نفسانی، موانع و بندهای بی شماری است که طاغوتیان بر دست و پای انسان ها زده اند و بشر را از کمال واداشته اند و یا به پس رفت و قهقرا کشانده اند.

حرکت امیدبخش و زنده کننده حضرت که با پرچم ایمان و عدالت صورت می پذیرد، در نهایت مشروعیت و رضایت عمومی صورت می گیرد و با پذیرش همگانی همه ساکنان زمین و آسمان و حتی حیوانات و جنبندگان عالم هستی

ص: ۸۶

۱- همان، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۵۰، روایت ۱۰۳؛ هم چنین نک: همان، ج ۵۱، ص ۸۱، روایت پانزدهم.

تحقق می یابد و همه با مباحثات و خشنودی به آن تن می دهند. در این میان، فرقی میان دین ها، نژادها، قومیت ها و هویت های گوناگون مردم گیتی نیست؛ زیرا نهضت مهدوی، حرکتی جهان گستر و عالم شمول برای نجات و رستگاری بشر است.

عدالت گستری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خود زمینه های تقویت و پایداری مشروعیت حکومت ایشان و جذب دل های بیشتر مردم را به دنبال خواهد داشت.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم درباره اجماعی بودن پذیرش حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

...فيملاً الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً يرضى عنه ساكن السماء و ساكن الأرض...؛ (۱)

...پس زمین را از عدل و قسط پر می کند؛ همان گونه که از ستم و جفاکاری پر شده بود. هم ساکنان آسمان و هم ساکنان زمین از او خشنود هستند....

...فيملاً الأرض عدلاً كما ملئت جوراً يرضى بخلافته أهل السموات و أهل الأرض و الطير في الجوّ...؛ (۲)

زمین را همان گونه که از ستم پر شده بود، از عدل سرشار می کند. اهل آسمان ها و اهل زمین و پرندگان آسمان به خلافت او رضایت می دهند.

از دیگر ویژگی های عدالت مهدوی و جهان شمولی بدون تبعیض حرکت مصلحانه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، این است که ایشان اصحاب خود را با هدایت الهی و بر اساس لیاقت و شایستگی، نه از یک جای خاص بلکه از کشورها و شهرهای گوناگون برمی گزینند. حرکت امام ویژه ناحیه یا کشور خاصی نیست، بلکه به همه جهانیان متعلق است تا آنان اسلام را با آغوش باز و خشنودی بپذیرند و

ص: ۸۷

۱- همان.

۲- همان، باب ۸، ص ۹۱؛ همان، باب ۱۷، ص ۹۵.

دستورهای آن را سرمشق زندگی رستگاران خود قرار دهند.

پیامبر گرامی اسلام درباره عدالت گستری و هم چنین اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده است:

مهدیّ یحکم بالعدل و یأمر به یصدّق الله عزّ و جلّ و یصدّقه الله فی قوله یخرج من تهامه حین تظهر الدلائل و العلامات و له کنوز لا- ذهب و لا- فضّه إلاّ- خیول مطهّمه و رجال مسوّمه یجمع الله له من أقاصی البلاد علی عدّه أهل بدر ثلاث مئه و ثلاثه عشر رجلا معه صحیفه مختومه فیها عدد أصحابه بأسمائهم و بلدانهم و طبایعهم و حلاهم و کناهم کدادون مجّدون فی طاعته؛

(۱)

مهدی به عدالت حکم و به آن امر می کند. خداوند عز و جل، او و کلامش را تصدیق می فرماید و هنگامی که نشانه و علامت ها آشکار می شوند، از مکه خروج می کند. وی دارای گنج هایی از طلا و نقره نیست، بلکه گنج های او اسب های خوش اندام و نیکو منظر و مردان مشخص شده ای هستند که خداوند آنها را برای وی از دورترین شهرها جمع آوری کرده که تعدادشان به عدد اهل جنگ بدر، ۳۱۳ نفر مرد است و صحیفه ای همراه مهدی وجود دارد که در آن اصحاب وی با ذکر اسامی، کشورها، محل سکونت و حتی نوع طبایعشان آمده است. اینان در راه اطاعت او کوشا هستند و رنج و سختی می کشند.

می توان چنین استنباط کرد که در حکومت جهانی مهدوی، حقی از کشورها یا به عبارتی بهتر، ایالت های این حکومت در هر کجای گیتی ضایع نمی شود.

عدالت مهدوی و اسلامی ایجاب می کند که اقوام، کشورها و ملیت ها، شایستگان و نخبگان متصف به صفات لازمه اسلامی را در محیطی با ثبات و سرشار از آرامش و فارغ از هرگونه نزاع، به کارگزاری و مدیریت ایالات خویش، در چارچوب حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بگمارند و از مواهب گوناگون این

ص: ۸۸

حکومت، هم چون امنیت به گونه ای مساوی با دیگران بهره مند شوند.

نتیجه

همان گونه که گفته شد، عدالت و امنیت از برترین و مقدم ترین نعمت ها و دست آوردهایی است که امام موعود به بشر، آن هم در فراخنای گیتی هدیه خواهد کرد. انقلاب مصلحانه حضرت برای تکمیل دیانت، رسالت نبوی و امامت اصلاح گرایانه امامان معصوم علیهم السلام است؛ امامتی که به دلیل خودکامگی، اختناق و سرکوب خودکامگان ستم گر و چیره به فرجام نیکوی خویش نرسید. امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف این نهضت را به پایان خواهند برد و همه اقوام، ملل و انسان ها بدون هیچ گونه تبعیض و گزینشی طعم شیرین عدالت و امنیت مهدوی را خواهند چشید. اسلام دین فراگیر خواهد شد و در جایگاه عادلانه و بایسته خود خواهد نشست و شیعیان از آفات و بلیات و آسیب ها به دور خواهند ماند و در کمال امنیت، توان روزافزون خواهند یافت.

آن گاه بشر و تمام ساکنان و جنندگان آسمان ها و زمین، با آغوشی باز بدین حکومت تن خواهند داد. قریه و شهر امن قرآنی و الهی در سایه عدالت گستری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد گردید و جانشینی زمین به صالحان و پارسایان خواهد رسید و ایمان به منزله سرچشمه اصلی امنیت، بر قلب ها و جان ها حکم فرما خواهد شد. حیات سیئه بشری، جای خود را به حیات طیبه و حسنه خواهد داد. آسمان ها و زمین نیز با پیشه کردن عدالت، همه بهره ها و نعمت های خود را برای استفاده بشر، تقدیم می کنند و ترس، هراس، ناامنی و بی عدالتی جای خود را به آرامش و قسط و عدل خواهد داد.

امنیت در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، غالب بر عدالت است و در سایه شمشیر، سرکوب و خودکامگی و اجبار نیست، بلکه بر روی کرد و مشی الهی و انسانی استوار است و از مشروعیت، مقبولیت و حقانیتی مبتنی بر رضایت و

پذیرش کامل مردم سود می برد. همین امر به جذب بیشتر قلب های مردم به سوی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و نهضت جهان شمول ایشان خواهد انجامید و حتی بدکاران نیز راه خوبی و رستگاری در پیش خواهند گرفت.

عدالت مهدوی حکم می کند که ملاک گزینش کارگزاران، قومیت پرستی و قبیله گرایی نباشد. برعکس، در گزینش آنها، اصلح بودن، شایستگی و کاردانی لحاظ می شود؛ هم چنان که امام در انتخاب ۳۱۳ یار خود، این ملاحظات را در نظر می گیرد و آنها را از کشورها و شهرهای مختلف و با هدایت الهی انتخاب می کند.

عدالت و امنیت، چه در اندیشه اسلامی و چه در عصر مهدوی، در تعامل مستقیمی با یک دیگر قرار دارد و عدالت، خاستگاه و بستر امنیت است.

حضرت با رعایت مساوات و استحقاق های افراد، خیرات مشترک را میان مردم توزیع می کند و با حکمیت و قضاوت بر مبنای الهام و علم الهی خویش، زمینه هرگونه حکومت و داوری ناعادلانه و خطاآمیز را از بین می برد. بدین وسیله، زمینه های نارضایتی و اعتراض های مردمی را که بی ثباتی و ناامنی نتیجه آن است، از میان برمی دارد. در آن دوران، در دل مردم به جای اشمزاز از حکومت، مهر و محبت جای گزین می شود.

جهانی شدن یا جهانی سازی، (۱) پدیده ای انکارناپذیر در عالم امروز است و جهان، با پیشرفت های روزافزون به ویژه در عرصه علوم، فن آوری، ارتباطات و اطلاعات، حمل و نقل و... هر روز بیش از پیش، به سوی تحقق تدریجی این امر گام برمی دارد. این فصل در سه گفتار اصلی، با تبیین مفهوم و برداشت های مختلف از این فرآیند، ماهیت اصلی پدیده جهانی شدن را و امی نماید؛ ماهیتی که در درون آن، سلطه گری، استکبارورزی، استثمار و امپریالیسم جدید نهفته و نمی توان از بسیاری جوانب مترقی و ایجابی آن چشم پوشید، تبعات و پی آمدهای منفی و

ص: ۹۱

ویران گر آن نیز برای بشر و آحاد جامعه جهانی انکارناپذیر است.

با توجه به این پی آمدهای منفی، آموزه و پدیده جهانی سازی در اساس، پدیده لازم و مثبتی می نماید و باید از این راه برد به گونه نیکو سود جست و با اصلاح آفات و اعمال صحیح، آن را در خدمت بشر قرار داد؛ همان طور که ادیان الهی و به ویژه اسلام و حتی مصلحان بشری، جملگی جهانی اندیشیده اند و هم چنان که آموزه های قرآنی و روایی اسلامی نیز خود را به صورت جهان شمول مطرح کرده اند، طرح حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و جهانی سازی مهدوی نیز در حقیقت راه برد آرمانی و نهایی جهان و طنانه اسلامی و نسخه درمان جامعه بشری از آلام، حرمان ها و تنگناهای بی شمار است.

در این فصل، با مقارنه جهانی سازی مهدوی با جهانی سازی غربی، ویژگی ها و شاخصه های هر دو به ویژه در عصر مهدوی، تبیین می شود و با استدلال های لازم، برتری بی چون و چرای الگوی جهانی سازی مهدوی برای نجات بشر و حیات هستی، نمایان می گردد و به پرسش های ذیل پاسخ گفته می شود:

۱. جهانی شدن یا جهانی سازی به چه مفهومی است و چه برداشت هایی از آن وجود دارد؟ آثار مثبت و منفی آن کدام است و ماهیت واقعی جهانی سازی امروزی چیست؟

۲. آیا اسلام و ادیان الهی نیز دارای رسالت جهان شمول و جهان گرا بوده اند؟

۳. نهضت و آموزه جهانی سازی مهدوی چه ویژگی ها و شاخصه هایی دارد و وجوه تمایز و برتری آن از دیگر آموزه های جهانی سازی در چه شاخصه ها و ویژگی هایی نهفته است؟

مفروض این نوشتار را نیز به اجمال می توان این گونه طرح کرد:

با وجود جوانب مثبت پدیده جهانی سازی، ماهیت اصلی و فعلی این پدیده، غربی و به خصوص امریکایی، سلطه ورزانه و استکباری است، در حالی که نهضت و آموزه جهانی مهدوی، الگوی آرمانی و راه بردی برتر و متعالی بوده و نجات

گفتار اول

اشاره

مفهوم جهانی شدن و برداشت های مختلف از آن

الف) مفهوم جهانی شدن یا جهانی سازی

بی شک، جهانی شدن از متداول ترین اصطلاحات دهه حاضر در جهان و پدیده ای جدی و جاری، در عرصه کنونی و دهه های آینده است. روزنامه نگاران، سیاست مداران، مدیران تجاری، دانشگاہیان و دیگران، با به کار بردن این اصطلاح قصد دارند نشان دهند که پدیده ای ژرف در حال وقوع است که جهان را دگرگون می سازد و نظمی نو در عرصه اقتصاد، سیاست و فرهنگ جهانی ظهور و پدید می آورد. افراد متفاوت و با اغراض گوناگون، این اصطلاح را در موارد مختلف، چندان فراوان به کار برده اند که تعیین موضوع مورد بحث در جهانی شدن، کارکردهای این اصطلاح و آثارش بر نظریه و سیاست معاصر را دشوار کرده است. بنابراین، به رغم تداول اصطلاح جهانی شدن یا جهانی سازی، هنوز تعریف جامع و مانع و با زوایا و ابعاد روشن و محسوس برای این مفهوم جدید و دست خوش تحول که عمری کمتر از دو دهه دارد، بیان نشده است. (۱)

البته تعاریف متعددی در این مورد عرضه شده است. برای نمونه، در تعریفی بسیط، جهانی شدن را با چرخش آزاد سرمایه، نیروی کار و اطلاعات تعریف کرده اند، یا آن را برای توصیف روندی به کار برده اند که در آن اقتصاد جهانی، نیروهای سیاسی و فرهنگی، به سرعت کره زمین را زیر نفوذ قرار می دهند و به

ص: ۹۳

۱- خوش بختانه کتب و مقالات بی شماری حتی به زبان فارسی درباره پدیده جهانی شدن نوشته شده است. برای نمونه نک: روندهای اخیر جهانی شدن و آلترناتیوهای واقعی آن، سرمایه داری در عصر جهانی شدن، جهانی شدن غربی سازی جهان، نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن.

خلق یک بازار تازه جهانی، سازمان های سیاسی فراملی و فرهنگی جهانی تازه دست می زنند. به نظر اینان، دورنمای جهانی شدن، گسترش بازار جهانی سرمایه داری، زوال دولت ملت، گردش پرشتاب تر کالاها، انسان ها، اطلاعات و قالب های فرهنگی است و از منظری دیگر، شکوفایی جوامع مدنی، عامل کاهش موانع در راه تجارت آزاد و تعمیق وابستگی متقابل را دربر می گیرد و به یک سان سازی و یا مشابه کردن کشورها و فرهنگ های جهان می انجامد. در این زمینه، با توسعه ماه واره ها، گسترش نظام های ارتباطی و الکترونیکی و افزایش رسانه ها و کاربرد اینترنت و ازدیاد کانال های تلویزیونی و نفوذ فرامرزی آنها، مرزهای ملی از بین رفته و یا کم رنگ می شود؛ کشورها نقش گذشته خود را از دست می دهند و به جای قوانین داخلی، قوانین بین المللی حاکم می گردد.

در گذر همین فرآیند، قید و بندهای جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی و... که بر روابط انسانی سایه افکنده، از بین می رود. بدین ترتیب، می توان جهانی شدن را به فرایندهایی تعریف کرد که براساس آن، همه مردم جهان در جامعه ای واحد و فراگیر به هم می پیوندند.

این مفهوم در نمایی عام عبارت است از: «درهم ادغام شدن» بازارهای جهانی در زمینه های تجارت و سرمایه گذاری مستقیم و جابه جایی و انتقال سرمایه، نیروی کار و فرهنگ در چارچوب آزادی بازار و شکافته شدن مرزهای ملی، رقابت بی قید و شرط در سطح جهانی، به ویژه در سطح قدرت های بزرگ، گسترش نوآوری های تکنولوژیک، رشد روزافزون تجدد و نوگرایی، جهانی شدن تولید و مبادله با هدف گذر از اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی، حرکت از جامعه صنعتی به جامعه اطلاعاتی، تمرکززدایی، توسعه فضای رقابتی مبتنی بر ائتلاف و ادغام، یک پارچگی بازارهای مالی جهانی و گسترده شدن مبادلات تجاری، مقررات زدایی و برداشته شدن ضوابط حمایت گرایانه بازرگانی داخلی و ملی.

می توان جهانی شدن را برحسب تعاریف موجود، شکل گیری شبکه ای دانست که در چارچوب آن، اجتماعاتی که پیش از آن بر کره خاکی دور افتاده و منزوی بوده اند، بر پایه وابستگی متقابل و وحدت جهانی ادغام می شوند و ارتباط آنها با یک دیگر، چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی، بسیار نزدیک و متقارن و حتی چهره به چهره می گردد و هویت انسان ها از سیطره جامعه و ساختار اجتماعی ثابت خارج می شود و از هویت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در عرصه بین المللی متأثر خواهد گشت. کوتاه سخن آن که بسیاری از صاحب نظران، ویژگی های عصر جهانی شدن را در مفاهیمی چون ظهور دهکده الکترونیکی جهانی، انقلاب اطلاعاتی، فشردگی زمان و مکان، گسترش جهان آگاهی، پایان جغرافیا و عصر «سایبرنیتیک» خلاصه کرده اند. دوره ای که روابط «فراملی» جانشین «روابط بین المللی» می گردد و جامعه مدنی جهانی به منزله شبکه ای از سازمان هایی که اهداف و آرمان هایش مرز نمی شناسد، به مثابه مظهری از روابط فراملی آشکار می گردد.

ب) برداشت های مختلف از جهانی شدن

دیدگاه ها و دریافت های متنوعی درباره مسئله جهانی شدن وجود دارد. برخی جهانی شدن را چیزی فراتر از مرحله ای گذرا و موقت در تاریخ بشر نمی دانند.

برعکس، عده ای دیگر آن را تبلور رشد سرمایه داری غرب و نوسازی تلقی می کنند. گروه سوم، جهانی شدن را تحولی اساسی در سیاست جهانی برمی شمردند که فهم آن نیازمند تفکر جدیدی است. (۱)

از منظر برخی صاحب نظران، در ره یافت های مختلف، سه نوع جهانی شدن به چشم می خورد: یکی جهان گرایی راستین و کامل که هم مادی و هم معنوی است و علاوه بر توسعه اقتصادی، تعادل سیاسی و اجتماعی و تعالی فرهنگی و انسانی

ص: ۹۵

را دربر دارد؛ دیگری، جهان گرایی ناقص و نارسا که تنها اقتصادی و تک ساحتی است؛ سوم، جهان گرایی کاذب و سلطه جویانه و تنازعی که همان جهانی سازی آمریکایی با ماهیتی سیاسی و سلطه جویانه و انحصارطلبانه است که آمریکا را در رأس قدرت جهانی در نظر می آورد و یکه تازانه، افزایش قدرت این کشور و افزایش وابستگی جهانی به آمریکا را پی می گیرد. (۱)

شاید بتوان گفت که درباره فرآیند جهانی سازی یا جهانی شدن دو دیدگاه اساسی وجود دارد: یکی دیدگاه مثبت نگر و دیگری منفی نگر. از دیدگاه مثبت، جهانی سازی می تواند با استفاده از عرصه فن آوری اطلاعات (TI) همانند پلی تمام دنیا و شهروندان آن را متحد کند و محرومیت های علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را از بین ببرد یا کاهش دهد؛ هنجارهای پسندیده دینی، اخلاقی یا دست کم انسانی را بر جهان حکم فرما کند و نوعی وحدت بهینه، مثبت و متکامل را در میان بشر برقرار سازد. جهانی سازی می تواند مردم دنیا را هم پیکر کند تا همانند یک اندام در فکر صلاح و اصلاح یک دیگر برآیند و در سنگری یگانه، علیه تمام عوامل بازدارنده از تکامل مبارزه کنند.

اما بر مبنای دیدگاه دوم، فرآیند جهانی سازی فعلی اگرچه دارای برخی فواید از موارد پیش گفته است، در حقیقت هدف اصلی آن، چیزی نیست جز یک پارچه کردن جهان و ادغام آن در بازار مشترک جهانی، به رهبری دنیای سرمایه داری و به سرمداری آمریکا؛ بازاری که همه مؤلفه های حیات اجتماعی (اقتصاد، سیاست و فرهنگ) را به سود منفعت طلبی و استکبارورزی دادوستد می کند و سلطه بی چون و چرای تمدن غرب و استیلای بیشتر کشورهای ثروت مند علیه کشورهای فقیر را به دنبال دارد. امروزه حتی برخی از متفکران غربی از جهانی شدن به منزله خطر و تهدیدی بالفعل و بالقوه به منظور «آمریکایی

ص: ۹۶

۱- نک: «آسیب شناسی جهانی شدن و جهانی سازی با مدل جهانی گرایی مهدویت»، ص ۱۶۰.

شدن» جهان، نام می برند.

به همین دلیل، برخی همانند والرشتاین، دان دویچ ولستی، با نگاهی بدبینانه، جهانی سازی را اقتصادی سازی جهان و استثمارگری (استعمار شونده‌گی) جهانی می دانند؛ زیرا نظریه آنان به جوهر هژمونیک، تنازعی و «هابسی-داروینیستی» این فرابرد معطوف شده است؛ فرایندی که در حقیقت، داروینسم جهانی را ترویج می کند. نظریه «سیاست قدرت» هانس مورگنتا، راه برد و دگرترین تنازع تمدن های هانتینگتون، سیاست جنگ صلیبی نو محافظه کاران امریکایی، یک تازی، یک جانبه گرایی، نظامی گری آنان تحت عنوان مبارزه با تروریسم، تهدید و ارباب نظامی و امنیتی و براندازی یا اشغال گری و تجزیه کشورها و دولت ها، از جمله آثار و عوامل تحقق جهانی سازی غربی است که مدعی جامعه جهانی تک قطبی و سرمایه سالارانه با سلسله مراتب قدرت و سلطه بوده و علاوه بر استفاده از میلیتاریسم، از شیوه ها و ابزارهای تازه تحمیق علمی و فرهنگی و تطمیع اقتصادی و تکنولوژیک بهره می گیرد. بی دلیل نیست که دانش ورانی مانند پولانی، اسکات گری، هوتن و فرکلا نیز از این فرابرد جهانی سازی، با تعابیری مانند غربی سازی، امریکایی سازی، و گاه «نئوامپریالیسم» در قالب نظام تازه تک قطبی و دهکده جهانی یاد کرده اند. (۱)

جهانی سازی از نوع غربی، پروژه ای تحمیلی و طرحی مهندسی-اجتماعی در سطح کلان سیستمی است که ایدئولوژی غربی را تحمیل می کند و با تکیه بر بنیادهای نئولیبرالیستی و سرمایه داری، درصدد فراگیر کردن شیوه زندگی امریکایی و غربی کردن انسان ها و ترویج فرهنگ مصرف و اصالت سرمایه است.

پیروان این نگرش، جهانی شدن را مقوله ای ارادی و در کنترل عده ای خاص می دانند. به زعم آنان، این اراده در حال حاضر در اختیار جهان سرمایه داری قرار

ص: ۹۷

۱- نک: همان، ص ۱۶۲.

دارد. از این دیدگاه، جهانی شدن مرحله تازه ای از امپریالیسم به شمار می آید که در آغاز به صورت هم بستگی ظاهر شده و تازگی خود را در چهره جهانی نمایانده است. شون هیلی، از مخالفان جهانی شدن، آن را پروژه ای تحمیلی می داند و عقیده دارد که تنها حوزه های به خصوصی، جهانی شده اند. به گفته وی، «ثروت» در دهه نود، جهانی نشد، بلکه در دست عده ای خاص متمرکز گردید.

تکنولوژی با آن که بسیار تواناتر از گذشته شده، اما جهانی نگشته و حتی رشد اقتصادی که پایه و اساس برتری تاریخی سرمایه داری به شمار می آید، صورت جهانی نیافته است. (۱)

ج) ابعاد و دست آوردهای منفی جهانی سازی غربی (به طور اخص)

به باور بسیاری، جهانی سازی غربی از غالب ترین برداشت های نظری و عملی از اصطلاح و مفهوم جهانی شدن به شمار می آید. به اعتقاد آنان، جهانی سازی در اساس خود مستلزم غربی شدن جهان و پوششی برای سلطه سرمایه داری است.

بنابراین، این اصطلاح به طور غالب، واژه ای جای گزین برای گفتمان ها و مصطلحاتی کهنه تر همانند «امپریالیسم» و نیز «نوگرایی» به شمار می آید.

جهانی شدن در مفهوم جای گزین «امپریالیسم»، توجه ما را به سلطه کشورهای بسیار توسعه یافته بر کشورهای در حال توسعه یا سلطه شرکت های فراملیتی بر اقتصادهای ملی و محلی معطوف می کند. از این گذشته، جهانی شدن می تواند به مثابه مفهومی پوششی، وحشت جهانیان را از استعمارگرایی خنثا سازد. این مفهوم می تواند در قالب گفتمان امپریالیسم نو، استثمار همیشگی بسیاری از کشورهای دنیا توسط ابرقدرت ها و شرکت های غول پیکر فراملی را پنهان کند و در نتیجه، برخی ابعاد مخرب تر و وحشیانه تر توسعه معاصر را مخفی نگاه دارد.

حتی کلیت جهانی شدن از نگاه منتقدان، نابودی سنن محلی، وابستگی مستمر

ص: ۹۸

۱- نک: «جهانی شدن و تحول در مؤلفه های سیاست خارجی»، ص ۲۳-۲۴.

کشورهای فقیر به کشورهای ثروت مند، نابودی محیط زیست و همگون شدن فرهنگ ها و شیوه زندگانی روزمره را به همراه می آورد. دامنه این منتقدان، بسیار وسیع است؛ حتی مارکسیست ها، لیبرال ها و هواداران چند فرهنگی بودن جهان که بر تهدید حاکمیت ملی، سنن محلی و دموکراسی مشارکتی نیروهای جهانی انگشت می گذارند، یا هواداران محیط زیست که از پیآمدهای اکولوژیک ویران گر جهانی شدن عنان گسیخته هراس دارند و محافظه کاران که جهانی شدن را تهدیدی برای فرهنگ های ملی و محلی و تقدس سنت به شمار می آورند. (۱)

جهانی سازی غربی با سلطه بر اقتصاد و سیاست جهانی به دنبال نابودی ادیان و فرهنگ های بومی رقیب و جلوه دادن فرهنگ غربی به منزله فرهنگ برتر بوده و بحران هویت را در عرصه دیگر دول و ملت ها دامن زده است. پتراس، تصویری که از شکل و شمایل جهانی شدن نشان می دهد، چهره ای از یک نظام مبتنی بر امپریالیسم فرهنگی متکی بر سیطره مطلق اقتصادی غرب است. از منظر وی، این گونه امپریالیسم فرهنگی ای، به معنای نفوذ دائم و تسلط فرهنگی طبقه حاکم غرب بر توده ها به منظور نظام بخشی مجدد به ارزش ها، رفتارها، نهادها و هویت مردم است شمار شده و برای هم سوئی با منافع طبقات استثمارگر است. (۲)

لایبیز و کاتز، جهانی شدن را به مثابه سلطه بی چون و چرای تمدن غرب می دانند. به باور آنها، استیلا همان چیزی است که در لوس آنجلس بسته بندی می شود و سپس به دهکده جهانی ارسال می گردد و آن گاه در مغز انسان های بی گناه می نشیند. گفته رابرتسون نیز همان نگرانی ها را دوچندان می کند:

جهانی شدن متضمن فشار بر جوامع، تمدن ها و سنت ها از منظر نمایش آنها روی صحنه جهانی-فرهنگی و با هدف توجه به هویت اندیشه ها و نمادهای مربوطه است. (۳)

ص: ۹۹

۱- نک: «نظریه انتقادی جهانی شدن» ص ۱۲۸-۱۲۹.

۲- نک: «جهانی شدن»، ص ۸۰.

۳- نک: «جهانی شدن و تحول در مؤلفه های سیاست خارجی».

گفتنی است که جهان سرمایه داری به رهبری امریکا نیز از متفکران و نظریه پردازان مشهوری نیز سود می برد که فراوان هوادار نظریه جهانی سازی امریکایی در سایه مکتب لیبرال-دموکراسی هستند. از جمله به عقیده بارکر، جهانی شدن با توجه به گسترش سلطه سرمایه داری امریکا، امری طبیعی و تحقق آن به سود همه مردم جهان است، بنابراین، سرمایه داری امریکایی باید مردم تحت سلطه خود را قانع کند که راه و رسم امریکایی، همان پدیده ای است که آنان مطالبه می کنند و البته هژمونی امریکا امری طبیعی و به سود همه مردم جهان خواهد بود. (۱)

هم چنین فرانسیس فوکویا که فرجام تاریخ را در غلبه تمدن و فرهنگ امریکایی و مکتب لیبرال دموکراسی می بیند، با نخوتی آشکار، منظر خود را از جهانی شدن امریکایی چنین بیان می کند:

فرایندی بنیادی در کار است تا الگوی تکاملی مشترکی برای کل جوامع انسانی دیکته کند. به طور فشرده، جهانی شدن چیزی شبیه تاریخ جهانی بشر در راستای دست یابی به لیبرال دموکراسی است. (۲)

جالب این که این ادعاهای مغرورانه در حالی صورت می گیرد که امروزه بحران های متعددی در دنیای غرب (امریکا و اروپا) پیش می آید، از جمله: بحران معنویت، بحران مشروعیت، بحران هویت، بحران های اخلاقی، فساد اقتصادی و بحران محیط زیست. عارضه های این بحران ها نیز ظهور گسترده ای یافته است، مانند: آلودگی محیط زیست، ماشینی شدن و مادی شدن سپهر زندگی انسان غربی، افول نظام های تعلیم و تربیت، بی معنا شدن و یا کاهش معنای زندگی، از خودبیگانگی افراد و جوامع، ناهنجاری و گسیختگی خانواده ها، فقدان عدالت

ص: ۱۰۰

۱- نک: همان.

۲- نک: همان.

اجتماعی، کنترل احزاب سیاسی، محدودیت آرا و عقاید عمومی و اعمال آن، ظهور تعصبات نژادی و ملی، نبود عاطفه و روابط صمیمانه میان افراد، بی احترامی به قانون و ظهور «وندالیسم اجتماعی»، تقلیل امنیت و رفاه اجتماعی، گسترش بی حد و مرز بی بند و باری های جنسی و خشونت های فردی و اجتماعی.

بنابر چنین حقایقی، جهان غرب و الگوی جهانی سازی غربی نتوانسته و نمی تواند در پرتو مکتب مادی گرایانه لیبرال-دموکراسی، ارمغان آورنده معانی جدید و آرمانی برای حیات بشری باشد. امروزه جامعه غرب از لیبرالیسم به «لیبرالیسم نو» گرایش یافته، اما حتی برجسته ترین فیلسوف جهان معاصر یعنی یورگن هابرماس این گرایش تازه غرب را به «لیبرالیسم وحشی» تعبیر کرده است؛ (۱) لیبرالیسمی که برای جهانیان چیزی جز افزایش جنگ، فقر و نابرابری به بار نیاورده و برای غربی ها نتیجه ای جز افزایش قدرت، ثروت و شکاف بیشتر کشورهای فقیر و غنی دربر نداشته و هژمونی آنها را بر جهان افزون کرده و به جای صلح جهانی، ناامنی های بین المللی را دامن زده است.

آیا در سایه جهانی سازی غربی، وقتی صاحبان قدرت مند کارتل ها و تراست ها که درعین حال نظام اطلاع رسانی جهانی را نیز در اختیار خود گرفته اند، در وضعیتی نابرابر، راه بر چشمان ملت های فقیر می بندند و از ره آورد این کورچشمی تحمیلی و ارتباطات یک سویه، دست در جیب رقیب ناتوان می کنند، می توان مانند فوکویاما هم چنان خوش بینانه از «اعتماد متقابل» سخن گفت؟

امروزه پنج غول اقتصادی یعنی امریکا، ژاپن، فرانسه، انگلیس و آلمان از جمع دویست کارتل و تراست بزرگ جهان، ۱۷۰ مورد از آنها را زیر یوغ خود گرفته اند. بر پایه گزارش سازمان ملل متحد، اندازه منابع مالی و نقدینگی ۳۵۸ نفر از اعضای الیگارشیک قماربازان جهانی مساوی منابع مالی ۲/۵ میلیارد انسان است.

ص: ۱۰۱

از سویی، حجم شکفت انگیز قدرت و ثروت در قالب شرکت های چند ملیتی، به سادگی مرزهای دولتی و هویت های ملی را درهم می شکند و ارزش های مورد نظر لیبرالیزم نو را بر جهان حاکم می کند. متفکری به نام خوزه دو کاسترو در آثار گوناگون خود با آمار و ارقام ثابت کرده که همین کره خاکی می تواند چند برابر جمعیت کنونی خود را نان دهد و جهان هم در آرامش و صلح دائم به سر برد.

وی در کتاب سیاه گرسنگی جهان معاصر را چنین ترسیم کرده است:

در عصر ما اکثریتی هستند که خوراک ندارند و اقلیتی که خواب ندارند. آیا چنین وضعیتی، دست آوردهای مستقیم جهانی سازی به شیوه غربی نیست؟ البته این ابعاد منفی تنها به حوزه اقتصادی و رفاه زدگی کشورهای «دارا» و فقر زدگی کشورهای «ندار» ختم نشده است و تخریب بنیادهای فرهنگی، ارزشی و اخلاقی آنها را نیز به دنبال داشته و دارد. از دید هورکهایمر، جهانی شدن برای بورژوازی، حکم آب برای ماهی را دارد. بنابراین، بورژوازی ناگزیر است زمینه های فرهنگی مورد نیاز را در کشورهای مختلف بستر سازی کند، و چنین است که می بینیم جهانی شدن اقتصاد، از جهانی شدن فرهنگ و فروریختن ارزش ها و باورها و خرده فرهنگ های محلی، بومی و ملی سر درمی آورد. (۱)

بدیهی است که نتیجه و ابعاد منفی چنین جهانی شدنی به رفع فقر، نابرابری، تبعیض، جنگ و خشونت و... نینجامد. باید پرسید که چگونه چنین امری متوقع می تواند باشد، در حالی که امروزه کشورهای توسعه یافته صنعتی و فراصنعتی، کمتر از بیست درصد جمعیت جهان را در خود جای داده اند، بیش از هشتاد درصد ثروت جهان را به کیسه کارتل ها و تراست های خودی ریخته اند!

مع الأسف اربابان کلیسا در جهان غرب نیز نتوانسته اند به مقابله لازم با تبعات منفی این گونه جهانی سازی یک سویه و امپریالیستی پردازند؛ هم چنان که فیلسوف

ص: ۱۰۲

فرانسوی یعنی پیر بوردیو فراتر از این ادعا، کلیسای مسیحی را به هم سویی با این روند و منفعت خواری از این جریان ناسالم جهانی متهم کرده است.

به عقیده وی:

کلیسای کاتولیک، دشمن سرمایه داری نیست. این کلیسا مایل است مثنی از مزایای نئولیبرالیسم را از آن خود سازد و از اروپا می خواهد نئولیبرالیسم را با کاتولیسیسم درهم آمیزد. این همان سرمایه داری «کشیش زده» است. (۱)

جالب آن که امروزه بسیاری از تجاوز طلبی های امریکا و تهاجمات این کشور به دیگر کشورهای مستقل، با آموزه های «مسیحیت بنیادگرا» و همراهی کشیشان و کلیسای این نحله از مسیحیت صورت می گیرد که به آن «صهیونیسم مسیحی» (۲) نیز گفته می شود. بنابر صهیونیسم مسیحی، حضرت مسیح در بیت المقدس ظهور می کند و یهودیان را نجات می دهد و دیگر ادیان، تمدن ها و فرهنگ های متعارض خویش و از جمله مسلمانان را نابود می کند. از این رو، صهیونیسم هر گونه جنایت، سرکوب و قساوت را توجیه می کند. بنابراین، هم پیمایی و هم پیوندی مستحکم زمام داران امریکایی با صهیونیسم در این زمینه، توجیه پذیر است.

با تبیین برداشت های مختلف جهانی شدن و به ویژه ابعاد منفی پروژه جهانی سازی غربی، می توان به روشنی ادعا کرد که حکومت جهانی و جهان شمول حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هیچ کدام از شاخصه های منفی پیش گفته را ندارد و ضمن برخورداری از زوایا و ابعاد مثبت «جهانی سازی»، راه بردی حقیقی،

ص: ۱۰۳

۱- همان، ص ۹۰.

۲- اسامی دیگری نیز برای صهیونیسم مسیحی رایج است، از جمله: بنیادگرایی مسیحی، تجدید حیات یافتگان، مبلغان انجیل یا مبلغان جنگ جوی انجیل، پیروان خواسته های مسیح یا خواسته های خدا و تروریسم مقدس. آرا و اندیشه های این نحله بنیادگرایی مسیحی در کتاب هایی مانند تدارک جنگ بزرگ، جنگ جوی انجیل، مبلغان جنگ جوی انجیل در بستر جنگ هسته ای هر سه اثر کریس هال سل و دو کتاب دیگر به نام های زمین سیاره بزرگ، و در پیش گویی های انجیل جای امریکا کجاست نوشته کشیشی به نام هال لیندسی آمده است.

متعادل برای این طرح فراگیر است.

گفتار دوم

جهان گرایی و جهان شمولی اسلام

جهانی سازی یا جهان گرایی علاوه بر این که همواره از اهداف مصلحان بزرگ بشری بوده، از تعالیم و رسالت های ادیان بزرگ الهی سرچشمه می گیرد و می توان آن را از اصلی ترین آرمان های همه انبیا و ادیان بزرگ الهی و از جمله اسلام به شمار آورد. (۱) بنابراین، اصطلاح جهانی سازی واژه جدیدی نیست و در حقیقت در عصر حکومت مهدوی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این رسالت نبوی و هدف اولیای الهی و ائمه علیهم السلام را به بهترین شکل ممکن محقق خواهد ساخت و این طرح جهانی را تکمیل خواهد کرد؛ در غیر این صورت، خاتمیت دین اسلام معنای حقیقی خود را از دست می دهد و به واژه ای بی معنا تبدیل می شود.

ریشه های جهان شمولی دین اسلام، در مبتنی بودن آن بر فطرت، انعطاف پذیر بودن آموزه های آن و حرکت و تطابق اجتهاد آن بر مبنای مقتضیات زمان و مکان نهفته است. اسلام و دستورهای آن با فطرت انسانی که همان بعد ثابت حیات انسانی به شمار می آید، هم آهنگ است. به همین دلیل، اسلام دین جامع و فراگیر بوده و می تواند جهان شمول گردد. از سویی، عناصر جهانی شدن نیز در مذهب تشیع فراوان دیده می شود؛ از جمله آن که شیعه در بین دیگر مذاهب، بیشترین ملازمت را با خردورزی دارد. بنابراین، این عناصر را به روشنی در عقلانیت، اجتهاد، عدالت، مهدویت و فرازمانی و فرامکانی بودن پیام تشیع می توان دید.

ص: ۱۰۴

۱- برای اطلاع بیشتر از بحث روابط اسلام و جهانی شدن، معدود آثاری نگاشته شده است. برای نمونه نک: جهان شمولی اسلام و جهانی سازی (مجموعه مقالات)، ج ۲؛ مسلمانان و مسئله جهانی شدن، فصل نامه قبسات، پاییز ۱۳۸۳؛ فصل نامه کتاب نقد، ش ۲۴ و ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.

در تعالیم اسلامی از کره زمین، به «بیت» تعبیر شده و انسان به طور مطلق از هر نژاد و رنگ و زبان و ملیت و طبقه ای مالک این خانه به حساب آمده است.

در تفکر قرآنی، انسان از هر نژاد و جنسیت و طبقه ای، نماینده و خلیفه خداوند در زمین به شمار می رود:

وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ؛ (۱)

و اوست کسی که شما را در زمین جانشین [یک دیگر] قرار داد.

این مضمون دست کم در سه آیه دیگر (۲) آمده است که رسالت کلی همه انسان ها را در این زیست گاه که زمین نام دارد، تبیین می کند. پیامبران و رسولان الهی نیز راه نمای همه انسان ها هستند و تعلیم، تربیت و نظام بخشی به زیست فردی و گروهی انسان ها را بر عهده دارند تا مدیران جامعه بشری در همه ابعاد باشند.

قرآن کریم در رسالت اولین رسولان الهی چنین گفته است:

وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً؛ (۳)

و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی خواهم گماشت.

و در خطاب به داوود پیامبر علیه السلام چنین آمده است:

يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ؛ (۴)

ای داوود ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین] گرداندیم.

این آیات بیان گر آن است که رسول حق، نماینده و مدیر منصوب الهی، در کل پهنه زمین، مأموریت رسالت دارد، نه در بخش خاص یا نژادی ویژه. درباره پیامبر

ص: ۱۰۵

۱- سوره انعام، آیه ۱۶۵.

۲- سوره یونس، آیه ۱۴ و ۷۳؛ سوره فاطر، آیه ۳۹.

۳- سوره بقره، آیه ۳۰.

۴- سوره ص، آیه ۲۶.

اسلام، این رسالت جهانی و فراگیر با صراحت بیشتری مطرح گردیده است:

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا؛ (۱)

بزرگوار [و خجسته] است کسی که بر بنده خود، فرقان [کتاب جدا سازنده حق از باطل] را نازل فرمود، تا برای جهانیان هشدار دهنده ای باشد.

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا؛ (۲)

بگو ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا؛ (۳)

و ما تو را جز [به سمت] بشارت گر و هشدار دهنده برای تمام مردم نفرستادیم.

این آیات بیان می کند که هدف اسلام همانند دیگر ادیان بزرگ الهی، اصلاح کل جامعه انسانی در فراخنای گیتی و بدون توجه به حدود جغرافیایی و مرزهای ساختگی است. به همین دلیل، این ادیان و از جمله اسلام همه حکومت ها و دولت ها را ورای مرزها و نژادهایشان به یک دین و دولت واحد و مرکزی یگانه فرامی خواند؛ هم چنان که در آغاز رسالت اسلام، پیامبر به حکام ایران، مصر، حبشه، یمن، روم و... نامه نوشتند و آنان را به یگانگی و تن دادن به مدیریت واحد در جامعه انسانی دعوت می کردند.

برای تبیین این اصل محوری، کلمه «الناس» نزدیک به ۲۴۰ بار و کلمه «الانسان» نزدیک به ۶۵ بار در قرآن تکرار شده که واژه ای عام برای همه افراد انسانی به شمار می آید و در بسیاری از موارد، عمومیت و کلیت خطاب ها بسیار روشن است، از جمله:

ص: ۱۰۶

۱- سوره فرقان، آیه ۱.

۲- سوره اعراف، آیه ۱۵۸.

۳- سوره سبأ، آیه ۲۸.

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ؛ (۱)

بگو ای مردم! من برای شما فقط هشدار دهنده ای آشکارم.

قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا؛ (۲)

[خدا به او] فرمود: من تو را پیشوای مردم قرار دادم.

در این خطاب ها، هدایت الهی و آموزش های پیامبران برای همه انسان ها ضروری شمرده شده و فرقه ها و امتیازهای موهوم که امکان دارد یگانگی و یک پارچگی جامعه انسان را بگسلد، باطل و پوچ معرفی گشته است. بدین گونه نگرش قرآنی به انسان و رهبران جامعه انسانی، فراگیر و جهانی بوده که هیچ مرز و مانعی را در جهت اهداف بلند، جهان شمول و جهان وطنانه خویش نمی شناسد. (۳)

قرآن، به صراحت بر مسئله جهانی سازی تأکید کرده و آن را مسئولیت خطیر جامعه اسلامی به شمار آورده و از انسان ها می خواهد با تمام توان خود در ساخت و ساز ملت ها و اصلاح جوامع بشری در سراسر جهان بکوشند:

وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا؛ (۴)

و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید و پیامبر بر شما گواه باشد.

و در جای دیگر می فرماید:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا؛ (۵)

ص: ۱۰۷

۱- سوره حج، آیه ۴۹.

۲- سوره بقره، آیه ۱۲۴.

۳- نک: «جهانی سازی اسلامی، جهانی سازی غربی»، ص ۱۰۸-۱۱۲.

۴- سوره بقره، آیه ۱۴۳.

۵- سوره فتح، آیه ۲۸.

اوست کسی که پیامبر خود را به [قصد] هدایت، با آیینی درست روانه ساخت تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند و گواه بودن خدا کفایت می کند.

در این آیه، به برتری فرهنگ اسلامی اشاره شده تا شایستگی آن را بر دیگر فرهنگ ها در جهت جهانی سازی اسلام و ایجاد حیات طیبه برای همه عالمیان، مبرهن سازد. از دید آیات الهی، برکات الهی در چنین حیات مؤمنانه ای جهان را فرا خواهد گرفت:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ؛ (۱)

و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می گشودیم.

هرگاه ایمان و تقوا (التزام به تعهدات انسانی) در جامعه گسترش یابد و انسان ها حریم خود و خدا را حفظ کنند، برکات الهی جهان را فرا خواهد گرفت و اگر مسلمانان، جهانیان را به این حقیقت رهنمون شوند، آن گاه زمام جهانی سازی بشر دوستانه را به دست می گیرند و مسئولیت خویش را در برابر خدا و خلق به نیکوترین گونه به جا خواهند آورد. (۲) آن گاه فرهنگ اسلامی جهانی خواهد شد و گسترش آگاهی و دانایی و عدل جهان را دربر خواهد گرفت و تمام نظام های سلطه و استثمار جهانی فرو خواهد ریخت.

گفتار سوم

اشاره

جهانی سازی مهدوی و شاخصه های آن

چنان که گذشت، اسلام دینی با اصول و آرمان های جهانی به شمار می رود که از همان ابتدای ظهور خویش به دنبال ایجاد حیات طیبه در سطح عالم و برای تمام

ص: ۱۰۸

۱- سوره اعراف، آیه ۹۶.

۲- نک: «جهانی شدن، زمینه جهانی سازی یا در انتظار یوم موعود»، ص ۵۹.

انسان ها بوده است. براساس معتقدات اسلامی و شیعی، جهانی شدن اسلامی و حیات طیبه جهانی در آخرالزمان و در عصر و دولت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، تحقق قطعی خواهد یافت و این جهانی شدن، با هیچ پروژه و یا طرح جهانی سازی فعلی، نه از حیث نظری و نه علمی و نه از حیث شمولیت و فراگیری و مقیاس های موجود، مقایسه شدنی نیست و نمی توان آن را اندازه گیری کرد. فقط شناخت مقدماتی آن از راه احادیث وارده امکان پذیر است. به همین دلیل، پاره ای از ویژگی های دولت کریمه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت جهانی سرشار از حیات طیبه ایشان را نه از باب حصر بلکه از باب احصا و اشاره، برمی شماریم:

۱. حاکمیت جهان شمول اسلام و برچیدگی شرک و اختلافات بشری

در نظریه های جهانی شدن غربی که زیربنای بسیاری از آنها مکتب لیبرال-دموکراسی است، با اعتقاد به نسبیت اخلاقی و ارزشی اعمال، اصل تساهل و رواداری افراطی در برابر تمام عقاید و ادیان از ادعاهای اصلی به شمار می آید و موضع حکومت بر مبنای لائیسزم، در برابر دیانت و مذهب، خنثاست. از منظر آنها، حمایت و هواداری از یک مذهب، مداخله در آزادی های فردی و مخدوش کردن آزادی عقیده و ابراز عقاید به شمار می رود. در حالی که سکولاریسم یا عرفی شدن و دنیاپرستی و اصالت امور دنیوی در سرلوحه جهانی سازی لیبرال-دموکراسی قرار دارد، در حکومت جهانی مهدوی، اسلام بدون هیچ گونه مجامله و تعارفی، آیین مطلق و برتر و متعالی به جهانیان معرفی شده و انسان ها نیز پس از شناسایی، آن را می پذیرند.

روایاتی در تأیید این مطلب وجود دارد؛ از جمله:

محمد بن مسعود در تفسیر عیاشی از رفاعه بن موسی روایت می کند که امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه: **وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا**، (۱) فرمود:

ص: ۱۰۹

۱- «هر که در آسمان و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است.» (سوره آل عمران، آیه ۸۳)

وقتی قائم آل محمد قیام کند، مکانی بر روی زمین باقی نمی ماند مگر این که کلمه طیبه «لا اله الا الله، محمد رسول الله» در آن جا به آواز بلند گفته می شود. (۱)

هم چنین ایشان ضمن بیان مفصلی درباره عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرمایند:

وقتی قائم ما قیام کند،... اهل هیچ دینی باقی نمی ماند مگر این که اظهار اسلام می کنند و با ایمان، مشهور و معروف می گردند... (۲)

در جای دیگر می فرماید:

درباره این آیه از پدرم (امام باقر علیه السلام) پرسیدند: «با همه مشرکان مبارزه کنید، چنان که همگی به مبارزه شما برخاستند تا این که در زمین فتنه ای باقی نماند و دین و آیین از آن خدا باشد.» او فرمود: «تفسیر این آیه هنوز فرا نرسیده، چنان چه قائم قیام نماید کسانی که او را درک می کنند، چگونگی تفسیر این آیه را خواهند دید و سرانجام آیین محمد صلی الله علیه و اله و سلم مانند پایان شب به صبح صادق روشن شده و اثری از شرک بر روی زمین باقی نخواهد ماند.» (۳)

هم چنین امام باقر علیه السلام فرموده است:

در زمین هیچ ویرانه ای نمی ماند مگر این که آباد گردد و هیچ معبودی جز خداوند متعال از بت و غیر آن نمی ماند مگر این که دچار حریق گشته و می سوزد. (۴)

در جای دیگر، امام صادق علیه السلام ضمن پاسخ به سؤال های مفضل و مطابق دانستن

ص: ۱۱۰

۱- مهدی موعود (ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار)، ترجمه حسین بن محمد ولی ارومیه ای، ج ۲، ص ۲۲۷. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳، روایت ۸۱)

۲- همان، ص ۲۲۴.

۳- عصر ظهور، ص ۳۵۷. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۵۶)

۴- همان، ص ۳۶۱. (به نقل از: کمال الدین، ص ۳۳۱)

آیه ۳۳ سوره توبه با عصر حکومت جهانی مهدی عَجَلُ اللَّهِ تعالی فرجه الشریف به وی می فرماید:

...به خدا سوگند یاد می کنم ای مفضل، هر آینه اختلاف ملت ها و دین ها از میان برداشته می شود و همه دین برای خدا و یکی می گردد، چنان که خدای تعالی فرموده: إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ (۱) (در حقیقت دین نزد خدا همان اسلام است) و نیز فرموده: وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۲) (و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیان کاران است). (۳)

۲. حاکمیت مطلق عدالت و دادورزی

همگان آگاهند که عدالت، ویژگی اصلی حکومت جهانی مهدوی است. بیشتر احادیث درباره عصر ظهور، به این ویژگی، نیاز و گم شده اساسی بشری اشاره کرده اند. به همین دلیل، فقط به ذکر احادیث معدودی در این باره بسنده می شود.

پیامبر اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می فرماید:

...اگر از عمر دنیا تنها یک شب باقی مانده باشد، خداوند آن شب را به اندازه ای طول خواهد داد تا مردی از اهل بیت من به حکومت برسد... او زمین را از قسط و عدل پر می کند، همان گونه که پیش از آن از ستم و جفاکاری پر شده بود... (۴)

حکومت جهان شمول مهدوی، در عدالت گستری نیز به گونه ای فراگیر و بدون تبعیض عمل می کند؛ هم چنان که امام حسین علیه السلام در کلام مهمی می فرمایند:

...إِذَا قَامَ قَائِمُ الْعَدْلِ وَسِعَ عَدْلُهُ الْبَرَّ وَالْفَاجِرَ؛ (۵)

ص: ۱۱۱

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۹.

۲- سوره آل عمران، آیه ۸۵.

۳- مهدی موعود، ج ۲، ص ۳۰۴-۳۰۵.

۴- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۸۴، روایت ۳۵.

۵- همان، ج ۲۷، باب ۴، ص ۹۰، روایت ۲۴.

هنگامی که اقامه کننده عدل قیام کند، گستردگی عدلش نیکوکار و فاجر را دربر می گیرد.

عدالت یاد شده نیز گستره حوزه های فردی و اجتماعی بشری را شامل می شود. بر این مدعا نیز بیان امام باقر علیه السلام گواه است که می فرماید:

بدانید همان طور که سرما و گرما به داخل خانه هایشان نفوذ می کند، عدالت او [قائم] نیز به درون خانه هایشان راه خواهد یافت. (۱)

۳. برقراری امنیت و آرامش همه جانبه

بنابر روایت ها درباره حکومت جهان شمول حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ناامنی و هراس از زندگانی آحاد بشری رخت برمی بندد و امنیتی فراگیر در همه گیتی برقرار می شود؛ هم چنان که امام علی علیه السلام درباره ایمنی عصر ظهور و سرشاری آن دوره از امنیت و دیگر برکت هایی مانند عدالت می فرمایند:

اگر قائم ما قیام کند، به واسطه ولایت و عدالت او، آسمان آن چنان که باید ببارد، می بارد و زمین نیز رستنی هایش را بیرون می دهد و کینه از دل بندگان زدوده می شود و میان درندگان و چرندگان آشتی برقرار می شود؛ به گونه ای که زنی میان عراق و شام پیاده خواهد رفت و آسیبی نخواهد دید و هر جا قدم می گذارد، همه سبزه و رستنی است و زینت هایش را بر روی سرش می گذارد، درنده ای او را نمی آزارد و نمی ترساند. (۲)

۴. رفاه و رشد پایدار اقتصادی، استغنا عمومی و رفع فقر

شکاف های اقتصادی، تبعیض های ناروا و فقر و فاقه برآمده از جهانی سازی غربی در نهضت جهانی سازی مهدوی، وجود ندارد و نه تنها این شکاف ها پر می گردند، بلکه جامعه بشری به استغنا کامل می رسد؛ حتی فقیری برای دریافت صدقات

ص: ۱۱۲

۱- ظهور نور (ترجمه کتاب الشموس المضيئه)، ص ۱۹۹. (به نقل از: اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۴۴، روایت ۵۲۹)

۲- بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۴.

و اعانات یافت نخواهد شد. امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

چون قائم ما قیام کند، زمین با نور پروردگار خود نورانی و روشن می شود و خلائق از نور و روشنایی آفتاب مستغنی و بی نیاز باشند و تاریکی زایل می گردد و مردم در ایام سلطنت آن حضرت بسیار عمر می کنند... و زمین خزینه های خود را آشکار می گرداند، به نوعی که خلائق همه آنها را بر روی زمین می بینند و مرد در آن وقت کسی را می طلبد برای این که از مالش به او عطا نماید تا این که صله رحم به جا بیورد، یا این که از وجه زکات چیزی به او بدهد، چنین کسی که اینها را از او قبول کند، یافت نمی گردد و خلائق به سبب آن چه خدا از فضل خود به ایشان روزی کرده، مستغنی و بی احتیاج هستند. (۱)

آن امام همام، این بی نیازی عمومی را چنین تشریح کرده است:

... و در میان خلائق به طریق حکم داوود و محمد صلی الله علیه و اله و سلم حکم می کند. در این وقت زمین خزینه های خود را ظاهر و برکات خویش را آشکار می گرداند و در این وقت مردی از شماها کسی را نمی تواند پیدا کند که صدقه ای به او بدهد یا احسانی در حق وی کند؛ زیرا همه مؤمنان غنی و مال دار هستند. (۲)

توسعه گسترده اقتصادی و انسانی پایدار و بالنده نهضت جهان شمول مهدوی در روایات نبوی نیز آشکار است. پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم می فرمایند:

يَكُونُ فِي أُمَّتِي الْمَهْدِيُّ... يَتَنَعَّمُ امَّتِي فِي زَمَانِهِ نَعِيمًا لَمْ يَتَّعَمُوا مِثْلَهُ قَطُّ، الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ، يَرْسُلُ السَّمَاءُ عَلَيْهِمْ مَدْرَارًا وَلَا تَدَّخِرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا؛ (۳)

در امت من، مهدی قیام کند... و در زمان او، مردم به رفاه و نعمت هایی دست می یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند؛ همه چه نیکوکار و چه

ص: ۱۱۳

۱- مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۲. (به نقل از: شیخ مفید، الارشاد، ص ۳۶۳)

۲- همان، ص ۲۲۴-۲۲۵.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۸.

بدکار از آن جمله اند. آسمان باران رحمتش را بر آنان ببارد و زمین چیزی از رویدنی های خود را پنهان ندارد.

۵. رشد و ترقی علوم و فنون و شکوفایی و کمال عقلانیت بشری

جهان امروز که در مسیر جهانی شدن گام برمی دارد، از حیث پیشرفت علوم و تکنولوژی، ترقی انکارناپذیری کرده، ولی نه تنها این پیشرفت موجب رفع آلام بشری و رساندن انسان ها به امنیت و آرامش، مساوات و عدالت نگشته، بلکه میلیاردها مجهول دیگر در مسیر اکتشافات قرار دارد که بشر از حل آنها عاجز است و جهانی سازی غربی نیز نتوانسته به رفع این عجز و ناتوانی کمک کند. در حالی که دانش بشری در عصر حکومت جهانی مهدوی به دست آوردهایی مافوق تصور می رسد. امام صادق علیه السلام در بیانی بلیغ، از گوشه ای از پیشرفت های علمی آن عصر چنین یاد می فرماید:

دانش ۲۷ حرف است. همه علمی که پیامبران برای مردم آورده اند تنها دو حرف بیش نبوده و مردم تا به امروز جز آن دو حرف را نشناخته اند، ولی وقتی قائم ما قیام کند، ۲۵ حرف دیگر را ابراز می کند و آن را در میان مردم گسترش می دهد، آن گاه آن دو حرف را نیز ضمیمه می کند و همه ۲۷ حرف را در میان مردم منتشر می سازد. (۱)

روایات تبیین کننده وضعیت عصر ظهور، بیان گر آن است که عقول مردم در دوره ظهور به بالاترین مرحله کمال خویش می رسد. امام باقر علیه السلام می فرماید:

وقتی قائم ما قیام کند، خداوند دست عنایتش را بر سر بندگان کشیده و عقل آنها زیاد و فهمشان بالا می رود. (۲)

در دولت جهانی مهدوی، حتی دانش و بینش، آگاهی و شناخت صحیح، مفید، سازنده و کارگشا در خانه ها گسترش می یابد و حلقه های درس و بحث برای زن و

ص: ۱۱۴

۱- همان، ج ۵۲، ص ۳۳۶، روایت ۷۳.

۲- ظهور نور، ص ۲۰۲. (به نقل از: اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۹۵، روایت ۲۵۳)

مرد در سرتاسر جامعه بشری برقرار می شود. امام باقر علیه السلام در این زمینه می فرماید:

...توتون الحکمه فی زمانه حتّی إنّ المرئنه لتقضی فی بیتها بکتاب اللّٰه و سنّه رسوله؛ (۱)

...به مردم زمان قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف آن چنان حکمتی عطا خواهد شد که حتی زن در کانون خانه خویش براساس کتاب خدا و سنت پیامبرش، عادلانه و آگاهانه داوری می کند (و به دیگری نیازی ندارد).

علاوه بر تبیین وضعیت عالی دانش و بینش بشری در عصر ظهور، این روایت بیان می کند که مردم آن روزگار، براساس آداب و مقررات دینی تربیت می شوند، احکام شریعت را می آموزند و بر پایه ای از فرهنگ و فرهیختگی سیر می کنند که حتی بانوان خانه دار براساس مقررات کتاب خدا و سیره عادلانه پیام آور بزرگ وی، می توانند قضاوت کنند.

۶. تکیه بر استدلال و اقناع و کسب مقبولیت و رضایت عمومی

هم چنین جهانی سازی عصر مهدوی بر استدلال و براهین عقلی مبتنی است. امام حسن علیه السلام درباره قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

خداوند در آخر الزمان و روزگاری سخت در میان جهل و نادانی مردم، مردی را برمی انگیزد و او را با فرشتگان خود تأیید می کند و یاران او را حفظ می نماید و با آیات و نشانه های خویش او را نصرت می دهد و بر کره زمین غالب می گرداند تا آن جا که مردم -پاره ای از روی میل و گروهی بی میل و با اکراه- به دین خدا می گروند. سپس زمین را پر از عدل و داد و نور و برهان می کند. تمام مردم جهان در برابر وی خاضع می شوند و هیچ کافری باقی نمی ماند، مگر آن که مؤمن شود و هیچ بدکاری نمی ماند، جز این که اصلاح گردد... (۲)

ص: ۱۱۵

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۵۲.

۲- حکومت جهانی حضرت مهدی از دیدگاه قرآن و عترت، ص ۲۷۸-۲۷۹. (به نقل از: الاحتجاج،

این روایت به خوبی بر این مطلب تصریح دارد که برخی از مردم جاهل و گمراه در ابتدای حکومت حضرت، ممکن است با اکراه به حکومت وی تن دهند، ولی وقتی عدل گستری و برهان های شفاف و مستدل و نورانی وی را ملاحظه می کنند، در مقابل حکومت وی خاضع می شوند و با طوع و رغبت و رضایت مندی تمام به آن تن می دهند. بنابراین، نظام حکومت جهانی مهدوی را باید نظامی بر پایه مشروعیت کامل یعنی دارای مقبولیت، حقانیت و قانونیت دانست؛ مشروعیتی که مانند برخی از نظام های سیاسی به اصطلاح مدرن غربی امروزی با «دماغوژی» یا فریب افکار عمومی، با نظارت، دست کاری آرای عمومی و با نفوذ تبلیغات پر دامنه به دست نمی آید، بلکه محصول رضایت قلبی آحاد جامعه بشری و حتی دیگر موجودات عالم است.

۷. گفتمان واقعی و احتجاج با ادیان دیگر

بر مبنای روایات، در جهانی سازی مهدوی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بدون هیچ تعارفی همه موحدان و غیر موحدان و پیروان دیگر ادیان را به پیروی از اسلام و تعالیم نجات بخش آن با قاطعیت تکلیف می کند، ولی این به معنای اجبار صرف عقیدتی ایشان به پذیرش مطلق آیین اسلام نیست، بلکه محور کار حضرت همان طور که از نامشان نیز برمی آید، هدایت جامعه بشری است و اصل و اساس هدایت باید بر اقتناع مبتنی باشد. روایات نیز دلالت می کنند که حضرت از همان ابتدای ظهور، کتب بدون تحریف زبور، تورات، انجیل و... را می یابد و براساس نسخ اصل آنها با اهل کتاب محاجه، استدلال و گفت و گو می کند و بر آن اساس بر آنها حکم می راند تا آن که ایشان به دین اسلام و حکومت جهان شمول مهدوی هدایت گردند. امام باقر علیه السلام در این زمینه می فرمایند:

به خدا سوگند! یاد می کنم هر آینه گویا قائم را می بینم، در حالی که پشت به حجر الاسود داده، بعد از آن حق خویش را [یعنی خلافت را] از خداوند

عالم می طلبد. بعد از آن می گوید: «ایها الناس! هر که در خصوص خدا با من محاجّه و گفت و گو نماید، هر آینه من نزدیک ترین خلایقم به خدا! ایها الناس! هر که در خصوص آدم علیه السّلام با من گفت و گو و محاجّه نماید، هر آینه من نزدیک ترین خلایقم به آدم علیه السّلام! ایها الناس! هر که در خصوص نوح علیه السّلام با من گفت و گو نماید، هر آینه من نزدیکترین خلایقم به نوح علیه السّلام! ایها الناس! هر که در خصوص ابراهیم علیه السّلام با من محاجّه و گفت و گو کند، هر آینه من نزدیک ترین خلایقم به ابراهیم علیه السّلام! ایها الناس! هر که در خصوص موسی علیه السّلام با من محاجّه و گفت و گو نماید، هر آینه من نزدیک ترین خلایقم به موسی علیه السّلام! ایها الناس! هر که در خصوص عیسی علیه السّلام با من گفت و گو و محاجّه کند، هر آینه من نزدیک ترین خلایقم به عیسی علیه السّلام! ایها الناس! هر که با من در خصوص محمد صلی الله علیه و اله و سلم گفت و گو و محاجّه کند، هر آینه من نزدیک ترین خلایقم به محمد صلی الله علیه و اله و سلم؛ و ایها الناس! هر که با من در خصوص کتاب خدا گفت و گو نماید، هر آینه من نزدیک ترین خلایقم به کتاب خدا.» بعد از این سخنان به مقام ابراهیم می رود و دو رکعت نماز در آن جا می گزارد، بعد از آن حق خود را [یعنی خلافت را] از خدای تعالی می طلبد. (۱)

امام باقر علیه السّلام در بیانی دیگر، برخورد گفتمانی و استدلالی و محترمانه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با دیگر ادیان را چنین بازگو می فرماید:

چون قائم اهل بیت قیام می کند، اموال را بالسویه قسمت می نماید و در خصوص رعیت با عدالت حکم می کند؛ پس هر که او را اطاعت نماید، هر آینه خدا را اطاعت کرده و هر که با او مخالفت کند، هر آینه با خدا عصیان و مخالفت نموده و نامیدن او به مهدی از این بابت است که خدا او را به امورات مخفیة راه می نماید و تورات و سایر کتاب های خدا را در انطاکیه از مغاره بیرون می آورد و در میان اهل تورات با تورات و در میان اهل انجیل

ص: ۱۱۷

با انجیل و در میان اهل زبور با زبور و در میان اهل قرآن با قرآن حکم می فرماید... (۱)

۸. حفظ و ارتقای کرامت انسانی و حقوق بشردوستانه

در جهانی سازی حکومت مهدوی، کرامت انسان ها و حقوق بشردوستانه نه تنها محوریت دارد، بلکه به عالی ترین حدّ خود خواهد رسید. امیر مؤمنان علیه السّلام در بیانی، کرامت بخشی به جامعه انسانی در عصر ظهور را چنین تصویر می فرماید:

سپس به کوفه روی می آورد که قرارگاه و منزل اوست. برده مسلمان در بندی نمی ماند، جز این که او را می خرد و آزاد می سازد و بدهکاری نمی ماند، مگر این که دین او را می دهد و مظلومه ای نمی ماند، جز این که آن را می پردازد و کشته ای نمی ماند، مگر این که دیه او را می دهد... و کشته ای نمی ماند، جز این که دین او را پرداخته و خانواده او را تأمین می کند و همه امور را تدبیر و کارها را تنظیم می نماید تا آن جا که زمین را سرشار از عدل و داد می نماید، همان گونه که به هنگامه ظهور او، از ظلم و جور لب ریز است... (۲)

پیامبر مکرم اسلام صلی الله علیه و اله و سلم نیز ضمن تبیین برکات عصر ظهور، آن دوره را زمان تکریم و تعظیم امت معرفی می فرماید:

در آخر الزمان در میان امت، آن نجات بخش ملت ها قیام می کند. خدا کران تا کران قلمرو حکومت جهانی او را به وسیله باران سیراب می سازد و زمین، گیاه و نبات خویش را می رویاند؛ اموال عمومی را به طور عادلانه به مردم اعطا می کند و به دام داری و دام پروری اهمیت می دهد و امت را تکریم نموده و عظمت می بخشد. (۳)

ص: ۱۱۸

۱- همان، ص ۲۴۳-۲۴۴.

۲- امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۶۷۱-۶۷۲. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۶؛ معجم احادیث الامام المهدی، ص ۲۲)

۳- همان، ص ۷۵۰-۷۵۱. (به نقل از: عقد الدرر، باب ۷، ص ۱۴۴)

رعایت کرامت انسان ها و حقوق بشر دوستانه تنها به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ختم نمی شود، بلکه یاران وی نیز بر مبنای لحاظ و رعایت این امور با حضرت دست بیعت می دهند. حضرت علی علیه السلام در گفتاری طولانی در وصف بیعت ۳۱۳ تن از یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید:

با او بیعت می کنند که هرگز دزدی نکنند؛ زنا نکنند؛ مسلمانی را دشنام ندهند؛ خون کسی را به ناحق نریزند؛ به آبروی کسی لطمه نزنند؛ به خانه کسی هجوم نبرند؛ کسی را به ناحق نزنند؛ طلا، نقره، گندم و جو ذخیره نکنند؛ مال یتیم را نخورند؛ در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند؛ مسجدی را خراب نکنند؛ مشروب نخورند؛ حریر و خز نپوشند؛ در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند؛ راه را بر کسی نبندند؛ راه را ناامن نکنند؛ از اعمال منافی عفت اجتناب کنند؛ خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند؛ به کم قناعت کنند؛ هوادار پاکی باشند؛ از پلیدی گریزان باشند؛ به نیکی فرمان دهند؛ از زشتی ها باز دارند؛ جامه های خشن بپوشند؛ خاک را متکای خود سازند؛ در راه خدا، حق جهاد را ادا کنند؛ و... او نیز در حق خود تعهد می کند که از راه آنها برود؛ جامه ای مثل جامه آنها بپوشد؛ مرکبی همانند مرکب آنها سوار شود؛ آن چنان که آنها می خواهند باشد؛ به کم راضی و قانع باشد؛ زمین را به یاری خدا، پر از عدل و داد کند، آن چنان که پر از جور و ستم شده است؛ خدا را آن چنان که شایسته است پرستد؛ برای خود دربان و نگهبان اختیار نکند و... (۱)

جهانی سازی حکومت مهدوی، در عین صلابت و بی هیچ گونه تبعیض، بر عطفوت، صفا و صمیمیت و مهرورزی و تکریم انسان ها مبتنی است؛ حکومتی که حتی خفته ای را بی جهت بیدار نمی کند و با چنین آرامش بخشی به عالم بشر، پناه و مأوای جامعه بشری می گردد. پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم در توصیف این وضعیت می فرماید:

ص: ۱۱۹

مردم به سوی او پناه می برند، هم چنان که زنبوران عسل به ملکه خود پناه می برند؛ عدالت را در سراسر گیتی می گسترانند، چنان که از ستم پر شده بود، تا جایی که صفا و صمیمیت صدر اسلام به آنها باز می گردد؛ هیچ خفته ای را بی جهت بیدار نمی کنند و هیچ خونی [به ناحق] ریخته نمی شود. (۱)

۹. نفی قومیت مداری و نژادپرستی

قومیت مداری و نژادگرایی در نهضت جهانی سازی مهدوی وجود ندارد و از منظرها و ملاک های تقوا و شایسته سالاری، برای اصلاح امور مادی و معنوی بشری به شکل جهانی اندیشیده و عمل می شود. گزینش ۳۱۳ یار اصلی امام از کشورهای مختلف، بر مبنای تقوا، شایستگی و کاردانی، از نمونه های صدق این گفتار است. نویسنده عالی قدر کتاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، از ولادت تا ظهور در تحقیق جالبی به نام، شهر و کشورهای یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره می کند و براساس جغرافیای امروز، قریب ۲۳ کشور (۲) را خاستگاه و محل سکونت این افراد معرفی می کند. (۳) این امر نشان می دهد که نهضت جهانی مهدوی، به قومیت و ملیت خاصی متکی نیست و ملاک حرکت و تکاپوی آن و گزینش کارگزارانش، ملاک های قرآنی و الهی است. همین ویژگی به همراه ویژگی های دیگر حکومت طیبه مهدوی، باعث می گردد که حکومت جهانی مزبور مورد رضایت همه اهل عالم، ملل و نحل مختلف و نظام های سیاسی گوناگون قرار گیرد و با اجرای کامل عدالت، شکاف ها و محرومیت های ناشی از استکبارورزی و زیاده خواهی ملل و دول زورمند از جهان رخت برنندد و استعدادها و توان مندی ها و استیفای

ص: ۱۲۰

۱- منتخب الأثر، باب ۷، ص ۴۷۸، روایت دوم.

۲- برخی از این نواحی و کشورها عبارتند از: عراق، قاره افریقا، عربستان سعودی، ایران، لبنان، ارمنستان، فرانسه، مصر، ترکیه، یمن، بیت المقدس، سوریه، بحرین، هندوستان، مرو واقع در شوروی سابق، افغانستان، اردن، عمان، پاکستان، اتیوپی، ازبکستان و منطقه قفقاز.

۳- ص ۵۸۷-۶۰۰.

فراگیر تمام حقوق جوامع بشری- اعم از ضعیف یا قوی، محقق شود و به اصطلاح امروزی، جهان نه با توسعه ناموزون بلکه با توسعه موزون مواجه گردد.

روایات بسیاری بر نفی قومیت پرستی و نژادگرایی نهضت جهانی موعود اشاره می کنند. نه تنها اعراب و قریش در این دولت جهانی، قوم و طبقه ممتاز شناخته نمی گردند، بلکه بسیاری از آنها بر حسب آزمایش ها و ابتلائات عصر مهدوی، مرتد می شوند و حضرت فوج فوج آنها را نابود می کند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه تنها به دلیل مشابهت قومی با ایشان، ملاحظه آنها را نمی کند، بلکه بر حسب مبانی متقن الهی، ایشان را به علت کفر و نفاقشان گردن می زند و بر آنها بسیار سخت می گیرد. (۱)

۱۰. حکومت شبه فدرالی و احترام به دیگر ملل

از برخی روایات، این گونه به نظر می رسد که ملل دیگر حکومت جهانی مهدوی و جهانی سازی وی در قالب نوعی حکومت مشابه فدرالیسم و در کنار تبعیت از حکومت مرکزی جهانی، دارای آزادی هایی در تبعیت از رسوم و فرهنگ های ملی غیر متعارض با اسلام هستند و حضرت این حق و احترام را برای آنها نگاه می دارد. امام باقر علیه السلام می فرماید:

وقتی قائم قیام کند، قطایع و حکومت های طایفه ای از بین خواهند رفت. (۲)

با وجود این، امام صادق علیه السلام می فرماید:

وقتی قائم ما قیام کند، به هر منطقه ای نماینده ای می فرستد و به او می گوید:

«حکومت در اختیار توست، هرچه مصلحت می بینی عمل کن.» (۳)

ص: ۱۲۱

۱- نک: مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۴۰-۲۴۲.

۲- ظهور نور، ص ۲۰۲. (به نقل از: اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۲۳، روایت ۴۰۹)

۳- همان، ص ۲۰۳. (به نقل از: اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۷۳، روایت ۷۱۲)

لحاظ مقتضیات زمانی و مکانی و حرکت بر مبنای تحولات تازه و پاسخ گویی به امور جدید، از ویژگی های فرابرد جهانی شدن است. پیش تر گذشت که اسلام و به ویژه تشیع، به پشتوانه ماهیت خود و بر مبنای سنت مترقی اجتهاد، این انعطاف پذیری را همیشه به همراه دارد. نظام جهانی سازی مهدوی نیز از این ویژگی ضروری غافل نیست و کاملاً بدان مجهز است و در عصر مهدوی، جهان با احیای اسلامی جدید و نوسازی دینی مواجه خواهد گردید. امام صادق علیه السلام می فرماید:

چون قائم قیام می کند، امر تازه و احکامی تازه می آورد، هم چنان که رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم در اول اسلام همین گونه عمل نمود و خلائق را به امر جدید دعوت نمود... (۱) آن حضرت کارهای مشابه رسول خدا انجام می دهد. وی همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم امور جاهلیت را برهم زد، امور قبل از خود را برهم می زند و قائم، دین اسلام را تازه می کند. (۲)

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:

قائم کتابی جدید، امری جدید و حکمی جدید می آورد و بر عرب سخت می گیرد. (۳)

ایشان در جایی دیگر، ضمن تشبیه سیره حکومت مهدوی با سیره پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم در ابطال احکام جاهلیت می فرماید:

...هم چنین است قائم وقتی قیام می کند، باطل می گرداند احکامی را که در ایام مصالحه با کفار در دست خلائق بوده و با عدالت در میان خلائق رفتار می کند. (۴)

ص: ۱۲۲

۱- مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۴. (به نقل از: الارشاد، ص ۳۶۴)

۲- همان، ص ۲۴۶.

۳- ظهور نور، ص ۱۹۹. (به نقل از: اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۴۰، روایت ۵۰۲)

۴- مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۸۴. (به نقل از: تهذیب، ج ۶، باب ۷۰، ص ۱۵۴، روایت یکم)

بدین گونه جهانی سازی مهدوی، به احیا و تجدید اسلام ناب و نوسازی جدید آن برحسب مقتضیات جدید معطوف خواهد بود. بدیهی است که چنین امری به شفافیت اسلام و افزایش پیروی آن دین حنیف می انجامد و دیگر به بحث و فحص های طاقت فرسای علمی و حوزوی برای فهم و دریافت آرای واقعی شارع مقدس نیازی نیست و اکثر شیوه های درسی و اجتهادی و استنباطی، کهنه و بی استفاده خواهند شد. عالم عالی قدر، آیت الله قزوینی در اثر خویش این مطلب را در تحلیلی جامع این گونه بیان فرموده اند:

خدا می داند که این تحول مطلوب و مترقی چگونه خواهد بود، اما به نظر می رسد بسیاری از کتاب های فقه و حدیث، نوسازی گردد و نقش بسیاری از موضوعات کتاب های اصولی به پایان برسد؛ چرا که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قواعد عمومی برای دریافت مسائل شرعی و مقررات دینی را بیان می کند و در پرتو همان ها، دانش مندان از بسیاری از بحث های اصولی و قواعد آن بی نیاز می گردند. کتاب های مربوط به شرح حال راویان احادیث که به کتاب های رجالی معروفند و نیز شرح حال و بیوگرافی آنان و تقسیم بندی روایات به صحیح و ضعیف و اصطلاحاتی از این گونه، همه و همه نقششان به پایان می رسد؛ چرا که این بحث ها بیشتر به حدس و ظن تکیه دارد و در عصر غیبت و به خاطر نرسیدن دست مردم به امام معصوم مورد استفاده قرار می گیرد. اما در عصر ظهور، مردم به مقررات و احکام قطعی دست می یابند و از اینها بی نیاز می گردند.

و نیز در عصر ظهور، بیشتر کتاب های تفسیری از اعتبار ساقط می شود؛ چرا که مردم با رشد فکری و ژرف نگری برخاسته از فرهنگ عصر ظهور، به تفسیرهای برخاسته از نظرات افراطی افراد، بهایی نمی دهند. از این رو، تنها تفاسیر برخاسته از روایات رسیده از پیامبر و اهل بیت باقی می ماند.

همین گونه قرائت های مختلف از قرآن شریف که دلیلی برای آنها نازل نشده است، برداشته می شود؛ چرا که مردم، قرآن و قرائت صحیح آن را به گونه ای که بر قلب مصفای محمد صلی الله علیه و اله و سلم فرود آمده است، از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می آموزند و تفسیر و پیام و مفهوم آن را آن گونه که خدا اراده فرموده است، می شناسند و بر معارف بلند و راز و رمز و شگفتی های آن که هم چنان ناشناخته و پوشیده است، آگاهی می یابند... (۱)

۱۲. تحول شگرف در حوزه ها و فضاهای ارتباطی و رسانه ای

فضاهای ارتباطی و رسانه ای در دولت جهانی مهدوی، دچار تحولات شگرف و بنیادینی خواهد شد که ساده ترین تعبیر از روایات، بحث استفاده از رسانه هایی مانند اینترنت و تلویزیون و ارتباط مردم با یک دیگر از این طرق را به ذهن متبادر می کند. گویا این روایات، بر پیشرفت های وسیعی در این زمینه دلالت دارند و می توان این دوره را از حیث وصف وضعیت رسانه ها و ارتباطات، به دوره ای بسیار فراتر از دوره ظهور ابررسانه ها تشبیه کرد. امام صادق علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ فِي الْمَشْرِقِ لِيرَى أَخَاهِ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَ كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهِ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ؛ (۲)

مؤمن در عصر قائم درحالی که در مشرق است، برادر خویش را در مغرب می بیند و همان گونه آن که در مغرب است، برادر مؤمن خویش را در مشرق می بیند.

در جای دیگر فرموده اند:

إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لَشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ، حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يَكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ؛ (۳)

ص: ۱۲۴

۱- امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۷۳۵-۷۳۶.

۲- همان، ص ۷۷۳. (به نقل از: بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۵۶)؛ مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۹۸.

۳- امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۷۳۳ (به نقل از: اصول کافی، ج ۸، ص ۲۴۰؛ خرائج، ج ۲، ص ۸۴۰؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۴، ص ۵۷)؛ مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۰.

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند در دستگاه شنوایی و بینایی شیعیان ما، گستردگی و کشش ویژه ای می بخشد تا میان آنان و مهدی ما واسطه و نامه رسان یا فاصله ای نباشد.

فهم روایت اول با وجود پیشرفت های امروزی در عرصه فن آوری ارتباطات همانند تلویزیون و اینترنت، دشوار و پیچیده نیست. اما با توجه به روایت دوم، به نظر می رسد که پیشرفت های عصر ظهور در عرصه گسترش فضاهای ارتباطی، تنها تکنولوژی و ابزارهای ارتباطی نباشد، بلکه مؤمنان به واسطه سطوح عالی ایمانی خود، برخوردار از کمالات اعطایی الهی می شوند و گوش و چشم های آنان دارای قدرت فرابینی و فراشنوایی و فرامکانی می گردد و همان طور که می توانند در هر لحظه با یک دیگر ملاقات سمعی و بصری کنند، به طریق اولی با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز ارتباط خواهند داشت و از فیض مطلق وجود او در ورای مکان ها و زمان ها استفاده خواهند کرد. در عصر حضور که هرچیز به کمال نهایی خود می رسد، تجهیز انسان های مؤمن به چنین مواهب الهی، دور از ذهن نیست. به همین دلیل، می توان تصور کرد که با این پیشرفت ها در خلقت انسان های برگزیده، کشف دیگر کرات در فضاهای لایتناهی و افشای میلیاردها اسرار نهفته در کائنات برای بشر عصر ظهور نه تنها ممکن، بلکه در منتهای حد، با رهبری زعیم موعود، صورت خواهد گرفت و اسرار بی شمار کائنات بر ایشان کشف خواهد گردید.

۱۳. رعایت آرمانی حقوق محیط زیست و جان داران

جهانی سازی مهدوی همانند جهانی سازی غربی، تأثیرات و تبعات تخریبی برای محیط زیست و ساکنان موجود در آن ندارد؛ درحالی که امروزه جهان با

مشکلات زیست محیطی عظیمی همانند سوراخ شدن لایه ازن، گرم شدن زمین بر اثر گازهای گل خانه ای، نابودی جنگل ها، روند رو به انقراض پاره ای از موجودات، آلودگی های صنعتی و شیمیایی محیط زیست و... مواجه است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم خشنودی تمام موجودات انسانی و غیرانسانی از حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را با عبارت زیبای «یرضی عنه ساکن الأرض و السماء» (۱) بیان فرموده اند و در جای دیگر، حکومت ایشان را مایه رفاه و فرح و شادمانی تمام موجودات به شمار آورده، می فرمایند:

یفرح به أهل السماء و أهل الأرض و الطیر و الوحوش و الحیتان فی البحر؛ (۲)

ساکنان آسمان و مردم زمین، پرندگان، درندگان و ماهیان دریا، همه در سایه لطف و حکومت او شادمان و فرح ناک هستند.

بسیار بدیهی است که این شادمانی، بدون تصور رعایت آرمانی حقوق همه جان داران و حفظ حقوق محیط زیست آنها در دولت جهان شمول مهدی موعود، محقق و میسر نیست. هم چنین در روایتی از امام حسن علیه السلام نقل شده که «در دولت حضرت مهدی، درندگان آزادانه [و بدون مزاحمت] زندگی می کنند.» (۳) این امر بیان گر اوج صلح و آرامشی است که دولت جهان شمول مهدوی برای بشر به ارمغان خواهد آورد؛ دولتی که عالم را به سمتی سوق خواهد داد که تمام آیات الهی به منتهای ظهور خود برسند، حق و باطل از هم جدا شوند و براساس پاره ای استنباطها، دیگر معصیت خدای سبحان انجام نشود و باری تعالی، با کمترین مداخله هوای نفس و بدون وسوسه شیطان، به طور خالص عبادت گردد.

مردگان نیز با اشک شوق، خواهان رجعت به دنیا و احیای خویش از خداوند

ص: ۱۲۶

۱- نک: ظهور نور، ص ۲۰۷. (به نقل از: التشریف بالمنن، ص ۱۴۶، روایت ۱۷۵)

۲- منتخب الأثر، باب ۳، ص ۴۷۲، روایت ۳.

۳- نک: حکومت جهانی مهدی از دیدگاه قرآن و سنت، ص ۲۷۹. (به نقل از: الاحتجاج، ج ۲، ص ۱۱)

می‌گردند تا افتخار و آرزوی زندگی در این دوره نیز برای آنها نیز محقق شود و موعود الهی را یاری رسانند.

نتیجه

در این نوشتار، مفهوم جهانی شدن یا جهانی سازی و برداشت های مختلف از آن تبیین گردید. جهانی سازی غربی یا امریکایی، از اصلی ترین آموزه های این پدیده در این زمان است. سپس با تشریح پی آمدهای کلیت راه برد مورد نظر، ضمن نفی نکردن پی آمدهای مثبت آن، تبعات منفی و ویران گر جهانی سازی غربی نیز بیان شد. در بطن این آموزه، چه در حوزه نظری و چه در حوزه عملی، سلطه گری، هژمونی طلبی، استکبارورزی، استثمار و امپریالیسم نهفته است. این گونه جهانی سازی به دلیل ماهیت تعرضی و استکباری و انحصار طلبانه خویش، فرایندی مادی، یک سویه، مصنوعی، و غیر جهان شمول و سکولار به شمار می آید که هدفی جز یک پارچه سازی جهانی و ادغام آن در بازار مشترک جهانی به رهبری دنیای سرمایه داری و سردمداری امریکا را دنبال نمی کند؛ بازار سودگرایانه و سود محورانه مادی که همه مؤلفه های حیات اجتماعی (اقتصاد، سیاست و فرهنگ) را به سود منفعت طلبی و استکبارورزی و سلطه بی چون و چرای تمدن غرب و استیلای بیشتر آنها علیه دیگر کشورها و فرهنگ ها دادوستد می کند و مدعی جامعه جهانی تک قطبی سرمایه سالارانه و میلیتاریستی است. می توان آن را پروژه ای تحمیلی و یک طرح مهندسی-اجتماعی در سطح کلان سیستمی دانست؛ پروژه ای که می کوشد ایدئولوژی های غربی را با تکیه بر بنیادهای نئولیبرالیستی و سرمایه داری به کل جامعه بشری تحمیل کند و از این طریق در صدد فراگیر کردن شیوه زندگی امریکایی و غربی کردن انسان ها و ترویج فرهنگ مصرف و اصالت سود و سرمایه است. هم چنین نابودی سنن و فرهنگ های محلی و نابودی ادیان رقیب، نابودی محیط زیست، و وابستگی مستمر کشورهای

ضعیف به کشورهای غربی را دنبال می کند و به دروغ سعی دارد نظام فکری و اجرایی لیبرال-دموکراسی را الگوی تکاملی مشترک برای کل جوامع انسانی معرفی و دیکته کند؛ در حالی که در عمل، ناکارآمدی این ایده، چه در سپهر اندیشه و چه در حوزه عمل و اجرا، ثابت شده و بحران های فعلی گریبان گیر رژیم های غربی مؤید اثبات این مدعاست.

برای اثبات مدعای این نوشتار، به جهان شمولی تعالیم عالییه اسلام و سزاواری آموزه جهانی سازی مهدوی برای ارائه الگویی جهان شمول، فراگیر، امیدزا و تحرک آفرین برای تکامل جامعه بشری و نجات آن از ورطه ها، حرمان ها و تنگناهای موجود، به گونه ای مستدل اشاره گردید. بنابر استدلال های پژوهش، آموزه جهانی سازی مهدوی می تواند ترجمان بخش مثبت فرایند جهانی شدن فعلی باشد، یعنی با استفاده از عرصه های مختلف فن آوری و دیگر مواهب خداداد در عصر ظهور، همانند پلی تمام دنیا و شهروندان آن را متحد کند و محرومیت های علمی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را از بین ببرد؛ هنجارهای پسندیده دینی، اخلاقی و انسانی را بر جهان حکم فرما سازد و نوعی وحدت بهینه، مثبت و متکامل را در میان بشر ایجاد کند. دولت جهانی مهدوی، با زعامت آخرین معصوم الهی، می تواند خاتمیت دین و رسالت جهان شمول نبوی را تکمیل سازد و معنا بخشد تا مردم دنیا همانند یک اندام و با تبعیت از تعالیم عالییه و نوسازی شده اسلامی، در فکر صلاح و اصلاح یک دیگر برآیند و در سنگری واحد علیه تمام عوامل مخل تکامل بشری و پلشتی های گیتی و زیست بوم خود مبارزه کنند و با رخت بر بستن هوا و هوس های شیطانی، به عبودیت و خلوص در پرستش الهی دست یابند. بدیهی است که این امر، تنها در پرتو حکومت جهانی مهدوی و تشخیص ویژه آن به شاخصه هایی از جمله موارد ذیل فراهم می گردد:

۱. حاکمیت جهان شمول اسلام و برجیدگی شرک و اختلافات بشری؛

۲. حاکمیت مطلق عدالت و دادورزی؛

۳. برقراری امنیت و آرامش همه جانبه؛

۴. رفاه و رشد پایدار اقتصادی، استغنای عمومی و رفع فقر؛

۵. رشد و ترقی علوم و فنون و شکوفایی و کمال عقلانیت بشری؛

۶. تکیه بر استدلال و اقناع و کسب مقبولیت و رضایت عمومی؛

۷. گفت‌وگو واقعی و احتجاج با دیگر ادیان؛

۸. حفظ و ارتقای کرامت انسانی و حقوق بشر دوستانه؛

۹. نفی قومیت‌مداری و نژادپرستی؛

۱۰. حکومت شبه فدرالی و احترام به دیگر ملل؛

۱۱. نوسازی و احیای دینی بر مبنای مقتضیات جدید؛

۱۲. تحول شگرف در حوزه‌ها و فضاها و ارتباطی و رسانه‌ای؛

۱۳. رعایت آرمانی حقوق محیط زیست و جان داران.

واضح است دولت جهانی مهدوی با این ویژگی‌های آرمانی، خواهد توانست طرح آرمانی جهانی سازی دولت کریمه اهل بیت و حیات طیبه موعود قرآن را در فراخنای گیتی محقق سازد.

موضوع محیط زیست (۱) و ضرورت صیانت و حمایت از آن در تمام ادوار تاریخ بشر، اهمیت ویژه ای داشته است، تا جایی که این امر، انسان ها را واداشته که در چند دهه اخیر، با وضع مقررات و قواعد ویژه ای، حقوق خاصی را تحت عنوان حقوق محیط زیست تدوین کنند. با وجود این، هنوز هم بشر مدرن نتوانسته تبعات ویران گر حیات صنعتی، ماشینی و مصرفی خود را بر محیط زیست نظارت کند و جهان همواره با روند تخریب و آلودگی روزافزون آن روبه روست.

این فصل، نظر به ضرورت طرح مباحث نو و گشودن زوایای جدید در حوزه

ص: ۱۳۱

مهدویت، نوع نگرش به محیط زیست و جایگاه آن را در حیات طبیه مهدوی بررسی نموده و اثبات می کند که حقوق محیط زیست و هم چنین حقوق جان داران و گیاهان در عصر ظهور به کامل ترین شکل رعایت می شود و همه موجودات و حتی محیط زیست آنها به عالی ترین حد تحقق قابلیت های بالقوه خویش، خواهند رسید.

الف) نگرشی به حقوق محیط زیست در جهان امروز

محیط زیست، از اصلی ترین دغدغه های بشر و جهان مدرن در چند دهه گذشته تاکنون بوده است. بر همین مبنا، ایجاد و تحول حقوق و تکالیف آن، چه داخلی و چه بین المللی، از مسائل بسیار مهمی به شمار می آید که بسیاری از صاحب نظران، دولت مردان، و شماری از سازمان های جهانی و معاهدات بین المللی را به خود معطوف و مشغول کرده است.

البته اصطلاح محیط زیست دست کم به معنای امروزی آن در بسیاری از زبان ها نو و تازه به شمار می آید و پیشینه آن، در زبان فرانسه به قرن دوازدهم برمی گردد؛ هرچند این اصطلاح از آغاز دهه ۱۹۶۰ میلادی کاربرد پیوسته پیدا کرده است.

تمدن ها و فرهنگ های پیشین به محیط زیست احترام گذاشته اند. برای نمونه، ایرانیان میترا یا خورشید را می پرستیدند، هندیان و مصریان رودخانه های گنگ و نیل را مقدس می داشتند و بابلیان ستارگان را می پرستیدند. کتاب هایی هم چون ریگ ودا (کتاب مقدس هندوان)، تورات و قانون حمورابی نیز به خصوص حفظ منابع طبیعی و پرهیز از آلودگی محیط زیست پرداخته اند. اقوام دیگر چون فنیقی ها، لیدی ها، هیتی ها، مایا و اینکا نیز به تقدیس پدیده های طبیعی پرداخته اند.

آسیب های زیست محیطی، با ظهور انقلاب صنعتی در قرن هجدهم، به ویژه در جهان صنعتی غرب شکل بسیار ملموس تری یافت و پس از آن در قرن بیستم، خسارات زیست محیطی با قضایایی هم چون تریل اسمیلتر (۱) در ۱۹۴۱، کانال

ص: ۱۳۲

کورفو (۱) در ۱۹۴۶، اختلاف دریاچه لانو (۲) در ۱۹۵۷، اختلاف سد گات (۳) در ۱۹۶۸، قضیه کاسموس ۹۴۵ (۴) در فضا در سال ۱۹۷۸، فاجعه کارخانه شیمیایی بوپال هند (۵) در سال ۱۹۸۴، فاجعه نیروگاه هسته ای چرنوبیل در ۲۶ آوریل ۱۹۸۶ و آلودگی های ناشی از حریق عمدی چاه های نفت کویت توسط عراق در جنگ دوم خلیج فارس، شکل عینی تر و بحرانی تری یافت و نشان داد که بشر برای چیرگی بر این خطرها، نیازمند عزمی جهانی و برنامه ریزی دقیق، قاطع و فراگیر در سطوح محلی، منطقه ای و بین المللی است؛ در غیر این صورت، حیات بشری دچار نابودی و انهدام روزافزونی خواهد شد.

امروزه تهدیدهای زیست محیطی، دامنه وسیعی را دربر می گیرد؛ آب و هوا، میزان حرارت و گرم شدن دمای زمین، بالا آمدن سطح دریاها، حفظ گونه های مختلف و به ویژه گونه های نادر گیاهی و جانوری، فرسایش لایه ازن، آثار فعالیت های صنعتی ناشی از اعمال انسان، تخریب جنگل ها، آلودگی آب ها، باران های اسیدی، آلودگی های صوتی، نظامی، هسته ای و مانند آن. از سوی، برخی از این ضایعات زیست محیطی، خود نیز منشأ ضایعات گسترده تری شده اند؛ برای نمونه، کارشناسان معتقدند که قطع درختان جنگلی به صورت انبوه و انتشار ممتد ضایعات صنعتی در فضا، باعث تغییرات بسیار منفی در وضعیت آب و هوای جهانی و بالا آمدن سطح آب دریاها و به تبع آن، زیر آب رفتن دشت های ساحلی و گسترش امواج گرمازا گردیده؛ هم چنان که سوخت های فسیلی و استفاده نامتناسب و گسترده از آنها، باعث افزایش دی اکسید کربن زمین

ص: ۱۳۳

۱- esac lennahc ufroC.

۲- noitartibrA xuonal ekaL.

۳- noitartibrA mad tuG.

۴- esac ۵۴۹ somsoc etilletas teivoS.

۵- در این سال، نشست گاز متیل ایزو سایانیت از کارخانه ای اطراف یونیون در بوپال هند، موجب مرگ دو هزار نفر و آسیب دیدن دویست هزار نفر گردید.

و ایجاد پدیده گازهای گل خانه ای شده است. وجود گازهای سمی منتشر شده از فعالیت های صنعتی انسانی، به اسیدی شدن باران ها می انجامد و آب های مصرفی و فضای حیاتی موجودات دریایی را مسموم می کند و سلامت انسان ها را به خطر می اندازد.

امروزه موضوعات محیط زیستی را از جهت روابط بین الملل پدیده های جدیدی نمی دانند، اما با توجه به وخامت اوضاع آن، رهبران جهان به طور فزاینده ای مسائل محیط زیستی را از موضوعات حاشیه ای و جانبی، به دستور کار اصلی سیاسی شان منتقل کرده اند؛ (۱)هم چنان که همین روش نیز در مورد عمل کرد سازمان های بین المللی و جهانی در نحوه برخورد پیش گیرانه از آلودگی محیط زیست مشاهده می شود و تصویب و عقد ده ها معاهده و کنوانسیون زیست محیطی، بیان کننده چنین اهمیت روزافزونی است.

اصطلاح محیط زیست به یک منطقه یا تمام سیاره و حتی به فضای خارجی ای اطلاق می شود که آن را احاطه نموده است. یونسکو برای محیط زیست، از اصطلاح «بیوسفر» (۲) یا لایه حیاتی نام برده که از تعاریف دامنه دار در این باره بوده و عبارت است از: محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان که بنا به دانش کنونی بشر، همه حیات در آن استمرار دارد. در حقیقت، بیوسفر یا لایه حیاتی، همان لایه و قشر نازکی به شمار می رود که این کره خاکی را در میان گرفته و شامل زمین و هزار متر بالا و عمق زمین و اقیانوس هاست.

آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی تأثیرگذار در حیات هر موجود زنده نیز محیط زیست به شمار می روند. هم چنین از نظر برخی از کنوانسیون های محیط زیستی، محیط مذکور این بخش ها را شامل می شود:

۱. منابع طبیعی اعم از تجدیدپذیر و تجدیدناپذیر، مانند هوا، آب، خاک و

ص: ۱۳۴

۱- نک: حقوق بین الملل محیط زیست و تحقیقی از دانشگاه هاروارد (ترجمه)، ص ۳۱.

۲- erehpsoiB.

تمام جانوران و گیاهان و تأثیر متقابل این عوامل در یک دیگر؛

۲. اموال و دارایی‌هایی که جزو میراث فرهنگی هستند؛

۳. مناظر و چشم اندازهای ویژه.

از این رو، محیط زیست ساخت دست بشر، شامل بناها، آثار تاریخی، ساختمان‌های گوناگون و یا مناظر و چشم اندازهای ویژه که بخشی از محیط زیست به شمار می‌آیند، باید در برابر خرابی حراست شوند؛ (۱) همان‌طور که منابع طبیعی کره زمین از جمله هوا، آب، زمین، گیاهان، حیوانات و به ویژه نمونه‌های معرف اکوسیستم‌های طبیعی باید به نفع نسل‌های حاضر و آینده، برحسب نیاز با برنامه‌ریزی و مدیریت دقیق محافظت گردند و با منطقی کردن مدیریت تولید و مدیریت منابع، تعارض موجود میان توسعه و محیط زیست حل شود، اما مع الأسف انسان عصر فراصنعتی و دوره «بیوتکنو الکترونیک»، نتوانسته بر معضل نابودی و تخریب محیط زیست خویش فائق آید و هر روز با بیشتر نابود کردن جنگل‌ها، افزایش بیابان‌ها، آلودگی هوا، آب و خاک، محیط زیست و انقراض گونه‌هایی از حیات جانوری و گیاهی بیش از پیش روبه‌روست و این فرایند در مداری بسته و قهقرایی، همواره تکرار می‌شود و باز هم سرعت تخریب محیط زیست از سرعت ترمیم آن روزافزون‌تر است.

(ب) حقوق محیط زیست در سیره نبوی و معصومان

در بحث آموزه مهدویت، همواره نظر کردن به سیره عموم معصومان راه گشا و ضروری است؛ زیرا حاکمیت و امامت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقطه پایانی و تکمیل رسالت نبوی و امامت دیگر معصومان علیهم السّلام خواهد بود. بدیهی است که این سیره، آموزه مهدویت را شرح و تبیین می‌کند؛ همان‌طور که این آموزه نیز مکمل و مبین سیره مورد نظر است. بدین لحاظ در این جا جایگاه حقوق موجودات اعم از

ص: ۱۳۵

۱- نک: حقوق محیط زیست، ص ۷.

جانوری و گیاهی و محیط زیست آنها به اجمال بررسی می شود تا مدخلی مقدماتی برای تبیین بحث مذکور در آموزه مهدویت باشد.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم به موضوع محیط زیست بسیار اهمیت داده اند. برای نمونه، احادیث فراوانی از ایشان در مورد اهمیت درخت و درخت کاری و آبادانی محیط زیست نقل شده است؛ از جمله فرموده اند:

چه نیکو مالی است نخل که در گل محکم است؛

اگر رستاخیز برپا شد و نهالی در دست یکی از شما بود، اگر می تواند آن را بکارد باید بکارد؛

هر که درختی بنشانند، خدا به اندازه میوه ای که از آن درخت برون می شود، پاداش برای وی ثبت می کند؛

هر که درختی بکارد، هربار که انسانی یا یکی از مخلوقات خدا (به اندازه میوه ای که از آن درخت برون می شود) از آن بخورد، برای او صدقه محسوب می شود. (۱)

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم در حدیث ارزش مند دیگری، کاشت درخت، جاری کردن نهر و حفر چاه را سه مورد از صدقات جاریه، هم پای اثر «فرزند صالح» و «ساخت مسجد» به شمار آورده که پاداش آن نیز برای فاعل آن تا ابد، دوام می یابد:

هفت چیز است که پاداش آن برای بنده در قبر او و پس از مرگش دوام دارد: کسی که علمی تعلیم دهد، یا نهری به جریان آورد، یا چاهی حفر کند، یا نخلی بکارد، یا مسجدی بسازد، یا مصحفی به ارث گذارد، یا فرزندی بر جا نهد که پس از مرگش برای او آمرزش خواهد. (۲)

توصیه های پیامبر گرامی صلی الله علیه و اله و سلم در مورد حفظ حقوق حیوانات و برخورد ملاطفت آمیز با آنها فراوان است. ایشان علاوه بر نهی شدید از اذیت و کشتن

ص: ۱۳۶

۱- برای مشاهده احادیث نک: نهج الفصاحه، ص ۲۶۸.

۲- نک: همان.

نابه جای حیوانات، بر رسیدگی کامل به آنها تأکید می‌ورزند؛ از جمله فرموده اند:

هر حیوان، پرنده یا غیر آن به ناحق کشته شود روز قیامت با قاتل خویش محاصمه کند؛

هر که گنجشکی را بیهوده بکشد، روز قیامت آن گنجشک بیاید و نزد عرش فریاد زند و گوید: پروردگارا! از این پیرس برای چه مرا بی‌فایده کشت؛

هر که گنجشکی را به ناحق بکشد، خدا روز قیامت از وی بازخواست کند؛

زنی به جهنم رفت؛ برای آن که گربه‌ای را بسته بود و چیزی بدو نخوراند و نگذاشت از چیزهای زمین بخورد تا بمرد. (۱)

آن حضرت بر ساخت و ساز و عمران محیط زیست تأکید فراوانی داشته است؛ هم چنان که ایشان افراد را از زندگی در خانه های ویران بر حذر می‌داشتند و دعای چنین کسی را همانند فردی که در حفظ حیوان تحت مالکیت خویش اهمال می‌ورزد، اجابت ناشدنی می‌دانستند:

سه کسند که خدا دعایشان را نمی‌پذیرد: مردی که در خانه ویران جای گیرد و مردی که کنار راه اقامت گزیند و مردی که حیوان خود را رها کند و سپس دعا کند که خدا آن را نگه دارد. (۲)

پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم، خرج کردن برای اسب را هم چون نفقه ضروری می‌داند و ضمن همانند دانستن آن با صدقه، امساک کردن در این باره را نهی می‌فرماید و سفارش می‌کند که پیشانی این حیوان را نوازش کنند تا برکت بیفزاید. (۳) تأکید حضرت، با توجه به کاربرد گسترده حیواناتی مانند اسب در امور نظامی و حمل و نقل، صورتی نمادین دارد. در واقع، این توجه بر حفظ حقوق دیگر حیوانات نیز ناظر است؛ هم چنان که مردم را به تکریم گاو، مهتر چهارپایان توصیه می‌فرماید. (۴)

ص: ۱۳۷

۱- نک: همان، ص ۲۱۲.

۲- همان.

۳- همان، ص ۳۵. (باب الفرس- الخیل)

۴- «أكرموا البقر فإنه سيد البهائم.» (بحار الأنوار، ج ۱۳، باب ۷، ص ۲۰۸، روایت سوم)

هم چنین از امام صادق علیه السّلام نقل شده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم مردم را از شلاق زدن، به خصوص به صورت چهارپایان و کشتن زنبور عسل و داغ نهادن بر صورت بهائم نهی فرموده است. (۱) امام صادق علیه السّلام در حدیث دیگری نهی از شلاق زدن به صورت حیوانات را بدین علت دانسته اند که حیوانات با صورت خود خداوند را تسبیح می کنند. (۲) نیز امام حسین علیه السّلام در این باره فرموده اند:

برای هر چیزی حرمتی نهاده اند و حرمت چهارپایان در صورت آنها نهفته است. (۳)

در روایات اسلامی انسان های بی عقل، در ردیف چهارپایان به شمار آمده اند (۴) و یا حتی انسانی که شهوتش را بر عقلش حاکم می کند، بدتر از چهارپایان به حساب آمده است. (۵) از این رو، حیوانات به دلیل فقدان عقل در مرتبه پایین تر از انسان ها قرار داده شده اند، ولی این مسئله دلیلی بر تجویز مراعات نکردن حقوق آنها نیست. در برخی روایات، جانوران به چهار دسته تقسیم شده اند: اول، انسان ها که کامل ترین موجودات هستند، سپس چهارپایانند که گاو مهتر آنها به شمار می آید، سوم، دسته پرندگان هستند که مهتر آنها عقاب است و چهارم، حیوانات وحشی هستند که شیر مهتر آنهاست. در این روایت، امام علی علیه السّلام تصریح فرموده اند که گاو، عقاب و شیر برای صنف های زیرمجموعه خویش، از خداوند با تضرع درخواست رزق و شفاعت می کنند. (۶) پس همه حیوانات اهل تسبیح خداوند هستند و به شیوه خویش خداوند را عبادت می کنند. با توجه به

ص: ۱۳۸

-
- ۱- «قال نهی رسول الله عن ضرب وجوه البهائم و نهی عن قتل النحل و نهی عن الوسم فی وجوه البهائم.» (همان، ج ۶۴، باب ۸، ص ۲۱۵، روایت ۲۸)
 - ۲- نک: همان، ج ۶۴، باب ۹، ص ۲۸۸، روایت ۲۵.
 - ۳- نک: همان، باب ۸، ص ۲۱۵، روایت ۲۸.
 - ۴- «فأما من عدم العقل فإنه يلحق بمنزلة البهائم.» (همان، ج ۶۱، باب ۴۷، ص ۳۲۳، روایت سی ام)
 - ۵- «من غلب شهوته عقله فهو شرّ من البهائم.» (همان، ج ۶۰، باب ۳۹، ص ۲۹۹، روایت پنجم)
 - ۶- نک: همان، ج ۵۸، باب ۴، ص ۱۱، روایت پنجم.

این نوع نگرش دین اسلام به حیوانات و حتی گیاهان، علت توصیه این دین حنیف به رفتار محبت آمیز و محترمانه و مودت آمیز بیشتر مشخص می شود.

در سیره امام علی علیه السلام نیز بر حمایت از حقوق محیط زیست و رعایت حقوق حیوانات تأکید فراوان شده است. دستور حضرت علی علیه السلام برای جمع آوری مالیات (درباره رعایت کردن حیواناتی که از آنها برای جمع آوری مالیات استفاده می شود)، از بهترین منشورهای اسلامی در زمینه رعایت حقوق حیوانات به شمار می رود. این بخش از نامه که در واقع در سال ۳۶ هجری برای کارگزاران نگارش یافته، نحوه گردآوری و نوع برخورد و نگره داری این حیوانات را برای تحویل به بیت المال مسلمانان شرح می دهد و عمل به این دستور را مایه هدایت و بزرگی پاداش الهی به شمار می آورد:

در رساندن حیوانات، آن را به دست چوپانی که خیرخواه و مهربان، امین و حافظ، که نه سخت گیر باشد و نه ستم کار، نه تند براند و نه حیوانات را خسته کند، بسیار. سپس آن چه از بیت المال جمع آوری شد، برای ما بفرست تا در نیازهایی که خدا اجازه فرموده مصرف کنیم. هرگاه حیوانات را به دست فردی امین سپردی، به او سفارش کن تا بین شتر و نوزادش جدایی نیفکند و شیر آن را ندوشد تا به بچه اش زیان وارد نشود. در سوار شدن بر شتران عدالت را رعایت کند و مراعات حال شتر خسته یا زخمی را که سواری دادن برای او سخت است بنماید. آنها را در سر راه به درون آب ببرد و از جاده هایی که دو طرف آن علف زار است، به جاده بی علف نکشاند و هرچند گاه، شتران را مهلت دهد تا استراحت کنند و هرگاه به آب و علف زار رسید، فرصت دهد تا علف بخورند و آب بنوشند تا آن گاه که به اذن خدا بر ما وارد شوند، فربه و سر حال، نه خسته و کوفته باشند تا آنها را بر اساس رهنمود قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم تقسیم نماییم. عمل به دستورهای یاد شده مایه بزرگی پاداش و نیز هدایت تو خواهد بود. (۱)

ص: ۱۳۹

با تأملی کوتاه در روایات ویژه عصر ظهور، به خوبی فهمیده می شود که فضای زیست و موجودات ساکن در قلمرو آن، در نهایت کمال از مواهب حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برخوردار می گردند و طعم آسایش، آرامش و حیات طیبه مبتنی بر عدالت را خواهند چشید. موارد زیر، برخی از ویژگی های محیط زیست در عصر ظهور درباره رعایت کامل حقوق مورد نظر آن است. البته یادآوری آنها از باب حصر نیست و تنها اشاره ای اجمالی است:

۱. تطهیر و نورانیت زمین

زمین در عصر مهدوی، با لطف الهی از هر گونه جور و ظلمی تطهیر می شود و با نور الهی منور و تابان می گردد. کلمات جور و ظلم با کلماتی مانند طغیان، میل و انحراف، مترادف معنایی دارند. بدیهی است که هر گونه آلودگی، زیرمجموعه معانی جور و ظلم قرار می گیرد؛ زیرا هر گونه آلودگی به معنای انحراف از طبیعت مخلوق الهی و به معنای تعدی از حق و حرکت به سوی باطل است؛ هم چنان که ظلم، به هر گونه تجاوز از حق، اعم از تجاوز کم و زیاد اطلاق می شود. هم چنین ظلم در لغت به معنای تاریکی و شکافی است که در زمین به وجود می آید و به معنای «تجاوز از حد و قرار دادن چیزی در جای نامناسب» (۱) نیز آمده است.

ابن فارس می گوید:

ظلم به دو معنا گفته می شود: نخست به مفهوم مخالف نور و روشنائی و دوم قرار دادن چیزی در جایگاهی که شایسته آن نیست. (۲)

حکومت ظلم ستیز و عدالت محور مهدوی بر طبق این تعاریف، بر مبنای آرمانی تطهیر محیط زیست از هر گونه آلودگی و انحراف است و از طهارت و

ص: ۱۴۰

۱- نك: لسان العرب، ج ۱۲، ص ۳۷۳؛ هم چنین نك: معجم مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۲۶.

۲- معجم مقایس اللغه، ج ۳، ص ۴۶۸.

حیات طیبه آن محافظت خواهد کرد.

امام رضا علیه السلام در این زمینه می فرمایند:

يَطْهَرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جُورٍ وَيَقْدَسُهَا مِنْ كُلِّ ظَلَمٍ... فَإِذَا خَرَجَ، أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَهُوَ الَّذِي تَطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ؛ (۱)

خداوند به واسطه او، زمین را از هرگونه جور و ظلم تطهیر و منزّه می کند... پس هنگامی که وی (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) خروج کند، زمین با نور پروردگار، نورانی گشته، ترازوی عدالت در میان مردم حکم فرما می گردد.

پس از آن، دیگر هیچ کس ظلم نمی کند و او کسی است که زمین برایش درنور دیده می شود.

۲. رضایت و سرور موجودات و محیط زیست

روایات بی شماری در تبیین عصر مهدوی، از نهایت رضایت تمامی ساکنان و موجودات در زمین و آسمان از حکومت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف حکایت می کند. پر واضح است که این رضایت و سرور همگانی نمی تواند بدون تأمین حقوق محیط زیست و ساکنان آن باشد. در روایات متعددی به خصوص از پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم این معنا چنین ذکر شده است:

...يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَأَهْلُ السَّمَاءِ وَالطَّيْرِ فِي الْجَوْ؛ (۲)

زمین از عدل پر می شود همان طور که قبلاً از جور پر شده بود. در خلافت او اهل زمین و اهل آسمان و پرنده در هوا، از این حکومت راضی و خوش حال هستند.

ص: ۱۴۱

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۲۱، روایت ۲۹.

۲- نک: همان، ج ۳۶، باب ۴۰، ص ۲۱۹، روایت نوزدهم؛ همان، ج ۵۱، ص ۷۸، روایت ۳۷؛ همان، باب ۱، ص ۸۰، روایت ۳۷ و همان، ص ۹۵، روایت ۳۸.

امام علی علیه السلام نیز فرموده اند:

از قیام وی اهل آسمان و ساکنان زمین فرح ناک می شوند. او زمین را پر از عدل می کند، چنان که پر از ظلم و ستم باشد. (۱)

۳. امنیت، صلح و دوستی در سپهر انسانی، حیوانی و گیاهی

محصول عدالت گستری و ظلم ستیزی حکومت مهدوی و رعایت حقوق محیط زیست و ساکنان آن، چیزی غیر از امنیت و برقراری صلح و دوستی در فراخنای هستی نیست. همان طور که برحسب روایات، کینه ها و اختلاف ها از جامعه بشری رخت برمی بندد، از عالم حیوانی و جانوری نیز این کینه ها و عوامل نزاع، ناپدید خواهد شد و حتی حیواناتی که به کینه جویی و تقابل باهم شهره دارند، در کمال مسالمت و آرامش به زندگی مودت آمیز در کنار هم خواهند پرداخت؛ هم چنان که در حدیث معروفی، نشان بر وضع امنیت بی سابقه در عصر ظهور آمده است که زنی به همراه زینت آلات خود از عراق به شام در کمال آرامش و بدون مزاحمت عامل انسانی و حیوانات وحشی مسافرت می کند و نیز چنین آورده شده که حیوانات وحشی و چهارپایان در آن عصر، در کمال صلح و مسالمت با یک دیگر به سر می برند. (۲) در روایتی دیگر فرموده اند:

حیوانات وحشی امنیت می یابند، چنان که همانند چهارپایان اهلی در راه های زمین به گردش درآمده، به چرا مشغول می شوند. (۳)

در روایتی دیگر، این وضعیت بدین صورت تشریح شده است:

اسمه اسم النبی يأمر بالعدل و یفعله و ینهی عن المنکر و یجتنبه، یکشف الله به الظلم و یجلو به الشک و العمی یرعی الذئب فی آیامه مع الغنم و یرضی عنه ساکن السماء و الطیر فی الجوّ و الحیتان فی البحار...؛ (۴)

ص: ۱۴۲

۱- مهدی موعود، ترجمه علی دوانی، ص ۲۹۳.

۲- «اصطلحت السباع و البهائم.» (نک: بحار الأنوار، ج ۱۰، باب ۷، ص ۱۰۴، روایت یکم)

۳- «و تأمن الوحوش حتی ترتعی فی طرق الأرض كأنعامهم.» (همان، ج ۵۳، باب ۲۹، ص ۸۶، روایت ۸۶)

۴- همان، ج ۳۶، باب ۴۰، ص ۲۱۹، روایت نوزدهم.

او هم نام پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم است. به عدالت امر می فرماید و خود بدان عمل می کند و از منکر نهی می فرماید و خداوند توسط وی از ظلم جلوگیری می کند و شک و نبود بصیرت ها را می زداید. گرگ و گوسفند در روزگار او باهم به چرا می پردازند و ساکنان آسمان و پرند در هوا و ماهی های دریا از او راضی و خشنود هستند.

هم چنین در کثر الفوائد از ابن عباس و یثگی های عصر ظهور ذکر شده که یکی از آنها این است: «گرگ، میش، گاو، شیر، انسان و مار از جان خود ایمن باشند.» (۱) نیز امام صادق علیه السلام با تشریح برکت دهی آسمان و زمین در این دوره می فرماید:

«همه وحوش و درندگان در امنیت کامل خواهند بود.» (۲) بنابراین، طبق فرمایش پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم، در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف «مردم در رفاه و چهارپایان در آسایش هستند.» (۳) ایشان در روایت دیگری که گویای اوج حفظ حقوق محیط زیست در آن عصر طیبه است، می فرماید:

... نامش نام من است. در موقع ظهور او پرندگان در آشیانه هایشان و ماهیان در دریاها (با کمال آزادی و دور از هرگونه ترس و مزاحمت دشمن) تولید نسل می کنند و نهرها کشیده می شود و چشمه ها می جوشد و زمین دو برابر محصول خود را می رویاند... (۴)

۴. فعالیت یابی همه قابلیت های محیط زیست در عالی ترین حد

در اصیل ترین منابع دینی، عدالت به معنای قرار گرفتن هر چیز در جای خویش، ایفای اهلیت ها و رعایت و استیفای همه حقوق ها آمده است. بنابراین در حکومت مهدوی هر موجودی اعم از انسان، حیوان و نبات باید به عالی ترین

ص: ۱۴۳

۱- مهدی موعود، ص ۲۵۷.

۲- همان، ص ۳۷۴.

۳- همان، ص ۲۹۴.

۴- همان، ص ۱۰۹۵.

جایگاه و تحقق تمام استعدادها و قابلیت های خود برسد.

در عصر مهدوی، افزون بر جامعه بشری، محیط زیست ارضی و سماوی و تمام موجودات ساکن در آنها به عالی ترین و نهایی ترین حد تحقق قابلیت های خود دست می یابند و به عبارت روشن تر، آنها نیز عدالت پیشگی را سرلوحه خود قرار می دهند. به همین دلیل، آسمان و زمین ثروت های مکنون خود را بیرون می ریزند و هرگونه آلودگی و تلوث را با یاری خدای منان و مواهب حکومت مهدوی از خود دور می سازند و پوشش گیاهی، تمام عالم را فرا می گیرد؛ هم چنان که بنابر روایت، زنی مسافر، راه عراق و شام را در امنیت می پیماید، آمده که وی «در مسیر خویش گام نمی گذارد مگر بر نبات و گیاهان» (۱) و این نشانه ای از پوشش گسترده گیاهی در سراسر جهان است که شام و عراق با مناطقی تقریباً کم آب و علف و نیمه خشک، در عصر ظهور، پوشیده از گیاه می شوند. برخی از روایات بیان کننده تحقق تمام استعدادهای بالقوه محیط زیست در دوران ظهور است، از جمله:

فیخطب الناس فتستبشر الأرض بالعدل و تعطى السماء قطرها و الشجر ثمرها و الأرض نباتها و تتزین لأهلها... و تخرج لهم الأرض كنوزها...؛ (۲)

پس [حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] مردم را خطاب می کند، سپس زمین را به عدالت، بشارت می دهد. در این هنگام آسمان باران خود را عطا می کند و درختان میوه های خود را فرومی فرستند. زمین تمام رستنی های خویش را عرضه می کند و خود را برای اهل عالم با این گیاهان زینت می بخشد...؛ هم چنان که زمین برای مردم، گنج های خود را خارج می سازد.

یظهر الله له كنوز الأرض و معادنها و ينصره بالرعب...؛ (۳)

خداوند گنج ها و معادن زمین را برای او آشکار می سازد و وی را با رعب خویش یاری می دهد.

ص: ۱۴۴

۱- «و لا تضع قدميها إلا على النبات.» (بحار الأنوار، ج ۱۰، باب ۷، ص ۱۰۴، روایت یکم)

۲- همان، ج ۵۳، باب ۲۹، ص ۸۶، روایت ۸۶.

۳- همان، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۲۲، روایت ۳۱.

ذکر دو روایت از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ در این مورد نیز به تنویر مطلب کمک بیشتری می کند:

...يُخْرِجُ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي وَيَعْمَلُ بَسْتًا وَيَنْزِلُ اللَّهُ لَهُ الْبَرَكَهَ مِنَ السَّمَاءِ وَيُخْرِجُ الْأَرْضَ بِرُكْتِهَا...؛ (۱)

مردی از اهل بیت من خروج کرده، به سنت من عمل می کند و خداوند برای وی برکت های خویش را از آسمان فرو می فرستد و زمین نیز برکات خود را خارج می سازد...

يَتَنَعَّمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ لَمْ يَتَنَعَّمُوا مِثْلَهُ قَطُّ الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ، يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَلَا تَدَّخِرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا؛ (۲)

امت من در زمان وی از نعماتی متنعم می شود که قبلاً از آنها بهره مند نشده بودند و نیکوکار و فاجر، جزو بهره مندان این نعمت ها هستند. آسمان بر آنها باران هایش را نازل کرده، زمین چیزی از رویدنی هایش باقی نمی ماند مگر این که آنها را برویاند و تأخیری در این مورد روا نمی دارد.

۵. آبادانی و توسعه موزون محیط زیست

مطالب پیشین به خوبی گویای اوج آبادانی محیط زیست در عصر ظهور است.

با وجود این، در پاره ای از روایات به گونه ای دقیق تر و مصداقی تر به این آبادانی اشاره شده و حتی آمده که تمام ویرانه های زمین آباد می گردد.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

...خداوند دین خود را به وسیله او بر تمام مکتب های جهان پیروز می گرداند، هر چند مشرکان ناخشنود و مخالف باشند؛ ویرانی های زمین آباد می گردد... (۳)

ص: ۱۴۵

۱- همان، ج ۵۱، باب ۱، ص ۸۰، روایت ۳۷.

۲- همان، ص ۷۸، روایت ۳۷.

۳- عصر ظهور، ص ۳۵۷.

هم چنین در تفسیر آیه «مدهامتان» از امام صادق علیه السلام منقول است که در عصر ظهور، «بین مکه و مدینه از درختان نخل متصل می گردد»، (۱) و نیز در بخشی از کلام خود در مورد این عصر، می فرمایند:

امام [حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] مسجدی در بیرون کوفه می سازد که هزار در داشته باشد و خانه های کوفه به نهر کربلا و «حیره» متصل می شود، به طوری که مردی در روز جمعه سوار استر تندرو می شود تا خود را به نماز برساند، ولی به نماز نمی رسد. (۲)

شیخ طوسی با ذکر روایتی در کتاب تهذیب می نویسد:

امیر المؤمنین علیه السلام به «حیره» تشریف برد و فرمود: «روزی برسد که کوفه به حیره وصل شود و چنان مرغوبیت پیدا می کند که یک ذرع زمین آن به چند اشرفی فروخته می شود و مسجدی در حیره بنا می شود که دارای پانصد در باشد! و نماینده قائم در آن نماز می گزارد؛ زیرا مسجد کوفه برای آنها تنگ خواهد بود، دوازده پیش نماز عادل در آن جا نماز می گزارند.» (۳)

این روایات از آبادانی و توسعه موزون محیط زیست انسانی، حیوانی و نباتی در کل عالم حکایت می کند که این نیز نتیجه حمایت کامل از حقوق زیست محیطی در آن دوران درخشان است. در نتیجه چنین وضعیتی، حتی کره زمین از وضعیت بهینه خویش و از این که در زیر قدم های یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار می گیرد، به خود بالیده، احساس غرور و افتخار می کند. امام باقر علیه السلام در این مورد می فرماید:

ص: ۱۴۶

۱- همان، ص ۳۶۵. (به نقل از: بحار الأنوار، ج ۵۶، ص ۴۹)

۲- مهدی موعود، ص ۱۱۱۶.

۳- همان، ص ۱۱۳۴-۱۱۳۵.

گویا من یاران قائم را می بینم که بر شرق و غرب جهان احاطه پیدا کرده اند و همه چیز تحت فرمان آنهاست؛ حتی درندگان زمین و پرندگان شکاری آسمان در پی رضایت آنها خواهند بود و همه چیز حتی این نقطه زمین بر نقطه دیگر آن اظهار فخر و غرور می کند و می گوید: امروز مردی از یاران قائم بر من قدم نهاد و عبور کرد. (۱)

۶. مقابله با آلاینده ها و رعایت حریم های خصوصی و عمومی در حیات مدنی

این موارد نه تنها مصادیق دقیقی از حفظ حقوق محیط زیست است، بلکه حتی اگر آلایندگی محیط زیست به اشراف بر یک منزل یا ریزش آب از ناودان های منازل به محیط عمومی منحصر باشد و یا این که مسجد به خانه های مردم مشرف گردد و یا حتی بخشی از یک بنا در راه های عمومی ساخته شده باشد، با برخورد حکومت روبه رو می شود و در هر حال، این مورد با تخریب مسجد، برطرف می گردد. در کتاب ارشاد، ابوبصیر در حدیثی طولانی از امام صادق علیه السلام در این مورد چنین روایت می کند:

هنگامی که قائم ما قیام کند، چهار مسجد را در کوفه منهدم می کند و هیچ مسجد مشرفی را نمی گذارد، جز این که کنگره و اشراف آن را خراب می کند و به حال ساده و بدون اشراف می گذارد؛ شاه راه ها را توسعه می دهد؛ هر گوشه ای از خانه ها را که واقع در راه عمومی است، اصلاح می کند و ناودان ها را که مشرف به راه مردم است، برمی دارد؛ هر بدعتی را برطرف می سازد و هر سنتی را باقی می گذارد... (۲)

۷. استفاده از راه کارها و فن آوری های جدید در محیط زیست

در عصر ظهور، رشد و ترقی علوم و فنون به اوج خود می رسد و دانش بنا به

ص: ۱۴۷

۱- عصر ظهور، ص ۳۶۸. (به نقل از: بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۷)

۲- مهدی موعود، ص ۱۱۲۱.

روایات از دو حرف به ۲۷ حرف خواهد رسید؛ (۱) ضمن این که شکوفایی و کمال عقلانیت بشری و افزایش فهم و درک جامعه انسانی یکی از مواهب خداداد عصر ظهور به شمار می آید. (۲) پر واضح است در چنین وضعیت بالنده و سرشار از فن آوری های جدید، هزاران ابزار جدید علمی برای مقابله با آلاینده های صنعتی در دست رس بشر قرار خواهد گرفت و جهان از وجود تمامی آنها رهایی خواهد یافت. هم چنین در آن عصر، با تعالی جامعه، بشر که اصلی ترین آلاینده محیط زیست است، از ارتکاب این گونه اعمال، عاقلانه و بر مبنای اعتقاد عملی به دیانت خویش، پرهیز خواهد کرد.

۸. گسترش حفظ محیط زیست به فضاها و ماورای زمینی

برخی از خبرگان مباحث مهدویت معاصر، بر این باورند که بنابر روایات متعدد، کره های بسیاری در آسمان ها وجود دارد که آباد و دارای مخلوقاتی غیر از نوع انسان، فرشته و جن هستند. علامه مجلسی مجموعه ای از این روایات را در بحار الأنوار گرد آورده است؛ به اعتقاد استاد علی کورانی و عده ای دیگر، شماری از آیات قرآن نیز بر این معنا دلالت دارد، از جمله این آیه شریفه:

ای گروه جنیان و انسیان، اگر می توانید از کرانه های آسمان و زمین به بیرون رخنه کنید، پس رخنه کنید، [ولی] جز با [به دست آوردن] تسلطی رخنه نمی کنید. (۳)

کورانی در ادامه این آیه می نویسد:

یعنی به زودی زندگی روی زمین در زمان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد مرحله جدیدی می شود که به طور کلی با گذشته ها تفاوت دارد. (۴)

ص: ۱۴۸

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۳۶، روایت هفتم.

۲- نک: ظهور نور، ص ۳۰۲. (به نقل از: اثباه الهداه، ج ۳، ص ۴۹۵، روایت ۲۵۳)

۳- سوره رحمن، آیه ۳۳.

۴- نک: عصر ظهور، ص ۳۷۰.

البته منظور ایشان آن است که بشر در عصر ظهور، با فتح دیگر کره های مسکون و معمور توسط حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حکومت وی مواجه خواهد گشت.

از این مبحث نتیجه می گیریم که در آن عصر نورانی، هم محیط زیست و هم صیانت و محافظت از آن، ابعاد بسیار گسترده تری نسبت به جهان فعلی می یابد و قلمرو آن به همه کره های تحت سیطره حکومت حضرت کشانیده خواهد شد.

۹. تعالی معنوی محیط زیست و همراهی آن با حیات طیبه مهدوی

بیان شد که حتی حیوانات وحشی در دولت مهدوی، تعالی پیشه می کنند و با کنار گذاشتن توحش، رام گشته، تکامل می یابند و درندگی را کاملاً کنار می گذارند. جالب این که در برخی روایات، حیوانات عادی نیز کارهای مخرب را کنار می نهند تا جایی که حیوانی مانند موش، به تعبیر ابن عباس، «دیگر انبانی را پاره نمی کند» (۱) اما این تکامل خواهی تنها به حیوانات و نباتات محدود نمی گردد، بلکه جمادات نیز به این حیات طیبه وارد می شوند و نهضت جهانی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف را مساعدت و همراهی می کنند. ابوبصیر در این مورد، از امام صادق علیه السلام چنین نقل می کند:

...وقتی با اراده خدا، قائم قیام نماید و چون حضرت ظهور نماید، کافران و مشرکان از قیام و ظهور وی ناراضی و نگرانند؛ زیرا اگر کافر و یا مشرکی در پشت صخره ای نهان شود، آن صخره به صدا درآید و گوید: ای مسلمان، در پناه من کافر و یا مشرکی مخفی شده است؛ او را به قتل برسان! وی اقدام می کند و او را به هلاکت می رساند. (۲)

ص: ۱۴۹

۱- مهدی موعود، ص ۲۵۷. (در همین منبع از ابن عباس نقل شده که در حکومت حضرت مهدی، خوک ها معدوم می شوند که البته نگارنده، چنین روایتی ندیده است و اگر هم روایت موثقی باشد، ناظر بر این است که در حکومت حضرت با انعدام خوک ها، زمینه انجام شدن گناه (خوردن گوشت حرام این حیوان) را از بین می برد؛ و الله اعلم.)

۲- عصر ظهور، ص ۳۵۶. (به نقل از: مجمع البحرین، ص ۸۷)

تمامی روایات بر این مطلب تصریح دارند که در دوره ظهور، یاران امام به مجازات و قتل و نابودی ستم گران اقدام خواهند کرد و جامعه اسلامی و دیگر جوامع جهانی را از لوٹ وجود سرکشان و ستم پیشگان پاک سازی می کنند؛ زیرا بدون این اقدامات، هرگز بساط ظلم زورمداران برچیده نمی شود و عدالت، حاکم نمی گردد و اگر امام با سیاست ملایمت و گذشت با آنها رفتار کند، هرگز طرفنها و توطئه های جدید مستکبران و فاسدان در زمین از بین نخواهد رفت.

حضرت در عصر قیام، توبه ظاهری هیچ مجرم و جنایت کاری را نمی پذیرد و همان طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم در براندازی نظام جاهلی، جهاد پیشه کرد و با کافران به قتال و کارزار پرداخت، قیام مهدوی نیز علاوه بر تأسی به سیره پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم در این زمینه، حتی سخت گیری بر ستم گران را جای گزین رأفت نبوی می کند.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

اما شباهت داشتن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به جد گرامی اش رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم، قیام و ظهور او با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و رسول او و ستم گران و طاغوت هاست.

وی به وسیله شمشیر و ایجاد ترس در دل دشمنان، پیروز می گردد و لشکریان او شکست نمی خورند. (۱)

اما مع الأسف برخی از دشمنان و یا حتی دوستان ناآگاه در مورد اعمال خشونت و کشتار حکومت مهدوی، چنان راه غلو پیشه می گیرند که قاطعانه، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را برافروزنده جنگ هسته ای با دشمنان یاد می کنند! به اعتقاد نگارنده، نه تنها در عصر ظهور به سلاح هسته ای نیازی نیست، بلکه نبرد حکومت مهدوی و یاران آن حضرت با دشمنان، تخریب زیست محیطی و ایجاد فجایع محیط زیستی را به دنبال نخواهد داشت. برخی از ادله این مدعا چنین است:

ص: ۱۵۰

۱- همان، ص ۳۵۳. (به نقل از: بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۱۸)؛ هم چنین نک: مهدی موعود، ص ۱۱۲۶.

یکم. بنا بر برخی ارزیابی ها، بر اثر جنگ هسته ای معمولی در جهان امروز، دست کم ۱/۵ میلیارد انسان کشته خواهند شد. ابرهای هسته ای ایجاد شده بر اثر انفجار اولیه، به ظهور زمستانی طولانی مدت با کاهش دمای حدود پنجاه درجه زیر صفر می انجامد و زمین مدت ها از نور خورشید محروم خواهد شد و گیاهان در این مدت از رویش باز خواهند ایستاد و شاید بسیاری از آنها و از جمله حیوانات نابود گردند. حال بنا به روایت های قبلی، چگونه ممکن است قیامی باعث رضایت و خشنودی همه ساکنان سماوی و ارضی گردد و در عین حال، هم آنها و هم محیط زیست را به بدترین شکل نابود کند؛ ضمن آن که آثار و تشعشعات چنین جنگی، دیرپا و ده ها سال مرگ بارتر خواهد بود و این نیز با ماهیت حیات طیبه آرمانی مهدوی منافات دارد! مگر نه این که طبق روایات، حکومت مهدوی، حکومتی است که حتی خفته ای را بی جهت بیدار نمی کند، (۱) پس چگونه امکان دارد در قیام امام، سلاح هایی این چنین مخرب به کار گرفته شود؛ آن هم در دوره ای که امنیت در جهان فراگیر می گردد؟

دوم. با توجه به روایات پیش گفته، مبنی بر افزایش فهم و گسترش دانش بشری در عصر ظهور، امام می تواند با ابزارهای جدید که بر فن آوری های جدیدی مبتنی است، هم به مبارزه با سلاح های مخرب ستم کاران عالم پردازد و هم این که تأثیر این سلاح ها را خنثا ساخته، آنها را در واقع بی اثر و خلع سلاح کند. بنابراین، امام می تواند با استفاده از علم زمانه خویش، شمشیر را که به منزله سلاح نمادین حضرت در روایات آمده، به سلاح ها و ابزارهای متعارف و کارآمد روز متحول سازد؛ (۲) ابزارهایی که در عین تأثیرگذاری، فاقد آلاینده گی و تخریب

ص: ۱۵۱

۱- منتخب الأثر، ص ۴۷۸، باب ۷، روایت دوم.

۲- همه پیامبران الهی مخصوصا پیامبران اولوالعزم در زمان ظهور خود، به علم و به عبارتی ابزار متناسب با زمان خود مجهز بوده اند؛ مثلا در زمان عیسی علیه السلام با توجه به پیشرفت علم طب و رونق آن، وی امراض صعب العلاج را شفا داد و به اذن خدا مرده را زنده کرد. در زمان موسی علیه السلام علم سحر رونق

زیست محیطی باشند.

سوم. بنا به روایات، قتال حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند کشتارهای بی هدف امروزی نیست. حضرت با استفاده از علم لدنی خویش، تنها اصلاح ناپذیران را هلاک می سازد (۱) و دیگر بدکاران اصلاح پذیر را به حال خود رها می کند تا توبه کنند و اصلاح شوند؛ همان طوری که در روایات، نعمات عصر ظهور، هم برای نیکوکاران و هم بدکاران، ملحوظ گشته است.

از سوی دیگر، طبق روایت، بخش چشم گیری از جامعه بشری پیش از حکومت مهدوی از بین می رود. بنابراین، نمی توان آن را محصول عملیات نظامی و تخریبی حضرت دانست، بلکه قبل از ظهور، این اتفاق بر اثر منازعات جوامع انسانی حاصل می گردد. بدین ترتیب در همه گیتی فریاد منجی و موعودخواهی بلند گشته، همگان نجات خود را از خداوند و فرستاده وی طلب می کنند.

بنابراین، این گونه فجایع انسانی و زیست محیطی، محصول دوره قبل از ظهور است. امام صادق علیه السلام در این مورد می فرماید:

قبل از ظهور قائم، دو نوع مرگ و مردن گریبان مردم را می گیرد: یکی مرگ سرخ و دیگری مرگ سفید. مرگ سرخ با شمشیر است و مرگ سفید طاعون و از هر هفت نفر، پنج نفر، از بین می روند و دو نفر باقی می مانند. (۲)

امام علی علیه السلام هم فرموده اند:

لا تخرج المهديّ حتّى يقتل ثلث و يموت ثلث و يبقى ثلث؛ (۳)

ص: ۱۵۲

۱- همان، ص ۳۵۵.

۲- حیدری کاشانی، حکومت عدل گستر، ص ۲۱۳.

۳- همان.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام نمی کند تا این که قبل از او ثلث مردم کشته می شوند و ثلث دیگر می میرند و ثلثی باقی می ماند.

چهارم. طبق روایات فراوان، قیام مهدوی با رعب و نصرت الهی و با کمک فرشتگان و حتی جبرئیل و میکائیل همراه است. بنابراین، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سلاح های مخربی مانند سلاح هسته ای نیازی نخواهد داشت و در صورت تمسک ایشان به سلاح های جدید، بدیهی است که چنین تقابلی، مستظهر به نصرت الهی و مؤید به مساعدت فرشتگان و فاقد هر گونه تخریب زیست محیطی و یا فجایع انسانی خواهد بود و چنین تفکری از اساس، محال و حتی تناقض نما (پارادوکسیکال) است. برخی از روایاتی که نصرت الهی در حکومت و قیام مهدوی را نشان می دهند، عبارتند از:

۱. پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم می فرماید:

قائم در کنف حمایت جبرئیل و میکائیل است. (۱)

۲. شیخ مفید در کتاب ارشاد از ابو بکر حضرمی روایت کرده که امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

گویا قائم را در بلندی کوفه (شهر نجف) می بینم که با پنج هزار فرشته در حالی که جبرئیل از سمت راست و میکائیل از سمت چپ و مؤمنان پیش روی او قرار دارند، به آن جا آمده است و لشکرهای خود را در شهر پراکنده می سازد. (۲)

۳. امام صادق علیه السلام می فرماید:

... خداوند صاحب الأمر را با سه لشکر از فرشتگان و مؤمنان و رعبی (که در دل پادشاهان و گردن کشان می اندازد) تأیید می کند. (۳)

ص: ۱۵۳

۱- نک: مهدی موعود، ص ۲۸۹.

۲- همان، ص ۱۱۱۹.

۳- همان، ص ۱۱۲۵.

۴. پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم در کلامی طولانی در شرح ویژگی های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام وی فرموده اند:

او دین خدا را بر همه ادیان غالب گرداند و با نصرت خدا و فرشتگان تأیید شود. پس زمین را پر از عدل و داد کند، چنان که پر از جور و ستم شده بود. (۱)

با این توضیحات روشن می شود که قیام الهی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حیات طیبه قرآنی و عاری از هرگونه آلودگی و تلوث و آلاینده‌گی معطوف است و چشمه جوشان طهارت، صلح، صفا، پاکی و صمیمیت در سپهر حیات انسانی، جانوری و نباتی و حتی عرصه های فرازمینی خواهد بود.

نتیجه

در فصل حاضر، در جهت تبیین وضعیت حقوق محیط زیست در آموزه و حیات طیبه مهدوی، ابتدا به وضعیت حقوق یاد شده و اهمیت محیط زیست و وضعیت بحرانی آن در جهان امروز اشاره گردید و سپس با هدف تشریح هرچه بیشتر موضوع حاضر در حکومت جهانی موعود، به طور اجمال، این مسئله در سیره نبوی و سایر معصومان بررسی شد. نتیجه این بررسی، نشان می دهد که توجه ویژه حکومت مهدوی به موضوع محیط زیست و تعالی بخشی به آن، به شکل کاملاً نمایان، از تفکر اسلامی و سنت ناب نبوی و علوی سرچشمه می گیرد.

آن گاه به طور اخص، مبحث حاضر در آموزه مهدوی، ژرف نگری گردید و این نتیجه به دست آمد که در عصر ظهور، حقوق محیط زیست به گونه کامل رعایت می شود و موجودات و محیط زیست آنها در گستره هایی به وسعت جهان هستی، در حیات مادی و معنوی ارتقا و تکامل می یابند و ضمن همراهی رضایت مندانانه و شاید مبتنی بر شعور، به نهایت تحقق استعدادها و قابلیت های بالقوه خویش

ص: ۱۵۴

می رسند. در آن زمان، عالم هستی از هرگونه تلوث، آلودگی و آلایندگی مادی و معنوی، تطهیر و پاک می شود و با اشراق الهی، منور و مشعشع می گردد. آن گاه با نابودی شیطان و وساوس شیطانی، تسبیح و حمد الهی تمام موجودات و حتی جمادات، بیش از پیش با انسان متعالی این عصر نوپدید و سعید، هم نواتر می شود. در پایان، برخی از ویژگی های زیست محیطی دوران طیبه مهدوی به اجمال یادآوری می گردد:

۱. تطهیر و نورانیت زمین؛

۲. رضایت و سرور موجودات و محیط زیست؛

۳. امنیت، صلح و دوستی در سپهر انسانی، حیوانی و گیاهی؛

۴. فعالیت یابی قابلیت های محیط زیست در عالی ترین حد؛

۵. آبادانی و توسعه موزون محیط زیست؛

۶. مقابله با آلاینده ها و رعایت حریم های خصوصی و عمومی در حیات مدنی؛

۷. استفاده از راه کارها و فن آوری های جدید در حفظ محیط زیست؛

۸. گسترش حفظ محیط زیست به فضاها و ماورای زمینی؛

۹. تعالی معنوی محیط زیست و همراهی آن با حیات طیبه مهدوی؛

۱۰. عاری بودن نبردها و قیام مهدوی از تخریب های زیست محیطی.

بنابراین، محیط زیست و موجودات هستی با این تحول و استحاله ایجابی، به اصل و وضع اصلی و طبیعی و الهی خود باز خواهند گردید و بنا به تعریف عدل (قرار گرفتن هرچیز در جای خود و استیفای اهلیت ها و استحقاق ها) عدالت در مورد آنها اجرا خواهد شد و به نهایت اهلیت و سزاواری و تحقق استعدادها و قابلیت های مکنون خویش دست خواهند یافت.

انسان ها و به ویژه متفکران و مکاتب الهی و غیر الهی، از بدو اندیشه ورزی جامعه بشری، به دنبال ترسیم جامعه ای آرمانی بوده اند (۱) که به زیستی نسل بشر و سعادت آدمیان را تأمین کند. علاوه بر نهضت های عملی و فکری پیامبران، دست کم از شش قرن قبل از میلاد مسیح علیه السلام، مکاتب بشری نیز این تلاش ها را نظریه پردازی کرده اند و این مساعی در الهیات و فلسفه سیاسی و فکری ایران و یونان باستان بیشتر مشهود است. از مشهورترین این نظریه پردازی ها، می توان به «نیک شهر» یا «کالیپولیس» (۲) افلاطون (۴۲۷-۳۲۷ قبل از میلاد) اشاره کرد که این فیلسوف

ص: ۱۵۷

۱- برای نمونه نک: آرمان شهر در اندیشه ایرانی؛ مدینه فاضله در متون اسلامی.

۲- silopillaK

کوشید تا گم شده خود یعنی عدالت را در آن پی جویی و مجسم کند و به همین دلیل، عنوان اصلی کتاب این متفکر یعنی جمهوری به «عدالت» اختصاص یافت.

از سوی دیگر، مدعیان مکتب لیبرال-دموکراسی، در جهان حاضر، این نحله فکری و عملی را آرمانی ترین الگوی زندگی و مدیریت جامعه بشری به شمار می آورند و در واقع، به گونه ای مستقیم یا غیرمستقیم، مدعی هستند که لیبرال-دموکراسی تجسم و مقصد نهایی آرمان ها و الگوهای مدائن فاضله بشری است و همه کشورها باید آن را کم عیب ترین مدل مدیریت جوامع انسانی دانسته، بدان اقتدا کنند. پیروی از آن، می تواند نجات بخش باشد و انسانیت را به سر منزل نهایی برساند. متفکران امریکایی مانند فوکویاما با فروپاشی شوروی و تضعیف ایدئولوژی های رقیب دموکراسی های لیبرال، معتقدند که «لیبرال-دموکراسی شکل نهایی حکومت در جوامع بشری است».

بنابر انگاره این مدعیان، لیبرال-دموکراسی توانسته و می تواند آرمان ها و آرزوهای دیرپای بشر را محقق کند و منجی گرایی و انتظار مصلح موعود برآمده از عالم غیب بی فایده است و خواب و خیالی بیش نیست و تفکری «فاناتیکی» (۱) به شمار می آید. آن چه عینیت و واقعیت دارد، تحقق اکثر آرزوهای مترقی بشری در دامن لیبرال-دموکراسی، آن هم نه در آینده ای نامعلوم بلکه در عصر فعلی است.

نوشتار حاضر، علاوه بر پاسخ به ماهیت شناسی الگوی لیبرال-دموکراسی، واقعیت سراب گونه و معضلات نظری و عملی آن را آشکار ساخته، بر نهایی بودن مقصد آن برای رفع حرمان ها و آلام بشری خط بطلان می کشد. آن گاه این الگو را تا جای ممکن با مردم سالاری دینی در نظام جمهوری اسلامی و سپس با الگوی دین سالاری سپهری مهدوی مقایسه می کند و بر این ادعا پای می فشارد که هم چنان الگو و آرمان نهایی جامعه فاضله بشری، در حیات طیبه حکومت

ص: ۱۵۸

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نهفته است و بشر با تحقق انتظاری فعال، باید در زمینه سازی و تحقق آن بکوشند.

در این فصل، ابتدا مفهوم لیبرال-دموکراسی و معایب آن بازکاوی می شود، آن گاه با اعتقاد به این که انقلاب و نهضت اسلامی ایران زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، نوع نظام مردم سالاری دینی جمهوری اسلامی ایران و تمایزات آن با لیبرال-دموکراسی عیان می گردد، سپس وضعیت دین سالاری سپهری در حکومت جهانی مهدوی به گونه ای مقایسه ای با آن دو، تشریح خواهد شد. این فصل در حقیقت، به روایی سنجی دو الگوی مدعی نجات و ترقی بخشی بشری خواهد پرداخت و پس از اثبات بی اعتباری لیبرال-دموکراسی در این زمینه، سرآمدی و برتری آموزه طیبه مهدویت و دین سالاری سپهری مهدوی را بیان خواهد کرد.

سیری در مفهوم و مبانی دموکراسی و لیبرالیسم

الف) مفهوم دموکراسی

دموکراسی اندیشه ای سیاسی و نیز نوعی سازوکار و نظام اداره جامعه و از اندک مفاهیم سیاسی دیرپای فلسفه سیاسی به شمار می رود و به ویژه در دو سده اخیر رونق و ترویج یافته است. این مفهوم از استوارترین و پابرجاترین مفاهیم سیاسی در عمر طولانی خویش، تحولات و فراز و نشیب های بسیار به خود دیده و به قاطعیت می توان گفت، بشر مدرن هنوز در استفاده از این مفهوم جنجال برانگیز و آرامش خیز، به اجماع نظر و توافق دست نیافته است. به قول دیوید هلد، تاریخ اندیشه دموکراسی، بغرنج و تاریخ دموکراسی گیج کننده است.

دموکراسی کلمه ای یونانی به شمار می رود و کاربرد اجتماعی و سیاسی آن به معنای «حاکمیت مردم» یا «حق همگان برای شرکت در تصمیم گیری در امور همگانی» از نیمه دوم قرن پنجم قبل از میلاد از آتن آغاز شد. دموکراسی یا

حکومت مردم سالاری که در متون کلاسیک «حکومت مردم بر مردم و برای مردم» تعریف شده، تلفیقی از دو لفظ یونانی «someD» به معنای عامه مردم و «sotark» به معنای قدرت، حکومت، اداره امور و حاکمیت است که امروزه به نام حاکمیت یا آرای مردم از آن نام برده می شود. با وجود تعاریف متعدد از دموکراسی، در واقع مشارکت سیاسی شهروندان برای تصمیم گیری، مفروض اساسی دموکراسی و تعریف آن است ولی عمدتاً سه اصل آزادی، برابری و مشارکت در تصمیم گیری های سیاسی، از مبانی آن به شمار می آید. برخی هم این اصول را شامل سه اصل مشروعیت، برابری، آزادی و تبعات آن می دانند.

بعضی در دیدگاهی گسترده تر، اصول اساسی دموکراسی را این گونه تعبیر کرده اند:

نشأت گرفتن قدرت و قانون از اراده مردم، آزادی افکار عمومی و اتکای حکومت به آن، وجود مکانیسم های مشخص برای ابراز افکار عمومی از جمله احزاب سیاسی، اصل حکومت اکثریت عددی در مسائل مورد اختلاف در افکار عمومی مشروط به وجود تساهل و مدارای سیاسی، محدود بودن اعمال قدرت حکومتی به رعایت حقوق و آزادی های فردی و گروهی، تکثر و تعدد گروه ها و منافع و ارزش های اجتماعی، امکان بحث و گفت و گوی عمومی و مبادله آزاد افکار درباره مسائل سیاسی، قوت جامعه مدنی، اصل نسبیّت اخلاقی و ارزشی، تساهل نسبت به عقاید مختلف و مخالف، برابری سیاسی گروه های اجتماعی از لحاظ دست رسی به قدرت، امکان تبدیل اقلیت های فکری به اکثریت از طریق تبلیغ نظرات گروهی، استقلال قوه قضائیه در راستای تأمین و تضمین آزادی های مدنی افراد و گروه ها، تفکیک قوا یا استقلال حداقل سه قوه از یک دیگر و امکان ابراز مخالفت سازمان یافته و وجود اپوزیسیون قانونی. (۱)

ص: ۱۶۰

۱- حسین بشیریه، «تاریخ اندیشه ها و جنبش های قرن بیستم، اندیشه های لیبرال-دموکراتیک»، ص ۴۱.

البته پیچیدگی، گستردگی و مبهم بودن معنای دقیق دموکراسی و اصول آن، مشکلاتی را نیز در تعیین انواع آن ایجاد کرده و باعث تقسیم بندی های متفاوت و متکثر از این اصطلاح شده است.

(ب) مفهوم لیبرالیسم

لیبرالیسم و یا فلسفه آزادی خواهی با عناصر و ویژگی های فکری خویش، مهم ترین مفهوم هم پیوند دموکراسی و از فراهم آوردن گان تفکر سکولاریسم بوده است. لیبرالیسم در معنای وسیع، مجموعه روش ها، سیاست ها و ایدئولوژی هایی به شمار می رود که فراهم آوردن آزادی هر چه بیشتر برای فرد را سفارش می کنند.

اعتقاد به آزادی، اختیار، اراده و مجاز بودن انسان به پروراندن خود به گونه آزاد، از دیگر دست آوردهای لیبرالیسم است. از جمله، لیبرالیسم سیاسی، به آزادی فکر و آزادی عمل فرد تا مرز آزادی دیگران سفارش می کند و با طرف داری از اصالت فرد عقیده دارد که انسان ها خردمندند و خرد، ضامن آزادی فردی و آزادی، ضامن زندگی خردآمیز است. سلب آزادی از سوی هر گونه عامل مخل و اعم از هر گونه اقتدار، چه دولتی و چه مذهبی، به معنای نفی خردمندی و نفی خردمندی، نفی آزادی به شمار می رود. بنابراین، آزادی فردی ضامن مصالح عقلایی بشر بوده و باید از ابتکار آزادی فردی و خصوصی پاس داری کرد. در این زمینه، دین و مذهب هم در عرصه زندگی خصوصی مردم جای می گیرد و لیبرالیسم بر اساس باور خود به تساهل و مدارا، به انتخاب آزادانه عقاید و نبود بازخواست مذهبی و عقیدتی از سوی دولت معتقد گردید؛ هم چنان که آزادی عقاید و مذهب و آزادی بی قید و شرط در قلمرو اندیشه ها و عقاید سیاسی و معتقدات مذهبی را شرط پیشرفت و تکامل فرد و افراد اجتماع به شمار آورد و با شخصی و خصوصی برشمردن مذهب در حوزه حیات فردی، دیانت و مذهب را محترمانه از صحنه های اجتماعی به عرصه های فردی و خصوصی به عقب راند و منزوی کرد.

لیبرالیسم با شخصی کردن مذهب، به تمایز بین مسائل عمومی و اجتماعی و ضرورت مداخله نکردن در امور خصوصی افراد توسط هرگونه قدرت خودسرانه و استبداد طبقاتی، مذهبی و حزبی، توجه دارد و حکومت یا دولت و یا هرگونه اقتدار دیگر را مجاز به مداخله در قلمرو خصوصی شامل زندگی اجتماعی، اقتصادی و مذهبی نمی‌داند. بنابر لیبرالیسم، خود مصالح و منافع فرد باید راه‌نمای او در زندگی باشد و فرد باید تأمین منافع فردی خویش را دنبال کند. لیبرالیسم با طرح اندیشه‌هایی مانند فردگرایی، انسان‌گرایی و عقل‌گرایی زمینه‌ساز پیدایش و تثبیت سکولاریسم گردید.

ج) مبانی سکولاریستی لیبرال-دموکراسی

اشاره

سکولاریسم (۱) از ویژگی‌های اساسی و سرنوشت‌ساز فرهنگ، تمدن و نظام‌های سیاسی جهان غرب در یکی دو سده گذشته بوده و بازتاب‌های بسیار فراوانی در حیات سیاسی و اجتماعی این‌گونه نظام‌ها برجای گذاشته و به‌طور اجمالی باعث انزوای نقش مذهب و خنثا کردن حضور عینی آن در این عرصه‌ها گشته است.

در واقع، سکولاریسم از مهم‌ترین مقومات و فراهم‌آوردگان لیبرال-دموکراسی در اندیشه و عمل، به‌شمار می‌آید.

«سکولر» (۲)، یعنی دنیوی یا آن‌چه به این جهان‌خاکی مربوط می‌شود، مشتق از کلمه «سکولوم» (۳) به معنای امور این دنیاست. سکولاریسم به معنای دنیاپرستی یا اعتقاد به اصالت امور دنیوی و رد آن‌چه غیر آن به‌شمار می‌آید، به‌کار رفته است. هم‌چنین برای سکولاریسم مترادف‌های بسیاری همانند علمانیت، لادینی (به عربی)، دنیاویّت و گیتی‌گرایی، اصالت امور دنیوی، عرفی‌شدن، دنیاپرستی،

ص: ۱۶۲

۱- msiraluces.

۲- erialuces به زبان فرانسوی و raluces به زبان انگلیسی.

۳- maluceaS.

جداننگاری دین و دنیا، غیرمقدس و غیرروحانی، افول دین، هم نوایی با این دنیا، رهایی جامعه از قید دین، و در معانی عقلانیت، علم گرایی، نوگرایی و مدرنیسم و این جهانی، جابه جایی باورها و نهادهای دینی، تقدس زدایی از عالم و جامعه و غیره ذکر شده است. با توجه به هم پیوندی تام لیبرال-دموکراسی و سکولاریسم، برخی اندیشه ها و نظریه های معرفتی، بر زمینه سازی و پیدایش و تحقق آنها کاملاً مؤثر بوده اند، از جمله:

۱. اندیشه قداست زدایی

بر مبنای این اندیشه، فرد و جامعه سکولار به امر مقدس اعتقاد و اعتنا ندارد.

اعتقاد به امر مقدس که از مشترکات همه ادیان است، در فرایند سکولاریزاسیون فاقد حرمت و ارزش معنوی گردید و در برابر، آن چه صرفاً ارزش دنیوی و مادی دارد، اهمیت و ارزش یافت.

۲. سیانتیسم یا اصالت علم و علم زدگی و تعامل آن با پوزیتیویسم

(۱)

(۲) براساس این باور، گزاره ها فقط به میزانی که با کمیات یا امور واقع تجربی پیوند دارند، محتوای حقیقی و صدق دارند. علم زدگی با هر دینی که شالوده مابعد الطبیعی دارد، قطع نظر از ادعای وحی آسمانی، ناسازگاری به بار می آورد.

سرانجام سیانتیسم شکل دین (غیرالهی) را به خود گرفته و به صورت علم پرستی درآمده است. (۳) هم چنین سیانتیسم همراه با پوزیتیویسم یا اثبات گرایی و مذهب تحصلی زمینه ساز سکولاریسم بوده اند؛ زیرا برخی از پوزیتیویست ها، شناسایی انسان را در قلمرو علوم فیزیکی و شیمیایی منحصر دانسته اند و مدعی شده اند که بازگشت همه معارف واقعی و از آن جمله علوم انسانی، به علوم

ص: ۱۶۳

۱- msitneicS

۲- msivitisoP

۳- نک: «علم و دین» فرهنگ و دین؛ برگزیده مقالات دایره المعارف دین، ص ۴۱۲-۴۱۴. (مقاله علم و دین)

طبیعی است و به نفی ثبوت امری و رای تجربه پرداخته اند؛ بنابراین، مذهب تحصلی در این معنا، به نام «مذهب اصالت علم» نیز خوانده شده است. (۱)

۳. گرایش به اصالت حس و انسان شناسی مادی

گرایش به اصالت حس در معرفت شناسی انسان عصر روشن گری به بعد، بدین معناست که راه شناخت حقایق جز تجربه حسی نیست و تنها آن چه به صورت ملموس و از راه حواس مشاهده و درک شود، امکان شناسایی دارد و در حوزه بررسی علمی و معلومات بشری قرار می گیرد؛ بنابراین، حقایق متافیزیکی و دینی حتی اگر رد هم نشود، اثبات پذیر نیست و در حوزه معلومات بشری قرار نمی گیرد. در نتیجه، برخی از دانش مندان عصر خرد گرایی در بهترین صورت، معارف متافیزیکی را نه رد کردند و نه اثبات پذیر دانستند و برخی دیگر به دیده شک به آنها نگریستند و پاره ای نیز آنها را انکار و طرد کردند.

از سویی نگرش سکولاریستی، در حقیقت از نوعی انسان شناسی مادی گرا سرچشمه گرفته است که انسان و نیازهای فطری او و نیز اسرار خلقت وی را در بعد مادی و فیزیکی خلاصه می کند و آرمان خلقت را تنها در برخورداری های دنیوی و مادی می گنجاند.

۴. قرارداد اجتماعی و نفی حق الهی حکومت

تئوری الهی حکومت دارای چند نظریه فرعی است. طبق یک نظریه، مشروعیت الهی حکومت به گونه مستقیم از عالم الوهی اخذ می شود و بنابر نظر دیگر، میان عالم الهی و حکومت، کلیسا قرار دارد. براساس این نظریه، کلیسا قائل به نقش میانجی خود در اعطای مشروعیت الهی به حکومت است. از این رو، خود را قدرتی برتر از امپراتور و دیگر حاکمان می دانست. در اواخر قرون وسطا، ابتدا تئوری برتری معنوی کلیسا و نقش میانجی آن رو به افول گذاشت و

ص: ۱۶۴

۱- نک: فلسفه عمومی یا مابعد الطبیعه، ص ۱۵۶.

سپس با ترویج و تثبیت تئوری الهی حکومت که مطابق آن، امپراتور و شاه نماینده و سایه خدا در زمین بود، کلیسا اقتدار معنوی و سیاسی خود را از دست داد و به نهادی حاشیه ای و محکوم حکومت، تبدیل شد. از سویی، با گسترش اندیشه های دموکراتیک و بر مبنای نظریه قرارداد اجتماعی متفکرانی مانند جان لاک و مونتسکیو، حق الهی حکومت نیز تضعیف گشت و به جای آن حکومت و حاکمان، به مثابه نمایندگان با شرایطی مقید به خدمت به مردم و مصالح عامه سرکار آمدند و حکومت به جای حق، وظیفه ای و کالت گونه و مدت دار به شمار آمد و چنین نظام فکری و سازوکار اداره اجتماع، باعث انزوای بیشتر نهاد کلیسا و واسطه گری کلیسایان در امر حکومت گردید. هم چنان که بر مبنای دموکراسی، بی توجهی به شرایع الهی و حتی نفی آن در امور تقنینی و اجرایی حکومت ها لازمه اصالت بخشیدن به مردم در مقابل اصالت خدا و قانون الهی شد.

۵. اومانیسیم، دئیسم و آئیسیسم

(۱)(۲)(۳)

«اومانیسیم» یا مکتب اصالت انسان و انسان گرایی، نظامی فکری است که انسان و بشرگرایی افراطی، اساس و محور جهان بینی آن را شکل می دهد و طبیعتا با جهان بینی دینی که خداگرایی، اساس و محور آن است، سازگار نیست. اومانیسیم با عطف توجه و اهتمام به انسان و مسائل مربوط به وی، راه حل مشکلات بشری را بیش از آن که در حوزه ایمان به خدا بجوید، از ره گذر عقل و خرد آدمی جست وجو می کند. اومانیسیم محصول رنسانس و عصر روشن گری و مندرج در مکتب لیبرالیسم است. ظهور تفکر اومانستی در جهان غرب که با اصالت های دینی و اندیشه خدامحوری تعارض داشت، از نظر نمود و بروز در عرصه اجتماع

ص: ۱۶۵

۱- msinamuH

۲- msieD

۳- msiehtA

دو شکل متفاوت داشت:

شکل نخست آن «دئیسم» بود که اولاً دین را جدای از حقایق و احکام و حیانی می پذیرفت و دیگر آن که، وجود خدا را به منزله موجودی ماورای طبیعی که پس از آفریدن جهان آن را به حال خود رها کرده و هیچ گونه نقشی در اداره آن ندارد، معرفی می کرد.

دیگری «آتئیسم» بود که آشکارا وجود خدا را انکار می کرد و طرف دار الحاد و بی دینی بود. رشد و گسترش این دو عقیده به قرن هجدهم و پس از آن باز می گردد؛ زیرا در این قرن که مشهور به «عصر عقل» (۱) است، اومانیست های غربی از رشد شتابنده علم جدید در حوزه طبیعت شناسی سرمست و مغرور شده، در پی استقلال و بی نیازی از وحی آسمانی بودند. (۲)

۶. اندیویدو آلیسم یا فلسفه اصالت فرد

(۳)

فلسفه اصالت فرد از فلسفه های اومانیستی به شمار می آید که پس از رنسانس ظهور کرد. در تاریخ فلسفه سیاسی، ابتدای قرن هفدهم، آغاز ظهور و رشد این فلسفه است. در این فلسفه، انسان گرایی در شکل فرد گرایی آن نمایان شد؛ یعنی علائق، امیال، منافع و مسرت و سعادت فرد به صورت عریان از ویژگی های نژادی، فرهنگی، اقتصادی و مذهبی مورد توجه قرار گرفت و عقل و خرد آدمی رکن اساسی و مستقل کمال و نیک بختی او به شمار رفت.

این اندیشه اومانیستی که خود از نتایج عقل گرایی (راسیونالیسم) (۴) عصر جدید بود، مبدأ پیدایش تفکر اومانیستی دیگری به نام فلسفه حقوق طبیعی شد. شالوده این فلسفه را این نظریه تشکیل می داد که در طبیعت آدمی، عناصری وجود دارد

ص: ۱۶۶

۱- nosaeR fo egA

۲- نک: ریشه ها و نشانه های سکولاریسم، ص ۵۷.

۳- msilaudividnI

۴- msilanoitaR

که در تمام افراد بشر مشترک است و این عناصر مشترک، مدار وحدت افراد به شمار می رود و معیارهای حقوق، قانون اساسی و حکومت صالح را میسر می سازد و انسان را از تعالیم و احکام مذهبی و ماورای طبیعی بی نیاز می کند. (۱)

بدین ترتیب، اومانیسیم و اندیویدوآلیسم به سکولاریسم انجامید.

۷. راسیونالیسم یا اصالت عقل

عقلانیت یا عقل گرایی از اصول اساسی نظری پیدایی و پایایی سکولاریسم به حساب می آید. عقل گرایی افراطی که در تقابل با الهیات «دگماتیک» کلیسای قرون وسطا در عصر روشن گری، شکل و نضج گرفت، آموزه دینی معاد و حیات اخروی و بهشت و سعادت ابدی در سرای دیگر را به گونه ای دنیوی تفسیر و بشر را به نوعی آخرت اندیشی دنیاپرستانه دعوت کرده است. این عقل گرایی افراطی زمینه ساز سکولاریزم شد؛ زیرا دین نه تنها در سایه عقل بسندگی از صحنه اجتماع و سیاست حذف گشت، بلکه اصل حقانیت آن نیز از اندیشه عقلی انسان به بوته فراموشی سپرده شد. دولت سکولار نیز مبتنی بر جدایی دین از سیاست، نفی مرجعیت دین در زندگی سیاسی و اجتماعی و بر مبنای اعتقاد به استقلال عقل آدمی در شناخت پدیده ها و مصالح سیاسی تشکیل شد. از این منظر، سیاست دایره نفوذ عقل آدمی به شمار می آید، پس سیاست پدیده ای عقلانی و نه دینی است؛ زیرا دین در آن جایی حضور و نفوذ دارد که عقل به آن دست رس نداشته باشد.

۸. پلورالیسم یا کثرت گرایی

(۲)

«پلورالیسم» و سکولاریسم رابطه و تعاملی تنگاتنگ دارند و مایه بالیدن دو جانبه یک دیگرند. این دو اندیشه، مبانی مشترک نظری نیز دارند؛ هم چنان که هر

ص: ۱۶۷

۱- نک: تاریخ فلسفه سیاسی، ج ۲، ص ۵۴۹.

دو نیز از مؤلفه های لیبرالیسم به شمار می آیند. دینی که سکولار شده و به دیانت شخصی روی آورده و تجربه قبلی را مدار دین داری قرار داده است، در حقیقت، آگاهانه یا ناآگاهانه، تسلیم مبنای نظری و دینی پلورالیسم شده و گوهر دین را نه اعتقاد که شریعت قلبی می داند و به خرد و منفعت پرستی آن به گونه ای انسان مدارانه، دنیاگرایانه، نسبی و متغیر می نگرد و تفسیر به رأی می کند.

انتقادات عمومی از دموکراسی

اشاره

نقد دموکراسی پیشینه ای طولانی دارد تا جایی که افلاطون و ارسطو نیز از منتقدان آن بوده اند؛ (۱) اما به طور کلی دو دسته از دموکراسی ایراد گرفته اند: دسته اول مخالفان دموکراسی هستند که اصل و اساس دموکراسی را زیر سؤال می برند و دسته دیگر کسانی اند که معتقدند رژیم دموکراتیک برابر با ایده آل و تئوری دموکراسی اندک تحقق می یابد. این دسته پیش نهادهایی می کنند که متضمن راه حل هایی است.

مطالعه تاریخ نشان می دهد که محققان، پیایی و به تناوب، برخی موضع اول و بعضی روش دوم را اختیار کرده اند. در این بخش به تأمل درباره استدلال های مربوط به دسته اول می پردازیم:

اغلب منتقدان این گروه، انسان های سرشناسی هستند. به نظر آنان دموکراسی، قلمرو تفرقه، تشتت و بی ثباتی و نیز عرصه دیکتاتوری اکثریت و باعث بی مایگی و کم استعدادی است. آنان معتقدند که رژیم های مبتنی بر حزب بازی، وحدت ملی را ضایع می کند و نوعی جنگ داخلی به وجود می آورد؛ انتخابات و پارلمان بازی باعث می شود که افراد کم هوش و میان مایه به قدرت برسند. چون بسیاری از کسانی که در فعالیت های سیاسی شرکت می کنند، بازی سیاسی در

ص: ۱۶۸

۱- برای نمونه نک: بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، ص ۲۴؛ مدل های دموکراسی، ص ۱۷.

کشمکش افراد به تأمین منافع شخصی می انجامد و این امر خود افزایش عوام فریبی را سبب می گردد که نتیجه اش فراموش شدن منافع عمومی است.

دموکراسی از دید این منتقدان، الزاما به هرج و مرج و لذت جویی توده ها و یک مشت مساوات جویی مادی می انجامد و مفهوم نفع عام به مفهومی مبتذل تبدیل می گردد و معلوم می شود که «قلمرو آزادی» چیزی جز قلمرو ماده و مقدار و کمیت نیست. (۱)

الف) مبهم بودن ماهیت و مبانی دموکراسی

چنان که گذشت، ابهام در تاروپود، اصول و مبانی و ماهیت دموکراسی، از معایب بزرگ آن به شمار می رود. تنوع و تکثر انواع دموکراسی ها مانع ایجاد وحدت نظر در بسیاری از اساسی ترین مفاهیم این اصطلاح گردیده و گاه به تعارض های موجود در آن دامن زده است. گفته می شود که دموکراسی در سه مفهوم متفاوت «حکومت اکثریت»، «حکومت قانون» و «تعدد گروه های قدرت» به کار می رود. به عقیده برخی، «میان این سه برداشت تعارضاتی وجود دارد که موجب ابهام در معانی دموکراسی شده و همین ابهام، زمینه تعبیر گوناگون از دموکراسی در قرن بیستم را فراهم آورده است.» (۲)

دموکراسی مفهومی پیچیده و چندبعدی دارد و ابهام در معنای آن، به تأکید صاحب نظران و هواداران دموکراسی بر وجوه خاصی از آن برمی گردد. خود دموکراتیک خواندن حکومت های گوناگون، به دلایلی چندان شگفت آور نیست؛ زیرا سنت اندیشه دموکراتیک بسیار گسترده و مشحون از اندیشه های متفاوت و حتی متعارض درباره مبانی پیدایش دولت، نهاد انسان، کار ویژه های حکومت و

ص: ۱۶۹

۱- برای آگاهی بیشتر نک: «سلسله مقالات آلن دوبنوا درباره موضوع دموکراسی»، ترجمه بزرگ نادرزاد، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، ش ۶۹-۷۸، خرداد و تیر تا بهمن و اسفند ۱۳۷۲.

۲- «تاریخ اندیشه ها و جنبش های قرن بیستم، اندیشه های لیبرال-دموکراتیک».

غیره است. (۱)

«حکومت به وسیله مردم» شاید مفهومی عاری از ابهام به نظر آید، اما ظواهر همیشه گمراه کننده اند و تاریخ اندیشه دموکراسی پیچیده و از دریافت های متضاد حکایت می کند. عرصه های نبود توافق بسیار گسترده است و در واقع هر یک از اجزای عبارت فوق، دشواری های مربوط به تعریف را به همراه دارد. «اندرو وینسنت» در این باره می نویسد:

مشکل دیگر اندیشه حاکمیت مردم این است که چه کسی یا کسانی به عنوان مردم به حساب می آیند. چنین کسانی برحسب نظریه اراده عمومی، کل مردم هستند. اما ممکن است مجموعه ای از نمایندگان و یا رأی دهندگان به عنوان مردم تلقی شوند. البته در طی یک قرن و نیم گذشته، رأی دهندگان یا افراد حائز شرایط رأی دادن در حال تحول و تغییر بوده اند. به عبارت دیگر تعریف مردم پیوسته در حال دگرگونی بوده است. (۲)

حال واژه های «حکومت»، «حکومت به وسیله مردم» و «مردم» به چه معناست؟

اگر فقط از ابهامات موجود در واژه «مردم» آغاز کنیم، این سؤال ها مطرح می شوند:

۱. چه کسانی را باید «مردم» برشمرد؟

۲. چه نوع مشارکتی برای آنها در نظر گرفته شده است؟

۳. شرایط مفروض برای هدایت به مشارکت کدامند؟

واقعیت آن است که انواع دموکراسی ها، هنوز نتوانسته اند پاسخ های قطعی به این سؤال بدهند تا جایی که دیوید هلد در این باره می گوید:

کوشش به منظور محدود کردن معنای «مردم» به گروه های معینی از آنها، از قبیل صاحبان دارایی، سفیدپوستان، مردان تحصیل کرده، صاحبان مشاغل و

ص: ۱۷۰

۱- همان، ص ۴۲.

۲- نظریه های دولت، ص ۱۷۱.

مهارت های ویژه، بزرگ سالان و فقط مردان، سابقه ای دیرینه دارد. هم چنین درباره آن چه «حکومت» به وسیله «مردم» قلمداد می شوند، در قالب دریافت ها و مباحث گوناگون، داستان سرایی می شود. (۱)

بسیاری دیگر از شارحان دموکراسی به صراحت گفته اند که دموکراسی غربی هیچ نوع معنای دقیق و مورد توافقی ندارد و پرسش از چیستی معنای دموکراسی، تردیدپذیر و دارای برداشت های متفاوتی است که قانع کننده نیستند. (۲)

(ب) تعارض بین اصل آزادی و اصل برابری

از مهم ترین تعارض هایی که در فلسفه سیاسی غرب و اندیشه و نظام دموکراسی مطرح بوده، تعارض بین دو اصل آزادی و برابری است که دو اصل از سه اصل مشترک دموکراسی ها را شامل می شود. تبیین این تعارض بسیار ساده و از این قرار است که اگر همه مردم برابر شمرده شوند، آزادی آنها به خطر خواهد افتاد؛ زیرا ایجاد برابری، محتاج مداخله دولت در زندگی افراد و تحدید آزادی های (منفی) آنهاست و اگر همه مردم آزاد گذارده شوند، خواه ناخواه برابری افراد به خطر می افتد؛ زیرا عموم افراد به واسطه اختلاف هایی که در ثروت و قدرت و مانند آن دارند، پس از مدت کوتاهی مقابل دیگران برتری جویی می کنند. به هر حال بیشتر دانش مندان هم نظرند که این دو غایت عظیم دموکراسی، به طور کامل باهم جمع پذیر نیستند و تا حدود زیادی با یک دیگر تنافر دارند.

در قرن بیستم، بیشتر لیبرال های راست گرا مانند فریدریش هایک، رابرت نوزیک و میلتون فریدمن، برابری را مخل آزادی و جمع ناپذیر با آن می دانند و سخن گفتن از «عدالت اجتماعی» در جامعه مرکب از افراد آزاد را موجب پیدایش قدرتی برتر و سلب آزادی انسان ها می شمارند. برخی از متفکران

ص: ۱۷۱

۱- مدل های دموکراسی، ص ۱۴-۱۶.

۲- نک: دموکراسی، ص ۱۴.

دموکراسی برای فرار از تعارض هم‌گرایی آزادی و برابری، همایش این دو عنصر اصلی را به دموکراسی‌های قدیم و در عرصه نظری مربوط دانسته‌اند.

ج) صوری بودن اصل برابری در دموکراسی

گفته شد که اصل برابری از سه اصل مشترک دموکراسی‌ها بوده است، اما آن چه واقعا در این شیوه حکومتی پذیرفته گردید، مساوات اسمی بود که زیر لوای آن بر بسیاری از نابرابری‌های واقعی در جامعه سرپوش گذاشته شد و برابری در دموکراسی به برابری در شانس و فرصت محدود گردید. به عبارت دیگر، دموکراسی نه به معنای برابری انسان‌ها، نه به معنای برابری ثروت و نه به معنای هم‌سانی وضع و حال مردم است، بلکه بر مبنای برابری صوری شهروندان در مقابل قانون و فرصت یک سان آنان برابری‌هایی به وجود می‌آورد که شرط توسعه و ضرورت وجودی همه جوامع تحول‌یافته است. هدف دموکراسی، ایجاد فرصت برای برابر شدن افراد نیست، بلکه کارش این است که فرصت برابر به آدم‌ها بدهد تا نابرابر باشند.

د) محدودیت‌ها و موانع مشارکت سیاسی برابر در دموکراسی لیبرال

در قرن بیستم، خطرهای تازه‌ای مفهوم دموکراسی کلاسیک را تهدید کرد که از خطر استبداد اکثریت کمتر نبود و در حقیقت موجب تحولی در معنای دموکراسی شد. واقعیت اقتصاد سرمایه‌داری در عمل، بی‌شک محدودیت‌هایی بر حق مشارکت سیاسی ایجاد کرده است. حق رأی در دموکراسی‌های امروزی، بلاشرط شده و حق انتخاب احزاب سیاسی مختلف وجود دارد، اما چنین حقوقی ضامن «برابری فرصت‌ها»ی عملی در مشارکت اجتماعی و سیاسی نبوده است. متغیرهای گوناگون چون سطوح مختلف درآمد، آموزش شهرنشینی، حاشیه‌نشینی و غیره در میزان مشارکت سیاسی و نابرابری آن در بین عموم مردم مؤثر بوده است.

بیشترین انتقادات حقوقی از دموکراسی، بر «رژیم نمایندگی» شده است. این انتقادهای بسیار گسترده بوده و نمی توان به همه آنها اشاره کرد. منتقدان، رژیم نمایندگی و آزادی در دموکراسی را، فقط به زمان انتخاب نمایندگان محدود می دانند و معتقدند پس از انتخابات، مردم به کناری گذاشته می شوند. به گفته میخلز، رأی دهنده همواره رأی حاکمیت و حقوق سیاسی خود را به داخل صندوق می اندازد و نمایندگی چیزی جز قبولانیدن اراده خود به منزله اراده جمع نیست. بر این مبنا، هیچ وقت منتخبان، نماینده واقعی رأی دهندگان نیستند و در حقیقت رژیم نمایندگی یک توهم حقوقی بیش نیست و اساساً دو طرف قراردادی وجود ندارد که بتوان صحبت از یک قرارداد اجتماعی با مبنای حقوقی به میان آورد. در اغلب موارد، رأی دهندگان به تعبیر جیوان سارتری، نمی دانند که چرا و به چه چیزی رأی می دهند و معمولاً آرای اکثریت نارسایی از رأی دهندگان پیروز می شود که در واقع تنها اقلیتی از کل جمعیت را تشکیل می دهد. (۱)

از دیگر معایب رژیم نمایندگی آن است که در انتخابات مبتنی بر اکثریت، قوت و شدت عقاید ابراز شده منعکس نمی شود. رأی انتخاب کننده میانه رو و معتدل با رأی انتخاب کننده مصمم و انتخاب کننده متعهد و مبارز برابر است.

عیب دیگر آن که گاهی رأی دهنده به فرد مرئیح خود رأی نمی دهد، بلکه علیه کسی که بیشتر از او نفرت دارد، رأی می دهد.

و) تضاد بین اراده همگانی و آزادی های فردی

منتقدان دموکراسی معتقدند که یکی از تضادهای اصولی در دموکراسی، تضاد بین اراده همگانی (دموکراسی) و آزادی های فردی و اجتماعی است. اغلب اتفاق می افتد که دو مفهوم آزادی و دموکراسی یکی انگاشته شده و بدون توجه به

ص: ۱۷۳

معانی حقیقی کاملاً متفاوتشان، به جای هم به کار می روند. بعضی از متفکران چون روسو و اغلب سوسیالیست ها به پیروی از این فیلسوف فرانسوی، آزادی را تنها در چارچوب دموکراسی واقعی میسر می دانند. درحالی که دموکراسی و آزادی از دیدگاه فیلسوفان آزادی خواه، دو مفهوم متفاوت و در بعضی موارد احیاناً متضاد است. از نظر هایک نقطه تلاقی آزادی و دموکراسی این جاست که در نظام آزاد همه در برابر قانون برابرند. این برابری خواه ناخواه، به این درخواست دموکراتیک می انجامد که همه به تساوی، خواهان مشارکت در ایجاد قوانین باشند. اما مسئله اساسی برای طرف داران آزادی عبارت است از محدود کردن قدرت جبری هر حکومتی، چه دموکراتیک چه غیر آن، درحالی که دموکرات های جزم گرا تنها یک محدودیت برای حکومت قائلند و آن عقیده جاری اکثریت است. هایک می نویسد:

تفاوت بین این دو آرمان (آزادی و دموکراسی) وقتی به وضوح آشکار می شود که مفهوم مخالف هر کدام را معین کنیم. مفهوم مخالف دموکراسی عبارت است از حکومت مقتدر (خودرأی) و مفهوم مخالف آزادی، حکومت توتالیتر است. هیچ یک از این دو سیستم ضرورتاً نافی مخالف دیگری نیستند، یعنی دموکراسی می تواند دارای قوای توتالیتر باشد و از سوی دیگر حکومت مقتدر خودرأی را می توان تصور نمود که طبق اصول آزادی عمل می کند. (۱)

ز) تعارض روش های وصول به دموکراسی با مبانی دموکراسی

منتقدان «روح» و «ماده»، دموکراسی را با یک دیگر متعارض و متنافر می دانند.

مسئله مشروعیت و سایل مورد استفاده برای رسیدن به هدف های مطلوب که در واقع به مسئله حدود مفهوم «قانونیت» بازمی گردد، از دیرباز موضوع بحث و

ص: ۱۷۴

جدل بوده و این پرسش مطرح می شده است که آیا برای وصول به هدف های عالی «دموکراتیک» می توان وسایلی به کار برد یا راه هایی در پیش گرفت که دموکراتیک نباشد.

سن ژوست، می گفت: «به دشمنان آزادی، آزادی ندهید.» امروزه نیز هرگونه تبلیغ سیاسی در جوامع غربی از همین اصل سرمشق می گیرد. «بسیاری از لیبرال ها، آزادی بیان و عقیده را برای هرکسی به رسمیت می شناسند، تنها به این شرط که در مورد اصول ایدئولوژیکی معتاد مألوف آنان رد و تردیدی پیش نیاید.» (۱)

امروزه ملاحظه می شود که نخبگان در کشورهای لیبرال-دموکراسی، به تناوب از شیوه های غیر دموکراتیک، آنارشستی و حتی فاشیستی و عوام فریبانه با بهره گیری از عناصر مدرن عصر ارتباطات در جهت وصول به حاکمیت، سود می جویند. ناگفته نماند که پوپر، فیلسوف پرآوازه لیبرال-دموکراسی نیز با قائل شدن به اباحی گری معتقد است که دموکراسی را هرچند با توسل به شیوه های زور و خشونت، باید استوار نگاه داشت که این خود اجتماع نقیضین است و جای شکی باقی نمی گذارد که مقوله دموکراسی با تناقض های بسیاری روبه رو بوده و از مسیر اصلی منحرف شده است. وی می نویسد:

جامعه باز (دموکراسی) ممکن است نه تنها از جانب جباران و اقلیت ها بلکه از سوی اکثریت نیز آسیب ببیند. بنابراین به حق می توان در برابر اکثریت ها از جامعه باز و نهادهای آزاد دموکراتیک دفاع کرد. چه بسا مردم فریبان و مستبدینی که به شیوه های خاص خود، اکثریت توده های مردم را همراه خویش ساخته و به نام حمایت مردمی، جامعه باز و نهادهای دموکراتیک را از بین برده اند؛ البته شرط اصلی جامعه باز، تساهل سیاسی است؛ با این حال تساهل نسبت به گروه هایی که ضد تساهل دموکراتیک هستند، به بنیاد

ص: ۱۷۵

جامعه باز آسیب می رساند. بنابراین، در صورت لزوم و وجود تهدیدات خطیر، باید دشمنان تساهل و هواداران خشونت را سرکوب کرد. (۱)

ح) صوری بودن اصل تفکیک قوا در دموکراسی

دموکراسی های مدرن مدعی اند، اصل تفکیک قوا از اسلوب های اساسی است که آزادی و برابری شهروندان را در مقابل هیمنه و قدرت دولت و حکومت حفظ می کند؛ سازوکاری که برای جلوگیری از تبدیل حکومت اکثریت به دیکتاتوری و جلوگیری از سوء استفاده از قدرت در نظر گرفته شده است.

منتقدان دموکراسی بر این ادعایند که اصل تفکیک قوا در عمل، دو معضل را برای دموکراسی های غربی پیش آورده است: اول آن که تقسیم کامل این سه قوه از یک دیگر در عمل امکان پذیر نیست و در رژیم هایی که سه قوه را از یک دیگر کاملاً منفک می دانند، اختلالی فراوانی آشکار شده و گاه نظام را فلج و دچار ناکارایی کرده است. هم چنین به طریق اولی، ایجاد موازنه کامل بین سه قوه امکان پذیر نیست و همیشه قدرت یکی از دو قوه مجریه و مقننه بر دیگری چیره می شود. به همین دلیل نیز تفاوت هایی بین دموکراسی های غربی در کشورهای مختلف به وجود آمده است. بسته به این که قوه مقننه بر قوه مجریه چیره شود یا برعکس، رژیم را پارلمانی یا ریاستی می نامند که هر یک از آنها نیز معایبی دارد.

برای نمونه، بی ثباتی حکومتی در رژیم های پارلمانی مانند جمهوری سوم فرانسه، کشور را با مشکلاتی روبه رو کرد. به همین دلیل در جمهوری پنجم فرانسه، سعی شد که قوه مجریه را از تابعیت قوه مقننه برهانند. در نتیجه بر اقتدار قوه مجریه افزوده شد، به گونه ای که قوه مقننه از تجاوزات قوه مجریه، مصون نماند.

هم چنین اختیار انحلال مجلس یا مراجعه به همه پرسی از جمله مواردی است که وضع قوه مقننه را در مقابل قوه مجریه متزلزل می سازد.

ص: ۱۷۶

۱- «اندیشه های لیبرال-دموکراتیک، لیبرالیسم کارل پوپر»، ص ۱۴.

دوم این که با وجود احزاب سیاسی و مسئله اکثریت، چگونه می توان قوای سه گانه را که همه در دست حزب حاکم قرار می گیرد، از هم منفک دانست. برای مثال، در نظام پارلمانی انگلستان، اصل تفکیک قوا در عمل مدت ها بی معنا بوده است. البته فقط در سال های اخیر به دلیل قدرت گرفتن نسبی احزاب کوچک از یک طرف و افزایش تمردهای حزبی از طرف دیگر، پارلمان می تواند حتی بر ضد حزب حاکم نیز وارد عمل گردد.

(ط) امکان خطا و صلاحیت نداشتن اکثریت در تصمیم گیری های سیاسی

به عقیده بعضی، خرده ای که نقادان امروز به دموکراسی گرفته اند، تنها انتقاد از «قانون اکثریت» است. این که هر کس با رأی برابر در امور دولت شرکت کند، کار درستی به نظر می آید. اما همین کار ممکن است خطرناک هم جلوه کند؛ زیرا صلاحیت همه برابر نیست. به بیان ساده تر، این درست همان مخمصه ای است که تمام دموکراسی ها گرفتار آن هستند. نتیجه مستقیم رأی گیری، در واقع به منزله تصمیم گیری اکثریت است. از این رو، تصور این که مرجعیت و اقتدار (اتوریت) که امری کیفی به شمار می آید، بتواند از اکثریت که امری کمی است صادر شود، باور صادقی نیست؛ زیرا این تصور که اکثریت حقیقت را می گوید، بلافاصله انتقاد دیگری را پیش می آورد؛ کمیت نه تنها کیفیت را نمی سازد بلکه اغلب، آن را ضایع می کند. در نتیجه، صلاحیت، بصیرت و تدبیر داشتن اکثر مردم در کار سیاست امری تردیدپذیر است و نمی توان بر صحت همیشگی آن تأکید کرد و اساساً قاعده اکثریت یکی از تکنیک های مختلف برای شناختن آرای مردم به شمار می آید. حتی اکثریت مردم و اراده آنان را نمی توان امر واحدی شمرد و اصل اکثریت، با مفهوم دموکراسی متعارض است؛ چون خواه ناخواه در بسیاری از دموکراسی ها، با به کرسی نشستن نظر اکثریت، نظر اقلیت ها و حقوق آنها در مشارکت و تصمیم گیری سیاسی پای مال و یا تحدید و تقلیل می شود.

در نقد دموکراسی گفته اند که استبداد دموکراتیک توده ها و افکار عمومی به همان اندازه استبداد فردی، با آزادی های فردی و جمعی تضاد دارد؛ زیرا تن دادن به نظر اکثریت متضمن خطر استبداد بالقوه است. از سوی دیگر دموکراسی، اندیشه «قدرت مطلقه» را دور نمی اندازد، فقط این نظریه را نمی پذیرد که قدرت وجه امتیاز یک نفر باشد. دموکراسی هم چنین «قانون حاکمیت قوی تر» را منکر نمی شود؛ زیرا «اصل اکثریت» نوعی قانون است که حق را به طرف نیرومندتر می دهد. بنابراین، علت پیروی افراد از «اکثریت» الزاما این نیست که اکثریت حق دارد و حقیقت را معرفی می کند، بلکه به این علت است که اکثریت زور بیشتری دارد. بدین ترتیب، دموکراسی نیز از استبدادگرایی مصون نیست. یکی از راه های علاج این ایراد آن است که هواداران دموکراسی بر «اکثریت مؤثر» و نه «اکثریت عددی یا کمی» معتقدند. اکثریت مؤثر شامل کسانی است که در خصوص غایات حکومت، آگاهی کامل و وحدت نظر دارند و یا اکثریت «جامعه سیاسی» را تشکیل می دهند. (۱)

ک) خطر فریب افکار و آرای عموم و نفوذپذیری آن

این که رأی مردم در نظام دموکراسی تا چه حد تعیین کننده اصلی در عرصه های سیاست است، جای جدل های فراوانی را باز می گذارد. رأی مردم و نتیجه انتخابات تا چه اندازه منعکس کننده اراده واقعی مردم است؟ تبلیغات و در امان نبودن رأی دهندگان از خطر فریب و نفوذ، عضویت در ماشین های بزرگ سیاسی - اصطلاحی که ماکس وبر در مورد احزاب سیاسی به کار می برد - و حق انتخاب محدود بین چند حزب، تا چه حد به فرد امکان می دهد خواست واقعی خود را از طریق رأی منعکس کند؟ به این سؤال هنوز پاسخ قطعی داده نشده است.

ص: ۱۷۸

۱- برای مطالعه بیشتر نک: «نسل قدیم لیبرال - دموکرات های قرن بیستم»، ص ۲۹، ۳۱ و ۳۲.

علاوه بر آن، امروزه مسئله خودداری قشر بزرگی از شهروندان از شرکت در انتخابات نیز مطرح می شود.

ل) دموکراسی نخبه گرا مانعی بر سر راه مشارکت واقعی مردم

وجود الیت های (نخبگان) سازمان یافته و نیرومند در دموکراسی های امروز، موانعی بر سر راه مشارکت واقعی عمومی در زندگی سیاسی به وجود آورده است تا جایی که برخی از نظریه پردازان معاصر همانند رابرت دال، دموکراسی را اصولاً چیزی بیش از تعدد و رقابت نخبگان به شمار نمی آورند. از دید وی «دیکتاتوری» حکومت یک اقلیت و دموکراسی یا «پولیاری» حکومت چند اقلیت است. (۱)

رابرت میخلز نیز با نظریه قانون «الیگارشی آهنین» به توصیف حکومت ها و از جمله نظام دموکراسی نخبه گرا پرداخته و جوامع را محکوم به قبول حکومت «اقلیت متنفذ» دانسته است. نظارت الیت ها بر تصمیم گیری سیاسی در دموکراسی معاصر، مانع از توسعه برابری اجتماعی و اقتصادی نیز شده است. بدین سان، مفهوم قدیم دموکراسی اکثریتی، جای خود را به دموکراسی الیستی داده است.

در دموکراسی نخبگان، آزادی فردی و حکومت اکثریت و برابری به منزله درون مایه دموکراسی کلاسیک، جای خود را به دموکراسی به منزله روش و شیوه ای برای تشکیل رهبری سیاسی می دهد. پلورالیست های معاصر، دموکراسی را در عمل چیزی بیش از فعالیت و رقابت چندین الیت نمی دانند. آنان نظر دموکرات های رادیکالی چون ژان ژاک روسو را در این مورد که «صدای مردم صدای خداست» و «اقلیت همیشه اشتباه می کند»، ایده آلیستی می شمارند.

از دیدگاه دموکراسی نخبه گرای امروزی، دموکراسی نه حکومت اکثریت و توده ها بلکه حداکثر وسیله ای برای مشورت با اکثریت و حفظ منافع

ص: ۱۷۹

اقلیت هاست. فهم مردم برای رسیدگی به امور پیچیده کافی نیست؛ نقش آنان تنها باید رضایت دادن باشد نه حکومت کردن. دموکراسی از این دیدگاه وقتی تحقق می یابد که حکومت از خواست ها و تقاضاهای مستقیم توده های مردم مصون باشد. بدین سان، نظریه پردازی درباره دموکراسی در قرن بیستم گرایش «ضد اکثریتی» پیدا کرد.

م) نشانه های بحران و انحطاط دموکراسی لیبرال در قرن بیستم

در سال های دهه شصت میلادی، کشورهای پیشرفته صنعتی از جمله اغلب کشورهای اروپای غربی وارد مرحله ای از پیشرفت شدند که از دید هواداران لیبرال-دموکراسی، دوران سعادت و رفاه اقتصادی و از نظر سیاسی دوران حکومت عقل، مدیریت، تخصص و پایان گرفتن تشنج های سیاسی-اجتماعی و از دید منتقدان لیبرال-دموکراتیک، دوران اسارت و از خودبیگانگی انسان و در نتیجه بی اعتنائی انسان ها به مسائل سیاسی و امور عمومی و از بین رفتن مشارکت آگاهانه و بالتبع بوجی و زوال درونی این نظام ها بود.

امروزه در نظام های لیبرال-دموکراسی، مشارکت افراد در امور سیاسی، ضعیف و محدود و یا بی محتوا و صوری و با بی اعتنائی توده ها همراه شده است.

رونند «ذره ای شدن» (۱) جوامع صنعتی و تنهایی انسان، نتیجه منطقی ایدئولوژی زدایی، رفاه و دیوان سالاری و سکولاریسم افراطی این نظام است.

امروزه لیبرال-دموکراسی، علاوه بر برکناری سیاسی توده ها، با کاهش قدرت پارلمان، تبدیل احزاب به بنگاه های تجاری، کاهش نقش اپوزیسیون و بسترسازی مناسب برای ظهور توتالیتاریسم روبه روست و بی دلیل نیست که عده ای از «فروپاشی الگوی اجتماعی دموکراتیک» (۲) سخن می گویند.

ص: ۱۸۰

۱- noitasimotA.

۲- «نگاهی به تحولات پایان قرن بیستم»، ص ۷.

از سوی دیگر، اعتقاد به نسیت اخلاق و انسان مداری، به وضعیت بحران های لیبرال-دموکراسی دامن زده است، به قولی:

آن گاه که مردم باور خود را نسبت به اصول اخلاقی از دست بدهند یا به گفته سورکین وقتی تمدن ها از پویایی فرهنگی بازمانند، دوران تباهی فرا رسد... لذا زوال دموکراسی و کاهش اعتبار دموکراسی غربی، موضوعی نیست که منحصر به کشوری خاص باشد. امروزه، هم اصول دموکراسی لیبرال مورد تردید قرار گرفته و هم مشارکت مردم که یا دچار بی علاقه می شوند یا تحت تأثیر عوامل غیرسیاسی مانند فوتبال، تبلیغات سینما و غیره، چهره های عمومی را بر چهره ها و نیروهای سیاسی ترجیح می دهند. (۱)

به نظر می رسد که ارزش اعتماد، سرمایه گران بهای اجتماعی و اقتصادی در جوامع غربی لیبرال، رو به کاهش است؛ در حالی که بسیاری از متخصصان غربی در صدد احیای این ارزش در جوامع خود هستند.

فرانسیس فوکویاما شارح نظریه خوش بینانه «پایان تاریخ»، از جمله صاحب نظران در این زمینه است که در کتاب خود به نام اعتماد، به تشریح ضرورت وجود «اعتماد» در لیبرال-دموکراسی غربی می پردازد. وی در واقع احیای ارزشی را دنبال می کند که سال ها پیش از جامعه غربی رخت بر بسته است.

گفتنی است که فوکویاما «بحران اعتماد» و کتاب با این عنوان را پس از ارائه نظریه و کتاب پایان تاریخ و واپسین انسان می نگارد. نظریه پایان تاریخ، لیبرال-دموکراسی را شکل نهایی و حکومت پیروز در جوامع بشری و نقطه پایان تکامل ایدئولوژیک بشر و پایان تاریخ می داند! اما نگاه نویسنده در کتاب اعتماد، درون گرایانه و همراه با آسیب شناسی و هشدار است. ارزیابی های فوکویاما از جوامع غربی، بی تردید برای جهان سوم که به نسخه برداری کورکورانه از

ص: ۱۸۱

۱- «واکنش های سیاسی و نشانه های انحطاط دموکراسی در ایتالیا»، ص ۳۵.

الگوهای غربی در شتابند، اهمیت دارد. وی ضمن تأکید بر مبانی فرهنگی، بر ضرورت ارتقای روح کار جمعی، وجدان کاری، سطح اعتماد و روحیه مردم آمیزی خودجوش در جوامع لیبرال-دموکراسی به ویژه امریکا، پای فشرده و این موارد را رمز موفقیت های پایدار در جوامع بحران زده مزبور دانسته است. (۱)

مردم سالاری دینی جمهوری اسلامی ایران،

زمینه ساز دین سالاری سپهری مهدوی

مطالب پیش گفته بسیاری از ضعف ها و تعارض های نظری و عملی لیبرال-دموکراسی را عیان ساخت؛ گرچه به هیچ وجه نیز منکر پاره ای از شایستگی های آن نیست. هواداران دموکراسی نیز به این معایب معترفند، ولی ادعا می کنند که اگرچه دموکراسی های غربی با تئوری دموکراسی محض فاصله بسیار دارند، دست کم به اهدافی که توده های مردم در طول تاریخ در نظر داشته اند و به جامعه ای که انسان ها از نظر مادی و در آرزوی رسیدن به آن بوده اند، نزدیک تر هستند.

حتی اگر با خوش بینی این ادعا پذیرفته شود، به هیچ وجه نمی توان الگوی بحران زده دموکراسی و تمامیت آن را الگوی نهایی و برترین نظام سیاسی به شمار آورد و آن را برای تمام نظام ها توصیه کرد و به گفته دوبنوا:

اگر دموکراسی به معنای غربی آن، ریشه در تاریخ و تشکیلات و نهادهای سیاسی اروپا دارد و اگر دموکراسی لیبرال با اخلاق یهودی و مسیحی و نیز با فلسفه روشن گری اروپا در قرن هیجدهم عمیقاً مربوط است، پیاده کردن چنین نظامی در کشورهای جهان سوم را چگونه باید توجیه کرد؟ (۲)

این نظام که مبتنی بر مفهومی آشفته است و به تعبیر کارل کوهن، از مدافعان

ص: ۱۸۲

۱- برای اطلاع بیشتر نک: «پایان تاریخ و بحران اعتماد؛ بازشناسی اندیشه های فوکویاما»، ص ۱۳.

۲- «دموکراسی، حاکمیت مردم و پلورالیسم»، ص ۳۰.

دموکراسی، «در نتیجه بی بندوباری لفظی، آشفتگی فکری، و حتی اندکی فریب کاری عمدی، اصطلاح دموکراسی تا حد زیادی معنای خود را از دست داده است. این اصطلاح که در جهان سیاست تقریباً به هر چیزی اطلاق می شود، به جایی رسیده است که دیگر تقریباً هیچ معنایی ندارد.» (۱) کوهن، چاره معایب دموکراسی را نه در خوش بینی و نه در بدبینی بدان می بیند بلکه به تلاش برای بهبود و رفع معایب آن معتقد است. (۲)

از سویی، در واقع الگوی نظام دموکراسی لیبرال را نمی توان برای تمامی جوامع و نظام های سیاسی تجویز کرد و این مدل، با رفع نقایص اساسی خویش، باید ویژگی های بومی، مذهبی و فرهنگی این جوامع را به دست آورد. ظهور آموزه و نظام مردم سالاری دینی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، در حقیقت یکی از اشکال نقادی، بومی و دینی شده دموکراسی غرب در کشور ما و جهان اسلامی است. در حقیقت با تدوین نظری و نضج عملی این آموزه، دموکراسی غرب با چالشی جدید مواجه گشته و در صورت توفیق و تحقق روزافزون مردم سالاری دینی، این چالش ها افزایش و قوت چشم گیرتری خواهند یافت.

شیوه ها و راه های مختلفی برای بحث از مردم سالاری دینی وجود دارد؛ برای مثال می توان در دین سیاسی و عملی امام علی علیه السلام و آرمان های حکومت علوی به تجسم عینی و مصادیق برجسته مردم سالاری دینی دست یافت؛ (۳) هم چنان که می توان آیات و روایات متعدد در این زمینه ها را بررسی کرد و یا به تجربه مزبور در کشورهای اسلامی پرداخت. راه دیگر و طریق مختار این نوشتار، این است که با نقد دموکراسی لیبرال و ارزیابی الگوی مردم سالاری دینی و با عنایت به منابع

ص: ۱۸۳

۱- دموکراسی، ص ۱۴.

۲- همان، ص ۴۱۷.

۳- برای نمونه نک: «آرمان های حکومت در نهج البلاغه»، ص ۱۲۹-۱۴۸.

اصیل اسلامی، الگوی دین سالاری سپهری مهدوی را تا جای ممکن ترسیم کرد.

گفتنی است بحث امکان یا امتناع تحقق دموکراسی در جوامع دینی از دیرباز و حتی در یکی دو سده اخیر همواره مطرح بوده و متفکران بسیاری در این زمینه نظریه پردازی کرده اند؛ از جمله برخی از روشن فکران مذهبی و روحانیان موافق با دموکراسی دین سالارانه، با روی کردی درون دینی در این چند محور، برای وفاق اسلام و دموکراسی تلاش داشته اند:

الف) سازگاری و بدیل یابی نهادها و کنش های دموکراتیک موجود فعلی با نهادهای مدنی صدر اسلام همانند شورا، بیعت و...؛

ب) انطباق فلسفه سیاسی دموکراسی با فلسفه سیاسی حکومت در اسلام؛

ج) مشروط و محدود کردن دموکراسی غربی و تلقی آن به مثابه زیرمجموعه ای از دین اسلام و مندرج در آن؛

د) پذیرفتن دموکراسی به مثابه نوعی روش حکومت در اسلام؛

ه) تأویل مجدد مفاهیم دموکراتیک در سنت اجتهادی و تحلیل زبانی اسلام.

از شارحان برجسته این نظریات، از اهل سنت می توان به کواکبی، عبده، حسن البناء و در میان شیعیان به علامه نائینی رحمه الله اشاره کرد. در حالی که اشخاصی مانند ابوالاعلی مودودی و منیر الحسینی به شدت با هر گونه چارچوب نظری تبیین دموکراتیک حکومت دینی مخالفت ورزیده اند.

امام خمینی رحمه الله نیز در باب دموکراسی غربی و نوع اسلامی آن، آرا و اندیشه های مبسوطی ارائه کرده اند. ایشان با فراست کامل به ابهام، تغییر و تلّون مفهوم و رژیم دموکراسی معتقد بوده اند و با لحاظ برتری و وضوح اسلام و حکومت اسلامی نسبت به این نحله فکری و شکل حکومتی، نوع غربی آن را نفی کرده اند. به باور امام رحمه الله، پدیده دموکراسی و آزادی های غربی، پدیده ای مصنوع، دست ساز، سیال و در جهت منافع غربی هاست که همواره و فریب کارانه این واژگان را به نفع خود

تأویل و تفسیر می کنند و بدین ترتیب، ایشان هم منتقد اصل و اساس دموکراسی غربی بوده اند و هم رژیم های دموکراتیک غربی را از واقعیت دموکراسی اصیل بیگانه می شمرده اند و آنها را با آرمان های مورد ادعای فلسفه دموکراسی منطبق نمی دانسته اند. باور امام رحمه الله بر مبنای تحقق دموکراسی اصیل در جامعه دینی است و بارها ایشان بر تری حکومت اسلامی را بر دموکراسی یادآور شده و آن را دموکراسی درست و حقیقی خوانده اند و بر جامعیت و کمال حکومت اسلامی پای فشرده اند. (۱)

اما در مقایسه لیبرال-دموکراسی با مردم سالاری دینی، باید گفت که دموکراسی در بهترین شکل و کارآمدترین صورت، تنها تأمین کننده مصالح مادی مردم است؛ در حالی که حکومت اسلامی علاوه بر این، وظیفه اصلی خود را انسان سازی و بازسازی و ارتقای امور معنوی مردم به شمار می آورد و اصلی ترین ممیزه آن با لیبرال-دموکراسی، این است که خدامداری را جایگزین فردگرایی و انسان محوری می کند تا جایی که حتی عده ای از متفکران معاصر اسلامی، ترجیح داده اند به جای کلمه مردم سالاری دینی، از واژه هایی مانند «دین سالاری مردمی» (۲) و یا «دموکراسی قدسی» (۳) استفاده کنند. هم چنین اصل نسبت اخلاقی و ارزشی و آزادی های منفی گونه دموکراسی غربی در اندیشه حکومت اسلامی جایی ندارد و مردود است و آزادی تنها در محدوده های اسلامی پذیرفته می شود.

در مردم سالاری دینی، اصالت فرد و فردگرایی افراطی لیبرال-دموکراسی نفی می شود؛ گرچه اعتقاد به ارزش والای فرد و حقوق و آزادی های فردی مانند حق مالکیت، تأمین جانی و مالی از جایگاه عالی ای در این نحله برخوردار است. در مردم سالاری دینی، در کنار احترام به حقوق فرد، جمع اصالت داشته و این باور

ص: ۱۸۵

۱- برای اطلاع بیشتر نک: «دموکراسی و آزادی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله»، ص ۷۲-۹۱.

۲- نک: «مردم سالاری دینی یا دین سالاری مردمی؟»، ص ۲-۶.

۳- نک: دموکراسی قدسی.

وجود دارد که فرد همیشه به تشخیص عقلانی مصالح خود قادر نیست و انزال شرایع الهی و پیامبران، در حقیقت برای مساعدت انسان ها و جوامع صورت گرفته است تا در انتخاب راه درست و مشی در آن، یاری گر افراد باشند.

مردم سالاری دینی علاوه بر رد تساهل و رواداری افراطی لیبرال-دموکراسی، با اعتقاد به خاتمیت و جامعیت و علو اسلام نسبت به تمام ادیان، افراد را در انتخاب آزادانه عقاید در همه زمینه های سیاسی، اجتماعی و مذهبی، صاحب اختیار دانسته و معتقد است که دولت نباید تفتیش و بازخواست عقیدتی اعمال کند.

مردم سالاری دینی، حکومت مشروع را تنها بر اصل «رضایت» و قرارداد اجتماعی مبتنی نمی داند، بلکه وجه اصلی مشروعیت را به واسطه الهی بودن حکومت، در مقبولیت شرعی آن می داند و آن گاه رضایت مردم را در قالب شریعت و محدوده آن می پذیرد و فعلیت حکومت را حاصل مطاوعت و همراهی مردم به شمار می آورد. بدین ترتیب، برخلاف دموکراسی، اراده الهی منشأ قدرت و قانون و حاکمیت بوده، سپس در این چارچوب، بر اراده مردم مبتنی است.

سکولاریسم در مردم سالاری دینی، به معنای «عرفی شدن» و «دنیاپرستی» و یا اعتقاد به اصالت امور دنیوی و رد آن چه غیر آن است- از جمله مذهب-جایی ندارد. هم چنان که لیبرالیسم اقتصادی، به معنای آزادی مطلق افراد در فعالیت اقتصادی و نفی کامل کنترل سیاسی و دخالت دولت در اقتصاد را نفی می کند و در کنار احترام به مالکیت های خصوصی، مداخله دولت در پاره ای از امور اقتصادی را برای جلوگیری از ایجاد شکاف های طبقاتی و شکل گیری انحصارات، لازم می شمارد.

مردم سالاری دینی علاوه بر اعتقاد به ضرورت کسب رضایت عامه، بر این باور است که همواره خواست اکثریت، کاشف از حق و همواره موافق و مقارن با حق

و حقیقت نیست و با احترام کامل به خواست مردم و نظر اکثریت و خرد و عقل جمعی، هیچ گاه، «فرد» یا «جمع» را بر خدا و شریعت الهی مقدم نمی دارد و مصالح جمعی را در قالب چارچوب های اسلامی، بر خواست و مصالح فردی مقدم می کند. با وجود این اختلاف های اساسی که بین مردم سالاری دینی و دموکراسی لیبرال وجود دارد، می توان مشابَهت هایی نیز بین آنها ترسیم کرد. برای نمونه، میان مردم سالاری دینی و لیبرالیسم که مهم ترین منبع فکری، فلسفی و نظری نظام های دموکراتیک است، می توان به موارد مشابهی مانند نمونه های ذیل اشاره کرد:

۱. دفاع از دولت مشروط و مقید به قانون، آزادی و حقوق مدنی به ویژه مالکیت خصوصی، و بیزاری از قدرت خودسرانه و استبدادی اعم از طبقاتی، توده ای، مذهبی، حزبی و کوشش برای به وجود آوردن شکل های دیگری از کاربست قدرت اجتماعی و تحدید و مشروط کردن حکومت به خدمت در جهت مصالح عموم مردم و رعایت قانون؛

۲. تفکیک حوزه های دولت و جامعه، تحدید و کنترل قدرت دولتی در مقابل حقوق فرد و جامعه و تأکید بر چندگانگی مراکز قدرت؛

۳. محدود و مشخص کردن حدود دخالت دولت در زندگی خصوصی و مدنی به قیود نیرومند و اجرایی و تأکید بر مداخله نکردن دولت در امور خصوصی؛

۴. بیان آزادانه عقاید شخصی و تضمین حقوق و آزادی های فردی و حق انتخاب برابر و آزاد؛

۵. حمایت از تمرکززدایی و پشتیبانی از آزادی های محلی، گروهی و خودگردانی بومی؛

۶. برابر انگاشتن همه مردم در بهره گیری از فرصت ها و امکانات موجود؛

۷. حمایت از نظام نمایندگی و پارلمانتاریسم، انتخابی شدن مناصب و تأکید بر

تفکیک قوا به منزله یکی از ابزارهای کنترل قوا و نظارت بر سه قوه؛

۸. عدالت اجتماعی بر مبنای لحاظ شایستگی افراد.

هم چنین به نظر می رسد برخی از مشابهاات مردم سالاری دینی و دموکراسی های غربی بدین قرار باشد:

۱. مشارکت سیاسی شهروندان برای تصمیم گیری در عرصه های مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و...؛

۲. آزادی افکار عمومی و اتکای حکومت بر آن؛

۳. ضرورت حکومت قانون و تعدد گروه های قدرت؛

۴. وجود سازوکارهای مشخص برای ابراز افکار عمومی از جمله احزاب سیاسی؛

۵. قوت جامعه مدنی و خودجوشی و تکثر آن؛

۶. محدود بودن اعمال قدرت حکومتی به رعایت حقوق و آزادی های فردی و گروهی؛

۷. تکثر و تعدد گروه ها و منافع و ارزش های اجتماعی؛

۸. امکان تبدیل اقلیت های فکری به اکثریت از طریق تبلیغ نظارت گروهی؛

۹. امکان بحث و گفت و گوی عمومی و مبادله آزاد افکار درباره تمام مسائل اجتماعی؛

۱۰. برابری سیاسی گروه های اجتماعی از لحاظ دست رس به قدرت؛

۱۱. استقلال قوه قضائیه در جهت تأمین و تضمین آزادی های مدنی افراد و گروه ها؛

۱۲. تفکیک قوا یا استقلال حداقلی سه قوه از یک دیگر؛

۱۳. امکان ابراز مخالفت سازمان یافته در نظام و امکان وجود «اپوزیسیون قانونی».

در این نوشتار به طور اجمالی، برتری الگوی دین سالاری سپهری مهدوی در برابر الگوی لیبرال-دموکراسی با ذکر دلایل و پاره ای استنادات روایی تبیین می شود، اما این نکته نیز اهمیت دارد که چون دین سالاری مهدوی، آخرین مرحله تکاملی الگوی مردم سالاری دینی است، در مبحث بعدی به برخی آفات محتمل مردم سالاری دینی اشاره می شود.

الف) فقدان آفات مردم سالاری دینی در دین سالاری سپهری مهدوی

مردم سالاری دینی در برخی موضوعات و حوزه های محتمل ذیل، امکان دارد با چالش و خطر روبه رو شود و به عبارتی آفت ها و خطرهایی در کمین آن باشد که بدیهی است این آفات و مخاطره ها، در الگوی دین سالاری مهدوی جای نخواهد داشت:

۱. نبود تنویر لازم ماهیت و مبانی دموکراسی دینی؛

۲. امکان صوری شدن اصل برابری؛

۳. رفع نکردن ایرادات بر رژیم نمایندگی؛

۴. تعارض یابی روش های وصول به مردم سالاری دینی با مبانی آن؛

۵. امکان صوری شدن اصل تفکیک قوا؛

۶. تبیین نکردن دقیق حقوق متعامل دولت و مردم؛

۷. حاکمیت یافتن مردم سالاری نخبه گرا به مثابه مانعی بر سر مشارکت واقعی مردم؛

۸. تحقق الیگارشی آهنین به واسطه احزاب و تبدیل احزاب به بنگاه های تجاری و ماشین های جمع آوری رأی در موسم انتخابات؛

۹. کم رنگ شدن و تضعیف نقش اپوزیسیون قانونی؛

۱۰. ضعیف، محدود، بی محتوا و صوری شدن مشارکت سیاسی؛

۱۱. افزایش بی اعتنایی سیاسی، انفعال و از خودبیگانگی و «تمیزه شدن» اجتماعی افراد در اثر عواملی مانند ماشینیسم، افزایش مجادلات و درگیری های بی حاصل جناح های سیاسی حاکم؛

۱۲. کاهش قدرت پارلمان به منزله یکی از مظاهر اساسی مردم سالاری دینی؛

۱۳. خطر فریب افکار عمومی و نفوذپذیری آن به واسطه عوامل مخمل داخلی و خارجی؛

۱۴. تضعیف بنیادها و مبانی دینی حکومت اسلامی و رواج مذهب زدایی، اباحه گری، لائیسزم و سکولاریسم در سطح نخبگان و خواص و آحاد اجتماع.

ب) شاخصه های برتری دین سالاری سپهری مهدوی

۱. نمونه فرجامین، اکمل و بهینه تمام نظام های بشری

بی شک حکومت دین سالاری مهدوی که نه تنها مردمی و جهانی است بلکه کل سپهر آفرینش را به منزله «امری جدید» دربر خواهد گرفت، سرآمد همه مکتب ها و نظام های فکری و سیاسی جهانی و مرحله فرجامین و بهینه ترین آنها خواهد بود؛ زیرا هراس، ناامنی و بی عدالتی گسترده قبل از ظهور، نشان از ناکارآمدی و به بن بست رسیدن تمام نظام های بشری دارد و لیبرال-دموکراسی نیز از این شمول مستثنا نیست. امام علی علیه السلام در این زمینه فرموده است:

او [حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف] خواسته ها را تابع هدایت وحی می کند، هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس های خویش قرار می دهند. درحالی که به نام تفسیر، نظریه های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می کنند، او نظریه ها و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد.

در آینده، آتش جنگ میان شما افروخته می گردد و چنگ و دندان نشان می دهد. با پستان هایی پر شیر که مکیدن آن شیرین، اما پایانی تلخ و زهر آگین دارد، به سوی شما می آید. آگاه باشید! فردایی که شما را از آن

هیچ شناختی نیست، زمام داری حاکمیت پیدا می کند که غیر از خاندان حکومت های امروز است و عمّال و کارگزاران حکومت ها را بر اعمال بدشان کیفر خواهد داد. زمین میوه های دل خود را برای او بیرون می ریزد و کلیدهایش را به او می سپارد. او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می نمایاند و کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم را که تا آن روز متروک مانده اند، زنده می کند. (۱)

هم چنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم در پاسخ پرسشی درباره هنگام قیام قائم، فرمود:

زمانی که دنیا را هرج و مرج فرا گیرد. (۲)

در عصر مهدوی، جهان با احیای اسلامی جدید و نوسازی دینی مواجه خواهد گردید. امام صادق علیه السلام نیز فرموده اند:

یهدم ما قبله كما صنع رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم و يستأنف الإسلام جدیداً؛ (۳)

گذشته را ویران می سازد همان طوری که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم چنین کرد و اسلام را از نو آغاز می کند. (۴)

هم چنین امام باقر علیه السلام ضمن تشبیه سیره حکومت مهدوی با سیره پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم در ابطال احکام جاهلیت، می فرماید:

...هم چنین است قائم وقتی قیام می کند، احکامی را که در ایام مصالحه با کفار در دست خلاق بوده، باطل می گرداند و با عدالت در میان خلاق رفتار می کند.

بدین گونه، دین سالاری مهدوی، به احیا و تجدید اسلام ناب و نوسازی جدید

ص: ۱۹۱

۱- نهج البلاغه، ص ۱۹۰، خطبه ۱۳۸.

۲- «سئل عن النبی صلی الله علیه و اله و سلم متى یقوم قائمکم، قال صلی الله علیه و اله و سلم إذا صارت الدنيا هرجا و مرجا.» (بحار الأنوار، ج ۳۶، باب ۴۱، ص ۳۲۲، روایت ۱۷۶)

۳- همان، ج ۵۲، ص ۳۵۲؛ نعمانی، الغیبه، باب ۱۳، ص ۲۳۱، روایت سیزدهم.

۴- مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۴. (به نقل از: الإرشاد، ص ۳۶۴)

آن برحسب مقتضیات جدید معطوف بوده و بدیهی است چنین امری به شفافیت اسلام و افزایش پیروی آن دین حنیف خواهد انجامید.

هم چنین ایشان درباره سرآمدی دولت مهدوی بر تمام نظام ها می فرماید:

إِنَّ دَوْلَتَنَا آخِرَ الدَّوَلِ وَ لَمْ يَبْقِ أَهْلُ بَيْتِ لِهْمِ دَوْلِهِ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا لئَلَّا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا سَيْرَتَنَا إِذَا مَلَكْنَا سِرْنَا بِمَثَلِ سِيرَةِ هَؤُلَاءِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى:

وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ (۱)

دولت ما آخرین دولت هاست و هیچ خاندانی که صاحب دولتند، نمی ماند، مگر این که پیش از حکومت ما به قدرت می رسند تا وقتی شیوه ما را دیدند نگویند ما نیز اگر به قدرت می رسیدیم مانند اینان رفتار می کردیم و این همان سخن خدای تعالی است که می فرماید: «و عاقبت برای پرهیزکاران است.»

۲. خدامحوری و عینیت کامل دین و سیاست

نفی نظریه سکولاریسم و جداسازی حکومت از دین، از مبانی نظری حکومت جهانی مهدوی است که از مبانی اصلی لیبرال-دموکراسی نیز به شمار می آید. از آن جا که حکومت جهانی مهدوی حکومتی الهی است، نخستین مبنا و شالوده فکری و عقیدتی آن را خداپرستی شکل می دهد. از این رو، سیاست، ابزاری در خدمت اهداف دینی است و فضیلت گرایی در اوج خود خواهد بود. اساسا سیاست و حکومت، در حکومت عدل مهدوی، ابزار اجرا و تحقق دیانت و شریعت هستند و گرنه ارزش ذاتی ندارند. هم چنان که دین و شریعت ملاک اصلی عدالت و تعیین جایگاه و محل بایسته قرارگیری هر چیزی در جامعه اسلامی است، زنده کردن حق، دین، و شریعت و میراندن باطل، ملاک استیفای حقوق به شمار می آید. حکومت عدل مهدوی، در حقیقت نسخه و ادامه حکومت علوی است.

ص: ۱۹۲

برای فهمیدن رابطه دین و سیاست در حکومت مهدوی باید به بیان علی علیه السلام نگاه کرد؛ آن جا که در نهج البلاغه، هدف خود را از پذیرش حکومت با جمله «لنرد المعالم من دینک و نظهر الإصلاح فی بلادک، فیأمن المظلّمون من عبادک و تقام المعطله من حدودک» (۱) بیان می فرماید. امام علیه السلام با تضرع به خدا عرض می کند که هدفش از قبول حکومت، عشق به قدرت و دست یابی به فزونی متاع دنیا نیست؛ تنها بدان منظور است که نشانه های دین خدا را به جایی که بوده، بازگرداند و اصلاح را در شهرهای او ظاهر کند تا بندگان ستم دیده خداوند در امان باشند و حدود ضایع شده الهی اقامه شود.

بنابراین، در حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، وحدت اساسی میان دین و سیاست برقرار است و سیاست و حکومت، وسیله و ابزار اجرای منویات دیانت شریف اسلام به شمار می آید و اوامر حکومت حضرت، قدسی بوده، اطاعت از آنها مأجور در گاه الهی و سرپیچی از آن گناه و مستوجب عقاب است. این ویژگی در هیچ مکتب و نظام سیاسی در این مرتبه دیده نمی شود. در همین زمینه امام باقر علیه السلام می فرماید:

إذا قام قائم أهل البيت قسّم بالسویّه و عدل فی الرعیه فمن أطاعه فقد أطاع الله و من عصاه فقد عصی الله؛ (۲)

وقتی قائم اهل بیت قیام کند، [بیت المال را] با مساوات تقسیم می کند و به شهروندان عدل می ورزد. پس هر کس او را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده و سرکشی از او مانند سرکشی و گناه نسبت به خداست.

در حکومت دین سالار مهدوی برخلاف لیبرال-دموکراسی و بسیاری دیگر از نظام های غربی، تمایلات و هواهای نفسانی جایی ندارد و بنابه روایات، با از بین رفتن زمینه های بسیاری از گناهان، دروازه های برکت بر عالمیان گشوده خواهد

ص: ۱۹۳

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱.

۲- بحار الأنوار؛ ج ۵۱، ص ۸۱، روایت پانزدهم؛ همان، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۵۰، روایت ۱۰۳.

شد. امیر المومنین علیه السلام در این باره می فرماید:

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرماندهان (فرمان داران) را به شهرها می فرستد تا به عدالت بین مردم حکم کنند؛ گوسفند با گرگ یک جا خواهند بود؛ بچه ها با عقرب و مار بازی می کنند؛ بدون آزار و اذیت... بدی می رود و خوبی باقی می ماند؛ رونق کشاورزی بی اندازه می شود؛ زنا، شرب خمر و ربا رخت برمی بندد؛ مردم به عبادت، شریعت و دیانت روی می آورند؛ نماز جماعت رونق می گیرد؛ عمرها طولانی می شود؛ امانات ادا می شود؛ درختان پرمیوه می شوند؛ برکات فراوان می گردد؛ اشرا نابود می شوند؛ اخیار باقی می مانند؛ دشمنان اهل بیت علیهم السلام باقی نمی مانند. (۱)

۳. جهان گیری اسلام، محو شرک و نفی تساهل افراطی

در حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

(۲)

دین اسلام، پس از ظهور آن حضرت، تنها دین حاکم بر جهان خواهد بود؛ چنان که دین و سیاست نیز از هم تفکیک ناپذیرند و بلکه سیاست و حکومت، در خدمت دین و اهداف متعالی آن است؛ در حالی که در لیبرال-دموکراسی، اعتقاد به نسبییت اخلاقی و ارزشی، اعمال اصل تساهل و رواداری افراطی در برابر تمام عقاید و ادیان، جزء ادعاهای اصلی به شمار می آید و موضع حکومت بر مبنای لائیسزم، در مقابل دیانت و مذهب، خنثا بوده و از منظر آنها حمایت و جانب داری از یک مذهب، به معنای مداخله در آزادی های فردی و مخدوش کردن آزادی عقیده و ابراز عقاید است. در حالی که سکولاریسم یا عرفی شدن و دنیاپرستی و اصالت امور دنیوی در سرلوحه مکتب لیبرال-دموکراسی قرار دارد، در حکومت جهانی مهدوی، بدون هیچ گونه مجامله و تعارفی، اسلام آیین مطلق و برتر و

ص: ۱۹۴

۱- منتخب الأثر، ص ۵۹۳. (به نقل از: کشف الأسرار)

۲- برخی آیات که تفاسیر آنها بر جهانی بودن اسلام و نهضت مهدوی دلالت دارد عبارتند از: سوره انبیاء، آیه ۱۰۵؛ سوره قصص، آیه ۵؛ سوره نور، آیه ۵۵؛ سوره حج، آیه ۴۱.

متعالی به جهانیان معرفی می گردد و آنان نیز پس از شناسایی، اسلام را می پذیرند؛ هم چنان که پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم می فرماید:

فرمان روایی او شرق و غرب عالم را دربر می گیرد. خداوند به واسطه او دین خود را بر همه ادیان غالب می گرداند و در زمین خرابه ای باقی نمی ماند و همگی آباد می شود. (۱)

محمد بن مسعود در تفسیر عیاشی از رفاعه بن موسی روایت می کند که امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه **وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا** (۲) فرمود:

وقتی قائم آل محمد قیام کند، مکانی در روی زمین باقی نمی ماند مگر این که کلمه طیبه لا اله الا الله، محمد رسول الله در آن جا به آواز بلند گفته می شود. (۳)

خداوند نیز در شب معراج به پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم فرمود:

به واسطه قائم از خاندان تو، زمین خود را با تسیح و تهلیل و تقدیس و تکبیر و تمجید خود آباد می سازم و زمین را از دشمنان پاک می سازم و دوستان خود را وارث آن می گردانم. (۴)

دین سالاری مهدوی، بر مبنای این روایات و توضیحات، دولتی جهانی و مبتنی بر آموزه های وحیانی و دینی خواهد بود و با پذیرش اسلام از سوی همه مردم جهان و عالم گیر شدن آن، دیگر هیچ مرزی میان مردم نخواهد بود. از این رو، گستره توسعه سیاسی نیز به مرزهای ملی محدود نبوده، بلکه انسان ها دغدغه های مشترکی خواهند داشت و در سختی ها و ناملایمات، هم پیکر و در کنار هم خواهند بود. زندگی سیاسی، دیگر نه معطوف به کسب منافع گروهی یا نژادی و

ص: ۱۹۵

۱- امالی، ص ۲۳۱.

۲- «هر که در آسمان ها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است.» (سوره آل عمران، آیه ۸۳)

۳- مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۴. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۳، روایت ۸۱)

۴- منتخب الأثر، ص ۱۶۸.

حتی ملی، بلکه در جهت سعادت بشر و صلاح و اصلاح همه انسان ها خواهد بود. محور این جامعه، خدا و احکام خداست و تعالیم اسلامی برای اداره جامعه جهانی کافی خواهد بود؛ در حالی که در لیبرال-دموکراسی، قراردادها، قوانین موضوعه، تمایلات بشری، الحاد و حاکمیت سکولاریسم محور و مبانی اصلی است و عنان این مکتب و نظام سیاسی در کف بی کفایت سرمایه داری استیلاطلب قرار دارد.

۴. امام معصوم و انسان کامل در رأس حکومت

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که مظهر انسان کامل است، در دین سالاری سپهری، عالی ترین و عادلانه ترین نوع مدیریت را عرضه می کند. برای پیشرفت ها در عصر ظهور، عواملی باید تحقق یابد؛ وجود رهبری معصوم، پاک و منزّه از هر نوع عیب و نقص (از قبیل احساسات حیوانی، خشم، غضب بی جا، شهوت، کبر، غرور و خودخواهی) یکی از آنهاست. او فقط به خدا وابستگی دارد و برخلاف نظام های سیاسی ملیت و سلطه طلب موجود، به همه ملت ها، جمعیت ها و نژادها، با چشم مهربانی و برابری نگاه می کند و فرقی بین اقوام، نژادها و ملیت ها نمی گذارد. بدین ترتیب، دین سالاری سپهری مهدوی در تمام جهات با حکومت های موجود در عالم فرق دارد. حاکم، نوع حکومت، قوانین و نظامات جاری در آن، هیچ همانندی ای با حکومت های موجود در عالم ندارد؛ نوع حکومتش الهی و بر مبنای ایمان به خدای یگانه و توحید خالص بوده، متحد کردن جماعت ها و ملت ها، برداشتن دیوارهای امتیازات و اعتبارات بیهوده، برقرار کردن توحید کلمه، ایجاد همکاری و ارتباط بین مردم از اهداف آن به شمار می آید. حاکم آن نیز امام معصوم، احیاکننده شریعت نبوی و مجری قوانین اسلامی و دستورهای الهی است. اسلام می خواهد تمام اختلافات و جدایی ها را که به نام های گوناگون پدید آمده، به وسیله عقیده توحیدی، از میان بردارد.

تمامی اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی، وطنی، جغرافیایی، مسلکی، حزبی و زبانی

باید از میان برود و سبب امتیاز، افتخار و اعتبار نباشد و حتی در آن حکومت، اختلاف دینی هم باید کنار گذاشته شود و همه، در زیر پرچم اسلام تسلیم فرمان خدا باشند. این همان حکومت واحد جهانی است که در آن، کره زمین با یک حاکم، یک نوع حکومت و با یک شیوه و روش عادلانه اداره می شود. اسلام برای بشر چنین حکومتی را پیش بینی کرده و در حدود وظیفه تشریح، مقدمات آن را فراهم ساخته و عملی شدن آن را به آماده شدن زمینه کامل آن موکول کرده است.

اساساً حفظ انسانی کامل به عنوان ولی الله الاعظم و نگه داری آن در پشت پرده غیبت، برای تشکیل چنان حکومت واحد جهانی است؛ زیرا انسان های عادی عهده دار تشکیل چنان حکومتی نخواهند بود. (۱)

بدین لحاظ برخلاف لیبرال-دموکراسی که با عقل گرایی افراطی همه چیز را صرفاً به انسان و عقلانیت مادی وی واگذار می کند، در جامعه مهدوی، رهبری آسمانی نقش اساسی ایفا می کند و مهربانانه تر از اولیای انسان ها، هدایت کشتی طوفان زده بشری را بر عهده خواهد گرفت؛ هم چنان که در روایات آمده: «و أشفق علیهم من آبائهم و أمهاتهم؛ (۲) مهدی موعود از پدران و مادران بر امت خود مهربان تر است»؛ انسان کامل و معصومی که به گفته خویش، لحظه ای از یاد شهروندان خود غافل نیست و همواره بلاگردان آنهاست. (۳)

۵. پشت گرمی و مؤید به رعب و نصرت الهی

طبق روایات فراوان، قیام و دولت طیبه مهدوی با رعب و نصرت الهی و با

ص: ۱۹۷

۱- نک: «عصر ظهور یا مدینه فاضله موعود در اسلام».

۲- روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۲۹.

۳- «إنا غیر مهملین لمراعاتکم و لا ناسین لذکرکم؛ ما هرگز در رعایت و مراقبت شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نمی بریم.» (احتجاج، ج ۲، ص ۴۹۷) - «بی يدفع الله البلاء عن أهلی و شیعتی؛ خداوند به وسیله من بلاها را از شیعیان و خاندانم دفع می کند.» (شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۴۶)

کمک فرشتگان و حتی جبرئیل و میکائیل همراه و محقق خواهد شد. پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم در این زمینه می فرماید:
قائم در کنف حمایت جبرئیل و میکائیل است (۱) او دین خدا را بر همه ادیان غالب گرداند و با نصرت خدا و فرشتگان تأیید
شود. پس زمین را پر از عدل و داد کند، چنان که پر از جور و ستم شده بود. (۲)

شیخ مفید در کتاب ارشاد از ابو بکر حضرمی روایت کرده که امام محمد باقر علیه السلام فرموده است:

گویا قائم را در بلندی کوفه (شهر نجف) می بینم که با پنج هزار فرشته در حالی که جبرئیل از سمت راست و میکائیل از سمت
چپ و مؤمنان پیش روی او قرار دارند، به آن جا آمده است و لشکرهای خود را در شهر پراکنده می سازد. (۳)

هم چنین امام صادق علیه السلام فرموده اند:

... خداوند صاحب الأمر را با سه لشکر از فرشتگان و مؤمنان و رعبی (که در دل پادشاهان و گردن کشان می اندازد) تأیید می
کند. (۴)

با این توضیحات روشن شد که دین سالاری مهدوی که معطوف به تحقق حیات طیبه قرآنی است، نسبت به تمام نظام های
بشری امتیازی بی بدیل دارد و آن مؤید و مستظهر بودن به نصرت لایزال الهی است.

۶. فراگیری سپهر آفرینش

اگر مکاتب و نظام هایی مانند لیبرال-دموکراسی، به مردمی بودن خود تفاخر

ص: ۱۹۸

۱- نک: مهدی موعود، ص ۲۸۹.

۲- همان، ص ۱۱۳۵.

۳- همان، ص ۱۱۱۹.

۴- همان، ص ۱۱۲۵.

می کنند، دین سالاری مهدوی نه تنها مردمی بلکه جهانی و در مرتبه ای بسیار بالاتر «سپهری» است؛ یعنی تمام هستی و سپهر آفرینش را دربر گرفته و در این جغرافیای گسترده، همه را اعم از جمادات، نباتات، حیوانات و انسان ها را از خود به اذن و برکت الهی، منتفع می سازد. بنا به روایات، زمین در عصر مهدوی، با لطف الهی از هرگونه جور و ظلمی تطهیر می شود و با نور الهی منور و تابان می گردد. امام رضا علیه السلام در این زمینه می فرمایند:

يَطْهَرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ كُلِّ جُورٍ وَيَقْدِّسُهَا مِنْ كُلِّ ظَلَمٍ... فَإِذَا خَرَجَ، أَشْرَقَتْ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوَضَعَ مِيزَانَ الْعَدْلِ بَيْنَ النَّاسِ فَلَا يَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَدًا وَهُوَ الَّذِي تَطْوَى لَهُ الْأَرْضُ؛ (۱)

خداوند به واسطه او، زمین را از هرگونه جور و ظلم تطهیر و منزه می کند.

پس هنگامی که وی (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف) خروج کند، زمین با نور پروردگار، نورانی شود و ترازوی عدالت در میان مردم حکم فرما گردد.

پس از آن، دیگر کسی ظلم نمی کند و او کسی است که زمین برایش درنور دیده می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله و سلم در کلامی زیبا، خشنودی تمام موجودات انسانی و غیر انسانی از حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف را با عبارت «یرضی عنه ساکن الأرض و السماء» (۲) بیان فرموده اند و در بیانی دیگر، حکومت مزبور را مایه رفاه و فرح و شادمانی موجودات به شمار آورده، می فرمایند:

يفرح به أهل السماء و أهل الأرض و الطير و الوحوش و الحيتان في البحر؛ (۳)

ساکنان آسمان و مردم زمین، پرندگان، درندگان و ماهیان دریا، همه در سایه لطف و حکومت او شادمان و فرح ناک هستند.

ص: ۱۹۹

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۲۱، روایت ۲۹.

۲- همان، ج ۵۱، باب ۱، ص ۱۰۴، روایت ۳۹.

۳- منتخب الأثر، باب ۳، ص ۴۷۲، روایت سوم.

بسیار بدیهی است که این شادمانی، بدون تصور رعایت آرمانی حقوق همه جان داران و حفظ حقوق و رعایت محیط زیست آنها در دین سالاری سپهری مهدوی محقق و میسر نمی شود و با تأملی کوتاه در روایات مختص به عصر ظهور، به خوبی می فهمیم که فضای زیستی و موجودات ساکن در این قلمرو، در نهایت کمال از مواهب حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برخوردار می گردند و طعم آسایش، آرامش و حیات طیبه مبتنی بر عدالت را خواهند چشید.

۷. بر خورداری از نهایی ترین حد مشروعیت (حقانیت، مقبولیت، قانونیت)

دین سالاری احیاگر مهدوی که با پرچم ایمان و عدالت صورت می پذیرد، در نهایت مشروعیت و رضایت عمومی صورت می گیرد و با پذیرش همگانی ساکنان زمین و آسمان و حتی حیوانات و جنبندگان عالم هستی تحقق می یابد و همه با مباحثات و خشنودی به آن تن می دهند. در این میان، فرقی میان دیانت ها، نژادها، قومیت ها و هویت های گوناگون مردم گیتی نیست؛ زیرا نهضت مهدوی، حرکتی جهان گستر و عالم شمول برای نجات و رستگاری همه بشر است.

عدالت گستری حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خود زمینه های تقویت و پایداری مشروعیت حکومت ایشان و جذب دل های بیشتر مردم را به دنبال خواهد داشت.

دین سالاری مهدوی حکومتی ولایی است که مشروعیت حکومت از ولایت و مشیت خداوند سرچشمه می گیرد و در عین واقعیت، دارای عالی ترین حد کمال از حیث مشروعیت است؛ برخلاف حکومت های امروزی بشر و نظام لیبرال-دموکراسی که منشأ مشروعیت آنها خدایی نیست یا مشروعیتی ناقص و کاذب و نوعاً محصول دماغوژی یا عوام فریبی و دست کاری افکار است. بر این اساس، هیچ یک از حکومت های بشری از مشروعیت دینی برخوردار نیستند، اما حکومت ولایی که از ولایت و مشیت خداوند سرچشمه می گیرد، چنین مشروعیتی را دارد؛ زیرا خداوند، آفریدگار و مالک انسان و جهان است و بالذات حق تصرف در امور بندگان خود را دارد.

با این توضیحات و بنا بر روایات، می توان نتیجه گرفت که دین سالاری مهدوی، مورد رضایت اهل عالم، ملل و نحل مختلف و نظام های سیاسی گوناگون بوده، از لحاظ آنها دارای سه درجه مشروعیت کامل یعنی مقبولیت، قانونیت و حقانیت است.

۸. غالبیت خواست الهی بر خواست و نظر اکثریت

چنان که بیان شد، از اصلی ترین شعارهای لیبرال-دموکراسی، حکومت اکثریت و تجمیع خواست اکثریت و پاسخ به آنها در قالب نظریه قرارداد اجتماعی است؛ اما در آموزه مهدویت یا دین سالاری مهدوی، همانند مردم سالاری دینی ضمن اعتقاد به ضرورت کسب رضایت عامه، این باور نظری و عملی وجود دارد که همواره خواست اکثریت، کاشف از حق نیست، همان طور که عنایت به دیدگاه ها و سخنان امام علی علیه السلام در این زمینه بسیار راه گشاست. ایشان بر رضایت توده ها و اکثریت مردم تأکید بسیاری داشتند و جلب رضایت و اعتماد آنان را ضروری، مفید، مشکل گشا و مقتضای حق می دانستند و از والیان خود می خواستند تا راه موفقیت و خدمت را از طریق توده و اکثریت بجویند؛ زیرا به تعبیر امام علیه السلام:

بی شک توده ها ستون فقرات جامعه دینی، تکیه گاه مکتب و وسیله شکست دشمنان می باشند. پس باید با آنها بود و بر آنها تکیه زد و به خواست و نیاز آنها توجه کرد. (۱)

و در جای دیگر می فرماید:

محبوب امور نزد زمام دار اسلامی، باید مؤثرترین آنها در حق و فراگیرترین آنها در عدل و جامع ترین آنها برای رضایت عامه جامعه باشد. (۲)

از سوی دیگر از دید امام علیه السلام، نظر اکثریت همواره موافق و مقارن با حق و

ص: ۲۰۱

۱- نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، نامه ۵۳، ص ۹۹۶، روایت ۱۳.

۲- همان، ص ۹۹۶، بند ۱۱.

حقیقت نیست. امام علیه السلام پایه حکومت خود را بر پیروی از حق و اقامه آن نهاد و خود، محور و مفسر حق بود. از این رو هرگاه اکثر جامعه، از حق پیروی می کردند، پیش رو آنان بود، ولی اگر از حق سر باز می زدند، او هم چنان با حق بود و از جدایی اکثریت باطل، بیم نداشت. هم چنان که به عمار فرمود:

ای عمار! اگر دیدی علی از راهی رفت و همه مردم از راه دیگر، تو با علی برو و دیگران را رها کن. یقین بدان علی هرگز تو را به راه هلاکت نمی برد و از شاه راه رستگاری خارج نمی سازد. (۱)

از این سخنان نتیجه می گیریم که دین سالاری مهدوی و مردم سالاری دینی، در کنار احترام کامل به خواست مردم و نظر اکثریت و خرد و عقل جمعی، هیچ موقع، «فرد» یا «جمع» را بر خدا و شریعت الهی مقدم نمی دارد و در کنار رعایت چارچوب های اسلامی، به مصالح جمعی اهتمام می ورزد و آن را بر خواست و مصالح فردی مقدم می کند.

۹. الهی دانستن مبانی عدالت، تفاوتی ماهوی با لیبرال-دموکراسی

عمومی ترین تعریف عدالت در اندیشه اسلامی، قرار گرفتن هرچیز در جای خویش، حق را به حق دار رساندن، ایفای اهلیت و رعایت استحقاق هاست. این تعریف درباره نوع عدالت حاکم بر نظام مهدوی نیز صدق می کند. در چنین نظامی، قرار گرفتن هرچیز در جای خود و استیفای مداوم حقوق، به تعادل، ثبات، استقامت و پایداری نظام سیاسی می انجامد. شریعت مبنای اصلی عدالت در حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. دیانت شریف اسلام، ملاک و مناط عدالت به شمار می آید. مبنای توافق و تعاملات میان افراد و عرف حاکم در میان مردم باید بنابر عدالت مبتنی بر شریعت باشد. هم چنین برخی دیگر از شاخصه های عدالت سیاسی مهدوی عبارتند از: نفی خودکامگی و تغلب، بسترسازی مشارکت برابر و

ص: ۲۰۲

آزادانه عموم در عرصه های گوناگون، توزیع قدرت و مناصب سیاسی و میزان مشارکت بر حسب استحقاق، شایستگی و کارآمدی افراد، شیوه منصفانه و مبتنی بر رعایت استحقاق های تمام افراد جامعه در توزیع بیت المال و خدمات و منافع، نفی برابری و یک سان سازی مطلق در میان اجتماع و ایجاد زمینه های دست یابی مردم به فضایل و مراتب مختلف علمی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و سرانجام تمهید همه زمینه های تحقق توان مندی ها و استعداد های بالقوه همه شهروندان جامعه.

اساساً مفهوم عدالت در اندیشه فعلی غرب و نظام لیبرال-دموکراسی، در قالب های انسانی و غیرروحانی و فایده انگارانه و به صورت مفهومی متغیر، نسبی و زمینی، نه در چارچوب شرایع آسمانی، بیان شده است. لذا عدالت در بیشتر نظریه ها و مباحث در لیبرال-دموکراسی، نسبت داشته، تابع هر نوع ذوق و سلیقه مشاهده می شود. از سویی، نظام های سیاسی لیبرال-دموکراسی، چه در حوزه نظری و چه در حوزه اجرایی، به نظر بسیار پیشرفته به نظر می آیند، ولی در واقعیت، عدالت در نظام سیاسی به معنای پیش گفته به چشم نمی آید. از دلایل اصلی آن می توان به این موارد اشاره کرد: تلّون، ابهام و سیالیت در مفهوم دموکراسی، حاکم شدن و حاکمیت الیت ها (نخبگان) و الیتسم (نخبه گرایی) به جای مشارکت عموم مردم، حاکمیت ماشین ها و الیگارشسی های قدرت مند حزبی بر خواست و اراده مردم، فرآیند تبلیغات عوام فریبانه در عرصه سیاست و دست کاری افکار عمومی، افراط در اکثریت گرایی و نادیده گرفتن دیدگاه های اقلیت و ضعیف و آسیب پذیر بودن نظام نمایندگی و...

۱۰. مساوات طلبی حقیقی

در آموزه مهدوی، دیگر شکاف های اقتصادی، تبعیض های ناروا و فقر ماحصل عمل کرد لیبرال-دموکراسی سرمایه داری و سلطه طلب غربی وجود ندارد و به جای مساوات طلبی صوری و ظاهری، مساوات واقعی و برابری بر مبنای استحقاق، برقرار می شود و همه در برخورداری از فرصت ها برای بالفعل کردن

استعدادهای خویش، مساوی خواهند بود. بر این مبنای، نه تنها شکاف های مزبور در اقصی نقاط دنیا پر می گردند، بلکه جامعه بشری به استغنائی کامل می رسد و حتی فقری برای دریافت صدقات و اعانات یافت نخواهد شد. چنین وضعیتی، محصول توسعه و وسیع اقتصادی و انسانی پایدار و بالنده نهضت جهان شمول و سپهری مهدوی است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

...و در میان خلایق به طریق حکم داوود و محمد صلی الله علیه و اله و سلم حکم می کند. در این وقت زمین، خزینه های خود را ظاهر و برکات خویش را آشکار می گرداند و در این وقت مردی از شما کسی را نمی تواند پیدا کند که صدقه ای به او بدهد یا احسانی در حق وی نماید؛ زیرا که همه مؤمنان غنی و مال دار هستند. (۱)

امام باقر علیه السلام نیز می فرماید:

...فإنه یقسّم بالسویّه و یعدل فی خلق الرحمن، البرّ منهم و الفاجر؛ (۲)

آن حضرت (اموال را) برابر تقسیم می کند و میان همه مردم، نیکوکار و بدکار، به عدالت رفتار می نماید.

براساس این روایت، در مواردی که برابری میان مردم از مظاهر عدالت است، اموال به تساوی تقسیم می شود، نه این که در همه موارد به همگان یک سان پرداخت گردد. در واقع، برابری میان مردم با هدف تأمین ضروریات و امکانات اولیه زندگی است تا همه افراد و قشرها از یک حد منطقی و رفاهی معقول برخوردار باشند.

۱۱. امنیت، صلح و دوستی در سپهر انسانی، حیوانی و گیاهی

امنیت از مقوله هایی است که حاکمان و سیاست مداران پیوسته بدان توجه

ص: ۲۰۴

۱- مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۴-۲۲۵.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۹.

داشته اند، اما در بسیاری از نظام های دنیا و از جمله در لیبرال-دموکراسی، این امنیت در حیطه فیزیکی و از حیث روانی برای شهروندان فراهم نیست و نبود دین در عرصه های فردی، جمعی و اجتماعی، باعث شده تا مردم از مبنای اصلی امنیت یعنی ایمان،طمأنینه و آرامش روانی برخوردار نشوند. این امر، نابسامانی ها و ناهنجاری های فراوان رفتاری سیاسی را برای ایشان به ارمغان آورده است. در مقابل، برقراری امنیت واقعی و همه جانبه بر مبنای ایمان در جامعه یکی از آرمان های دین سالاری مهدوی به شمار می آید، به گونه ای که جان و مال و حیثیت افراد جامعه از تجاوز دیگران حفظ شود. تحقق امنیت برای همه شهروندان، به ویژه مظلومان و مستضعفان رسالت حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، زیرا این قشر بیشتر در معرض ناامنی اند. بدین علت، امیر المؤمنین علیه السلام ایجاد امنیت برای مظلومان را یکی از آرمان های حکومت اسلامی و علوی می داند. (۱) از سویی، محصول عدالت گستری و ظلم ستیزی حکومت مهدوی و رعایت حقوق همه کائنات و موجودات در سپهر گیتی، چیزی غیر از امنیت و برقراری صلح و دوستی در فراخنای هستی نمی تواند باشد. همان طور که برحسب روایات، کینه ها و اختلاف ها از جامعه بشری رخت برمی بندد، این کینه ها و عوامل نزاع، از عالم حیوانی و جانوری نیز ناپدید خواهد شد. حتی حیواناتی که به کینه جویی و تقابل باهم شهره هستند، در کمال مسالمت و آرامش به زندگی مودت آمیز در کنار هم خواهند پرداخت. پیامبر صلی الله علیه و اله و سلم درباره موعود و امنیت آن عصر طیبیه فرموده اند:

...نامش نام من است. در موقع ظهور او پرندگان در آشیانه هایشان و ماهیان در دریاها (با کمال آزادی و دور از هرگونه ترس و مزاحمت دشمن) تولید نسل می کنند و نهرها کشیده می شود و چشمه ها می جوشد و زمین دو برابر محصول خود را می رویاند.... (۲)

ص: ۲۰۵

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱.

۲- مهدی موعود، ص ۱۰۹۵.

بدین ترتیب در دین سالاری مهدوی برخلاف نظام های سیاسی فعلی و غربی، امنیت، آرامش و ثبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به وفور و بالاترین حد برای همگان تأمین خواهد گردید؛ زیرا عدالت در بیشترین حد و به صورت کامل و تمام اجرا می شود. در آن هنگام استیفای حقوق به صورت قطعی صورت خواهد گرفت و در قضاوت ها و محاکم، دیگر هیچ خطا و اشتباهی پیش نخواهد آمد؛ زیرا امام علیه السلام خود میان مردم زندگی می کند و بر آنها حکومت و قضاوت خواهد کرد. قضاوتی که بدون نیاز به بینه و اماره صورت می گیرد و این حکومت و قضاوت به الهام الهی و بر همین مبنا به علم امام متکی است. بدین ترتیب، امام علیه السلام از مردم بینه و شاهد درخواست نمی کند و به مانند داوود و سلیمان حکم واحدی می نماید. (۱)

۱۲. صفا و صمیمیت در تقابل با فرآیند «ذره ای شدن» اجتماعی

فردگرایی و مادی گرایی افراطی و سکولاریستی لیبرال-دموکراسی و اکتفا به عقلانیت سوداگرایانه و منفعت محور انسان غربی، باعث از بین رفتن پیوندهای عاطفی میان افراد اجتماع و گسترش انزوا و بی اعتنائی سیاسی و اجتماعی گردیده است؛ فرآیندی که جامعه شناسان غربی از آن به «ذره ای شدن» یا «تمیزاسیون» فرد و اجتماع یاد می کنند. افراد در نتیجه این پدیده، علایق جمعی خود را از دست داده، همانند ذره های گسسته از یک دیگر، فاقد پیوندهای عاطفی، احساسی و صمیمیت و تعاملات لازم می گردند. این مشکل هم چنان گریبان گیر انسان غربی است. اما این مسئله در دین سالاری مهدوی به شدت معکوس است. امام باقر علیه السلام درباره صمیمیت و برادری در عصر ظهور می فرماید:

إذا قام القائم جئت المزملة و يأتي الرجل إلى كيس أخيه فيأخذ حاجته لا يمنعه؛ (۲)

ص: ۲۰۶

۱- نک: بحار الأنوار، ج ۱۴، باب ۱، ص ۱۴، روایت ۲۳.

۲- همان، ج ۵۲، ص ۳۳.

هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، رفاقت و دوستی خالصانه (در میان مردم) رایج می گردد و اگر مردی دست در جیب برادرش فرو برد و به اندازه نیازش بردارد، برادرش او را منع نمی کند.

ایشان بروز این صمیمیت و برادری کامل را در هنگامه رشد عقول و تکامل اخلاقی در عصر ظهور می داند و می فرماید:

«آیا شما نزد برادران می روید و دست در جیب او می برید و به اندازه نیازتان برمی دارید و او مانع شما نمی گردد؟» راوی می گوید: «گفتم این رسم در میان ما نیست.» امام فرمود: «پس جالب توجه نیست.» گفتم: «آیا هلاکت در پیش است؟» فرمود: «این مردم هنوز به رشد عقلانی نرسیده اند.» (۱)

امام کاظم علیه السلام نیز آرزوی خود را در نحوه تعاملات پیوندهای اجتماعی مسلمانان چنین بیان می دارد:

«ای عاصم! چگونه پیوندهای اجتماعی را محکم می دارید و دیگران را در مال خود شریک می سازید؟... آیا در تنگ دستی ها کسی از شما به دکان یا منزل برادرش می رود و آن چه را نیاز دارد برمی دارد و (صاحب آن) مانع او نمی گردد؟» گفت: «نه چنین نیستیم.» امام فرمود: «شما (در روابط اجتماعی) آن طور که من دوست دارم نیستید.» (۲)

بسیار واضح است که این فرمایش و خواست امام، در حیات طیبه مهدوی به بهینه ترین صورت، محقق خواهد شد.

۱۳. اوج تحقق جوامع مدنی و تعاملات سیاسی و اجتماعی در فضای «فراابرسانه ای»

جامعه مدنی در ادبیات سیاسی غرب و هم چنین در لیبرال-دموکراسی، به شکل های مردمی و خودجوشی گفته می شود که به منزله حلقه واسطه و ارتباطی

ص: ۲۰۷

۱- عصر زندگی، ص ۱۵۵-۱۵۶.

۲- همان، ص ۱۵۶-۱۵۷.

میان افراد و گروه های اجتماعی با دولت انجام وظیفه می کند و در واقع مطالبات مردم را به دولت منتقل می سازد. از جانب دیگر بر عمل کرد این نهاد نظارت می کند؛ زیرا بر مبنای این الگوی سیاسی، معمولاً میان خواسته های افراد و گروه های سیاسی با دولت، نوعی ناهم سازی و تعارض فرض می گردد و هر یک از این دو به دنبال به دست آوردن امکانات و اختیارات بیشتر، و تحدید و تعدیل افزون تر دیگری است.

اما در دین سالاری مهدوی به هیچ وجه از این رابطه تقابلی و نسبتاً خصمانه خبری نیست. در واقع هم گرایی کاملی میان افراد، گروه ها و جوامع مدنی در یک سو، و دولت در سوی دیگر وجود دارد. در حقیقت دو دستگی و اختلاف مطالبات و اهداف میان آنها دیده نمی شود و الگوی فعالیت سیاسی هر دو، همکاری و مشارکت سیاسی فعال متعهدانه با رهبری امام معصوم، بر اساس شریعت و هدایت الهی، برای زمینه سازی سعادت و فضیلت اخلاقی در عرصه جهانی است. هم چنین فضاهای ارتباطی و رسانه ای در دولت جهانی مهدوی، دچار تحولات شگرف و بنیادینی خواهد شد که بسیار فراتر از دوره ظهور ابر رسانه های فعلی است. این امر امکان ارتباطات بسیار گسترده تر، رخ به رخ و حتی به تعبیری نوعی دین سالاری مستقیم را محقق خواهد ساخت؛ زیرا امکان ملاقات مستقیم و همیشگی همه مردم با یک دیگر و با کارگزاران سیاسی و حتی امام معصوم علیه السلام در هر لحظه وجود دارد. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید:

مؤمن در عصر قائم درحالی که در مشرق قرار دارد، برادر خویش را که در مغرب است می بیند و همان گونه آن که در مغرب قرار دارد، برادر مؤمن خویش را در مشرق می بیند. (۱)

و نیز فرموده اند:

ص: ۲۰۸

هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند در دستگاه شنوایی و بینایی شیعیان ما، گستردگی و کشش ویژه ای می بخشد تا میان آنان و مهدی ما واسطه و نامه رسان یا فاصله ای نباشد. (۱)

با توجه به این روایت ها، به نظر می رسد که پیشرفت های عصر ظهور در عرصه گسترش فضاها و ارتباطی تنها به تکنولوژی و ابزارهای ارتباطی منحصر نباشد، بلکه مؤمنان به واسطه سطوح عالی ایمانی خود، از کمالات اعطایی الهی برخوردار می گردند و گوش و چشم آنان دارای قدرت فراشنوایی و فرابینی و به عبارتی فرامکانی خواهد شد. همان طور که در هر لحظه با یکدیگر ملاقات سمعی و بصری دارند، می توانند به طریق اولی با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز ارتباط داشته باشند و از فیض مطلق وجود او، در ورای مکان ها و زمان ها استفاده کنند و در نزد ایشان و برای متابعت و انقیاد دائم از آن حضرت دائم الحضور باشند.

بدیهی است در آن عصر که هرچیز و از جمله انواع تعاملات افراد و دولت به کمال نهایی خود می رسد، تجهیز مؤمنان که اشرف مخلوقاتند، به چنین مواهب الهی دور از ذهن نیست و در این صورت، توسعه و مشارکت سیاسی آگاهانه به متعالی ترین حد خود خواهد رسید.

۱۴. تکامل عقول بشری و مشارکت سیاسی عاقلان

نگرش دین سالاری مهدوی به عقل و عقلانیت، به هیچ وجه افراطی، مادی و منفعت انگارانه و تک سویه نیست. برعکس، عقل در جهان بینی توحیدی جایگاهی بس بالا- و والا- دارد. عاقلان نیز از حرمت و کرامت ویژه ای برخوردارند. برتری عقلی پیامبران، از امتیازات آنان بر دیگران بوده است. آنها در پرتو عقل توانستند بشر را در جهت سعادت دنیوی و اخروی هدایت کنند. مطابق احادیث، انجام دادن فرایض دینی به تنهایی، نشان دهنده کمال و تعالی شخصیت انسان نیست،

ص: ۲۰۹

بلکه کمال ربانی عقل، نشان دهنده تکامل شخصیت اوست.

عقل، انسان را به معرفت درست خداوند رهنمون می سازد و در حوزه عمل او را به تسلیم در برابر اوامر و نواهی الهی برمی انگیزد، همان طور که علم و دانش از مکارم و مفاخر انسانی است. فرشتگان بر حضرت آدم علیه السلام که از موهبت «علم الأسماء» بهره مند بود، سجده کردند. عقل نیز در پرتو هدایت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به رشد و کمال وافی می رسد و شکوفا می گردد. کوه بینه ها، تنگ نظری ها و افکار دون و ناپسند با افزایش بصیرت عمومی، از جامعه رخت برمی بندد. امام باقر علیه السلام در همین باره می فرماید:

وقتی قائم ما قیام کند، خداوند دست عنایتش را بر سر بندگان کشیده، عقل آنها زیاد و فهمشان بالا می رود... (۱) در زمان مهدی به شما حکمت بیاموزند. (۲)

در دین سالاری و نیک شهر مهدوی، با وجود تکریم عقل و تجلیل از ره آورد برهان عقلی و تجربه حسی، هدایت اصلی به وحی الهی را به امام معصوم می سپرند و با گسترش دانش و آگاهی میان مردم، زمینه حضور فعال آنها را در عرصه عمومی آماده می کنند. در آن هنگام عقول مردم تکامل می یابد و طبعاً کنش های سیاسی-اجتماعی نیز که براساس جهل و رقابت های ناسالم به تعارض تبدیل شده، جای خود را به همکاری و تعاون و عقلانیت در عرصه سیاسی-اجتماعی می دهد و ریشه منازعات بی حاصل سیاسی و اجتماعی، سودجویی ها و کنش های نامعقول، از جامعه برطرف می گردد.

۱۵. تحول بنیادین در ماهیت و عمل کرد احزاب و امکان حذف حزب

در دولت مهدوی زمینه های تعارض و اختلاف از بین رفته و امت واحده ایجاد

ص: ۲۱۰

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

۲- همان، ص ۳۵۲.

خواهد شد. بدین ترتیب، علل به وجود آورنده احزاب و گروه ها نیز از بین خواهد رفت؛ زیرا شکاف های گوناگون در سطح اجتماع، دلیل اصلی پدید آمدن احزاب و گروه های متنوع است. گروه بندی ها و احزاب متعددی از شکاف های جنسی، سنی، طبقاتی، قومی، نژادی، هویتی، تاریخی و...، برای حفظ منافع این جوامع مدنی و دفاع برای افزایش این منافع به وجود می آید. بدیهی است، وقتی حکومتی عادل و فاضل برقرار باشد که زمینه تبعیض های ناروا، نابرابری ها و شکاف ها را بر کند، دیگر به وجود احزاب و گروه های مختلف نیازی نیست.

وجود این گروه بندی ها ممکن است جامعه و امت واحده عصر مهدوی را دچار تفرقه و انشعاب کند. امروزه در تعریف حزب به گردهم آیی پایدار گروهی از مردم گفته می شود که از عقاید مشترک و تشکیلات منظم برخوردارند و با پشتیبانی مردم برای به دست آوردن قدرت سیاسی از راه های قانونی مبارزه می کنند. از آن جا که در حکومت مهدوی، همه با رضایت کامل و افتخار این حکومت را پذیرفته و به شهروندی آن تن داده اند، اساسا مبارزه ای علیه حکومت وجود نخواهد داشت تا حزبی بخواهد آن را نمایندگی کند. علاوه بر آن، چنین حکومتی، زمینه های مشارکت واقعی شهروندان را در تمام امور حکومت بستر سازی می کند، مشارکت آنها را براساس میزان اهلیت، کاردانی و استحقاق آنها می پذیرد و از چنین افرادی در اداره جامعه با آغوش باز استقبال می کند.

در دین سالاری مهدوی، حزب الله که همان امت واحده است، جای احزاب متفرق را می گیرد و همه مردم در حزبی واحد که همان تشکل اصلی مؤمنان است جای گرفته، مجددا امت واحده قرآنی با حیات طیبه محقق می شود. البته به نظر می رسد در صورت بقای گروه ها و احزاب متعدد سیاسی در عصر ظهور، تعاملات انسانی و اسلامی، نه رقابت های کاذب و سیاست های ماکیاویستی میان آنها حاکم باشد و همه آنها آرمان های واحد و والا را از طرق متنوع دنبال کنند.

۱۶. سیره گفتمانی و احتجاجی واقعی با ادیان و اقلیت ها

براساس روایات، در دین سالاری مهدوی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بدون هیچ تعارفی همه موحدان و غیرموحدان و پیروان دیگر ادیان را به پیروی از اسلام و تعالیم نجات بخش آن با قاطعیت تکلیف می کند، ولی این به معنای اجبار صرف عقیدتی ایشان به پذیرش مطلق آیین اسلام نیست، بلکه محور کار حضرت، همان طور که از نامشان نیز می آید، هدایت جامعه بشری است و اصل و اساس هدایت باید مبتنی بر اقناع باشد. روایات نیز به این مطلب اشاره دارند که حضرت از همان ابتدای ظهور، کتب بدون تحریف زبور، تورات، انجیل و... را پیدا می کند و براساس نسخ اصل آنها با اهل کتاب محاجه، استدلال و گفت و گو کرده، بر آن اساس بر آنها حکم می راند تا آن که ایشان به دین اسلام و حکومت جهان شمول مهدوی هدایت گردند. امام باقر علیه السلام نیز علاوه بر اشاره به این مسئله، برخورد گفتمانی و استدلالی و محترمانه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با دیگر ادیان را به وضوح تشریح فرموده اند. (۱)

بدین ترتیب می توان استنباط کرد گفتمان و احتجاج و اقناع سازی که شعار لیبرال-دموکراسی است، به نحو احسن در دین سالاری مهدوی محقق خواهد شد.

۱۷. نفی قومیت مداری و نژادپرستی و احترام به دیگر ملل و اقوام

امروزه در بسیاری از نظام های لیبرال-دموکراسی دنیا، قومیت و نژادگرایی، چه در حیطه نظری و چه در حیطه عملی، هم در میان رهبران و کارگزاران و هم در میان شهروندان، به گونه ای افراطی مشاهده می شود. دسته بندی هایی مانند کشورهای شمال، دول دارا و غنی و سازمان های سیاسی، اقتصادی و نظامی مانند

ص: ۲۱۲

۱- مهدی موعود، ج ۲، ص ۲۲۸-۲۲۹ و ۲۴۳-۲۴۴. هم چنین برای اطلاع بیشتر نک: «اهل کتاب در دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ۱».

گروه هشت، ناتو، اتحادیه اروپا و... نیز بیشتر بر همین مبادی و هم بستگی های قومی، نژادی و استکباری مبتنی است. بی دلیل نیست که درخواست مصرانه ترکیه برای عضویت در اتحادیه اروپا به دلیل مسلمان بودن این کشور پس از گذشت سالیان متمادی همواره رد گردیده است و یا این که در بسیاری از کشورهای غربی، گروه های نژادپرستی مانند «نئونازی ها» به شدت فعال هستند!

قومیت مداری و نژادگرایی مکاتب غربی و از جمله لیبرال-دموکراسی در دین سالاری مهدوی جایی ندارد و از منظرها و ملاک های تقوا و شایسته سالاری، برای اصلاح امور مادی و معنوی بشری، به شکل جهانی اندیشیده و عمل می شود. ویژگی دیگر عدالت مهدوی و جهان شمولی بدون تبعیض حرکت مصلحانه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، این است که ایشان اصحاب خود را با هدایت الهی و بر اساس شایستگی و ملاک های قرآنی و الهی، از کشورها، قومیت ها، ملیت ها و شهرهای گوناگون برمی گزینند، نه از یک نقطه خاص. این امر نشان می دهد که حرکت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف مختص ناحیه یا کشور خاصی نیست، بلکه متعلق به همه جهانیان است و همین امر به همراه دیگر ویژگی های حکومت طیبه مهدوی، باعث می گردد که حکومت جهانی مزبور مورد رضایت همه اهل عالم قرار گیرد. با اجرای کامل عدالت، شکاف ها و محرومیت های ناشی از استکبارورزی و زیاده خواهی ملل و دول زورمند از جهان برداشته خواهد شد و استعدادها، توان مندی ها و استیفای فراگیر تمام حقوق جوامع بشری محقق خواهد گردید و در جهان، به اصطلاح امروزی، توسعه موزون برقرار خواهد شد.

هم چنین براساس برخی روایات، این گونه به نظر می رسد که در دین سالاری سپهری مهدوی، در عین عالم گیر بودن حکومت اسلام، ملل دیگر نیز در قالب نوعی حکومت مشابه فدرالیسم، علاوه بر تبعیت از حکومت مرکزی جهانی، دارای آزادی هایی در تبعیت از رسوم و فرهنگ های ملی غیر متعارض با اسلام هستند و حضرت این حق و احترام را برای آنها ملحوظ می فرماید. امام صادق علیه السلام

در این زمینه می فرماید:

وقتی قائم ما قیام کند، به هر منطقه ای نماینده ای می فرستد و به او می گوید:

«حکومت در اختیار توست، هر چه مصلحت می بینی عمل کن.» (۱)

بدین ترتیب می توان استنباط کرد که در حکومت جهانی مهدوی، حقی از کسی ضایع نمی شود. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و اله و سلم نیز درباره عدالت گستری و هم چنین اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرموده است:

مهدیّ یحکم بالعدل و یأمر به یصدّق الله عزّ و جلّ و یصدّقه الله فی قوله یخرج من تهامه حین تظهر الدلائل و العلامات و له کنوز لا- ذهب و لا- فضّه إلاّ- خیول مطهّمه و رجال مسوّمه یجمع الله له من أقاصی البلاد علی عدّه أهل بدر ثلاث مئه و ثلاثه عشر رجلا معه صحیفه مختومه فیها عدد أصحابه بأسمائهم و بلدانهم و طبایعهم و حلالهم و کناهم کدادون مجدّون فی طاعته؛ (۲)

مهدی به عدالت حکم کرده، به آن امر می فرماید. خداوند عز و جل او و کلامش را تصدیق می کند و هنگامی که نشانه و علامت ها آشکار می شوند، از مکه خروج می کند. وی دارای گنج هایی از طلا و نقره نیست، بلکه گنج های او اسب های خوش اندام و نیکو منظر و مردان مشخص شده ای هستند که خداوند آنها را از دورترین بلاد برای وی جمع آوری کرده که تعدادشان به عدد اهل جنگ بدر، ۳۱۳ نفر است و صحیفه ای همراه مهدی قرار دارد که در آن اصحاب وی با ذکر اسامی، کنیه ها، کشورها، محل سکونت و حتی نوع طبایعشان آمده است. اینان در راه اطاعت او کوشا هستند و رنج و سختی می کشند.

۱۸. حفظ و ارتقای کرامت انسانی و حقوق بشر دوستانه

برخلاف شعارهای کذب و استفاده ابزاری لیبرال-دموکراسی از موضوع

ص: ۲۱۴

۱- نک: ظهور نور، ج ۲، ص ۲۰۲-۲۰۳. (به نقل از: اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۲۳، روایت ۷۱۲)

۲- بحار الأنوار، ج ۵۲، باب ۲۷، ص ۳۱۰، روایت چهارم.

حقوق بشر، در دین سالاری مهدوی، کرامت انسان ها و حقوق بشردوستانه نه تنها محوریت دارد، بلکه به عالی ترین حدّ خود خواهد رسید. امیر مؤمنان علیه السّلام، کرامت بخشی به جامعه انسانی در عصر ظهور را چنین تصویر می فرماید:

سپس به کوفه روی می آورد که قرارگاه و منزل اوست. برده مسلمان در بندی نمی ماند، جز این که او را می خرد و آزاد می سازد و بده کاری نمی ماند، مگر این که دین او را می دهد و مظلّمه ای نمی ماند، جز این که آن را می پردازد و کشته ای نمی ماند، مگر این که دیه او را می دهد... و کشته ای نمی ماند، جز این که دین او را پرداخته و خانواده او را تأمین می کند و همه امور را تدبیر و کارها را تنظیم می نماید تا آن جایی که زمین را سرشار از عدل و داد می نماید، همان گونه که به هنگامه ظهور او، از ظلم و جور لب ریز است... (۱)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله و سلم نیز علاوه بر تبیین برکات عصر ظهور، آن دوره را زمان تکریم و تعظیم امت معرفی فرموده است. (۲)

رعایت کرامت انسان ها و حقوق بشردوستانه، تنها به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف ختم نمی شود، بلکه یاران وی نیز بر مبنای لحاظ و رعایت این امور با حضرت دست بیعت می دهند. حضرت علی علیه السّلام در گفتاری طولانی در وصف بیعت ۳۱۳ تن از یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که به واقع می توان از آن به منشور حقوق بشردوستانه دولت و آموزه طیبه مهدوی یاد کرد، می فرماید:

با او بیعت می کنند که هرگز دزدی نکنند؛ زنا نکنند؛ مسلمانی را دشنام ندهند؛ خون کسی را به ناحق نریزند؛ به آبروی کسی لطمه نزنند؛ به خانه کسی هجوم نبرند؛ کسی را به ناحق نزنند؛ طلا، نقره، گندم و جو ذخیره

ص: ۲۱۵

۱- امام مهدی از ولادت تا ظهور، ص ۶۷۱-۶۷۲. (به نقل از: تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۶؛ معجم احادیث الامام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۲)

۲- همان، ص ۷۵۰-۷۵۱. (به نقل از: عقد الدرر، باب ۷، ص ۱۴۴)

نکنند؛ مال یتیم را نخورند؛ در مورد چیزی که یقین ندارند، گواهی ندهند؛ مسجدی را خراب نکنند؛ مشروب نخورند؛ حریر و خز نبوشند؛ در برابر سیم و زر سر فرود نیاورند؛ راه را بر کسی نبندند؛ راه را ناامن نکنند؛ از اعمال منافی عفت اجتناب کنند؛ خوراکی را از گندم و جو انبار نکنند؛ به کم قناعت کنند؛ طرف دار پاکی باشند؛ از پلیدی گریزان باشند؛ به نیکی فرمان دهند؛ از زشتی‌ها بازدارند؛ جامه‌های خشن بپوشند؛ خاک را متکای خود سازند؛ در راه خدا، حق جهاد را ادا کنند؛ و... او نیز در حق خود تعهد می‌کند که از راه آنها برود؛ جامه‌ای مثل جامه آنها بپوشد؛ مرکبی همانند مرکب آنها سوار شود؛ آن چنان که آنها می‌خواهند، باشد؛ به کم راضی و قانع باشد؛ زمین را به یاری خدا، پر از عدل و داد کند، آن چنان که پر از جور و ستم شده است؛ خدا را آن چنان که شایسته است بپرستد؛ برای خود دربان و نگهبان اختیار نکند و... (۱)

۱۹. اخلاق و تربیت مداری، رعایت حریم‌های خصوصی و عمومی در حیات مدنی

انسان در دین سالاری مهدوی، به نهایت تزکیه و بلوغ و تکامل اخلاقی می‌رسد، برخلاف لیبرال-دموکراسی که در مورد تربیت اخلاقی افراد دغدغه ندارد و آن را امری فردی و دخالت در حیطه خصوصی آنها می‌شمارد، الگوی توسعه اسلامی در سیره معصومان علیهم السّلام، تلاش برای نیروسازی و تربیت و آماده‌سازی آنها بوده است. نگاه به سیره امام علی علیه السّلام در این زمینه راه‌گشا است.

ایشان به عثمان بن حنیف، فرمان‌دار بصره، درباره ضرورت بینش دهی و تعلیم امت توسط امام می‌فرماید:

ألا و إنَّ لكلَّ مأموم إماما یقتدی به و یستضیء بنور علمه؛ (۲)

بدان هر پیروی، پیشوایی دارد و به او اقتدا می‌کند و از نور علم وی منور و آگاه می‌شود.

ص: ۲۱۶

۱- جلوه‌های نور از غدیر تا ظهور، ص ۱۸۳-۱۸۴.

۲- نهج البلاغه، نامه ۴۵، ص ۹۶۶، بند ۲.

و علی الإمام أن يعلم أهل ولايته حدود الإسلام و الإيمان؛ (۱)

بر امام است که به افراد تحت ولایت خویش اسلام و ایمان را بیاموزد.

بر مبنای همین سیره علوی، امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، در آن حیات طیبه موعود، خود به تعلیم و تفسیر واقعیت های قرآن به مردم همت می گمارد و بواطن نامکشوف این مصحف شریف را برای آنها تشریح می کند. واضح است که برپایی این دانشگاه همگانی، نه تنها به معنای مداخله در زندگی خصوصی و آزادی استقلال اعتقادی مردم نیست، بلکه بالندگی و شکوفایی کلیت افراد و اجتماع را سبب می شود.

علاوه بر این که در حیات طیبه مهدوی، هرگونه تجاوز نابه جا به حقوق عمومی و خصوصی مردم به شدت نفی می شود. برای نمونه، حکومت اسلامی در آن عصر، حتی با مشرف بودن خانه ها یا ریزش آب از ناودان ها به محیط عمومی و یا اشراف مسجد به خانه های مردم و یا ساخته شدن بخشی از بنا در راه های عمومی، برخورد خواهد کرد و این موارد هرچند با تخریب مسجد، برطرف می گردد. امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید:

هنگامی که قائم ما قیام کند، چهار مسجد را در کوفه منهدم می کند و هیچ مسجد مشرفی را نمی گذارد، جز این که کنگره و اشراف آن را خراب می کند و به حال ساده و بدون اشراف می گذارد. شاه راه ها را توسعه می دهد، هر گوشه ای از خانه ها را که واقع در راه عمومی است، اصلاح می کند و ناودان ها را که مشرف به راه مردم است، برمی دارد. هر بدعتی را برطرف می سازد و هر سنتی را باقی می گذارد... (۲)

۲۰. صلح طلبی و نفی سیاست امپریالیستی و جنگ افروزانه لیبرال-دموکراسی

با وجود شعارهای صلح طلبانه نظام های سرمایه داری لیبرال-دموکرات به

ص: ۲۱۷

۱- شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۳۱۸.

۲- مهدی موعود، ص ۱۱۲۱.

رهبری امریکا، در جهان امروز هم چنان سلطه طلبی و جنگ افروزی منفعت محورانه این گونه کشورها، به ویژه با رویکرد تقابلی و سرکوب گرایانه در برابر بیداری و نهضت جهانی اسلام به چشم می آید. مداخله نظامی و حشیانه لیبرال-دموکراسی ایالات متحده در عراق و افغانستان و سعی در تحمیل نظامی طرح خاورمیانه جدید و اعمال جنایات بی شمار در لبنان و فلسطین، باهم دستی رژیم غاصب صهیونیستی، از ارمغان های دموکراسی و لیبرالیسم برای بشر است.

با وجود این، برپایی صلح جهانی از آرمان های متعالی و پیوسته بشر در طول تاریخ بوده و براساس مبانی دینی، بستر صلح جهانی در سایه برپایی حکومت جهانی مهدوی تحقق می یابد. صلح عادلانه جهانی در حکومت مهدوی، با تکمیل عقلی و رشد علمی، تأمین می گردد. به بیان دیگر، زمینه اقامه قسط و عدل با بهره گیری کامل از عقل، فراهم می شود.

نکته بسیار مهم در مبحث حکومت عدالت محور و امنیت گستر مهدوی این است که حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فاتح شهرهای شرک هستند و حتی تصویر ایشان در روایات و هنگام قیام گونه ای ترسیم شده که همواره شمشیر بر دوش دارند، اما واقعیت این است که قیام امام، نظامی و میلیتاریستی و متکی بر اجبار و سرکوب نیست. (۱) بنابراین، نباید امنیت و عدالتی کاذب و در سایه شمشیر برقرار شود. قیام مصلحانه یاد شده، نهضتی ایمانی، اسلامی و انسانی برای رهانیدن بشر از زنجیرهای نفسانی و موانع و بندهای بی شماری است که طاغوت ها بر دست و پای انسان فعلی زده اند و تکامل و کمال بشری را راکد کرده یا به پس رفت و قهقرا کشانده اند.

هم چنین در دین سالاری مهدوی اختلاف و درگیری بین ملل و دول متنوع وجود نخواهد داشت؛ زیرا اساس بسیاری از این درگیری ها، اجرا نشدن عدالت و وجود شکاف ها و محرومیت های ناشی از استکبارورزی و زیاده خواهی ملل و

ص: ۲۱۸

۱- برای نمونه و توضیح بیشتر نک: «بررسی چند حدیث شبهه ناک درباره عدالت آفتاب عالم تاب»

دول زورمند است. با رفع و از بین بردن این استکبارورزی ها و کینه ها، عداوت جای خود را به محبت، سازش و هم زیستی مسالمت آمیز، با جهت گیری های معنوی و کمال خواهانه خواهد داد. این دولت طیبه، مورد رضایت اهل عالم قرار خواهد گرفت. بنابراین، برخلاف تصور فعلی و آن چه در جهان حاکم است، در امت واحده مهدوی، نه تنها شاهد درگیری و نزاع نخواهیم بود، بلکه میزبان جهانی سرشار از صلح و هم بستگی خواهیم بود که در عین پاره ای کثرت ها و تنوع ها، در واقع یک پارچه است و وحدت را در کثرت می توان مشاهده کرد.

نتیجه

در این فصل طی گفتارهایی چهارگانه، ابتدا مفهوم لیبرال-دموکراسی و معایب آن بازکاوی شد. آن گاه با اعتقاد به این که انقلاب اسلامی ایران زمینه ساز حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است، نوع نظام مردم سالاری دینی در ایران اسلامی و تمایزات آن نسبت به لیبرال-دموکراسی نمایان گشت. سپس وضعیت دین سالاری سپهری در حکومت جهانی مهدوی به گونه ای مقایسه ای با آن دو تشریح گردید و در واقع، نوشتار حاضر با ماهیت شناسی الگوی لیبرال-دموکراسی، واقعیت سراب گونه و معضلات نظری و عملی آن را به صورت استدلالی تبیین کرد و بر نهایی بودن مقصد این مکتب و سامانه اداره اجتماع، برای رفع حرمان ها و آلام بشری خط بطلان کشید. در حقیقت، این فصل به روایی سنجی دو الگوی مدعی نجات و ترقی بخشی بشری پرداخت و این ادعا را اثبات کرد که هم چنان الگو و آرمان نهایی جامعه فاضله بشری، در حیات طیبه حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نهفته است و بشر باید با تحقق انتظاری فعال، در زمینه سازی و تحقق آن بکوشد.

هم چنین به طور اجمالی برتری الگوی دین سالاری سپهری مهدوی در مقابل الگوی لیبرال-دموکراسی با ذکر دلایل و پاره ای استنادات روایی بر مبنای شاخصه های ذیل تشریح گردید:

۱. نمونه فرجامین، اکمل و بهینه تمام نظام های بشری؛
۲. خدامحوری و عینیت کامل دین و سیاست؛
۳. جهان گیری اسلام، محو شرک و نفی تساهل افراطی؛
۴. امام معصوم و انسان کامل در رأس حکومت؛
۵. پشت گرم و مؤید به رعب و نصرت الهی؛
۶. فراگیری سپهر آفرینش؛
۷. برخورداری از نهایی ترین حد مشروعیت (حقانیت، مقبولیت، قانونیت)؛
۸. غالبیت خواست الهی بر خواست و نظر اکثریت؛
۹. تفاوت ماهوی با لیبرال-دموکراسی در الهی دانستن مبانی عدالت؛
۱۰. مساوات طلبی حقیقی؛
۱۱. امنیت، صلح و دوستی در سپهر انسانی، حیوانی و گیاهی؛
۱۲. صفا و صمیمیت در تقابل با فرآیند «ذره ای شدن» اجتماعی؛
۱۳. اوج تحقق جوامع مدنی و تعاملات سیاسی و اجتماعی در فضای «فرا ابررسانه ای»؛
۱۴. تکامل عقول بشری و مشارکت سیاسی عقلایی؛
۱۵. تحول بنیادین در ماهیت و عمل کرد احزاب و امکان حذف تحزب؛
۱۶. سیره گفتمانی و احتجاجی واقعی با ادیان و اقلیت ها؛
۱۷. نفی قومیت مداری و نژادپرستی و احترام به دیگر ملل و اقوام؛
۱۸. حفظ و ارتقای کرامت انسانی و حقوق بشردوستانه؛
۱۹. اخلاق و تربیت مداری، رعایت حریم های خصوصی و عمومی در حیات مدنی؛
۲۰. صلح طلبی و نفی سیاسی امپریالیستی و جنگ افروزانه لیبرال-دموکراسی.

بدین ترتیب و پس از اثبات بی اعتباری لیبرال-دموکراسی و استناد به شاخصه های برتر روایی، سرآمدی و برتری آموزه طیبه مهدویت و دین سالاری سپهری مهدوی اثبات گردید.

ص: ۲۲۰

۱. قرآن مجید (ترجمه محمد مهدی فولادوند، چاپ اول: انتشارات دار القرآن الکریم، تهران ۱۴۱۵ قمری)
۲. نهج البلاغه، ترجمه و شرح سید علی نقی فیض الاسلام، [بی نا] تهران، ۱۳۵۱ شمسی.
۳. نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، مؤسسه انتشارات حضور، قم ۱۳۸۱ شمسی.
۴. مرتضی فرید تنکابنی (گردآورنده)، نهج الفصاحه، چاپ چهارم: نشر فرهنگ اسلامی، تهران ۱۳۷۴ شمسی.
۵. آربلاستر، آنتونی، دموکراسی، ترجمه حسن مرتضوی، انتشارات آشتیان، تهران ۱۳۸۲ شمسی.
۶. ابن خلدون، عبد الرحمن، مقدمه، ترجمه محمد پروین گنابادی، جلد اول، چاپ پنجم: انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۶۶ شمسی.
۷. ابن سینا، الاشارات و التنبیها، جلد چهارم، انتشارات دفتر نشر کتاب، تهران ۱۳۶۲ شمسی.
۸. ابن سینا، الشفاء و الالهیات، به کوشش الاب قنوتی و سعید زاید، قاهره ۱۹۶۴ میلادی.
۹. ابن منظور، لسان العرب، جلد دوازدهم، انتشارات دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۹۸۸ میلادی.
۱۰. ابو محمد بن شعبه الحرانی، تحف العقول، انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی، قم ۱۳۶۳ شمسی.
۱۱. اخوان کاظمی، بهرام، «آرمان های حکومت در نهج البلاغه»، نشریه حکومت اسلامی، شماره ۱۷، پاییز ۱۳۷۹.
۱۲. اخوان کاظمی، بهرام، «دموکراسی و آزادی از دیدگاه امام خمینی»، نشریه دانشگاه آزاد اسلامی، شماره ۹ و ۱۰، تابستان و پاییز ۱۳۷۸.
۱۳. اصیل، حجت الله، آرمان شهر در اندیشه ایرانی، نشر نی، تهران ۱۳۷۱ شمسی.

۱۴. الیاده، میرچا، فرهنگ و دین؛ برگزیده مقالات دایره المعارف دین، هیأت مترجمان، زیر نظر بهاء الدین خرمشاهی، انتشارات طرح نو، تهران ۱۳۷۴ شمسی.
۱۵. امیری، مجتبی، «پایان تاریخ و بحران اعتماد؛ بازشناسی اندیشه های فوکویاما»، نشریه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۹۷-۹۸، مهر و آبان ۱۳۷۴.
۱۶. امین، سمیر، سرمایه داری در عصر جهانی شدن، ترجمه ناصر زرافشان، انتشارات آگاه، تهران ۱۳۸۰ شمسی.
۱۷. بشیریه، حسین، «اندیشه های لیبرال-دموکراتیک، لیبرالیسم کارل پوپر»، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۰۱-۱۰۲، بهمن و اسفند ۱۳۷۴.
۱۸. بشیریه، حسین، «نسل قدیم لیبرال دموکرات های قرن بیستم»، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۹۹-۱۰۰، آذر و دی ۱۳۷۴.
۱۹. بشیریه، حسین، «تاریخ اندیشه ها و جنبش های قرن بیستم، اندیشه های لیبرال-دموکراتیک»، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره های ۹۵-۹۶، مرداد و شهریور ۱۳۷۴.
۲۰. بشلر، ژان، ایدئولوژی چیست، ترجمه علی اسدی، شرکت سهامی انتشار، تهران ۱۳۷۰ شمسی.
۲۱. بازارگاد، بهاء الدین، تاریخ فلسفه سیاسی، جلد دوم، چاپ چهارم: انتشارات کتاب فروشی زوار، تهران ۱۳۵۹ شمسی.
۲۲. پیران، پرویز، «نگاهی به تحولات پایان قرن بیستم»، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۰۱-۱۰۲، بهمن و اسفند ۱۳۷۴.
۲۳. تمیمی آمدی، عبد الواحد، شرح غرر الحکم و درر الکلم، جلد چهارم، تصحیح میر جلال الدین حسینی ارموی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰ شمسی.
۲۴. حبیبی، محمد حسن، کیس، الکساندر و دیگران، حقوق محیط زیست، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۹ شمسی.
۲۵. حکیمی، محمد، عصر زندگی، چاپ پنجم: انتشارات بوستان کتاب، قم ۱۳۸۱ شمسی.
۲۶. حکیمی، محمد، «جهانی سازی اسلامی، جهانی سازی غربی»، فصل نامه کتاب نقد، شماره ۲۴ و ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.
۲۷. حیدری کاشانی، حسین، حکومت عدل گستر، چاپ سوم: دفتر انتشارات اسلامی، قم، [بی تا].
۲۸. دونوا، آلن، «دموکراسی، حاکمیت مردم و پلورالیسم»، ترجمه بزرگ نادرزاد، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۷۳-۷۴، مهر و آبان ۱۳۷۲.
۲۹. راغب اصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشلی، انتشارات دار الفکر، بیروت ۱۹۷۲ میلادی.

۳۰. رحیمیان، محمد حسین، جلوه های نور از غدیر تا ظهور، انتشارات دار الثقلین، قم ۱۳۷۹ شمسی.

۳۱. رشاد، علی اکبر، دموکراسی قدسی، انتشارات مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، تهران ۱۳۷۹ شمسی.

۳۲. روحانی، محمود، المعجم الاحصایی لالفاظ القرآن الکریم، (فرهنگ آماری کلمات قرآن کریم)، جلد اول، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد ۱۳۶۸ شمسی.

۳۳. سعادت پرور، علی، ظهور نور، (ترجمه کتاب الشمس المضيئه)، ترجمه محمد جواد وزیری فرد، چاپ دوم: انتشارات احیاء کتاب، تهران ۱۳۸۰ شمسی.

ص: ۲۲۲

۳۴. شریعت زاده خراسانی، محمود، حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از دیدگاه قرآن و عترت، انتشارات مؤسسه فرهنگی انصار الحسین، تهران ۱۳۷۱ شمسی.

۳۵. شولت، جان آرت، نگاهی موشکافانه بر پدیده جهانی شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران ۱۳۸۲ شمسی.

۳۶. صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الأثر، انتشارات مکتبه داوری، قم، [بی تا].

۳۷. صدر، محمد، تاریخ ما بعد الظهور، انتشارات دار التعارف للمطبوعات، بیروت ۱۴۱۲ قمری.

۳۸. صدرا، علی رضا، «آسیب شناسی جهانی شدن و جهانی سازی با مدل جهانی گرایی مهدویت»، فصل نامه قبسات، سال نهم، پاییز ۱۳۸۳.

۳۹. طاهری، حبیب الله، «عصر ظهور یا مدینه فاضله موعود در اسلام»، فصل نامه انتظار، شماره ۲.

۴۰. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، جلد پانزدهم، چاپ پنجم: دفتر انتشارات اسلامی، قم ۱۳۷۴ شمسی.

۴۱. طبرسی، ابو علی فضل بن حسن، مجمع البیان، جلد دهم، انتشارات دار المعرفه، [بی جا]، [بی تا].

۴۲. طوسی، خواجه نصیر الدین، اخلاق ناصری، تصحیح مجتبی مینویی و علی رضا حیدری، چاپ پنجم: انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۷۳ شمسی.

۴۳. طوسی، خواجه نظام الملک، سیاست نامه، تصحیح عباس اقبال، جلد دوم، انتشارات اساطیر، تهران ۱۳۶۹ شمسی.

۴۴. العاملی، یاسین عیسی، الاصطلاحات الفقہیة فی الرسائل العلمیة، انتشارات دار البلاغ، بیروت ۱۴۱۳ قمری.

۴۵. عنایت، حمید، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، چاپ سوم: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۱ شمسی.

۴۶. غریب آبادی، کاظم و دیگران، «جهانی شدن و تحول در مؤلفه های سیاست خارجی»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۹۳-۱۹۴، مهر و آبان ۱۳۸۲.

۴۷. غنی نژاد، موسی، «ظهور اندیشه آزادی و پیوند آن با اقتصاد سیاسی»، نشریه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۸۹-۹۰، بهمن و اسفند ۱۳۷۳.

۴۸. فارابی، ابو نصر محمد، اندیشه های اهل مدینه فاضله، شرح و ترجمه سید جعفر سجادی، چاپ دوم:

انتشارات طهوری، تهران ۱۳۶۱ شمسی.

۴۹. فارابی، ابو نصر محمد، فصول المدنی، تحقیق م. دنلوپ، انتشارات کمبریج، ۱۹۶۱ میلادی.

۵۰. فو کلیه، پل، فلسفه عمومی یا ما بعد الطبیعه، ترجمه یحیی مهدوی، چاپ دوم: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۲ شمسی.

۵۱. قراگوزلو، محمد، «جهانی شدن»، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۷۷-۱۷۸، خرداد و تیر ۱۳۸۱.

۵۲. قزوینی، سید محمد کاظم، امام مهدی از ولادت تا ظهور، ترجمه و تحقیق علی کرمی و سید محمد حسینی، انتشارات دفتر نشر الهادی، قم ۱۳۷۶ شمسی.

۵۳. قطب، محمد، مسلمانان و مسئله جهانی شدن، ترجمه زاهد اویسی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران ۱۳۸۱ شمسی.

۵۴. کلنز، داگلاس، «نظریه انتقادی جهانی شدن» ترجمه حسین شریفی رهنانی، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۷۹-۱۸۰، مرداد و شهریور ۱۳۸۱.

۵۵. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۶۹ شمسی.
۵۶. کوهن، کارل، دموکراسی، ترجمه فریبرز مجیدی، چاپ اول، انتشارات خوارزمی، تهران ۱۳۷۳ شمسی.
۵۷. ربانی گلپایگانی، علی، ریشه ها و نشانه های سکولاریسم، چاپ دوم: انتشارات مؤسسه دانش و اندیشه معاصر، تهران ۱۳۸۱ شمسی.
۵۸. لاتوش، سرژ، جهانی شدن؛ غربی سازی جهان، ترجمه فرهاد مشتاق صنعت، انتشارات سمت، تهران ۱۳۸۱ شمسی.
۵۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، جلد ۱۱۰، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، قم، [بی تا].
۶۰. مجلسی، محمد باقر، مهدی موعود، (ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار)، ترجمه علی دوانی، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۸ شمسی.
۶۱. مجلسی، محمد باقر، مهدی موعود، (ترجمه جلد سیزدهم بحار الأنوار)، ترجمه حسن بن محمد ولی ارومیه ای، چاپ پنجم: انتشارات مسجد جمکران، قم ۱۳۸۲ شمسی.
۶۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، جلد اول، انتشارات مکتبه الاعلام الاسلامی، قم ۱۳۶۲ شمسی.
۶۳. مردانی گیوی، اسماعیل، «جهانی شدن نظریه ها و روی کردها»، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۶۷-۱۶۸، مرداد و شهریور ۱۳۸۰.
۶۴. مرقاطی، سید طاها، جهان شمولی اسلام و جهانی سازی (مجموعه مقالات)، جلد دوم، انتشارات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران ۱۳۸۲ شمسی.
۶۵. معرفت، محمد هادی، «جهانی شدن، زمینه جهانی سازی یا در انتظار یوم موعود»، فصل نامه قبسات، پاییز ۱۳۸۳.
۶۶. مکارم، محمد حسن، مدینه فاضله در متون اسلامی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ شمسی.
۶۷. موسوی، سید فضل الله، حقوق بین الملل محیط زیست و تحقیقی از دانشگاه هاروارد (ترجمه)، نشر میزان، تهران ۱۳۸۰ شمسی.
۶۸. مهدوی کنی، محمد رضا، «مردم سالاری دینی یا دین سالاری مردمی؟»، نشریه پیام صادق، شماره ۴۴، آذر و دی ۱۳۸۱.
۶۹. مهدی پور، علی اکبر، «بررسی چند حدیث شبهه ناک درباره عدالت آفتاب عالم تاب»، فصل نامه انتظار، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۸۳.
۷۰. نقیب زاده، احمد، «واکنش های سیاسی و نشانه های انحطاط دموکراسی در ایتالیا»، نشریه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره

۷۱. وینسنت، اندرو، نظریه های دولت، ترجمه حسین بشریه، نشر نی، تهران ۱۳۷۱ شمسی.

۷۲. هال، گس و دیگران، روندهای اخیر جهانی شدن و آلترناتیوهای واقعی آن، ترجمه هما احمدزاده و احمد جوهریان، انتشارات پژوهنده، تهران ۱۳۸۱ شمسی.

۷۳. هلد، دیوید، مدل های دموکراسی، ترجمه عباس مخبر، انتشارات روشن گران، تهران ۱۳۶۹ شمسی.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه

اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

